

خوبی سبز! آزمون‌های تشریحی خیلی سبز

۵ مرحله در طول سال

آزمون

شبیه‌سازی کامل امتحان نهایی

- منطبق بر بارم‌بندی آموزش و پرورش
- تشابه کامل فرم برگه سوال، پاسخبرگ، کلید، پاسخنامه و حتی فونت سوال‌ها با امتحان نهایی
- پوشش همه مطالب و انواع سوالات
- ارائه یک یا دو تست عیناً مشابه امتحان نهایی
- هم‌سطح با دشواری سوالات امتحان نهایی



پاسخنامه‌های خیلی تشریحی

- ارائه پاسخ کامل و مرحله به مرحله
- محتوای یاددهنده شامل درسنامه
- ارائه نکات کلیدی هر سوال

تصحیح کاملاً مکانیزه

- تصحیح کاملاً حرفه‌ای توسط دو مصحح
- تصحیح سوم در صورت اختلاف نظر دو مصحح قبل
- تصحیح به صورت بررسی یک سوال برای گروهی از دانش‌آموزان
- امکان کامنت‌گذاری مصحح در فرایند تصحیح
- امکان درخواست تصحیح مجدد در پیل ثبت اعتراض

کارنامه‌های بسیار کاربردی

- کارنامه تحلیلی و مقایسه‌ای
- نمره به تفکیک سوال
- کارنامه مبحثی

پاسخ نامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

رشته انسانی

مرحله چهارم

پایه دوازدهم

۱۴۰۵/۰۳/مهر

۱۴۰۵-۰۶

ویژگی های برنامه ریزی آزمون های آزمایشی خیلی سبز در تابستان ۱۴۰۵-۰۶

۱- دوره درس پایه دهم

۲- دوره درس پایه یازدهم

۳- مطالعه بخشی از درس پایه دوازدهم

۴- امکان فرایند ترکیبی هر کدام از موارد فوق

پایه	مرحله	اول ۲۳ مرداد	دوم ۶ شهریور	سوم ۲۰ شهریور	چهارم ۳ مهر
دهم		-	✓	✓	✓
یازدهم		✓	✓	✓	✓
دوازدهم		-	✓	✓	-

با توجه به موارد فوق دفتر چهارم آزمون خیلی سبز در این آزمون از ۲ قسمت تشکیل شده است.

هر داوطلب باید در جلسه آزمون به یک یا دو قسمت (که قبلاً در پلن کار بری انتخاب کرده است) پاسخ دهد.

آزمون مرحله چهارم (همین دفتر چه ای که در دست دارید) آزمون جمع بندی درس پایه است.

تمامی سرفصل های دوازدهم، مجدداً از مهر، در برنامه ریزی دیده شده است.

ویژه کنکوری های ۱۴۰۶



آزمون آزمایشی خیلی سبز

مینا کریمزاده - حبیبه محبی

تیم اجرایی و تألیف آزمون

الناز علی یاری زاده

سرپرست تولید

نیلوفر اعتمادی - نیوشا پیمان - زهرا صفری
الهه صفری - فاطمه علی اکبری - محیا غنی فرد
ساناز فلاحتی - نادره نازآوری - ساعده نمازی

ویراستاران فنی

ندا فخاری
سارا گنجی آزادپور

رسام

مریم حسین زاده - سپیده سخائی - الهام سهرابی
طاهره صادق نژاد - مانده صبری - نیلوفر فرخجسته
فاطمه قیاسوند - مهدیه گل پور - دریا لطفی

صفحه آرایی



پایه دهم

نام درس	طراحان به ترتیب حروف الفبا
ریاضی و آمار (۱)	علی شهرابی - امیرحسین قانع - محمد یگانه
زبان و ادبیات فارسی (۱)	علی شجاع - بهنام کیانی شاهوندی - یعقوب کیانی - حسینعلی موسی زاده
علوم اجتماعی (۱)	کاظم داوری - محمدابراهیم مازنی
عربی، زبان قرآن (۱)	آریا ذوقی - زهرا فرزانه - موسی کاظم غلامی - خالد مشیرپناهی
تاریخ (۱)	حبیبه محبی
جغرافیا (۱)	سعید بهروزی فر - علیرضا حسن طهرانی - الهام میرزایی
منطق	علی اکبر آخوندی
اقتصاد	سارا شریفی

نام درس	مستول درس	گزینشگر	مؤلف پاسخ نامه	کارشناسان علمی	ویراستاران به ترتیب حروف الفبا
ریاضی و آمار (۱)	علی شهرابی	علی شهرابی	علی شهرابی	میثم حصارکی	عادل حسینی منصور زرکش اصفهانی ماهان فنی فر مریم نظری
زبان و ادبیات فارسی (۱)	بهنام کیانی شاهوندی	بهنام کیانی شاهوندی	بهنام کیانی شاهوندی	طاهره موسی زاده	محمد روحانی مریم عیدی مژده میرزایی
علوم اجتماعی (۱)	محمدابراهیم مازنی	محمدابراهیم مازنی	محمدابراهیم مازنی	سید هانی رکن الدینی مژده طالب	سعید ستوده مهر علی سلوکی حبیبه محبی
عربی، زبان قرآن (۱)	موسی کاظم غلامی	موسی کاظم غلامی	آریا ذوقی	سمیه جغتایی محمد مهدی خادم	سمانه ریحانی محمد مهدی عسگرآبادی زهرا فارسی
تاریخ (۱)	حبیبه محبی	حبیبه محبی	حبیبه محبی	علی آقاجانیپور	سعید بهروزی فر کیان کیانی دوست واقع بهروز یحیی
جغرافیا (۱)	علیرضا حسن طهرانی	علیرضا حسن طهرانی	علیرضا حسن طهرانی	حبیبه محبی	سعید بهروزی فر حبیبه محبی بهروز یحیی
منطق	علی اکبر آخوندی	علی اکبر آخوندی	علی اکبر آخوندی	علی آقاجانیپور	علی سلوکی
اقتصاد	سارا شریفی	سارا شریفی	سارا شریفی	مهناز حامدی	محمد رضا حیاتی کوثر رعدی محمد رضا شریفی پارسا کثیری

مدیر تألیف آزمون: دکتر فاطمه آقاجانیپور

ریاضی و آمار دهم

۱ حاصل ضرب ریشه‌های معادله درجه دوم $ax^2 - x - 10 = 0$ برابر ۵- است. ریشه کوچک‌تر این معادله کدام است؟

- (۱) ۲- (۲) ۲ (۳) ۵/۲- (۴) ۵/۲

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: فصل ۱- درس ۲

درس Box

معادله درجه دوم:

(۱) به معادله $ax^2 + bx + c = 0$ با شرط $a \neq 0$ ، معادله درجه دوم می‌گویند.

$$\Delta = b^2 - 4ac$$

$$x = \frac{-b \pm \sqrt{\Delta}}{2a}$$

دلتای معادله درجه دوم برابر است با:

ریشه‌های آن برابرند با:

(۲) با توجه به علامت دلتا، تعداد ریشه‌های معادله را می‌توان پیدا کرد:

Δ	+	۰	-
تعداد ریشه‌ها	۲	یک ریشه مضاعف	صفر
ریشه‌ها	$\frac{-b + \sqrt{\Delta}}{2a}, \frac{-b - \sqrt{\Delta}}{2a}$	$\frac{-b}{2a}$	ریشه حقیقی ندارد.

(۳) اگر $\Delta > 0$ باشد، مجموع، حاصل ضرب و اختلاف ریشه‌ها برابر است با:

مجموع $(x_1 + x_2)$	ضرب $(x_1 \cdot x_2)$	اختلاف $(x_1 - x_2)$
$S = \frac{-b}{a}$	$P = \frac{c}{a}$	$M = \frac{\sqrt{\Delta}}{ a }$

گام اول: حاصل ضرب ریشه‌های معادله $ax^2 - x - 10 = 0$ برابر است با:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

$$P = \frac{c}{a} = \frac{-10}{a}$$

$$\frac{-10}{a} = -5 \Rightarrow -5a = -10 \Rightarrow a = \frac{-10}{-5} = 2$$

کسر به دست آمده باید با ۵- برابر باشد:

گام دوم: با جای گذاری $a = 2$ ، معادله را می‌نویسیم:

$$2x^2 - x - 10 = 0$$

$$\Delta = b^2 - 4ac = (-1)^2 - 4(2)(-10) = 1 + 80 = 81$$

گام سوم: دلتا را حساب می‌کنیم:

گام چهارم: ریشه‌ها برابر است با:

$$x = \frac{-b \pm \sqrt{\Delta}}{2a} = \frac{1 \pm \sqrt{81}}{2(2)} = \frac{1 \pm 9}{4} \Rightarrow \begin{cases} x_1 = \frac{10}{4} = \frac{5}{2} = 2.5 \\ x_2 = \frac{-8}{4} = -2 \end{cases}$$

(ریشه کوچک‌تر) ۲-

۲

شیر A، یک استخر را ۴ ساعت دیرتر از شیر B پر می‌کند. اگر شیر A و دو تا شیر B با هم باز باشند، استخر در ۳ ساعت پر می‌شود. شیر A به تنهایی استخر را در چند ساعت پر می‌کند؟

۱۶ (۴)

۱۲ (۳)

۱۰ (۲)

۸ (۱)

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: فصل ۱ - درس ۳

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گام اول: فرض کنیم شیر A به تنهایی استخر را در x ساعت پر می‌کند.

• شیر B، ۴ ساعت زودتر از شیر A استخر را پر می‌کند، پس شیر B، استخر را در $x - 4$ ساعت پر می‌کند.

• وقتی شیر A و دو تا شیر B با هم باز باشند، استخر در ۳ ساعت پر می‌شود.

گام دوم: در فرمول جای‌گذاری می‌کنیم:

$$\frac{1}{\text{زمان شیر A}} + \frac{1}{\text{زمان شیر B}} + \frac{1}{\text{زمان شیر B}} = \frac{1}{\text{زمان هر سه شیر با هم}} \Rightarrow \frac{1}{x} + \frac{1}{x-4} + \frac{1}{x-4} = \frac{1}{3} \Rightarrow \frac{1}{x} + \frac{2}{x-4} = \frac{1}{3}$$

گام سوم: در سمت چپ مخارج مشترک می‌گیریم:

$$\frac{x-4+2x}{x(x-4)} = \frac{1}{3} \Rightarrow \frac{3x-4}{x^2-4x} = \frac{1}{3} \xrightarrow[\text{وسطین}]{\text{طرفین}} x^2-4x = 9x-12 \Rightarrow x^2-13x+12=0$$

$$\xrightarrow[\text{مشتک}]{\text{جمله}} (x-1)(x-12)=0 \Rightarrow \begin{cases} x=1 \times \\ x=12 \checkmark \end{cases}$$

$x=1$ قبول نیست، چون زمان شیر B (یعنی $x-4$) منفی می‌شود.

ایران تونل
توشه‌ای برای موفقیت

تابع f به هر عدد حقیقی، ثلث جذر همان عدد، منهای یک را نسبت می‌دهد. حاصل $\frac{f(9)}{2} + f(4)$ کدام است؟

$\frac{1}{3}$ (۱) $-\frac{1}{3}$ (۲) $\frac{2}{3}$ (۳) $-\frac{2}{3}$ (۴)

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: فصل ۲ - درس ۲

درس Box

(۱) مسائل توصیفی: بعضی وقت‌ها سؤال، معادله را مستقیم به ما نمی‌دهد و با یک جمله در مورد یک مجهول با ما صحبت می‌کند. ما باید آن مجهول را x بگیریم و با اطلاعاتی که سؤال به ما می‌دهد، یک معادله برحسب x بنویسیم و آن را حل کنیم.

(۲) در تبدیل جملات فارسی به زبان ریاضی، چند اصطلاح پرکاربرد داریم که در جدول زیر آورده‌ایم:

اسم اصطلاح	معنی	مثال با x
قرینه عدد	پشت عدد، منفی می‌گذاریم.	$-x$
معکوس (وارون) عدد	جای صورت و مخرج را عوض می‌کنیم.	$\frac{1}{x}$
مربع (مجذور) عدد	توان ۲	x^2
مکعب عدد	توان ۳	x^3
جذر عدد	رادیکال	$\sqrt{x}$
نصف، ثلث، ربع و خمس عدد	به ترتیب $\frac{1}{2}$ ، $\frac{1}{3}$ ، $\frac{1}{4}$ ، $\frac{1}{5}$ عددی	$\frac{x}{2}$ و $\frac{x}{3}$ ، $\frac{x}{4}$ ، $\frac{x}{5}$

(۳) وقتی می‌خواهیم عبارات فارسی را به ریاضی تبدیل کنیم، از سمت چپ به راست عمل می‌کنیم.

مثلاً در عبارت «مربع ثلث عددی»، اول ثلث و بعد مربع را اثر می‌دهیم:

مرحله مرحله
(۱) (۲)

$$x: \text{عدد اولیه} \xrightarrow{\text{مرحله (۱)}} \frac{x}{3}: \text{ثلث} \xrightarrow{\text{مرحله (۲)}} \left(\frac{x}{3}\right)^2 = \frac{x^2}{9}$$

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گام اول: به زبان ریاضی می‌نویسیم:

ثلث جذر همان عدد، منهای یک

$$\frac{\sqrt{x}}{3} - 1$$

$$f(x) = \frac{\sqrt{x}}{3} - 1$$

پس:

گام دوم: مقادیر خواسته‌شده را حساب می‌کنیم:

$$f(4) = \frac{\sqrt{4}}{3} - 1 = \frac{2}{3} - 1 = -\frac{1}{3}$$

$$f(9) = \frac{\sqrt{9}}{3} - 1 = \frac{3}{3} - 1 = 0$$

$$2f(4) + \frac{f(9)}{2} = 2\left(-\frac{1}{3}\right) + \frac{0}{2} = -\frac{2}{3} + 0 = -\frac{2}{3}$$

گام سوم: خواسته سؤال:

اگر تابع f به هر عدد حقیقی، دو برابر مکعب همان عدد، منهای ۳ را نسبت دهد، حاصل $f(\frac{1}{\sqrt[3]{4}}) - f(\sqrt[3]{4})$ کدام است؟

(سوال ۴ کنکور انسانی ۱۴۰۴ - نوبت اول)

۷ / ۵ (۴)

۲ / ۵ (۳)

-۲ / ۵ (۲)

-۷ / ۵ (۱)



در یک تابع خطی $f(3) = 7$ و $f(-2) = -3$ است. اگر برد این تابع $-9 \leq y \leq 23$ باشد، دامنه آن کدام است؟

$$(2) -3 \leq x \leq 13$$

$$(1) -2 \leq x \leq 3$$

$$(4) -5 \leq x \leq 11$$

$$(3) 5 \leq x < 11$$

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: فصل ۲ - درس ۳

درس Box

دامنه و برد:

دامنه: در تابع f ، مجموعه همه مقادیری که متغیر مستقل (x) می تواند بگیرد را دامنه f می گوئیم و آن را با D_f نشان می دهیم.

برد: در تابع f ، مجموعه همه مقادیری که متغیر وابسته (y) می تواند بگیرد را برد f می گوئیم و آن را با R_f نشان می دهیم.

پیدا کردن دامنه و برد در نمایش های مختلف یک تابع:

نمایش	دامنه	برد
زوج مرتبی	مجموعه همه مؤلفه های اول	مجموعه همه مؤلفه های دوم
پیکانی	همه اعدادی که پیکان از آنها خارج شده	همه اعدادی که پیکان به آنها وارد شده
جدولی	همه اعداد سطر مربوط به x	همه اعداد سطر مربوط به y
نموداری	مجموعه طول (x) همه نقاط نمودار	مجموعه عرض (y) همه نقاط نمودار
ضابطه ای	معمولاً دامنه را می دهند.	مقادیر تابع به ازای x های دامنه

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گام اول: ضابطه تابع خطی f را به صورت $f(x) = mx + h$ می گیریم.

گام دوم: از $f(3) = 7$ داریم:

$$3m + h = 7$$

از $f(-2) = -3$ داریم:

$$-2m + h = -3$$

گام سوم: طرفین دو تساوی بالا را از هم کم می کنیم:

$$(3m + h) - (-2m + h) = 7 - (-3) \Rightarrow 3m + h + 2m - h = 10 \Rightarrow 5m = 10 \Rightarrow m = 2$$

با جای گذاری $m = 2$ در $3m + h = 7$ داریم:

$$6 + h = 7 \Rightarrow h = 1$$

ضابطه f کامل شد:

$$f(x) = 2x + 1$$

گام چهارم: برد به صورت $-9 \leq y \leq 23$ داده شده، کفایت جای y ، قرار دهیم $2x + 1$:

$$-9 \leq 2x + 1 \leq 23$$

حالا مرحله به مرحله ساده می کنیم تا محدوده x به دست آید:

$$-9 \leq 2x + 1 \leq 23 \xrightarrow{-1} -10 \leq 2x \leq 22 \xrightarrow{\div 2} \underline{-5 \leq x \leq 11}$$

دامنه

کنکور

در یک تابع خطی $f(1) = 5$ و $f(3) = -9$ است. اگر $A = \{x \in \mathbb{R} \mid 0 \leq x \leq 5\}$ دامنه تابع f باشد، بُرد این تابع کدام است؟

(سوال ۱۳۰ کنکور انسانی ۱۴۰۱ (فارج از کشور))

$$(2) -23 \leq y \leq 7$$

$$(1) -47 \leq y \leq 7$$

$$(4) -23 \leq y \leq 12$$

$$(3) -47 \leq y \leq 12$$

شرکتی برای تولید x واحد کالا، تابع هزینه‌ای به صورت $C(x) = 3400 + 70x$ (برحسب تومان) خواهد داشت. اگر این شرکت هر واحد کالای خود را با قیمت ۱۲۰ تومان بفروشد، حداقل چه تعداد از این کالا باید فروش رود تا سوددهی آغاز گردد؟

۶۹ (۴)

۶۸ (۳)

۶۷ (۲)

۶۶ (۱)

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: فصل ۲ - درس ۳

بازاریابی:

درس Box

(۱) در بازاریابی با سه تابع کار داریم: تابع درآمد، تابع هزینه و تابع سود

(۲) اگر سؤال یکی از توابع درآمد و هزینه را نداده بود، آن‌ها را به کمک روابط زیر پیدا می‌کنیم:

تابع درآمد	قیمت هر کالا $\times$ تعداد کالا = درآمد	قیمت $\rightarrow$ تعداد $\leftarrow$ $R(x) = x \cdot P$
تابع هزینه	(هزینه هر کالا $\times$ تعداد کالا) + هزینه ثابت = هزینه کل	هزینه ثابت $\rightarrow$ تعداد $\leftarrow$ $C(x) = ax + b$ هزینه هر کالا $\leftarrow$

(۳) رابطه بین سه تابع:

$$P(x) = R(x) - C(x)$$

سود درآمد هزینه

(۴) تابع سود، یک تابع درجه دوم با $a < 0$ است که ماکزیمم دارد. ماکزیمم سود به ازای فروش $\frac{-b}{2a}$ کالا به دست می‌آید و مقدار ماکزیمم سود برابر با $P\left(\frac{-b}{2a}\right)$ یا $\frac{-\Delta}{4a}$ است.

(۵) نقطه سربه‌سر: تعداد کالایی که به ازای آن مقدار از فروش، هزینه و درآمد برابر می‌شود یا به عبارتی تا آن‌جا پریه‌یر کرده‌ایم.

$$P(x) = 0 \quad \text{یا} \quad R(x) = C(x)$$

سود درآمد هزینه

از حل یکی از دو معادله روبه‌رو، نقطه سربه‌سر به دست می‌آید:

گام اول: تابع درآمد را می‌نویسیم:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

$$R(x) = 120 \times x \Rightarrow \text{درآمد} = \text{تعداد} \times \text{قیمت هر کالا}$$

۱۲۰ x

گام دوم: تابع سود را می‌نویسیم:

$$P(x) = R(x) - C(x) = 120x - (3400 + 70x) = 50x - 3400$$

گام سوم: برای آن که سوددهی آغاز شود، باید P را بزرگ‌تر از صفر قرار دهیم:

$$P(x) > 0 \Rightarrow 50x - 3400 > 0 \Rightarrow 50x > 3400 \Rightarrow x > \frac{3400}{50} \Rightarrow x > 68$$

گام چهارم: اولین x طبیعی که در نامعادله بالا صدق می‌کند $x = 69$ است.

خط $y = 3x$ ، نمودار تابع $y = x^2 - 5x + m$ را فقط در یک نقطه قطع می‌کند. مختصات این نقطه کدام است؟

۶

- (۱, ۳) (۲, ۶)
(۳, ۹) (۴, ۱۲)

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: فصل ۲ - درس ۴

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گام اول: ضابطه خط و سهمی را برابر قرار می‌دهیم:

$$خط y = سهمی \Rightarrow x^2 - 5x + m = 3x \Rightarrow x^2 - 8x + m = 0$$

گام دوم: طبق گفته سؤال، معادله بالا باید فقط یک جواب داشته باشد، پس دلتای آن باید صفر باشد:

$$\Delta = 0 \Rightarrow b^2 - 4ac = 0 \Rightarrow (-8)^2 - 4(1)(m) = 0 \Rightarrow 64 - 4m = 0 \Rightarrow 4m = 64 \Rightarrow m = \frac{64}{4} = 16$$

 گام سوم: با جای گذاری $m = 16$ در معادله گام ۱، به معادله $x^2 - 8x + 16 = 0$ می‌رسیم. آن را با اتحاد مربع حل می‌کنیم:

$$(x - 4)^2 = 0 \Rightarrow x - 4 = 0 \Rightarrow x = 4$$

 • با جای گذاری $x = 4$ در $y = 3x$ ، عرض نقطه تقاطع $y = 12$ می‌شود.

 • بنابراین نقطه تقاطع $(4, 12)$ است.

 ریشه مضاعف معادله $x^2 - 8x + m = 0$ بدون درآوردن m ، قابل محاسبه بود:

تیزبازی

$$x_{\text{مضاعف}} = \frac{-b}{2a} = \frac{8}{2} = 4$$

ایران تونل
توشه ای برای موفقیت

در کدام یک از موارد زیر، گردآوری داده‌ها از طریق «دادگان‌ها» صورت می‌گیرد؟

۷

- (۱) میزان علاقه دانش‌آموزان یک دبیرستان به رشته علوم انسانی
- (۲) بررسی تعداد مکالمات تلفنی یک اداره در یک ماه
- (۳) بررسی موضوع «رژیم‌گرفتن، موجب افزایش هوش افراد می‌شود»
- (۴) تعداد خودروهای عبوری از یک تونل در ساعت ۸ تا ۱۰ صبح روز چهارشنبه

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: فصل ۳ - درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✓

روش گردآوری داده‌ها در هر گزینه را مشخص می‌کنیم:

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): پرسش‌نامه

گزینه (۲): دادگان‌ها

گزینه (۳): مشاهده

گزینه (۴): مشاهده

پس جواب گزینه (۲) است.



اگر مد داده‌های ۴، $a-1$ ، ۶، ۴، $2b$ برابر ۶ باشد، در داده‌های ۴، ۵، $2b$ ، ۸، $a-3$ ، ۲، مقدار $Q_1 - 2Q_2 + Q_3$ کدام است؟ (Q_1 و Q_2 و Q_3 به ترتیب چارک‌های اول، دوم و سوم هستند.)

(۱) ۱ (۲) ۱/۵ (۳) ۲ (۴) ۲/۵

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: فصل ۳ - درس‌های ۲ و ۳

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گام اول: مد داده‌های ۴، $a-1$ ، ۶، ۴ و $2b$ برابر ۶ است، پس باید تعداد تکرار عدد ۶، حداقل ۳ تا باشد؛ بنابراین $a-1$ و $2b$ هر دو ۶ هستند:

$$a-1=6 \Rightarrow a=7$$

$$2b=6 \Rightarrow b=3$$

گام دوم: با جای‌گذاری $a=7$ و $b=3$ ، داده‌های سری دوم را می‌نویسیم:

۲، $\underbrace{a-3}_4$ ، ۸، $\underbrace{2b}_6$ ، ۵، ۴

گام سوم: این ۶ داده را از کوچک به بزرگ مرتب می‌کنیم:

نیمه اول Q_1 نیمه دوم Q_3
۲، $\underbrace{4, 4, 5}_4$ ، $\underbrace{6, 8}_6$
 $Q_2 = 4/5$

گام چهارم: خواسته سؤال:

$$Q_1 - 2Q_2 + Q_3 = 4 - 2(4/5) + 6 = 1$$

ایران توننه
توشه‌ای برای موفقیت

انحراف معیار ۷ داده آماری ۴ است. با اضافه کردن ۹، ۱۳ و ۱۱، میانگین ثابت می‌ماند. واریانس داده‌های جدید کدام است؟

۱۱ (۴)

۱۲ (۳)

۱۳ (۲)

۱۴ (۱)

پاسخ: گزینه (۳)

زیرمبحث: فصل ۳ - درس ۳

درس Box

محاسبه واریانس و انحراف معیار:

مراحل محاسبه انحراف معیار و واریانس داده‌های $X_1, X_2, \dots, X_n$:

$$\bar{x} = \frac{X_1 + X_2 + \dots + X_n}{n}$$

(۱) ابتدا میانگینشان را حساب می‌کنیم:

$$\sigma^2 = \frac{(X_1 - \bar{x})^2 + (X_2 - \bar{x})^2 + \dots + (X_n - \bar{x})^2}{n}$$

(۲) واریانس برابر است با: σ^2

$$\text{واریانس} = \sqrt{\text{انحراف معیار}}$$

(۳) اگر انحراف معیار را خواستیم، کافی است از واریانس جذر بگیریم:

گام اول: واریانس ۷ داده اولیه برابر است با:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

$$16 = 4^2 = (\text{انحراف معیار})^2 = \text{واریانس}$$

گام دوم: واریانس داده‌های X_1 تا X_7 ، ۱۶ است، پس:

$$\sigma^2 = \frac{\overbrace{(X_1 - \bar{x})^2 + \dots + (X_7 - \bar{x})^2}^{A \text{ می‌گیریم}}}{7} \Rightarrow 16 = \frac{A}{7} \Rightarrow A = 16 \times 7 = 112$$

گام سوم: میانگین سه داده اضافه‌شده را به دست می‌آوریم:

$$\bar{x} = \frac{9 + 13 + 11}{3} = \frac{33}{3} = 11$$

چون با اضافه شدن این سه داده، میانگین تغییر نکرده، پس میانگین این سه داده، همان میانگین اولیه است.

گام چهارم: حالا واریانس ۱۰ داده $X_1, \dots, X_7, 9, 13, 11$ را حساب می‌کنیم:

$$\begin{aligned} \sigma^2 &= \frac{\overbrace{(X_1 - 11)^2 + \dots + (X_7 - 11)^2}^{A=112} + (9-11)^2 + (13-11)^2 + (11-11)^2}{10} = \frac{112 + (-2)^2 + 2^2 + 0}{10} \\ &= \frac{112 + 4 + 4}{10} = \frac{120}{10} = 12 \end{aligned}$$

ایران نوشتن
توشه ای برای موفقیت

برای داده‌های جدول زیر، نمودار دایره‌ای رسم کردیم. اگر زاویه مربوط به دسته A از زاویه مربوط به دسته C، 40° درجه بیشتر باشد، x کدام است؟

دسته	A	B	C	D
فراوانی	۱۲	۸	۷	x

۱۸ (۴)

۱۳ (۳)

۹ (۲)

۳ (۱)

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: فصل ۳ - درس ۱

درس Box

در نمودار دایره‌ای از تناسب مقابل استفاده می‌کنیم:

$$\frac{\text{زاویه}}{360^\circ} = \frac{\text{فراوانی داده}}{\text{تعداد کل داده‌ها}}$$

$$n = 12 + 8 + 7 + x = 27 + x$$

گام اول: فراوانی کل را به دست می‌آوریم:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گام دوم: زاویه مربوط به دسته A و C را با تناسب حساب می‌کنیم:

$$\frac{A}{\text{فراوانی کل}} = \frac{\text{زاویه A}}{360^\circ} \Rightarrow \frac{12}{27+x} = \frac{A}{360^\circ} \Rightarrow A = \frac{12 \times 360^\circ}{27+x}$$

$$\frac{C}{\text{فراوانی کل}} = \frac{\text{زاویه C}}{360^\circ} \Rightarrow \frac{7}{27+x} = \frac{C}{360^\circ} \Rightarrow C = \frac{7 \times 360^\circ}{27+x}$$

 گام سوم: اختلاف این دو زاویه باید 40° باشد، پس:

$$A - C = 40^\circ \Rightarrow \frac{12 \times 360^\circ}{27+x} - \frac{7 \times 360^\circ}{27+x} = 40^\circ \Rightarrow \frac{12 \times 360^\circ - 7 \times 360^\circ}{27+x} = 40^\circ$$

$$\Rightarrow \frac{360^\circ (12-7)}{27+x} = 40^\circ \Rightarrow \frac{360^\circ \times 5}{27+x} = 40^\circ \Rightarrow \frac{45}{27+x} = 1 \xrightarrow[\text{طرفین}]{\text{وسطین}} 27+x = 45 \Rightarrow x = 18$$

ایران توننه
توشه‌ای برای موفقیت

علوم و فنون ادبی دهم

۱۱

از نظر تاریخ ادبیات، در متن زیر چند غلط وجود دارد؟

«ابوعلی بلعمی به دستور امیر ابومنصور عبدالرزاق، مأموریت یافت که تاریخ مفصلی را که محمد بن جریر طبری آن را تحت عنوان «تاریخ الرّسل و الملوك» به زبان عربی نوشته بود، به فارسی برگرداند. بلعمی همزمان با ترجمه کتاب، اطلاعات دیگری راجع به تاریخ اسلام به دست آورد و بر آن افزود و با حذف مطالبی از اصل تاریخ طبری، آن را به صورت تألیفی مستقل درآورد که به «تاریخ بلعمی» شهرت یافته است.»

(۱) سه (۲) چهار (۳) دو (۴) یک

مشاوره از آنجا که در چنین سؤالاتی اکثر اسم‌ها، فعل‌ها و حتی قیدها مستعد تغییر هستند و می‌توانند غلط نوشته شوند، برای پاسخ‌دادن باید تک‌تک کلمات را با دقت بخوانید و موارد غلط را نشانه‌گذاری کنید.

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۳

در متن صورت سؤال، دو غلط وجود دارد:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

ابوعلی بلعمی به دستور منصور بن نوح سامانی، مأموریت یافت که تاریخ مفصلی را که محمد بن جریر طبری آن را تحت عنوان «تاریخ الرّسل و الملوك» به زبان عربی نوشته بود، به فارسی برگرداند. بلعمی همزمان با ترجمه کتاب، اطلاعات دیگری راجع به تاریخ ایران به دست آورد و بر آن افزود و با حذف مطالبی از اصل تاریخ طبری، آن را به صورت تألیفی مستقل درآورد که به «تاریخ بلعمی» شهرت یافته است.

(سؤال ۲۷ کنکور انسانی ۱۴۰۳ - نوبت اول)

از دیدگاه تاریخ ادبیات در متن زیر چند خطا به چشم می‌خورد؟

«نثر در دوره انقلاب اسلامی به‌ویژه در داستان‌نویسی ادامه می‌یابد و مضمون‌های اجتماعی و تاریخی مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد. برخلاف شعر، در داستان‌نویسی دهه شصت جایگاه نسل جوان پررنگ‌تر است. در این دوره نویسندگانی چون احمد محمود با رمان «زمین سوخته» و اسماعیل فصیح با داستان «آینه‌های درد» را می‌توان نام برد.»

(۱) سه (۲) چهار (۳) دو (۴) یک

کنکور

ایران تونل
توشه‌ای برای موفقیت

آثار ذکر شده در کدام گزینه، تماماً مربوط به دوره «غزنوی و سلجوقی» هستند؟ ۱۲

- (۱) کشف‌المحجوب، تاریخ بلعمی، کیمیای سعادت
- (۲) قابوس‌نامه، سفرنامه ناصر خسرو، تاریخ بیهقی
- (۳) التّفهیم، کشف‌المحجوب، ترجمه تفسیر طبری
- (۴) شاهنامه ابومنصوری، تاریخ بیهقی، سیاست‌نامه

مشاوره با مواردی که از درستی آنها اطمینان دارید، رد گزینه کنید و این کار را تا رسیدن به گزینه پاسخ ادامه دهید. در آخر می‌توانید یک بار دیگر درستی گزینه پاسخ را بررسی کنید.

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۷

درس‌Box

محتوای نثرهای دوره سامانی بیشتر علمی است و گاهی نثرهای حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود. از نمونه‌های موفق این گونه نثر، می‌توان ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التّفهیم و شاهنامه منثور ابومنصوری را نام برد. از نمونه‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی می‌توان آثار زیر را نام برد:

تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت و کشف‌المحجوب

پاسخ خیلی تشریحی ✓

در گزینه (۲)، همه آثار مربوط به دوره غزنوی و سلجوقی هستند. بررسی سایر گزینه‌ها:

در گزینه (۱)، کشف‌المحجوب و کیمیای سعادت مربوط به دوره غزنوی و سلجوقی هستند و تاریخ بلعمی مربوط به دوره سامانی است.

در گزینه (۳)، التّفهیم و ترجمه تفسیر طبری مربوط به دوره سامانی هستند و کشف‌المحجوب مربوط به دوره غزنوی و سلجوقی است.

در گزینه (۴)، شاهنامه ابومنصوری مربوط به دوره سامانی است و تاریخ بیهقی و سیاست‌نامه مربوط به دوره غزنوی و سلجوقی هستند.

ایران تونل
توشه‌ای برای موفقیت

کدام موارد زیر دربارهٔ نثر موزون درست است؟

(الف) ویژگی اصلی آن به کارگیری سجع است.

(ب) منظور از آن آوردن آرایه‌های ادبی فراوان، امثال و اشعار گوناگون و اصطلاحات علمی است.

(ج) با بهره‌گیری از جمله‌های کوتاه، خود را به شعر نزدیک می‌کند.

(د) دورهٔ رواج این گونه نثر، قرن ششم هجری است.

(ه) خواجه عبدالله انصاری این شیوهٔ نثر را به کمال رساند.

(۱) «الف» - «ب»

(۲) «د» - «ه»

(۳) «ب» - «ج» - «د»

(۴) «الف» - «ج» - «ه»

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۱۰

درس Box

(۱) نثر موزون یا آهنگین (مسجع): ویژگی اصلی آن، به کارگیری سجع است. / سجع مانند قافیه در شعر است. / با بهره‌گیری از جمله‌های کوتاه، خود را به شعر نزدیک می‌کند. / خواجه عبدالله انصاری این نوع نثر را به کمال رساند. / آثارش سرآمد همهٔ نثرهای موزون فارسی است.

نمونه: مناجات‌نامه از خواجه عبدالله انصاری:

«ای کریمی که بخشندهٔ عطایی؛ و ای حکیمی که پوشندهٔ خطایی؛ ... ما را آن دِه که آن په؛ و مگذار ما را به کِه و مِه.»

کشف‌الاسرار و عُدَّة‌الابرار از ابوالفضل میبیدی به تأثیر از خواجه عبدالله:

«فرمان بزرگوار از خدای نامدار می‌گوید... بندگان من، مرا پرستید و مرا خوانید و مرا دانید که آفریدگار منم»

انواع نثر فارسی در قرن‌های ۵ و ۶ و ویژگی‌های آن‌ها

(۲) نثر فنی: منظور از آن آوردن آرایه‌های ادبی فراوان، امثال و اشعار گوناگون از عربی و پارسی و اصطلاحات علمی در نثر است. / دورهٔ رواج این نثر، قرن ششم هجری است. / نخستین نمونهٔ آن، کتاب کلیله و دمنه از ابوالمعالی نصرالله منشی است؛ «بازرگانی بود بسیار مال و او را فرزندان دررسیدند و از کسب و حِرَفَتِ اعراض نمودند و دست اسراف به مال او دراز کردند. پدر، موعظت و ملامت ایشان واجب دید و در اثنای آن گفت ...»

چهارمقاله از نظامی عروضی: «چنین آورده‌اند که نصر بن احمد که واسطهٔ عَقْدِ آل سامان بود و اوج دولت آن خاندان، اِثام مُلک او بود، و اسباب تَمَتُّع و تَرَفُّع در غایت ساختگی بود؛ خزاین آراسته و لشکر جزار و بندگان فرمانبردار.»

مرزبان‌نامه از سعدالدین وراونی، قابوس‌نامه از عنصرالمعالی کیکاووس، تاریخ بیهقی از ابوالفضل بیهقی، مقامات حمیدی از حمیدالدین بلخی

موارد «الف»، «ج» و «ه» دربارهٔ نثر موزون درست هستند. موارد «ب» و «د» دربارهٔ نثر فنی هستند.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

نوع سجع در همه ابیات مشابه است، به جز

- (۱) مجلس به تو فرخنده عشرت ز دمت زنده
- (۲) ای خوش نفس نایی بس نادره برنایی
- (۳) در خانه چنین جمعی در جمع چنین شمعی
- (۴) صد شهر خبر رفته کای مردم آشفته

- چون شمع فروزنده تا روز مشین از پا
- چون با همه برنایی تا روز مشین از پا
- دارم ز تو من طمعی تا روز مشین از پا
- بیدار شد آن خفته تا روز مشین از پا

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبدا: درس ۶

درس Box

سجع، بر سه گونه است:

(۱) سجع متوازی:

واژه‌های سجع، هم در وزن و هم در حروف پایانی یکسان هستند، مانند «کمال» و «جمال» در عبارت زیر:

همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال.

(۲) سجع متوازن:

واژه‌های سجع، در وزن یکسان اما در حروف پایانی متفاوت هستند، مانند «باطل» و «ضایع» در عبارت زیر:

مُلک بی دین باطل است و دین بی مُلک ضایع.

(۳) سجع مطرف:

واژه‌های سجع، در وزن متفاوت اما در حروف پایانی یکسان هستند، مانند «نگیرد» و «نپذیرد» در عبارت زیر:

متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد.

همه گزینه‌ها سجع مطرف دارند، به جز گزینه (۳) که دو سجع متوازی دارد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): فرخنده، زنده، فروزنده: مطرف

گزینه (۲): نایی، بُرنایی، بُرنایی: مطرف

گزینه (۳): جمعی، شمعی، طمعی: متوازی

گزینه (۴): رفته، آشفته، خفته: مطرف

پاسخ خیلی تشریحی ✓

ایران نوننه
توشه ای برای موفقیت

کدام بیت دارای «واج آرای، سجع، جناس و واژه آرای» است؟

- ۱) به اقبال دلش اقبال دارد
 - ۲) سودی همگی سودی بر جمله برافزودی
 - ۳) چو روز از دامن شب سر برآورد
 - ۴) چو شیرین این سخن زیشان نیوشید
- چو هست اقبال کار اقبال دارد
تا بود چنین بودی تا روز مشین از پا
زمانه تاج زرین بر سر آورد
ز گرمی در جگر خوش بجوشید

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبدا: درس های ۳ و ۶

درس Box

واج آرای، آن است که یک یا چند واج (صامت یا مصوت)، به گونه ای محسوس، در سخن تکرار شود، مانند تکرار صامت های «ج» و «ن»، و مصوت «ا» در بیت زیر:

جان بی جمال جانان میل جهان ندارد
هرکس که این ندارد، حقاً که آن ندارد

واژه آرای (تکرار)، آن است که یک واژه یا بخشی از آن، در سخن تکرار شود، مانند تکرار واژه «سر» در بیت زیر:

ما را سری است با تو که گر خلق روزگار
دشمن شوند و سر برود هم بر آن سریم

پاسخ خیلی تشریحی ✓

همه گزینه ها واج آرای دارند، به جز گزینه (۲).

بررسی گزینه ها:

گزینه (۱): واج آرای: مصوت «آ» و صامت «ق» / واژه آرای: اقبال

گزینه (۲): واج آرای: مصوت «ی» / سجع: سودی، برافزودی / جناس: سودی، بودی / تکرار: سودی

گزینه (۳): واج آرای: صامت «ر» / جناس: بر، سر

گزینه (۴): واج آرای: مصوت «ی» و صامت «ش»

کنکور

کدام بیت فاقد «لفونشر» و دارای «جناس، مجاز، استعاره و ایهام» است؟ (سؤال ۱۴۵ کنکور انسانی ۱۴۰۱ - نوبت دوم)

- ۱) اگر صباح قیامت ببینی آن رخ و قامت
 - ۲) قوی به چنگ من افتاده بود دامن وصل
 - ۳) همه عالم صنم چین به حکایت گویند
 - ۴) عجب مدار که در عین درد خاموشم
- جمال حور نجویی، وصال سدره نخواهی
ولی دریغ که دولت به تیزچنگی نیست
صنم ماست که در هر خم زلفش چین است
که درد یار پری چهره عین درمان است

توشه ای برای موفقیت

با توجه به انواع جناس، کدام گزینه به ترتیب ابیات درست است؟

- (الف) ز شب بدخواه تو تاریک‌دین‌تر
(ب) درون خلوت ما غیر در نمی‌گنجد
(ج) چو در بازی شدند آن لعبتان باز
(د) به پاسخ گفت کاین در سفتنی نیست
(ه) خرم تن او که چون روانش
- (۱) اختلافی، افزایشی، همسان، اختلافی، همسان
(۲) همسان، اختلافی، افزایشی، اختلافی، همسان
(۳) اختلافی، همسان، افزایشی، همسان، اختلافی
(۴) اختلافی، همسان، افزایشی، اختلافی، همسان

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۱۲

درس Box

جناس: یکسانی و همسانی دو یا چند واژه، در واج‌های سازنده آن‌هاست که در معنی اختلاف دارند. دو واژه، گاه تنها در معنی تفاوت دارند که به آن جناس همسان (تام) و گاه، در یک واج تفاوت دارند که به آن جناس ناهمسان (ناقص) می‌گویند.

(الف) جناس همسان (تام): یک واژه با دو معنی متفاوت، در سخن تکرار شده است:

با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

واژه «چنگ» در مصراع دوم، یک بار به معنی «نوعی ساز» و بار دیگر به معنی «پنجه دست» است.

(ب) جناس ناهمسان (ناقص): جناس ناهمسان یا ناقص، به صورت‌های زیر دیده می‌شود:

(۱) جناس ناقص حرکتی: دو واژه در حرکات کوتاه (ت ب ء) با یکدیگر تفاوت دارند، مانند «گل» و «گل» در بیت زیر:

گرم باز آمدی محبوب سیم‌اندام سنگین‌دل گل از خارم برآوردی و خار از پای و پای از گل

(۲) جناس ناقص اختلافی: دو واژه در یک حرف اختلاف دارند، مانند: «رزم/بزم»، «یاد/یار» و همچنین «بازار/بیزار» و «دادار/دیدار» در بیت زیر:

دل من هست از این بازار بیزار قسم خواهی به دادار و به دیدار

(۳) جناس ناقص افزایشی: یکی از دو واژه، یک حرف اضافه دارد؛ مانند: «یار/دیار»، «آیین/آیین» و همچنین «چمن/چمن» در بیت زیر:

سرو چمن من چرا میل چمن نمی‌کند همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند

پاسخ خیلی تشریحی ✓

(الف) تاریک‌دین‌تر، باریک‌بین‌تر: اختلافی

(ب) که (زیرا)، که (شخص): همسان/یار، باز: اختلافی

(ج) بازی، باز: افزایشی

(د) سفتنی، گفتنی: اختلافی

(ه) روان (روح)، روان (گویا): همسان

ترتیب آرایه‌های موازنه و ترصیع در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- الف) از آن پیشه پشیمانی گرفتند
 ب) دل ما را صفایی بود روزی
 ج) در بدایت بدایت همه چیز
 د) تو نـزادی و آن دگر زادند
 ه) جهان روشن به پندار نکو شد
- ۱) موازنه، موازنه، ترصیع، ترصیع، موازنه
 ۲) موازنه، موازنه، ترصیع، ترصیع، موازنه
 ۳) موازنه، موازنه، موازنه، موازنه، موازنه
 ۴) موازنه، موازنه، ترصیع، ترصیع، ترصیع

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۹

درس Box

موازنه: به واژه‌های دو مصراع، در بیت زیر دقت کنید:

دل به امید روی او همدم جان نمی‌شود
 جان به هوای کوی او خدمت تن نمی‌کند

با دقت در واژه‌های دو مصراع این بیت، می‌بینیم که دوبه‌دو، دارای سجع متوازن یا متوازی هستند. این شیوه چینش واژه‌ها در دو مصراع را که به توازن آوایی و نحوی دو مصراع می‌انجامد، «موازنه» می‌گویند.

ترصیع: اگر در موازنه، همه سجع‌ها متوازی باشند، موازنه را «ترصیع» می‌گویند، مانند بیت زیر:

زبانش توان ستایش نداشت

روانش گمان نیایش نداشت

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- الف) از آن پیشه پشیمانی گرفتند (موازنه)
 ب) دل ما را صفایی بود روزی (موازنه)
 ج) در بدایت بدایت همه چیز (ترصیع)
 د) تو نـزادی و آن دگر زادند (ترصیع)
 ه) جهان روشن به پندار نکو شد (موازنه)

با مقایسه کلمات اول دو مصراع هر بیت می‌تونی به جواب برسی!

تیزبازی

توشه ای برای موفقیت

ابیات کدام گزینه «ذوقافیتین» هستند؟

- الف) ای از مکارم تو شده در جهان خبر
ب) خادم دیر مغنم هنری بهتر از این
ج) صاحب وحی‌اش در پیغام باز
د) تو خامش چو گشتی کس امروز نیست
ه) به تسلیم سر در گریبان برند
و) روز وصل دوستداران یاد باد
- ۱) «ج»، «ب»، «و»
۲) «ب»، «د»، «ه»
۳) «ج»، «د»، «الف»
۴) «الف»، «ب»، «د»

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۱۱

پاسخ خیلی تشریحی ✓

بیت‌های «الف»، «ب»، «د» همگی ذوقافیتین هستند.

الف) قافیه اصلی: خبر، سپهر/ قافیه دوم: جهان، آسمان

ب) قافیه اصلی: خبری، هنری/ قافیه دوم: مغنم، جهانم

د) قافیه اصلی: نیست، کیست/ قافیه دوم: امروز، جان‌سوز

گول‌نخوری

در بیت «ج» واژه «در» در مصراع اول نمی‌تواند با «خبر» قافیه گردد؛ زیرا واژه «در» با نقش‌نمای اضافه «ی» تلفظ می‌شود و این دو کلمه حرف آخر مشترک یا «زوی» ندارند.

نکته

گاهی کلمات قافیه با همدیگر «جناس تام» دارند؛ یعنی واژه به ظاهر یکسان است و از لحاظ نوشتاری و آوایی عیناً مشابه است، اما معنی آن کاملاً فرق می‌کند. در این حالت، واژه قافیه همان واژه‌های دارای جناس است. این موارد را با ردیف اشتباه نگیرید، مانند واژه‌های روان (جاری) و روان (روح) در بیت زیر:

خرامان بشد سبوی آب روان چنان چون ششده باز جویبد روان

ایران توننده
توشه‌ای برای موفقیت

قاعده قافیه در کدام گزینه متفاوت با سایر ابیات است؟

- ۱) ببند ای پسر دجله در آب کاست
- ۲) چو عشقی که بنیاد آن بر هواست
- ۳) به صبرش در آن کنج تاریک جای
- ۴) زر افتاد در دست افسانه‌گوی

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۱۱

درس Box

قواعد قافیه: حداقل حروف لازم برای قافیه، تابع دو قاعده است:

قاعده ۱: هر یک از مصوت‌های /ا/، /و/، /ه/ به تنهایی اساس قافیه قرار می‌گیرند.

در بیت زیر، واژه‌های «صحرا» و «ما» قافیه هستند و حرف مشترک آن‌ها مصوت بلند /ا/ است:

دلم از دست غمت دامن صحرا بگرفت غمت از سر نهمم گر دلت از ما بگرفت

قاعده ۲: گاهی یک مصوت با یک یا دو صامت پس از خود، قافیه می‌سازد: مصوت + صامت (+ صامت):

در این بیت، «زنخندان» و «پشیمان» واژه‌های قافیه و «ان» (مصوت + صامت) حروف قافیه هستند.

ای دل گر از آن چاه زنخدان به در آیی هر جا که روی زود پشیمان به در آیی

تبصره: به آخر واژه‌های قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاق شود. حرف یا حروف الحاقی نیز جزء حروف مشترک قافیه‌اند و رعایت آن‌ها لازم است:

ما شبی دست برآریم و دعایی بکنیم غم هجران تو را چاره ز جایی بکنیم

«دعایی» و «جایی» واژه‌های قافیه و «ا» حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و «یی» حروف الحاقی است.

حروف الحاقی جزء اصل کلمه نیستند و عبارتند از:

شناسه‌ها، ضمائر متصل، پسوندها، مخفف صیغه‌های زمان حال بودن (تم، ی، یم، ید، سند) و صامت «ی» آخر بعضی از واژه‌های مختوم به «ا» و «و»؛ مثلاً در واژه‌های «خدای»، «جای»، «موی»، «بوی».

قاعده قافیه در بیت گزینه (۱) قاعده ۲ است؛ (است = مصوت + صامت + صامت) در حالی که در سایر گزینه‌ها قافیه براساس قاعده ۱ است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): واژه‌های قافیه: هوا، فرمانروا ← قاعده ۱ ← حرف الحاقی: -

گزینه (۳): واژه‌های قافیه: جای، پای ← قاعده ۱ ← حرف الحاقی: حرف «ی»

گزینه (۴): واژه‌های قافیه: افسانه‌گوی، تازه‌روی ← قاعده ۱ ← حرف الحاقی: حرف «ی»

پاسخ خیلی تشریحی ✓

کدام بیت با عبارت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

۲۰

«دولت نه به کوشیدن است؛ چاره، کم‌جوشیدن است.»

- ۱) آن‌جا که عنایت‌ها بخشید ولایت‌ها
- ۲) صحراست پر از شکر دریاست پر از گوهر
- ۳) کام‌بخشی گردون، عمر در عوض دارد
- ۴) مکن ز غصه شکایت که در طریق طلب

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبفشت: درس ۶

پاسخ خیلی تشریحی ✓

معنی عبارت صورت سؤال: خوشبختی با سعی و کوشش به دست نمی‌آید؛ پس نباید زیاد حرص خورد.

معنی ابیات:

گزینه ۱: آن‌جایی که عنایت‌های خداوند، فرمانروایی‌ها را به انسان می‌بخشد، کوشش و دانش تأثیر چندانی ندارد.

گزینه ۲: صحرا پر از شکر و دریا پر از گوهر است؛ بدون کوشیدن و فراهم آوردن اسباب، یک ذره از این دو را به دست نمی‌آوری.

(مفهوم مقابل عبارت صورت سؤال)

گزینه ۳: روزگار برای رساندن انسان به آرزوهایش، عمر او را می‌گیرد؛ تلاش کن که از دوران خوشبختی خود نهایت خوشی و بهره را بگیری.

گزینه ۴: از غصه و رنج، شکایت نکن، زیرا در راه رسیدن به هدف، هرکس رنج و زحمتی نکشیده باشد به آسایشی دست نمی‌یابد.

(مفهوم مقابل عبارت صورت سؤال)

ایران توننده
توشه‌ای برای موفقیت

پاسخ پرسش‌های زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- اعضای جهان اجتماعی، از چه طریقی از حقوق و تکالیفی خاص در جهان اجتماعی برخوردار می‌شوند؟
- کدام یک، از پیامدهای رفتار والدین در خانواده‌های تک‌فرزند است؟
- مستقل‌شدن تدریجی پدیده‌های اجتماعی از انسان‌ها، چه پیامدی به همراه دارد؟
- کدام یک، از ویژگی‌های پیامدهای طبیعی کنش انسانی است؟

- ۱) متناسب با نقشی که در جهان اجتماعی بر عهده می‌گیرند. - کودک زودرنج و آسیب‌پذیر می‌شود. - ایجاد فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای کنش‌ها و زندگی انسان‌ها - قطعی و حتمی هستند.
- ۲) زمانی که عضویت در جهان اجتماعی را می‌پذیرند. - کودک ارتباط با دیگران را به خوبی یاد نمی‌گیرد. - توجه به تفاوت علوم طبیعی و علوم انسانی - لازم است کنشگری آن‌ها را اراده کند.
- ۳) زمانی که عقاید و ارزش‌های مشترک جهان اجتماعی را می‌پذیرند. - کودک تقسیم کار، تعاون و همکاری را یاد نمی‌گیرد. - همانند دانستن پدیده‌های طبیعی و پدیده‌های انسانی - احتمالی هستند.
- ۴) متناسب با آگاهی‌های مشترکی که در جهان اجتماعی موجود است. - کودک متوقع و سخت‌گیر می‌شود. - نادیده‌گرفتن معنای پدیده‌های اجتماعی - به اراده افراد انسانی بستگی ندارند.

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس‌های ۱، ۲ و ۳

پاسخ خیلی تشریحی ✓

اعضای جهان اجتماعی، فقط زمانی که عضویت این جهان را پذیرفته باشند، به آن راه می‌یابند و نقشی را بر عهده می‌گیرند. اعضای جهان اجتماعی، متناسب با نقش خود، از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌شوند که هم خودشان و هم دیگران از این عضویت و حقوق و تکالیف آن آگاهی دارند.



مقایسه تربیت در خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند:

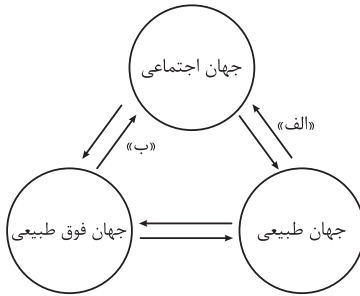
خانواده‌های تک‌فرزند	خانواده‌های چندفرزند
۱) در خانواده‌های تک‌فرزند، نوع ارتباط محدود به ارتباط پدر و مادر و فرزند است. ۲) معمولاً کودکان در این خانواده‌ها، ارتباط با هم‌نسل‌های خود را نمی‌آموزند. ۳) والدین انتظار بالایی از فرزند خود دارند. والدین حمایت و پشتیبانی زیادی از او به عمل می‌آورند. همین وضعیت می‌تواند کودک را متوقع و سخت‌گیر یا زودرنج و آسیب‌پذیر کند.	۱) در خانواده‌هایی که چندین فرزند دارند، از تمرکز افراطی والدین بر فرزندان کاسته می‌شود و پدر و مادر با درک تفاوت‌های کودکان خود، انتظاراتشان را تنظیم می‌کنند. ۲) فرزندان نیز در تعامل با یکدیگر، ارتباط گرفتن با دیگران، تقسیم کار، تعاون و همکاری در انجام کارها را یاد می‌گیرند.

پدیده‌های اجتماعی به مرور از انسان‌هایی که آن‌ها را به وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش‌ها و زندگی انسان‌ها ایجاد می‌کنند. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که افراد احساس می‌کنند پدیده‌های اجتماعی، همانند پدیده‌های طبیعی هستند.

پیامدهای طبیعی (غیرارادی کنش)، قطعی و حتمی هستند؛ یعنی حتماً انجام می‌شوند.

در ارتباط با تأثیرگذاری پدیده‌های جهان‌های مختلف بر یکدیگر، کدام گزینه به ترتیب نشان‌دهندهٔ مصادیق «الف»

و «ب» است؟



- (۱) گسترش شهرنشینی، زیستگاه‌های جانوران را به خطر انداخته است. - اعتقاد به خداوند و امور مقدس، معیاری برای مشروعیت حکومت‌هاست.
- (۲) آلودگی طبیعت، نتیجهٔ کارهای نابخردانهٔ انسان است. - سنت‌های الهی، با انسان‌های شاکر و ناسپاس یکسان برخورد نمی‌کند.
- (۳) بلایای طبیعی ناگهانی، همبستگی جمعی را افزایش می‌دهد. - توسعهٔ صنعتی، باعث تغییر اقلیم و گرمایش زمین شده است.
- (۴) تغییر فصول، مبنایی برای تقویم‌ها در جهان است. - شناخت خداوند، کنش‌های اجتماعی انسان‌ها را دگرگون می‌کند.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۳

به جهت فلش‌ها توجه کنید. مورد «الف» بیانگر تأثیر جهان طبیعی بر جهان اجتماعی است. مورد «ب» هم بیانگر تأثیر جهان فوق طبیعی بر جهان اجتماعی است.

Hint

درس‌Box

پدیده‌های طبیعی می‌توانند بر جهان اجتماعی تأثیر بگذارند و از این طریق به جهان اجتماعی راه یابند. مثال ۱: زلزله یا خشکسالی با این‌که پدیده‌هایی طبیعی هستند، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در کنش‌های اجتماعی انسان‌ها دارند، زیرا انسان‌ها برای مقابله با زلزله و خشکسالی، قواعد خاصی وضع می‌کنند و کنش‌های متناسبی انجام می‌دهند. مثال ۲: زلزله یک پدیدهٔ طبیعی است. این پدیده بر زندگی انسان‌ها تأثیرات بسیار زیادی دارد؛ به همین دلیل در مناطق زلزله‌خیز، انسان‌ها خانه‌های خود را به گونه‌ای می‌سازند که در برابر زلزله مقاوم باشد.	تأثیرگذاری پدیده‌های طبیعی بر جهان اجتماعی	رابطهٔ جهان طبیعی و جهان اجتماعی
پدیده‌های اجتماعی هم می‌توانند بر پدیده‌های طبیعی تأثیر بگذارند و از این طریق موجب ورود پدیده‌های طبیعی به جهان اجتماعی شوند. در واقع: از یک سو، ممکن است به واسطهٔ رابطه با زندگی انسان، برخی از پدیده‌های طبیعی به جهان اجتماعی وارد شوند. از سوی دیگر، ممکن است انسان‌ها با فعالیت‌های خود، تغییراتی را در پدیده‌های طبیعی به وجود آورند. مثال: آلودگی طبیعت و محیط زیست، نتیجهٔ کارهای شتاب‌زده و نابخردانهٔ انسان‌ها است.	تأثیرگذاری پدیده‌های جهان اجتماعی بر پدیده‌های طبیعی	
جهان ماوراءطبیعی (فوق طبیعی) از دو طریق می‌تواند بر جهان اجتماعی تأثیر بگذارد: (۱) شناخت خداوند، فرشتگان و جهان ماوراءطبیعی، آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی آدمیان را تغییر می‌دهد و کنش‌های اجتماعی آن‌ها را دگرگون می‌سازد. (۲) سنت‌ها و قوانین الهی با انسان‌های شاکر و ناسپاس و جوامع عادل و ظالم، یکسان برخورد نمی‌کند.	رابطهٔ جهان فوق طبیعی و جهان اجتماعی	

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) تأثیر جهان طبیعی بر جهان اجتماعی: تغییر فصول (پدیدهٔ طبیعی)، مبنایی برای تقویم‌ها در جهان (پدیدهٔ اجتماعی) است.
ب) تأثیر جهان فوق طبیعی بر جهان اجتماعی: شناخت خداوند (پدیدهٔ فوق طبیعی)، کنش‌های اجتماعی (پدیدهٔ اجتماعی) انسان‌ها را دگرگون می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینهٔ (۱): تأثیر جهان اجتماعی بر جهان طبیعی - تأثیر جهان فوق طبیعی بر جهان اجتماعی
گزینهٔ (۲): تأثیر جهان اجتماعی بر جهان طبیعی - تأثیر جهان فوق طبیعی بر جهان اجتماعی
گزینهٔ (۳): تأثیر جهان طبیعی بر جهان اجتماعی - تأثیر جهان اجتماعی بر جهان طبیعی

- (۱) جهان متجدد، عناصر معنوی و مقدس هستی را طرد می‌کند و اعتقاد دارد جهان از هیچ‌گونه قداستی برخوردار نیست. - به دلیل این‌که جهان متجدد، در جهت برخورداری از زندگی دنیوی حرکت می‌کند، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری را از دست می‌دهد.
- (۲) در جهان متجدد، آدمیان متوجه اهداف دنیوی و این‌جهانی هستند؛ به همین دلیل از علوم فراتجربی یعنی عقلانی و وحیانی فقط در مطالعهٔ جامعه بهره می‌برند. - رواج کنش‌های حسابگرانهٔ معطوف به دنیا در این جهان، عرصه را بر کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کند.
- (۳) به‌کارگیری علوم تجربی در این جهان، گاهی فرصتی برای زندگی انسان‌ها فراهم می‌کند و گاهی با ایجاد جنگ و کشتار، محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. - داوری دربارهٔ پدیده‌های فراتجربی در این جهان، به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق سپرده می‌شود.
- (۴) بهره‌برداری از علوم تجربی و فناوری حاصل از آن برای تسلط بر طبیعت، موجب گسترش دانش ابزار و وسایل و عقلانیت ذاتی در این جهان شده است. - تنگ‌شدن عرصه بر کنش‌های انسانی، به تدریج انسان‌ها را اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، آن‌ها را احاطه می‌کند.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۶

درس‌Box

ویژگی	توضیحات
رویکرد دنیوی و این‌جهانی	- جهان متجدد، رویکردی دنیوی و این‌جهانی دارد. - این جهان، در جهت تسلط بر این عالم و بهره‌مندی از زندگی دنیوی گام برمی‌دارد.
گسترش عقلانیت ابزاری	- در این جهان، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این اهداف، از علوم تجربی استفاده می‌کنند. - با روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی و مسلط‌شدن بر آن‌ها را به انسان می‌دهند. - رشد این علوم و فناوری حاصل از آن برای تسلط بر طبیعت و جامعه را، گسترش عقلانیت ابزاری می‌گویند. - شعر مرتبط: قوت افرنگ از علم و فن است / از همین آتش چراغش روشن است «اقبال لاهوری»
قفس آهنین	- در جهان متجدد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیلهٔ علوم تجربی تعقیب می‌کنند، به شدت رواج می‌یابند. - رواج این دسته از کنش‌های حسابگرانهٔ معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی تنگ می‌کند. - این وضعیت به تدریج انسان‌ها را اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، همهٔ ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند. - از این روند، به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود.
طرد عناصر معنوی و مقدس	- در جهان متجدد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند. - همه در اختیار و کنترل بشرند. - به وسیلهٔ انسان به کار گرفته می‌شوند. - دگرگون می‌شوند و به مصرف می‌رسند. - هیچ‌گونه قداستی ندارند. - شعر مرتبط: در نگاهش آدمی آب و گل است / کاروان زندگی بی‌منزل است «اقبال لاهوری»
زوال عقلانیت ذاتی (از دست رفتن دانش اهداف و ارزش‌ها)	- جهان متجدد، فقط علومی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند علم می‌داند و علومی که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. - با افول علوم فراتجربی (۱) امکان ارزیابی آرمان‌ها و ارزش‌های بشری (که پدیده‌هایی فراتجربی‌اند) از دست می‌رود. (۲) داوری دربارهٔ ارزش‌ها و آرمان‌ها، به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق سپرده می‌شود.

گزینه (۱): درست - نادرست (در جهان متجدد، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری از دست می‌رود؛ اما دلیل آن، این است که جهان متجدد فقط علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علمی را که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد.)

گزینه (۲): نادرست (در جهان متجدد، علوم فراتجربی (عقلانی و وحیانی) به کلی بی‌اعتبار دانسته می‌شود.) - درست

گزینه (۴): نادرست (در جهان متجدد، عقلانیت ابزاری (دانش ابزار و وسایل) گسترش می‌یابد؛ اما عقلانیت ذاتی (دانش اهداف و ارزش‌ها) رو به افول می‌گذارد.) - درست



عبارت‌های درست درباره هر یک از موارد زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ارزیابی واقعیت‌های جهان اجتماعی
- دیدگاه مردم‌شناسان درباره تنوع جوامع
- شکل‌گیری هویت اجتماعی انتسابی انسان

- (۱) اگر مردم مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله قلمرو آرمانی و واقعی افزایش می‌یابد. - جوامع عقب‌مانده باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند. - جهان اجتماعی پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند.
- (۲) واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را می‌توان در پرتو آرمان‌های آن ارزیابی کرد. - هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن متناسب با خود را به وجود می‌آورد. - فرد در جهان اجتماعی، به تدریج هویت خود را می‌سازد.
- (۳) اگر مردم برخلاف آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان قلمرو آرمانی و واقعی کاهش می‌یابد. - تفاوت میان جهان‌های اجتماعی همانند تفاوت دو گونه متفاوت حیوانات است. - جهان اجتماعی برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد.
- (۴) آرمان‌های سازنده هر جهان اجتماعی، عامل ارزیابی واقعیت‌های آن جهان اجتماعی است. - جهان‌های اجتماعی مختلف نمی‌توانند مسیر دیگری را ادامه دهند. - انسان‌ها در بدو تولد، برخی از ویژگی‌های هویتی را به صورت منفعل می‌پذیرند.

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس‌های ۵، ۷ و ۹

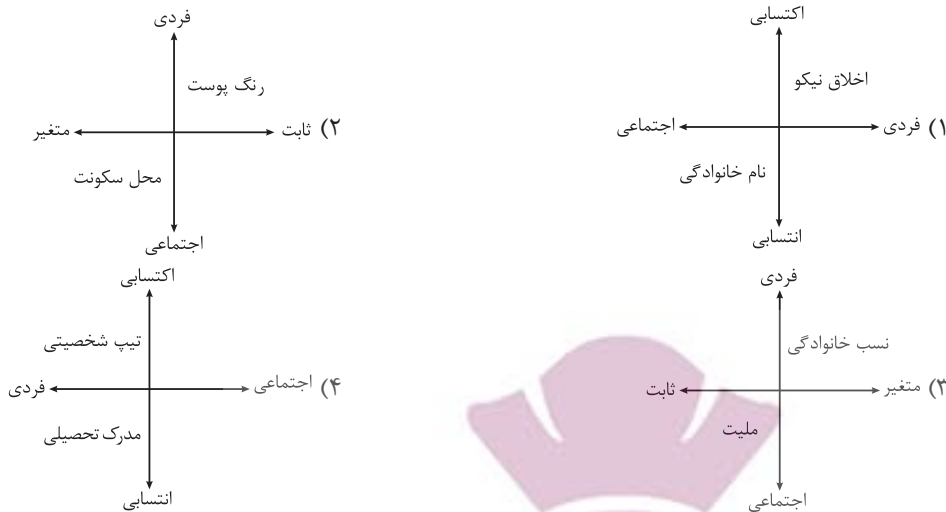
پاسخ خیلی تشریحی ✓

- واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را می‌توان در پرتو آرمان‌های آن ارزیابی کرد؛ یعنی هر اندازه که واقعیت‌های یک جهان اجتماعی با آرمان‌های آن جهان، قرابت و هماهنگی بیشتری داشته باشند، واقعیت‌ها بهتر و مطلوب‌تر ارزیابی می‌شوند. بنابراین:
- (۱) اگر مردم مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان قلمرو واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند.
- (۲) اگر مردم برخلاف آرمان‌های خود عمل کنند، بر فاصله میان قلمرو واقعی و آرمانی جامعه افزوده می‌شود. (رد گزینه‌های (۱) و (۳)).
- مردم‌شناسان به دیدگاه عرضی نسبت به تاریخ جوامع معتقدند. مطابق با این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی متنوع‌اند. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مسیرهای مختلفی را می‌پیمایند. در این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف با روابط متقابلی که دارند، می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند، اما هیچ‌یک از آن‌ها با حفظ هویت خود نمی‌توانند مسیر دیگری را ادامه دهند. (رد گزینه‌های (۱) و (۴)).

جامعه‌شناسان ← به دیدگاه طولی معتقدند. / مردم‌شناسان ← به دیدگاه عرضی معتقدند.

گول‌نخوری ✖

- هویت اجتماعی ما در جهان اجتماعی از دو جزء تشکیل شده است:
- (۱) بخشی که در زمان تولد فرد شکل می‌گیرد (هویت اجتماعی انتسابی).
- (۲) بخشی که در طول زندگی فرد در اجتماع به تدریج کامل می‌شود (هویت اجتماعی اکتسابی)، عبارت‌هایی که به هویت منفعلانه انسان و هویتی که در بدو تولد می‌آموزند، اشاره دارد، مربوط به هویت انتسابی انسان است (رد گزینه‌های (۱) و (۴)).



پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۸



با توجه به جایگاه قرارگیری هر ویژگی در نمودار، باید درستی یا نادرستی آن را ارزیابی کنید. برای مثال در گزینه (۱)، باید بررسی کنید که آیا ویژگی «اخلاق نیکو»، اکتناسبی و فردی است یا خیر.

درس Box

ویژگی‌های هویتی انسان را براساس سه ملاک تقسیم می‌کنند:

- نقش انسان در ساختن ویژگی‌های هویتی:**
 - مثال: صفات اخلاقی و روانی مانند خوش اخلاق یا بداخلاق بودن
 - ویژگی‌های انتسابی: ما در شکل‌گیری این ویژگی‌های هویتی نقشی نداریم.
 - مثال: مکان و زمان تولد یا دختر و پسر بودن
- تغییرپذیری ویژگی‌های هویتی:**
 - مثال: زمان و مکان تولد
 - ویژگی‌های متغیر: در طول زندگی، ممکن است دچار تغییر شود.
 - مثال: جایگاه فرد در جهان اجتماعی
- فردی یا اجتماعی بودن ویژگی‌های هویتی:**
 - ویژگی‌های فردی: بدون ارتباط با دیگران، این ویژگی وجود دارد.
 - مثال: زرنگی یا تنبلی، صبوری یا زودرنجی
 - ویژگی‌های اجتماعی: فرد بدون ارتباط با دیگران با عضویت در گروه‌های اجتماعی، نمی‌تواند این ویژگی‌ها را داشته باشد.
 - مثال: ایرانی بودن، کارمند بودن، فرزند سوم خانواده بودن و ...

پاسخ خیلی تشریحی ✓ بررسی ویژگی‌های هویتی در گزینه‌ها:

گزینه (۱)	اخلاق نیکو	اکتناسبی، متغیر و فردی	نام خانوادگی	انتسابی، ثابت و اجتماعی
گزینه (۲)	رنگ پوست	انتسابی، ثابت و فردی	محل سکونت	اکتناسبی، متغیر و فردی
گزینه (۳)	نسب خانوادگی	انتسابی، ثابت و اجتماعی	ملیت	انتسابی، ثابت و اجتماعی
گزینه (۴)	تیپ شخصیتی	اکتناسبی، متغیر و فردی	مدرک تحصیلی	اکتناسبی، متغیر و اجتماعی



در ویژگی‌هایی مانند رنگ پوست و ملیت، ملاک ما حالت کلی است. بنابراین اگرچه ممکن است فردی با عمل زیبایی رنگ پوست خود را تغییر دهد یا ملیت خود را عوض کند، اما با این حال این ویژگی‌ها در نگاه کلی و عمومی ثابت‌اند و تغییر نمی‌کنند.

هر یک از موارد زیر، نشان‌دهنده چه موضوعی است؟

- دانشمندان و متفکران اجتماعی را به بازاندیشی درباره بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرا می‌خواند.
- موجب عدم توانایی جهان اجتماعی در دفاع از کیان خانواده در برابر رقیب‌ها و بدیل‌های زندگی خانوادگی می‌شود.
- به دلیل وقوع تغییرات هویتی، بیرون از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی اتفاق می‌افتد.
- زمانی رخ می‌دهد که جهان اجتماعی با وجود به کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود، از پاسخ‌گویی به نیازهای فطری و معنوی باز می‌ماند.

- (۱) کاستی و خلأ معنوی - بحران هویت فرهنگی - تعارض فرهنگی - مرگ جهان اجتماعی
- (۲) مرگ جهان اجتماعی - تزلزل فرهنگی - بحران هویت فرهنگی - تحول فرهنگی منفی
- (۳) تحول فرهنگی منفی - ناسازگاری و تعارض فرهنگی - تزلزل فرهنگی - بن‌بست فرهنگی
- (۴) بحران‌های هویتی - تحول هویت فرهنگی - ازخودبیگانگی فرهنگی - بحران هویت فرهنگی

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس‌های ۱۰ و ۱۱

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- کاستی و خلأ معنوی، دانشمندان و متفکران اجتماعی را به بازاندیشی درباره بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرا می‌خواند و آن‌ها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی آن تشویق می‌کند.
- بحران هویت فرهنگی در جایی به وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود (مانند ارزش‌های نهاد خانواده) را نداشته باشد.
- اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند، به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود.
- مرگ یک جهان اجتماعی، هنگامی رخ می‌دهد که با وجود به کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود، از پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمانی یا فطری و معنوی انسان‌ها بازماند.

ایران توننه
توشه‌ای برای موفقیت

هر یک از موارد زیر، نشان‌دهنده کدام یک از اشکال ارتباطات بین جهان‌های اجتماعی است؟

- جهان اسلام به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود، در دانش‌های فرهنگ یونان و روم تصرف کرد و عناصر اساطیری آن‌ها را نپذیرفت.
 - جهان غرب پس از جنگ‌های صلیبی، از مسیحیت قرون وسطی به عقاید و ارزش‌های سکولار روی آورد.
 - قانون کاپیتولاسیون در زمان پهلوی دوم، کاملاً در تعارض با استقلال و هویت ایرانی بود.
 - بسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر و ایران در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن را پذیرفتند.
- (۱) روابط در محدودهٔ هنجارها و سبک‌های زندگی - خودباختگی فرهنگی - تحول فرهنگی ضمن ملحق شدن به جامعهٔ مقابل - از خودبیگانگی فرهنگی
- (۲) تحول فرهنگی بدون ملحق شدن به جامعهٔ مقابل - روابط در محدودهٔ لایه‌های عمیق - روابط در محدودهٔ لایه‌های عمیق - خودباختگی فرهنگی
- (۳) روابط در محدودهٔ لایه‌های سطحی - تحول فرهنگی بدون ملحق شدن به جامعهٔ مقابل - خودباختگی فرهنگی - تحول فرهنگی ضمن ملحق شدن به جامعهٔ مقابل
- (۴) تحول فرهنگی بدون ملحق شدن به جامعهٔ مقابل - روابط در محدودهٔ عقاید و ارزش‌ها - از خودبیگانگی فرهنگی - روابط در محدودهٔ عقاید و ارزش‌ها

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۱۲



ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر عادی و متداول است، ولی این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد و آثار متفاوتی رقم بزند:

شرایط	نتایج
گاهی این ارتباط‌ها در لایه‌های سطحی است.	گسترش و پیشرفت یک جهان اجتماعی
گاهی این ارتباط‌ها در لایه‌های عمیق است.	تحولات هویتی ضمن ملحق شدن به جهان دیگر
	تحولات هویتی بدون ملحق شدن به جهان دیگر
	خودباختگی فرهنگی

پاسخ خیلی تشریحی ✓

● اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود، با جهان‌های اجتماعی دیگر تعامل و دادوستد داشته باشد و در محدودهٔ هنجارها و شیوهٔ زندگی (لایه‌های سطحی)، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آن‌ها پدید آورد، زمینهٔ گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد. برای مثال، به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود در دانش‌های مختلف آن‌ها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانهٔ آن‌ها را نپذیرفت.

● ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون این‌که به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود، دچار تحولات هویتی گردد. جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی هویتی پیدا کرد. این جهان با عبور از عقاید و ارزش‌های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش‌های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.

● اگر اعضای جهان اجتماعی مبهور و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند. تصویب قانون کاپیتولاسیون در زمان پهلوی دوم (محمدرضا شاه پهلوی) نمونه‌ای از خودباختگی فرهنگی در برابر غرب (غرب‌زدگی) است.

● اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان‌های دیگر، بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن سرایت می‌کند و در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود. جهان اجتماعی‌ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند، به آن ملحق می‌شود. جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ‌های دیگر، زمینه تحولات هویتی آن‌ها را پدید آورد. بسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر و ایران و ... در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.

هر یک از نمونه‌ها در ستون سمت راست با کدام پیامد در ستون سمت چپ ارتباط دارد؟ (یک مورد اضافی است).

(سؤال ۴ - امتحان نهایی - درس هویت اجتماعی - فرداد ۱۴۰۴)

پیامد ارتباط جوامع با یکدیگر	نمونه ارتباط جوامع
(۱) تحوّل فرهنگی، بدون ملحق شدن به جامعه مقابل	الف) مواجهه جوامع اسلامی با امپراتوری‌های یونان و روم
(۲) گسترش و پیشرفت جامعه	ب) رویارویی جوامع غربی با جوامع اسلامی طی جنگ‌های صلیبی
(۳) از خودبینی‌گانی حقیقی	پ) ارتباط ایران باستان و مصر باستان با جوامع اسلامی
(۴) تحوّل فرهنگی و ملحق شدن به جامعه مقابل	ت) رویارویی جوامع غیرغربی با جهان غرب جدید
(۵) خودباختگی فرهنگی	

ایران توننده
توشه‌ای برای موفقیت

عبارت‌های درست درباره «سیاست» و «نظام سیاسی» و عبارت‌های نادرست درباره «مقبولیت» و «اقتدار» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) سیاست، اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدفی معین است. - هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، نظام سیاسی پدید می‌آید. - مقبولیت در جایی است که قدرت بدون اکراه و با رضایت باشد. - قدرت مقبولی که با رضایت افراد حاصل شود، اقتدار است.
- ۲) هنگامی که قدرت مقبول باشد و به صورت رسمی پذیرفته شود، سیاست پدید می‌آید. - در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های دیگر باشد. - قدرتی است که از طریق تبعیت با رضایت حاصل می‌شود. - وقتی است که شخص با میل درونی مطابق اراده دیگری عمل کند.
- ۳) سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سامان دادن قدرت است. - مجموعه سازوکارهایی است که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد. - قدرتی است که موافق حکم و اراده الهی بر انسان‌ها اعمال شود. - قدرتی مقبول است که به صورت رسمی پذیرفته شده باشد.
- ۴) جهان‌های اجتماعی بدون سیاستی مناسب، نمی‌توانند به ارزش‌ها و آرمان‌های خود دست یابند. - نظام سیاسی بر نظام‌های دیگر در جهان اجتماعی اثر می‌گذارد و از آن‌ها اثر می‌پذیرد. - قدرتی مطابق با یک نظام ارزشی خاص است. - زمانی است که تبعیت یک فرد از دیگری با رضایت همراه باشد.

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۱۵

بررسی گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- گزینه ۱) درست - نادرست (هرگاه قدرت برای دستیابی به هدفی معین سازمان یابد، سیاست پدید می‌آید). - درست - نادرست (قدرت مقبولی که به طور رسمی پذیرفته شده باشد، اقتدار نامیده می‌شود).
- گزینه ۲) نادرست (قدرت مقبول رسمیت‌یافته، اقتدار نام دارد). - درست - نادرست (بیانگر مفهوم تبعیت با رضایت است).
- گزینه ۳) درست - نادرست (قدرت موافق با حکم و اراده الهی، مشروعیت نام دارد). - درست
- گزینه ۴) درست - نادرست (تعریف مشروعیت است). - نادرست (برای شکل‌گیری اقتدار، باید قدرت به رسمیت شناخته شود).

به ترتیب، عبارت درست در رابطه با «تأثیر نظام فرهنگی بر نظام سیاسی»، «سیاست» و «جمهوری» کدام است؟

(سؤال ۱۶۹ کنکور انسانی ۱۴۰۱)

- ۱) وفادارماندن نظام سیاسی به ارزش‌های فرهنگی - اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدفی معین - حاکمیت اکثریت بر مدار خواسته آن‌ها
- ۲) تعیین عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی - اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدفی معین - حضور اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت
- ۳) عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های فرهنگی جامعه - سازمان‌یافتن قدرت برای رسیدن به هدفی معین - حاکمیت اکثریت بر مدار خواسته آن‌ها
- ۴) دورشدن نظام سیاسی از ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی - پیدایش مجموعه سازوکارهایی برای اعمال سیاست‌های جهان - فعالیت اقلیت براساس حقیقت و فضیلت

کنکور

در ارتباط با ابعاد مختلف هویت جامعه ایران، هر یک از موارد زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- علت رواج تصاویر القایی شرق‌شناسان از هویت جهان اسلام در جامعه ایران
- ماهیت ارزش‌های نظام اسلامی
- پیامد کاهش بیش از حد و کم‌سابقه رشد سالانه جمعیت
- راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن

- (۱) تأثیرات انقلاب اسلامی ایران - وظیفه الهی - مصرف‌گرایی، رفاه‌زدگی و افزایش بی‌ثباتی - تولید ملی قوی
- (۲) شکل‌گیری قطب جدید فرهنگی - رفتاری صرفاً دنیوی - افزایش فردگرایی و اصالت لذت در افراد - اجرای قانون اساسی
- (۳) بیداری اسلامی - دارای سیرت الهی و دینی - تجدیدنظر در سیاست‌های کاهش جمعیت در کشور - رواج کسب‌وکار
- (۴) خودباختگی فرهنگی مسلمانان - ناظر به مسائل دنیوی - تصویب اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور - اقتصاد مقاومتی

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس‌های ۱۳، ۱۵ و ۱۶

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- خودباختگی مسلمانان در برابر جهان غرب، سبب شد تصویری که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت جهان اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعه ایران رواج پیدا کند.
- ارزش‌های اجتماعی اسلام (ارزش‌های نظام اسلامی) با آن که ناظر به مسائل اجتماعی دنیوی هستند، تفسیری دنیوی و سکولار ندارند، بلکه سیرتی الهی و دینی دارند و به همین دلیل، عمل به آن‌ها رفتاری صرفاً دنیوی نیست، بلکه یک وظیفه الهی است و مانند سایر عبادات سبب تقرب انسان به خداوند می‌شود.
- کاهش بیش از حد و کم‌سابقه رشد سالانه جمعیت، زمینه تغییر سیاست‌های جمعیتی را فراهم آورد. از سال ۱۳۹۰ تجدیدنظر در سیاست‌های کاهش جمعیت شروع شد و سرانجام در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب گردید.
- ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعقیب می‌کند.

ایران توننه
توشه‌ای برای موفقیت

در بین عبارت‌های زیر، کدام یک بخش اول آن درست و بخش دوم آن نادرست است؟

الف) طبقه سوم در جوامع فئودالی به دلیل فواید و کارکردهایی که داشت تحمل می‌شد؛ به همین دلیل از نظر قانونی و اجتماعی دارای اعتبار بود.

ب) نهادهای اجتماعی در تمامی جوامع، اشکال و انواع یکسانی دارند؛ این پدیده‌های اجتماعی، نیازهای اعضای جهان‌های اجتماعی را تأمین می‌کنند.

ج) اقناع، روشی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود؛ فرهنگ‌های منطقی و عقلانی، قدرت اقناعی بیشتری دارند.

د) جهان غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد؛ سکولاریسم عامل اصلی هویت‌یابی افراد و جوامع غربی است.

ه) ایرانیان قبل از اسلام، هویت‌های قومی و فرهنگی متفاوتی داشتند؛ اما به دلیل عقاید زرتشتی، هویت اجتماعی واحدی پیدا کردند.

۲) «الف» - «د»

۱) «الف» - «ج» - «د»

۴) «د» - «ه»

۳) «ب» - «ج» - «ه»

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبمش: درس‌های ۴، ۹، ۱۰، ۱۳ و ۱۶

بررسی همه عبارت‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) درست - نادرست (طبقه سوم در جوامع فئودالی، هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت، تحمل می‌شد.)

ب) نادرست (نهادهای اجتماعی در تمامی جهان‌های اجتماعی وجود دارند، ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند.) - درست

ج) درست - درست

د) درست - نادرست (جهان غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری، عامل اصلی هویت‌یابی افراد جوامع غربی است.)

ه) نادرست (اقوام مختلف ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویت‌های اجتماعی متفاوتی داشتند.) - نادرست (این اقوام، در عقاید و ارزش‌های آیین زرتشت که با آموزه‌های اساطیری درآمیخته بود، هویت فرهنگی واحدی پیدا کردند.)

ایران توننه
توشه‌ای برای موفقیت

عربی، زبان قرآن دهم

• عَيْنَ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنْ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٣١ - ٣٧):

﴿وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾:

- (١) و با رحمت تو در زمره بندگان شایسته‌ات وارد شدم!
- (٢) و مرا با رحمت خود در میان بندگان شایسته‌ات وارد کردی!
- (٣) و مرا با رحمت خود در زمره بندگان شایسته‌ات وارد کن!
- (٤) و با رحمتت مرا در میان بندگانی که شایسته‌اند وارد کن!

٣١

مشاوره در آزمون‌ها غالباً سؤال اول عربی یکی از آیات قرآن داخل کتاب هست، پس حتماً از قبل معنای آیات رو با دقت یاد بگیرین، چون گاهی ممکنه نکاتی داشته باشن که نیاز به بررسی شدن قبل از آزمون دارن.

پاسخ: گزینهٔ ٣

زیرمبحث: درس ٨

«أَدْخِلْنِي» چه نوع فعلیه؟/ حواست به ضمیرهای متصل هم باشه.

Hint

درس Box

وقتی ضمیر متکلم وحده «ي» بخواهد به عنوان مفعول به یک فعل وصل شود، یک «ن» میانشان می‌آید. در عربی به این «ن» اضافه «نون وقایه» می‌گویند.

مثال عَلَّمَ (یاد داد) + ي (من) ← عَلَّمَنِي (به من یاد داد)

يَعْرِفُ (می‌شناسد) + ي (من) ← يَعْرِفُنِي (مرا می‌شناسد)

کلمات مهم: «أَدْخِلْنِي»: مرا وارد کن/ «بِرَحْمَتِكَ»: با رحمت خود/ «فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ»: در زمره بندگان شایسته‌ات

خطاهای سایر گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینهٔ (١): وارد شدم («أَدْخِلْ» فعل امر و به معنی «وارد کن» است، ضمناً ضمیر «ي» در «أَدْخِلْنِي» ضمیر مفعولی است و باید به شکل «من را» ترجمه شود).

گزینهٔ (٢): وارد کردی («أَدْخِلْ» فعل امر و به معنی «وارد کن» است).

گزینهٔ (٤): بندگان که شایسته‌اند (أَوَّلًا ضمیر «ك» در «عِبَادِكَ» ترجمه نشده است، ثانیاً «الصَّالِحِينَ» صفت «عباد» است، پس نباید میان آن‌ها از حرف «که» استفاده و آن را به صورت جمله ترجمه کنیم).

(عربی، زبان قرآن (١) - تمرین ٢ صفحه ١١٩ کتاب درسی)

﴿وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ الثَّمَل: ١٩

کتاب
درسی

ایران تونل
توشه ای برای موفقیت

«تَزَلُ الْمَطَرُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ مَدَّةٍ طَوِيلَةٍ فَأَخْرَجَتِ الْأَشْجَارُ أَغْصَانًا جَدِيدَةً وَ صَارَتِ الْحَدَائِقُ خَضِرًا وَ جَمِيلَةً»:

مشاوره در سؤالات ترجمه تک‌عبارتی بهتره ابتدا گزینه‌ها رو به شکل عمودی با هم مقایسه کنین و بعد از این‌که یک تفاوت بین گزینه‌ها پیدا کردین به سراغ معادل عربی اون کلمه رفته و ردّ گزینه کنین، سپس این کار رو با سایر گزینه‌ها ادامه بدین تا زمانی که گزینه صحیح مشخص بشه.

- ۱) پس از مدت طولانی باران بر زمین بارید و درختان شاخه‌های تازه دادند و باغ‌ها سرسبز و زیبا شدند!
- ۲) باران پس از مدتی طولانی بر زمین بارید و درختان شاخه‌هایی تازه رویاندند و باغ‌ها سرسبز و زیبا شدند!
- ۳) باران بر زمین بارید و پس از مدتی طولانی، باغ‌ها شاخه‌های تازه رویاندند و باغچه‌ها زیبا و سرسبز شدند!
- ۴) پس از این‌که باران بر زمین به مدت طولانی بارید، درختان شکوفه‌های تازه رویاندند و بوستان‌ها را سرسبز و زیبا گرداند!

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبدا: درس ۱

Hint

درس‌Box

نکته

«أغصاناً جديدةً» معرفه‌ست یا نکره؟/ حواست به ترجمه «بعد مدّة طویله» هم باشه.

ترجمه اسم نکره ← اسم نکره در فارسی با «ی» یا «یک» یا هر دوی آن‌ها ترجمه می‌شود.

مثال «طالب» ← دانش‌آموزی ✓ یک دانش‌آموز ✓ یک دانش‌آموزی ✓ دانش‌آموز ×

اگر در فارسی، در کلمه‌ای این نشانه‌ها را نداشته باشیم آن اسم، معرفه است.

مثال دانش‌آموز ← معرفه است، چون «ی» یا «یک» ندارد.

اگر یک موصوف و صفت نکره داشته باشیم کافی است یکی از آن‌ها را به شکل نکره ترجمه کنیم.

مثال «مکان غیر مناسب»: جایی نامناسب ✓ جای نامناسبی ✓ یک جای نامناسب ✓ جای نامناسب ×

در این تست، «أغصاناً جديدةً» سه ترجمه صحیح دارد: ۱) شاخه‌هایی تازه/ ۲) شاخه‌های تازه‌ای/ ۳) چند شاخه تازه

کلمات مهم: «تَزَلُ»: بارید/ «الْمَطَرُ»: باران/ «عَلَى الْأَرْضِ»: بر زمین/ «بَعْدَ مَدَّةٍ طَوِيلَةٍ»: پس از مدتی طولانی/ «أَخْرَجَتِ الْأَشْجَارُ»: درختان رویاندند/ «أغصاناً جديدةً»: شاخه‌هایی تازه/ «صَارَتِ»: شدند/ «الْحَدَائِقُ»: باغ‌ها/ «خَضِرًا»: سرسبز/ «جَمِيلَةً»: زیبا

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه ۱: مدت طولانی «مَدَّةٍ طَوِيلَةٍ» نکره است نه معرفه. - شاخه‌های تازه «أغصاناً جديدةً» نکره است، ولی «شاخه‌های تازه» معرفه است. دقت کنید که «ی» در «شاخه‌های» یاء میانجی است نه نشانه نکره.

گزینه ۳: پس از مدتی طولانی (مربوط به بخش اول جمله است، ولی به اشتباه در بخش دوم جمله ترجمه شده است). - باغ‌ها (معادل «الأشجار» نیست). - شاخه‌های تازه (مانند گزینه ۱)

گزینه ۴: پس از این‌که باران بر زمین به مدت طولانی «بَعْدَ مَدَّةٍ طَوِيلَةٍ» یعنی «پس از مدتی طولانی». - شکوفه‌های تازه «أغصان» به معنی «شاخه‌ها» است نه «شکوفه‌ها». - گرداند (معادل «صَيَّرَ» است نه «صَارَ: شد».)

توشه‌ای برای موفقیت

«كَانَ الطَّبِيبُ يَسْتَعْمَلُ الْعُشْبَ الطَّيِّبَ الْمُنَاسِبَ لِيَلْتَنِمَ جَرَحُ الْمَرِيضِ بِسُرْعَةٍ وَكَانَ يَنْصَحُهُ بِالْحِفَافِ عَلَى جُرْحِهِ أَمَامَ الْمَيَكْرُوبَاتِ!»:

مشاوره در سؤالات ترجمه تک‌عبارتی بهتره ابتدا گزینه‌ها رو به شکل عمودی با هم مقایسه کنین و بعد از این‌که یک تفاوت بین گزینه‌ها پیدا کردین به سراغ معادل عربی اون کلمه رفته و ردّ گزینه کنین، سپس این کار رو با سایر گزینه‌ها ادامه بدین تا زمانی که گزینه صحیح مشخص بشه.

- (۱) پزشک از داروی گیاهی مناسب استفاده کرد تا زخم بیمار را به سرعت بهبود یابد و او را به مراقبت از زخمش در برابر میکروب‌ها نصیحت کرد!
- (۲) پزشک از گیاهان دارویی مناسب استفاده می‌کرد تا زخم بیمار را بهبود بخشد و بیمار را به مراقبت کردن از زخمش در مقابل میکروب‌ها سفارش می‌کرد!
- (۳) پزشک برای این‌که زخم بیمار به سرعت بهبود یابد از گیاه دارویی مناسب استفاده کرده و او را نصیحت می‌کرد که از زخمش در مقابل میکروب‌ها مراقبت کند!
- (۴) پزشکی که از گیاه دارویی مناسب استفاده می‌کرد تا زخم بیمار به سرعت بهبود یابد، به او سفارش می‌کرد که از زخم‌هایش در مقابل میکروب‌ها مراقبت نماید!

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۵

حواست به جمع یا مفرد بودن اسم‌ها باشه.

Hint

درس Box

وقتی «كَانَ» در کنار فعل دیگری در جمله به کار برود، دیگر به معنای «بود» نیست و خودش ترجمه نمی‌شود. در این صورت «كَانَ» زمان فعل بعد از خودش را تغییر می‌دهد. («كَانَ» زمان فعل بعد از خودش رو عقب می‌کشه!)

مثلاً در ساختار «كان + مضارع» فعل «كان» را ترجمه نکرده و فعل مضارع بعدش را به شکل ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم.

← كان + مضارع ← ماضی استمراری

(سافتر ماضی استمراری در فارسی ← «هی + ماضی ساده» ← «هی رفتم، هی رفتی، هی رفتی، هی رفتی، هی رفتی، هی رفتی»)

مثال كانوا يسمعون ← می‌شنیدند

در این تست، فعل‌های «كَانَ ... يستعمل» و «كان ينصح» معادل ماضی استمراری هستند.

تذکر، دقت کنید که در گزینه (۳) فعل «استفاده کرده» را اشتباه در نظر نگیرید. «از گیاه دارویی مناسب استفاده کرده و او را نصیحت می‌کرد» یعنی «از گیاه دارویی مناسب استفاده می‌کرد و او را نصیحت می‌کرد» و برای جلوگیری از تکرار کلمه «می‌کرد» به این شکل نوشته شده است.

کلمات مهم: «كَانَ ... يستعمل»: استفاده می‌کرد / «الطَّبِيبُ»: پزشک / «العُشْبَ الطَّيِّبَ الْمُنَاسِبَ»: گیاه دارویی مناسب / «لِيَلْتَنِمَ»: برای این‌که بهبود یابد / «جرح المريض»: زخم بیمار / «كان ينصح»: او را نصیحت می‌کرد / «بالحفاظ على جرحه»: که از زخمش مراقبت کند / «أمام الميكروبات»: در مقابل میکروب‌ها
خطاهای سایر گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه (۱): داروی گیاهی («العُشْبَ الطَّيِّبَ» یعنی «گیاه دارویی»). - استفاده کرد («كان ... يستعمل» معادل ماضی استمراری است نه ماضی ساده). - بیمار را (بیمارش در «المريض» ضمیری به کار نرفته است، پس ضمیر «ش» در «بیمارش» اضافی است). - نصیحت کرد («كان ينصح» معادل ماضی استمراری است نه ماضی ساده).

گزینه (۲): گیاهان («العُشْبَ» مفرد است نه جمع). - تا بهبود بخشد («يلتنم» یک فعل لازم است نه متعدی، بنابراین «تا بهبود یابد» صحیح است). - بیمار را (بیمارش ضمیر «ه» در «ينصح» به همان شکل ضمیر ترجمه شود).

گزینه (۴): پزشکی («الطبيب» معرفه است نه نکره). - زخم‌هایش («جرح» مفرد است نه جمع).

«تَوَدِّي المرافق العامة، مثل المستشفيات و دورات المياه و الإدارات، دَوْرًا مهمًّا في خدمة المواطنين و تسهيل أمور حياتهم اليومية»:

تأسیسات عمومی مانند ...

- (۱) بیمارستان‌ها، سرویس‌های بهداشتی و اداره‌ها، نقش مهمی در خدمت‌رسانی به هم‌وطنان و آسان کردن کارهای زندگی روزمره آنان ایفا می‌کنند!
- (۲) بیمارستان‌ها، آبخوری‌ها و اداره‌ها، نقش مهمی در خدمت‌کردن به هم‌شهریان و ساده‌تر شدن کارهای روزانه زندگی‌شان دارد!
- (۳) درمانگاه‌ها و تصفیه‌خانه‌های آب و اداره‌ها، نقش بسزایی در خدمت‌کردن به هم‌شهریان و ساده‌کردن کارهای روزانه آنان در زندگی‌شان ایفا می‌کند!
- (۴) درمانگاه‌ها، سرویس‌های بهداشتی و اداره‌ها، در خدمت‌رسانی به هم‌میهنان نقش مهمی را بازی می‌کنند تا کارهای روزانه زندگی آنان ساده گردد!

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبهم: درس ۲

«المستشفيات و دورات المياه» رو بررسی کنی تمومه.

کلمات مهم: «تَوَدِّي»: ایفا می‌کنند / «المرافق العامة»: تأسیسات عمومی / «المستشفيات»: بیمارستان‌ها / «دورات المياه»: سرویس‌های بهداشتی / «دَوْرًا مهمًّا»: نقش مهمی / «في خدمة المواطنين»: در خدمت‌رسانی به هم‌وطنان / «تسهيل أمور»: آسان کردن کارها / «حياتهم اليومية»: زندگی روزمره آنان
خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): آبخوری‌ها «دورات المياه» یعنی «سرویس‌های بهداشتی». - ساده‌تر شدن «تسهيل» یعنی «ساده‌کردن» نه «ساده‌تر شدن»؛ این کلمه باید به صورت متعدی ترجمه شود، ضمن این‌که اسم تفضیل هم نیست. - دارد «تَوَدِّي» به معنی «ایفا می‌کنند» است.

گزینه (۳): درمانگاه‌ها (معادل «المستشفيات: بیمارستان‌ها» نیست). - تصفیه‌خانه‌های آب «دورات المياه» یعنی «سرویس‌های بهداشتی». - در زندگی‌شان «در» اضافی است.

گزینه (۴): درمانگاه‌ها (مانند گزینه (۳)) - ساده گردد «تسهيل» مصدر است نه فعل.



پاسخ خیلی تشریحی ✓

ایران تونل
توشه‌ای برای موفقیت

مشاوره برای حل کردن این نوع تست‌ها به تمرین و تکرار زیادی نیاز داریم، پس حتماً قبل از آزمون‌ها برای تمرین کردن این مدل تست‌ها وقت کافی بذارین! این تست‌ها کمی وقت‌گیر هستن ولی غالباً نباید بیشتر از یک دقیقه وقتتون رو بگیرن! یک نکته مهم در حل این تست‌ها اینه که فقط باید به دنبال ردّ گزینه‌های غلط باشین و تا زمانی که سه گزینه غلط رد نشده پاسخ صحیح رو انتخاب نکنین!

- (۱) بعد الإعصار الشّدید تحيّر النَّاس بسبب سقوط الأسماك من السّماء: بعد از طوفان‌های شدید مردم به دلیل افتادن ماهی‌ها از آسمان متحیر شدند!
- (۲) قَدْ سُجِّلَ طُولُ كهف علي صدر في همدان حوالي اثني عشر كيلومتراً! طول غار علی صدر در همدان را حدود دوازده کیلومتر ثبت کرده‌اند!
- (۳) أُنقَذَ الصّيّاد الدّلفين بعدما وَقَعَ في الشّبكة وَ ثَقَلَهُ إلى مكان آمن! صیّاد دلفین را بعد از این که در تور افتاد نجات داد و آن را به مکانی امن منتقل کرد!
- (۴) يُحاوِلُ عُمَلَاءُ الأعداء على تفرقة الشّعوب و إيجاد الخلاف بينهم! مزدوران دشمنان با تلاش برای پراکنده‌سازی ملت‌ها، میان آنان اختلاف به وجود می‌آورند!

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۸

سریعاً ترجمه تمام کلمات رو بررسی کن!

Hint

درس‌Box

در تست‌های ترجمه، شناخت فعل‌های مجهول اهمیت زیادی دارد. برای تشخیص فعل مجهول باید به شیوه زیر عمل کنیم:

- (۱) اگر ابتدای فعل ماضی ضمه (ـَ) داشته باشد، مجهول است و غالباً به همراه «شد» ترجمه می‌شود.

مثال «أُنْتِجَ»: تولید شد

- (۲) اگر ابتدای فعل مضارع ضمه (ـَ) داشته باشد و عین‌الفعل (دومین حرف از حروف اصلی) فتحه (ـِ) داشته باشد، مجهول است و غالباً به همراه «می‌شود» ترجمه می‌شود.

مثال «تُنْتِجُ»: تولید می‌شود

- در گزینه (۲)، فعل «سُجِّلَ» یک فعل ماضی است که با (ـَ) آغاز شده است، بنابراین مجهول است و به شکل «ثبت شده است» ترجمه می‌شود.

کلمات مهم:

- گزینه (۱): «بعد الإعصار الشّدید»: بعد از طوفان شدید / «تحيّر النَّاس»: مردم متحیر شدند / «بسبب سقوط الأسماك»: به دلیل افتادن ماهی‌ها / «من السّماء»: از آسمان
- گزینه (۲): «قَدْ سُجِّلَ»: ثبت شده است / «طُولُ كهف علي صدر»: طول غار علی صدر / «حوالي اثني عشر كيلومتراً»: حدود دوازده کیلومتر
- گزینه (۳): «أُنقَذَ»: نجات داد / «بعدها»: بعد از این که / «وَقَعَ»: افتاد / «في الشّبكة»: در تور / «ثَقَلَهُ»: آن را منتقل کرد / «إلى مكان آمن»: به مکانی امن
- گزینه (۴): «يُحاوِلُ عُمَلَاءُ الأعداء»: مزدوران دشمنان تلاش می‌کنند / «على تفرقة الشّعوب»: برای پراکنده‌سازی ملت‌ها / «إيجاد الخلاف»: ایجاد اختلاف / «بينهم»: میان آنان

خطاهای سایر گزینه‌ها: **پاسخ خیلی تشریحی** ✓

- گزینه (۱): طوفان‌ها («الإعصار» مفرد است نه جمع).
 - گزینه (۲): ثبت کرده‌اند («سُجِّلَ» مجهول و مفرد است نه معلوم و جمع).
 - گزینه (۴): با تلاش («يُحاوِلُ» فعل است نه اسم) - به وجود می‌آورند («إيجاد» مصدر است نه فعل).
- ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها:
- گزینه (۱): بعد از طوفان شدید مردم به دلیل افتادن ماهی‌ها از آسمان متحیر شدند!
 - گزینه (۲): طول غار علی صدر در همدان حدود دوازده کیلومتر ثبت شده است!
 - گزینه (۴): مزدوران دشمنان برای پراکنده‌سازی ملت‌ها و ایجاد اختلاف میان آنان تلاش می‌کنند!

«درهای ورزشگاه در ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه برای تماشاگران باز خواهد شد!» عین الصّحیح:

- (۱) أبواب الملاعب ستُفتَح في السّاعة السّابعة إلّا ربّعاً للمتفرّجين!
- (۲) سوف تُفتح أبواب الملعب في السّاعة الثّامنة إلّا ربّعاً للمتفرّجين!
- (۳) ستُفتح أبواب الملعب في السّاعة السّابعة و أربعة و خمسين دقيقةً للمتفرّجين!
- (۴) في السّاعة السّابعة و خمسة و أربعين دقيقةً سوف تفتَح باب الملعب للمتفرّجين!

مشاوره در این مدل سوالات به تفاوت گزینه‌ها مثل بودن یا نبودن ضمیر، جمع یا مفرد بودن کلمات، «ال» داشتن یا نداشتن اسم‌ها و ... خیلی دقت کنید!

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبدا: درس‌های ۲ و ۷

حواس‌ت به اعداد و جمع یا مفرد بودن اسم‌ها باشه.

Hint

درس Box

اصطلاح	معنی	مثال
تماماً	ساعت کامل	الثّانية عشرة تماماً ← ۱۲:۰۰
نصفاً	نصف ساعت که همون ۳۰ دقیقه می‌شه!	السادسة و النّصف ← ۶:۳۰
رُبّعاً	یک چهارم ساعت که همون ۱۵ دقیقه می‌شه!	الحادية عشرة و الرّبع ← ۱۱:۱۵
ثُلثاً	یک سوم ساعت که همون ۲۰ دقیقه می‌شه!	السادسة و الثّلث ← ۶:۲۰
خمساً	یک پنجم ساعت که همون ۱۲ دقیقه می‌شه!	الخامسة و الخمس ← ۵:۱۲
إلّا	مانده به ... / کم	الواحدة إلّا خمس دقائق ← پنج دقیقه مانده به یک ← ۱۲:۵۵

کلمات مهم: درهای ورزشگاه: «أبواب الملعب» در ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه: «في السّاعة الثّامنة إلّا ربّعاً» برای تماشاگران: «للمتفرّجين» باز خواهد شد: «سوف تُفتح»

خطاهای سایر گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- گزینه (۱): الملاعب (به معنی «ورزشگاه‌ها» است نه «ورزشگاه»). - السّابعة إلّا ربّعاً (به معنی «ساعت شش و چهل و پنج دقیقه» است).
- گزینه (۳): السّابعة و أربعة و خمسين دقيقةً (به معنی «هفت و پنجاه و چهار دقیقه» است).
- گزینه (۴): سوف تفتَح (این فعل، معلوم است و به معنی «باز خواهیم کرد» است، ولی «باز خواهد شد» مجهول است). - باب (به معنی «در» است نه «درها»).

ایران تونل
توشه ای برای موفقیت

عَيْنُ الْأَبْعَدِ عَنْ مَفْهُومِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمَدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ» ۳۷

- | | |
|--|----------------------------------|
| ۱) ای سلیمان در میان زاغ و باز | حلم حق شو با همه مرغان بساز |
| ۲) موسیا در پیش فرعون زَمَن | نرم باید گفت قولا لَیِّنَا |
| ۳) با کمان یک دم مدارا تیر نتوانست کرد | حلقه در از درون خانه باشد بی خبر |
| ۴) مدارا کن که از هر در نیاید | کلید هر گره، شمشیر بَرَن |

مشاوره سؤالات مفهوم غالباً بدون تغییر از جملات کتاب درسی طرح می‌شن، پس باید از قبل بررسی شده باشن!

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۸

دنبال بیتی بگرد که مفهومش دعوت به «مدارا کردن» نباشه.

ترجمه عبارت: «خداوند مرا به مدارا کردن با مردم امر فرمود، همان گونه که مرا به انجام واجبات امر کرد.»
مفهوم عبارت: «ضرورت اخلاقی و جایگاه والای مدارا کردن با مردم»
بررسی گزینه‌ها:

- گزینه (۱): «حلم حق شو با همه مرغان بساز»؛ مستقیماً به سازگاری با همه (مدارا) دعوت می‌کند.
گزینه (۲): مدارا با بداندیشان ... که نرمی، تندخود را نرم دارد؛ دقیقاً به مدارا و تأثیر آن در انسان‌های تندخو اشاره دارد.
گزینه (۳): در این بیت، می‌گوید حتی ممکن است آدم‌های نزدیک به هم، با یکدیگر مدارا نکنند.
گزینه (۴): این بیت نیز در حال ستایش «مدارا» و ترجیح آن بر «خشونت شمشیر» است.

Hint

پاسخ خیلی تشریحی ✓

(عربی، زبان قرآن (۱) - تمرین ۲ صفحه ۱۱۳ کتاب درسی)

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

«إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمَدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ»

کتاب
درسی

ایران تونل
توشه ای برای موفقیت

● اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (٣٨ - ٤٠) بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ:

«لِكُلِّ إِنْسَانٍ نُمُودَجٌّ فِي حَيَاتِهِ يَسْعَى أَنْ يُشَبِّهَ نَفْسَهُ بِهِ فَيَقْلُدَ أَعْمَالَهُ وَ سُلُوكَهُ. قَدْ يَتَّخِذُ الْأَطْفَالُ آبَاءَهُمْ نُمُودَجًّا وَ يَحْسِبُونَهُ أَقْوَى إِنْسَانٍ فِي الْعَالَمِ وَ يُجَادِلُونَ أَصْدِقَاءَهُمْ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ. عَلَى الْآبَاءِ وَ الْأُمَهَاتِ أَنْ لَا يُحَمِّلُوا أَطْفَالَهُمْ نُمُودَجًّا يَرْضُونَهُ بَلْ أَحْسَنُ الطَّرِيقِ هُوَ أَنْ يُعَرِّفُوا النَّمَاذِجَ الْمَثَالِيَّةَ لَهُمْ عِبْرَ الْأَلْعَابِ وَ الْقَصَصِ وَ الْأَفْلَامِ الَّتِي يُحِبُّهَا الْأَوْلَادُ وَ يُخَيِّرُوهُمْ فِي اخْتِيَابِهِ وَ يَعْلَمُوا أَنَّ كُلَّ شَخْصٍ يُمَكِّنُ أَنْ يُغَيِّرَ نُمُودَجَّهُ مَعَ مَرُورِ الزَّمَنِ.»

ترجمه متن:

هر انسانی در زندگی خود الگویی دارد که می‌کوشد خود را به آن شبیه کند، پس از اعمال و رفتارهای او تقلید می‌کند. گاهی کودکان پدرانشان را الگو قرار می‌دهند و آن‌ها را قوی‌ترین انسان در جهان می‌پندارند و با دوستان خود درباره این موضوع بحث (مجادله) می‌کنند. بر پدران و مادران واجب است که الگوهایی را که [خودشان] می‌پسندند، بر کودکانشان تحمیل نکنند. بلکه بهترین راه این است که الگوهای ایده‌آل را از طریق بازی‌ها، داستان‌ها و فیلم‌هایی که کودکان دوست دارند به آن‌ها معرفی کنند و در انتخاب آن [الگو]، آن‌ها را مخیر (دارای حق انتخاب) سازند. و [باید] بدانند که هر شخصی ممکن است با گذشت زمان، الگوی خود را تغییر دهد.

عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

۳۸

- (۱) إِنَّ الْأَبَّ أَفْضَلُ نُمُودَجٍّ لِكُلِّ شَخْصٍ!
- (۲) أَفْضَلُ النَّمَاذِجِ يَعِيشُونَ فِي الْأَفْلَامِ!
- (۳) عَلَيْنَا أَنْ لَا تَتَدَخَّلَ فِي نَمَاذِجِ يَخْتَارُهَا أَطْفَالُنَا!
- (۴) تَغْيِيرُ النَّمَاذِجِ فِي الْأَطْفَالِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ!

مشاوره در مورد حل سؤالات درک متن چند نکته رو در نظر داشته باشین:

(۱) سؤالات درک متن رو در آخر سؤالات عربی جواب بدین.

(۲) متن رو باید با دقت، ولی با سرعت بخونین. این کار نیاز به تمرین و تکرار زیاد داره. خوندن نصف و نیمه متن خیلی فایده‌ای نداره.

(۳) توی متن و گزینه‌ها به کلماتی که معنای «هیچ، همه، گاهی، اصلاً، فقط، همیشه، بعضی، قطعاً، ممکنه...» دارن، دقت کنین.

(۴) در سؤالات درک مطلب برای تشخیص گزینه صحیح یا خطا عجله نکنین و حتماً همه گزینه‌ها رو بخونین، سپس بهترین گزینه رو انتخاب کنین!

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۷

کلمات مهم: «نمودج»: الگو، نمونه / «یسعی»: می‌کوشد، تلاش می‌کند / «یشبهه»: شبیه می‌کند / «سلوک»: رفتار، روش زندگی / «یتخذ»: می‌گیرد / «یحسبون»: می‌پندارند / گمان می‌کنند / «یجادلون»: بحث می‌کنند، مجادله می‌کنند / «أن لا یحملوا»: که تحمیل نکنند / «یرضون»: می‌پسندند / «أحسن الطریق»: بهترین راه / «أن یعرفوا»: که معرفی کنند / «المثالیة»: ایده‌آل، بی‌نقص / «عبر»: از طریق، از میان / «یخیروهم»: آن‌ها را مخیر کنند (حق انتخاب بدهند) / «أن یغیر»: که تغییر دهد

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): پدر برای هر کسی بهترین الگو است! — متن می‌گوید کودکان گاهی پدر خود را الگو قرار می‌دهند و او را قوی‌ترین می‌پندارند («قد یتخذ الأطفال آباءهم نموذجاً»)، اما نگفته است که پدر «بهترین» الگو برای «هر کسی» است.

گزینه (۲): بهترین الگوها در فیلم‌ها زندگی می‌کنند! — متن می‌گوید بهتر است الگوهای ایده‌آل را از طریق فیلم‌ها و داستان‌ها به کودکان معرفی کنیم («أن یعرفوا النماذج المثالية لهم عبر... الأفلام») تا کودک بتواند آن‌ها را بشناسد، اما نگفته است که تمام یا بهترین الگوها فقط در فیلم‌ها هستند.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه (۳): ما نباید در الگوهایی که کودکانمان انتخاب می‌کنند مداخله کنیم! ← متن توصیه می‌کند که والدین نباید الگوهای خود را تحمیل کنند («لا يُحْمَلُوا أَطْفَالَهُمْ نُمُودَجاً يَرْضُونَهُ») و باید به آن‌ها حق انتخاب بدهند («يُخَيَّرُوهُمْ فِي انْتِخَابِهِ»). اما این به معنای «عدم مداخله» نیست؛ بلکه متن می‌گوید والدین باید با استفاده از ابزارهایی مثل بازی و داستان، الگوهای مثبت را به آن‌ها معرفی کنند.

گزینه (۴): تغییر دادن الگوها در کودکان، امری طبیعی است! ← در جمله پایانی متن آمده است: «...و [باید] بدانند که هر شخصی ممکن است با گذشت زمان، الگوی خود را تغییر دهد»، در نتیجه این گزینه صحیح است.



- (۱) على الأطفال أن يقلدوا سلوك آبائهم!
- (۲) كلُّ إنسان يحسبُ نموذجَه أفضلَ من نفسه!
- (۳) قد يضلُّ النَّاسُ باختيار نماذج غير صالحة!
- (۴) القصص من أفضل الطُّرُق لتعرُّف الأطفال على التَّمَاذِج!

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۸

بررسی گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه (۱): کودکان باید از رفتار پدرانشان تقلید کنند! ← متن می‌گوید کودکان «گاهی» پدرانشان را الگو قرار می‌دهند و از آن‌ها تقلید می‌کنند («قد يتخذ الأطفالُ آبَاءهم نموذجاً»); اما در متن نیامده است که این یک «امر الزامی» برای کودکان است.

گزینه (۲): هر انسانی الگوی خود را بهتر از خودش می‌پندارد! ← اگرچه متن به طور مستقیم این عبارت را به این شکل نگفته، اما وقتی می‌گوید هر انسانی الگویی دارد که «تلاش می‌کند خود را شبیه او کند» («يَسْعَى أَنْ يُشَبِّه نفسه به»)، این یعنی از نظر ذهنی، آن الگو را در جایگاهی برتر یا مطلوب‌تر از خود قرار داده است.

گزینه (۳): ممکن است مردم با انتخاب الگوهای نامناسب، گمراه شوند! ← وقتی متن تأکید می‌کند که والدین باید مراقب باشند الگوهای خود را به کودکان تحمیل نکنند و باید از طریق داستان و فیلم، «الگوهای ایده‌آل» («التَّمَاذِج المثاليَّة») را معرفی کنند، یعنی به این اشاره دارد که اگر الگوهای نامناسب یا غیر ایده‌آل انتخاب شوند، پیامد بدی خواهد داشت.

گزینه (۴): داستان‌ها از بهترین راه‌ها برای آشنایی کودکان با الگوها هستند! ← متن می‌گوید: «بهترین راه آن است که الگوهای ایده‌آل را از طریق بازی‌ها و داستان‌ها... به آن‌ها معرفی کنند.» («أَحْسَنُ الطَّرِيق هو أن يُعرِّفوا... عبر الألعاب و القصص»).

ایران تونل
توشه‌ای برای موفقیت

عَيْنُ الْخَطَا فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: «يُشَبِّه - يُجَادِلُونَ - انتخاب - أَحْسَن»

- (۱) يُشَبِّه: فعلٌ مضارعٌ - للمفرد المذكر الغائب - مزيد ثلاثيٌّ (مصدره: تشبيه) - مبنيٌّ للمعلوم - متعَدٌّ/ فعلٌ و مفعوله: «نفس»
- (۲) يُجَادِلُونَ: مضارعٌ - للجمع المذكر الغائب - مزيد ثلاثيٌّ بزيادة حرفين - مبنيٌّ للمعلوم - معرب/ فعل و فاعله «أصدقاء»
- (۳) انتخاب: اسم - مفرد مذكر (جمعه السَّالِم: انتخابات) - على وزن افتعال - معرب/ مجرورٌ بالكسرة بحرف الجرّ
- (۴) أَحْسَن: اسم - مفرد مذكر - اسم تفضيل على وزن «أفعل» (جمعه المُكسَّر: أحاسن) - معرب/ مبتدأ و مرفوع بالصَّمة

مشاوره در این مدل تست‌ها حتماً حتماً دقت کنید که صحیح رو می‌خواد یا خطا رو!!!

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۸

اول موارد سمت راست رو بررسی کن، چون نیاز به بررسی جمله ندارن بعد اگه سؤال حل نشد، موارد سمت چپ رو بررسی کن!

Hint

برای پیدا کردن تعداد حروف زائد هر باب باید به زمان ماضی آن توجه کنیم. البته تعداد حروف زائد در هر بابی ثابت است که همگی در جدول زیر آمده است:

باب	وزن ماضی	حروف زائد	تعداد
إِفْعَال	أَفْعَلْ	أ	واحد
تَفْعِيل	فَعَّلَ	عين الفعل	واحد
مُفَاعَلَة	فَاعَلَ	الف	واحد
تَفَعُّل	تَفَعَّلَ	ت، عين الفعل	اثنان
تَفَاعُل	تَفَاعَلَ	ت، الف	اثنان
إِفْتِعَال	إِفْتَعَلَ	الف، ت	اثنان
إِنْفِعَال	إِنْفَعَلَ	الف، نون	اثنان
إِسْتِفْعَال	إِسْتَفَعَلَ	الف، سين، ت	ثلاثة

خطاهای این گزینه:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

مزيد ثلاثيٌّ بزيادة حرفين «يُجَادِلُونَ» از وزن «يُفَاعِلُ» ساخته شده است، بنابراین ماضی آن بر وزن «فَاعَلَ» است، در نتیجه فقط یک حرف زائد دارد نه دو حرف «حرفین» یعنی «دو حرف». - فاعله «أصدقاء» («أصدقاء» مفعول است نه فاعل).

ایران تونش
توشه ای برای موفقیت

• عین الجواب الصّحیح للأسئلة التالية: (٤١ - ٤٥)

عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

٤١

- (١) هذا إقترّاحٌ حسنٌ؛ سنّعاونُ جميعاً على العملِ به!
- (٢) الكلْبُ يسمَعُ صَوْتَ السَّاعَةِ مِنْ أَرْبَعِينَ قَدَمًا!
- (٣) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلَامِيًّا!
- (٤) الصِّينُ أَوَّلُ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَحْدَمَتْ نَقُوداً وَرَقِيَّةً!

مشاوره در این تست‌ها لازم نیست همه حرکت‌ها بررسی بشن و غالباً با بررسی چند گروه کلمه خاص به پاسخ صحیح می‌رسیم، اما ممکنه گاهی تلفظ کلماتی مثل «الْثُّفَط» یا «المَوْعِظَةُ» که در فارسی به شکل متفاوتی به کار می‌رن هم مورد سؤال قرار بگیره.

پاسخ: گزینه ٢

زیرمبحث: درس‌های ٢ و ٤

Hint

ابتدا برو سراغ وزن فعل‌ها و مصدرهای مزید و حرکت نون در آخر جمع‌های مذکر سالم و مثنی! بعد به اسم تفضیل‌ها، اسم فاعل‌ها و اسم مفعول‌ها و در نهایت به فعل‌های مجهول دقت کن!

خطاهای این گزینه:

پاسخ خیلی تشریحی

صَوْتُ (تلفظ صحیح این کلمه «صَوْتُ» است). - أَرْبَعِينَ (اعداد عُقُود (عشرون، ثَلَاثُونَ، ...، تِسْعُونَ) دقیقاً مانند جمع‌های مذکر سالم هستند و نون آخرشان همیشه فتحه (ـَ) می‌گیرد، بنابراین «أَرْبَعِينَ» صحیح است.

ایران تونلنه
توشه ای برای موفقیت

عین الصّحیح فی استخدام العدد و المعدود: ۴۲

- (۱) اشتريت من سوق تبريز الكبيرة ثلاثين كراسي للمدرسة!
- (۲) نحن شاهدنا في القاعة الأول مئة كرسي خشبي للجلوس!
- (۳) حفظت حتى الآن خمسة بيتاً من هذه القصيدة الرائعة!
- (۴) قد كتب بيتان إثنان من إحدى قصائد سعدي على الجدار!

مشاوره در سال‌های اخیر از مبحث اعداد و این تیپ تست چندین تست چون‌دار در کنکور مطرح شده، پس نکات مربوط به قواعد اعداد و معدود رو خوب بلد باشین.

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۲

به جمع یا مفرد بودن و مذکر یا مؤنث بودن معدودها دقت کن.

Hint

درس Box

نکات مهم عدد و معدود:

(۱) شرایط معدود برای اعداد مختلف:

برای ۱ ← مفرد (کتاب واحد)/ برای ۲ ← مثنی (شجرتان اثنان)/ برای ۳ تا ۱۰ ← جمع (ثلاثة کُتِبَ)/ برای بقیه اعداد ← مفرد (أحد عشر کوباً)

(۲) اعداد اصلی قبل از معدود به کار می‌روند به جز «واحد: یک» و «إثنان: دو».

مثال پانزده مسابقه ← خمس عشرة مسابقة ✓ مسابقة خمس عشرة ✗

یک کتاب ← کتاب واحد ✓ واحد کتاب ✗

دو مسلمان ← مُسلمانانِ إثنان ✓ إثنان مُسلمان ✗ مُسلمینِ إثنين ✓ إثنين مُسلمین ✗

(۳) اعداد ترتیبی را بعد از معدود خود می‌آوریم.

مثال زنگ سوم ← الحصّة الثالثة/ هفته دوم ← الأسبوع الثاني

(۴) در زبان عربی در اعدادی که حرف «و» در آنها به کار رفته است، ابتدا یکان را می‌آوریم، سپس دهگان را. (یعنی مثلاً به جای «پول و پنج» می‌گیم «پنج و پول» و بعد عربش می‌کنیم!)

مثال شصت و نه ← تسع و ستون ✓ ستون و تسع ✗

نود و شش ← ست و تسعون ✓ تسعون و ست ✗

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): ثلاثين كراسي (معدود عدد «ثلاثون: سی» باید مفرد باشد نه جمع، بنابراین «ثلاثين كُرسياً» صحیح است.)

گزینه (۲): القاعة الأول «القاعة» مؤنث است نه مذکر، بنابراین «القاعة الأولى» صحیح است.)

گزینه (۳): خمسة بيتاً (معدود عدد «خمس: پنج» باید جمع باشد نه مفرد، بنابراین «خمسة أبيات» صحیح است.)

پاسخ خیلی تشریحی ✓

(سؤال ۹۸ کنکور انسانی ۱۴۰۴ (فارج کشور))

عین الصّحیح عن العدد و المعدود:

- (۱) جلعنا في اثنتين خزانيتين سمكة ثم أخرجنا منهما عشرة أسماكٍ للأكل!
- (۲) قسّمنا خسماً و سبعين كرهة صغيرة بين خمسة و عشرين أطفالاً لكلّ منهم ثلاث كرات!
- (۳) كانت مائدة طعام لثمانية شخصٍ فازداد حولها أربعة كراسي حتى يجلس حولها اثناعشر ضيفاً!
- (۴) كانت في الحديقة عشرون شجرة فلم تثمر ثلاث أشجار منها و زرع بدلها ستة أنواعٍ من الخضراوات!

کنکور

عین ما فيه فعلان مجهولان:

۴۳

- (۱) سبب بُعدك عَنَّا لَا يَسْمَعُ صَوْتُكَ جَيِّدًا!
- (۲) إِنَّكَ مَا قَدْ تُسَيِّتُ فِي قَلْبِي لِأَنَّكَ تُرْشِدُنِي دَائِمًا!
- (۳) هَذِهِ كُتُبٌ مَفِيدَةٌ لَا تُشَاهِدُ فِي مَكَانٍ آخَرَ فَأَرِيدُ أَنْ أَقْرَأَهَا!
- (۴) يُنْتَجِ هَذَا السَّائِلُ فِي بِلَدٍ أَمْرِيكََا لَكِي تُظَهِّرُ الْجُرُوحَ بِهَا!

مشاوره در تست‌های «معلوم - مجهول» ابتدا به حرکات فعل‌ها توجه کنید و اگر از این طریق به پاسخ صحیح نرسیدین از ترجمه جملات استفاده کنید.

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۷

Hint

درس Box

چک کن ببین کدام فعل‌ها رو می‌تونی با «شد/ می‌شود» ترجمه کنی.

برای تشخیص فعل مجهول ابتدا باید به حرکات فعل توجه کنیم:

(۱) اگر ابتدای فعل ماضی ضمه (ـَ) داشته باشد، مجهول است و غالباً به همراه «شد» ترجمه می‌شود.

مثال «أُنْتَجَ»: تولید شد

(۲) اگر ابتدای فعل مضارع ضمه (ـُ) داشته باشد و عین‌الفعل (دومین حرف از حروف اصلی) فتحه (ـَ) داشته باشد، مجهول است و غالباً به همراه «می‌شود» ترجمه می‌شود.

مثال «تُنْتَجُ»: تولید می‌شود

اگر فعل‌ها به طور کامل حرکت‌گذاری نشده باشند باید جمله‌ها را ترجمه کنیم و اگر بتوانیم فعلی را با «شد/ می‌شود» ترجمه کنیم به احتمال زیاد مجهول است. (هواستان باشد که در گام اول به سراغ ترجمه نروید و بعد از اتمام گام قبلی چون دیگه راهی وجود ندارد به سراغ «شد/ می‌شود» بروید، وگرنه که «شد/ می‌شود» زیاد قابل اعتماد نیستن!)

مثال تُخَرَّبُ بیوتنا و تُنْهَبُ أموالنا.

بررسی: گام (۱) «تُخَرَّبُ» و «تُنْهَبُ» هر دو مضارع هستند و با «ـَ» آغاز شده‌اند، پس ممکن است مجهول باشند، اما قطعی نیست، چون حرکت عین‌الفعل را نداریم.

گام (۲) ترجمه عبارت: «خانه‌های ما تخریب می‌شوند و اموال ما غارت می‌شوند.» «تُخَرَّبُ» و «تُنْهَبُ» هر دو می‌توانند مجهول باشند. ضمناً اگر فعلی را ترجمه کردیم و دیدیم که می‌توانیم از آن بپرسیم «چه کسی را؟/ چه چیزی را؟» آن فعل قطعاً معلوم است، حتی اگر نتوانیم دقیقاً مفعول را پیدا کنیم!

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه (۱): به خاطر دوریات از ما، صدایت به خوبی شنیده نمی‌شود! ← فقط فعل «لَا يَسْمَعُ» مجهول است.

گزینه (۲): تو در قلب من فراموش نشده‌ای، چراکه همواره مرا راهنمایی می‌کنی! ← فقط فعل «مَا قَدْ تُسَيِّتُ» مجهول است.

گزینه (۳): این‌ها کتاب‌های مفیدی هستند که در جای دیگری دیده نمی‌شوند؛ بنابراین می‌خواهم آن‌ها را بخوانم! ← فقط فعل «لَا تُشَاهِدُ» مجهول است.

گزینه (۴): این مایع در کشور آمریکا تولید می‌شود تا زخم‌ها با آن ضدعفونی شوند! ← فعل‌های «يُنْتَجِ» و «تُظَهِّرُ» مجهول هستند.

(سؤال ۹۸ کنکور انسانی ۱۴۰۳ - نوبت اول)

عین المجهول (= المبني للمجهول):

- (۱) هَاتَانِ الْبَنَاتَانِ لَا تُجَالِسَانِ الْمُتَكَبِّرَاتِ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ!
- (۲) مَنْ لَمْ يُؤَدِّبُوا فِي الصَّغَرِ لَا يُؤَدِّبُهُمْ فِي الْكِبَرِ إِلَّا الدَّهْرُ!
- (۳) أُخْتِي لَا تُرِيدُ أَنْ تُنْفِقَ مِمَّا لَا تُحِبُّ بَلْ تُحِبُّ أَنْ تُعْطِيَ أَحْسَنَ مَا عِنْدَهَا!
- (۴) إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْمُخْتَرَعِينَ لَمْ تُضَعَّفْ عَزَمُهُمْ حَادِثَةٌ بَلْ تُوصِلُهُمْ إِلَى هَدَفِهِمْ!

کنکور

- (۱) بعد فوز فريقنا رأيت المتفرجين و هم يصفرون في الملعب!
- (۲) شاهدنا دلافين كثيرة قد تجمعت حول سمكة قرش لقتلها!
- (۳) المؤمنون الأغنياء يُطعموا المساكين حولهم في كل حال!
- (۴) هذا صعب لنا جداً أن نصدق كلام رجل كذاب مثلك!

مشاوره برای تشخیص اعراب کلمات ابتدا بررسی کنین که اون کلمه جمع مذکر سالم و یا مثنی هست یا نه. اگه نباشه علامت اعرابش روی حرف آخرش نوشته می شه و اگه جمع مذکر سالم یا مثنی بود، حرف قبل «ن» در انتهای اون نشونه اعرابشه.

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۶

Hint

درس Box

خواست به تفاوت جمع مکسر و جمع مذکر سالم باشه.

اسم های مثنی و جمع های مذکر سالم برخلاف سایر اسم ها علامت اعرابشان را با یک حرکت و در آخر کلمه نشان نمی دهند، بلکه اعراب این اسم ها با یک حرف نمایش داده می شود.

● علامت رفع در اسم مثنی ← الف (ان)

● مثال مُعلَّمان ← مرفوع بالالف (یعنی مرفوع است و علامت رفع را با «الف» نشان داده است!)

● علامت نصب و جرّ در اسم مثنی ← ي (ین)

● مثال مُعلِّمین ← منصوب بالياء ✓ (یعنی منصوب است و علامت نصب را با «ی» نشان داده است!)

مجرور بالياء ✓ (یعنی مجرور است و علامت جرّ را با «ی» نشان داده است!)

● علامت رفع در جمع مذکر سالم ← و (ون)

● مثال مُعلِّمون ← مرفوع بالواو (یعنی مرفوع است و علامت رفع را با «واو» نشان داده است!)

● علامت نصب و جرّ در جمع مذکر سالم ← ی (ین)

● مثال مُعلِّمین ← منصوب بالياء ✓ (یعنی منصوب است و علامت نصب را با «ی» نشان داده است!)

مجرور بالياء ✓ (یعنی مجرور است و علامت جرّ را با «ی» نشان داده است!)

ترجمه و بررسی گزینه ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه (۱): پس از پیروزی تیممان، تماشاگران را دیدم در حالی که در ورزشگاه سوت می زدند! ← «الْمُتَفَرِّجِينَ» مفعول است و چون جمع مذکر سالم است، علامت نصبش را با «ی» نشان می دهد.

گزینه (۲): ما دلفین های بسیاری را دیدیم که برای کشتن یک کوسه، دورش جمع شده بودند! ← «الدلافين» مفعول است و چون جمع مکسر است، علامت نصبش را با «ی» نشان نمی دهد، بلکه با فتحه (دلافین) نشان می دهد.

گزینه (۳): مؤمنان ثروتمند باید در هر شرایطی به مسکینان پیرامون خود غذا بدهند! ← «المساكين» مفعول است و چون جمع مکسر است، علامت نصبش را با «ی» نشان نمی دهد، بلکه با فتحه آخرش نشان می دهد.

گزینه (۴): برای ما بسیار دشوار است که حرف مرد دروغ گویی مثل تو را باور کنیم! ← «كلام» مفعول است و چون مفرد است، علامت نصبش را با فتحه آخرش نشان می دهد.

- (۱) رئیس هذه الشركة الصناعية يعاملني جيداً كل الأحيان!
- (۲) الحياة غاضبة عليّ، كأنتي ضحك في مجلس عزاء والدها!
- (۳) يا بنتي، استعيني دائماً بالصبر و الصلابة للتجّاح في المشاكل!
- (۴) والدي حدّرني لكي أترك ذلك السلوك مع أختي الصغيرة!

مشاوره پيداڪردن نون وقايه از مباحث ساده توی کنکور سراسریه و تو کنکورهای نظام جدید بسیار مورد سؤال قرار گرفته، پس حتماً از این مبحث ساده نهایت استفاده رو ببرین.

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۸

Hint

درس Box

دنبال «ني» بگرد كه جزء حروف اصلی كلمه قبلش نباشه.

وقتی ضمیر متکلم وحده «ي» بخواهد به عنوان مفعول به یک فعل وصل شود، یک «ن» میانشان می آید. در عربی به این «ن» اضافه «نون وقایه» می گویند.

مثال عَلَّمَ (یاد داد) + ي (من) ← عَلَّمَنِي (به من یاد داد)

يَعْرِفُ (می شناسد) + ي (من) ← يَعْرِفَنِي (مرا می شناسد)

در تست ها چگونه نون وقایه را پیدا کنیم؟

نون وقایه همواره به ضمیر «ي» وصل می شود، بنابراین همواره در آخر یک کلمه دیده می شود و هرگز جزئی از کلمه قبلی نیست، چراکه «ن» زائد است و ضمیر «ي» هم جزء کلمه قبلی نیست، پس برای این که تشخیص دهیم نون وقایه داریم باید به شیوه زیر عمل کنیم:

(۱) ابتدا در آخر کلمات به دنبال «ني» می گردیم.

(۲) «ني» را از کلمه قبلش جدا می کنیم، اگر کلمه باقی مانده معنادار باشد ← نون وقایه داریم!

در غیر این صورت نون وقایه نداریم. (بد نیست نیم نگاهی به حروف اصلی کلمه هم بیندازیم، «ن» وقایه زائده و نباید جزء حروف اصلی کلمه باشه!)

مثال اِرْفَعَنِي ← اِرْفَعُ + ني ← «اِرْفَعُ: بالا ببر» داریم ← نون وقایه داریم. (اَلْهَ تَوَسَّيْتِ تَشْفِيصَ بَدِينِ كَه «اِرْفَعُ» معنادار هست یا نه، حروف اهلیش رو بررسی کنین. «ر ف ع» پس «ن» هزوش نیست. ← نون وقایه است.)

يَنْفَعَنِي ← يَنْفَعُ + ني ← «يَنْفَعُ: سود می رساند» داریم (حروف اهلیش: ن ف ع) ← نون وقایه داریم.

عَيِّي ← عَيَّ + ني x ← «عَيَّ» نداریم. در اصل «عَيْن + ي» است (حروف اهلیش: ع ی ن) ← نون وقایه نداریم.

لَا تَضْمَنِي ← لَا تَضَمَّ + ني x ← «لَا تَضَمَّ» نداریم. در اصل «لَا تَضَمَّن + ي» است (حروف اهلیش: ض ن م ن) ← نون وقایه نداریم.

«ن» در فعل «استعيني» جزء حروف اصلی فعل است نه نون وقایه. حروف اصلی این فعل «ع و ن» است.

در گزینه (۱) «يعاملني»، در گزینه (۲) «كأنتي» و در گزینه (۴) «حدّرني» دارای نون وقایه هستند.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

تاریخ دهم

کدام گزینه هدف اصلی علم تاریخ را به درستی نشان می‌دهد؟

۴۶

- ۱) بررسی رویدادهای گذشته براساس شواهد و مدارک
- ۲) شناخت انسان و پژوهش در فرهنگ او
- ۳) آگاهی از زندگی اجتماعی در گذشته
- ۴) مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها و جوامع در گذشته

مشاوره بچه‌ها حواستون به تفاوت واژه‌های معنی، تعریف و هدف باشه.

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۱

درس Box

پاسخ خیلی تشریحی ✓

تاریخ علمی است که به مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها و جامعه‌ها در گذشته می‌پردازد و علل و نتایج افکار و اعمال پیشینیان را بررسی و تحلیل می‌کند.

هدف علم تاریخ، آگاهی از زندگی اجتماعی در گذشته است که شامل تمامی جنبه‌های فکری، مذهبی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، علمی، حقوقی و هنری می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) یکی از معانی تاریخ است.

گزینه ۲) هدف علم باستان‌شناسی است.

گزینه ۴) تعریف علم تاریخ است.

ایران توننه
توشه ای برای موفقیت

۴۷ کدام مورد از اقدامات شی هوانگ تی به قصد رونق تجارت است؟

- الف) تکمیل دیوار بزرگ چین
ب) نوسازی تشکیلات اداری و مالیاتی
ج) یکسان سازی مقیاس وزن ها و اندازه ها
د) یکپارچگی در عیار سکه ها
- ۱) «الف» - «ب»
۲) «ج» - «د»
۳) «ب» - «ج»
۴) «الف» - «د»

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۵

درس Box

ژنگ یکی از فرمانروایان سلسله «چهاین» بود که عنوان شی هوانگ تی، به معنای «امپراتور اول» را که پیش از آن، مخصوص خدایان و قهرمانان اساطیری بود، برای خود برگزید.

- شی هوانگ تی به منظور تسلط بیشتر حکومت مرکزی بر سرزمین چین، تشکیلات اداری و مالیاتی را نوسازی کرد. (نادرستی «ب»)
- اقدام دیگر شی هوانگ تی برای افزایش قدرت و تسلط حکومت مرکزی، تکمیل دیوار بزرگ چین بود. (نادرستی «الف»)
- شی هوانگ تی به قصد رونق تجارت، مقیاس وزن ها و اندازه ها و عیار سکه ها را یکسان کرد. (درستی «ج» و «د»)

پاسخ خیلی تشریحی ✓

نکته

به صورت سؤال دقت کنید که هدف شی هوانگ تی برای رونق تجارت را مد نظر دارد!

ایران توننده
توشه ای برای موفقیت

۴۸ چه کسی و در زمان کدام پادشاه قاجار، موفق به خواندن خط میخی شد؟

- (۱) راولینسون - ناصرالدین شاه
- (۲) ارنست هرتسفلد - محمدشاه
- (۳) ارنست هرتسفلد - ناصرالدین شاه
- (۴) راولینسون - محمدشاه

مشاوره درس ۷، یکی از درس‌های مهم تاریخ باستان هست که هر سال یک سؤال رو در کنکور به نوعی به خودش اختصاص می‌ده؛ از همین حالا حسابی براش برنامه‌ریزی کن!

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۷

درس‌Box

- روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا در دوره قاجار، باعث ورود بیشتر جهانگردان، بازرگانان، سفیران و باستان‌شناسان به ایران شد.
- این روند بر تعداد بازدیدکنندگان از مکان‌های تاریخی تخت جمشید، پاسارگاد و شوش افزود.
- پس از آن فرانسویان، در محوطه‌های باستانی شوش به حفاری و کاوش مشغول شدند.
- در سال ۱۳۰۶ ش. کاوش‌های باستان‌شناسی از انحصار فرانسویان خارج شد و باستان‌شناسان برجسته آلمانی و آمریکایی (هرتسفلد و آرتور پوپ) شروع به فعالیت باستان‌شناسی وسیع در ایران کردند.
- با خوانده‌شدن خط میخی، علاقه اروپاییان به فعالیت‌های باستان‌شناسی در ایران بیشتر شد و دولت فرانسه اجازه حفاری و سپس امتیاز انحصاری کاوش‌های باستانی را در سرتاسر ایران به دست آورد.
- در زمان محمدشاه قاجار، یک افسر انگلیسی به نام سرهنری راولینسون موفق به خواندن خط میخی شد و سنگ‌نوشته داریوش هخامنشی در بیستون را ترجمه کرد.

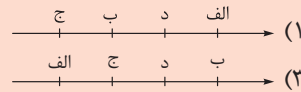
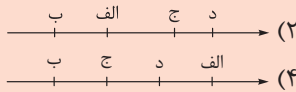
پاسخ خیلی تشریحی ✓

پس از آلمانی‌ها و آمریکایی‌ها، به تدریج، نسلی از باستان‌شناسان زبده ایرانی پرورش یافتند.



ایران توننه
توشه ای برای موفقیت

- در کدام مورد، تقدم و تأخر زمانی وقوع رویدادها، روی نمودار زمان به درستی ترسیم شده است؟
- (الف) با فتح مصر توسط کمبوجیه، قلمرو هخامنشیان به نهایت وسعت و عظمت خود رسید.
- (ب) کورش با جلب حمایت بزرگان مادی، سلسله هخامنشیان را بنیان نهاد.
- (ج) بابل یکی از بزرگ‌ترین شهرهای آن روزگار بدون خونریزی توسط هخامنشیان فتح شد.
- (د) داریوش به شرق لشکرکشی کرد و بخش‌هایی از غرب و شمال غرب هند را تصرف کرد.



پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۹

تشریح عبارت‌ها:

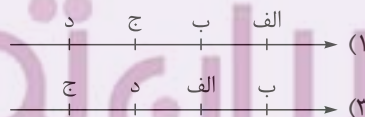
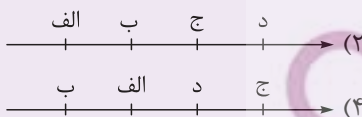
پاسخ خیلی تشریحی ✓

- (الف) کمبوجیه که پسر و جانشین کورش بود در ۵۲۵ ق.م. مصر را فتح کرد. (قبل از «ج» روی داده است.)
- (ب) کورش در ۵۵۰ ق.م. بر مادها پیروز شد و سلسله هخامنشیان را تأسیس کرد. (اولین رویداد)
- (ج) فتح بابل توسط کورش بزرگ در ۵۳۹ ق.م. انجام شد. (بعد از «ب» و «الف» روی داده است.)
- یکی از مسالمت‌آمیزترین و شکوهمندترین فتوحات تاریخ جهان، فتح مسالمت‌آمیز بابل توسط کورش بزرگ است.
- یکی از نوادگان هخامنشیان، کورش دوم بود که بر انشان حکومت می‌کرد.

نکته

(د) داریوش پس از فرونشاندن شورش‌های داخلی به شرق و نواحی‌ای از شمال و شمال غرب هند لشکرکشی کرد. (آخرین رویداد)

- در کدام نمودار زمان، تقدم و تأخر وقوع رویدادها به درستی نشان داده شده است؟
- (الف) سارگن بر سراسر بین‌النهرین مسلط شد و امپراتوری بزرگی را تشکیل داد.
- (ب) حاکمان کوچک و مستقل ایلامی، با یکدیگر متحد شدند و پادشاهی ایلام را تأسیس کردند.
- (ج) تولید مازاد بر نیاز محصولات و افزایش جمعیت، زمینه پیدایش نخستین شهرها در چین را فراهم کرد.
- (د) طوایف بیابان‌گرد از دشت‌های اروپای شرقی وارد شبه‌جزیره یونان شدند.



کنکور

ایران‌نوشته
توشه‌ای برای موفقیت

«وحدت بیشتر قلمرو» و «ایجاد حکومتی متمرکز و نیرومند» از ویژگی‌های مشترک نظام سیاسی - اداری کدام

سلسله‌های باستانی است؟

- (۱) هخامنشیان - اشکانیان
- (۲) اشکانیان - ساسانیان
- (۳) هخامنشیان - ساسانیان
- (۴) سلوکیان - اشکانیان

پاسخ: گزینه (۳)

زیرمبحث: درس‌های ۱۰ و ۱۱

سلوکیان بخش عمده‌ای از تشکیلات دیوانی (اداری و مالی) هخامنشیان رو به قدمت گرفتند، پس می‌تواند نمونه اداره‌ش مثل هخامنشیان بر تمرکز روی وحدت بیشتر قلمرو باشد!

Hint

پاسخ خیلی تشریحی ✓

نظام سیاسی - اداری که داریوش یکم ایجاد کرد، موجب وحدت بیشتر قلمرو هخامنشیان شد و حکومتی متمرکز و نیرومند پدید آورد. (درستی گزینه‌های (۱) و (۳))

حکومت اشکانی به شکل غیرمتمرکز اداره می‌شد. (نادرستی قسمت دوم گزینه‌های (۱) و (۴))

نکته

به شیوه غیرمتمرکز اداره حکومت اشکانیان، شیوه حکومت ملوک‌طوایفی می‌گویند.

ساسانیان مصمم بودند، به جای حکومت ملوک‌طوایفی (که در اشکانیان مرسوم بود)، حکومتی متمرکز و قدرتمند ایجاد کنند.

(درستی بخش دوم گزینه‌های (۲) و (۳))

تقسیمات کشوری سلوکیان (همانند هخامنشیان) بود و سلوکیان، قلمرو خود را به تعداد زیادی شهری تقسیم کردند. (درستی

بخش اول گزینه (۴))

ایران توننده
توشه‌ای برای موفقیت

کدام مورد درباره «جاده شاهی» درست است؟

- (۱) داریوش بزرگ، با احداث جاده‌ای به طول بیش از ۲۴۰۰ کیلومتر، موجب اتصال یکی از پایتخت‌ها، شوش به یکی از شهرها، سارد شد.
- (۲) داریوش با سنگفرش کردن نواحی سست و باتلاقی شهر سارد در آسیای صغیر، جاده‌ای به طول ۲۴۰۰ کیلومتر احداث کرد که این شهر را به تخت جمشید، پایتخت هخامنشیان متصل کند.
- (۳) کوروش بزرگ، جاده‌ای به طول کم‌تر از ۲۰۰۰ کیلومتر احداث کرد که پایتخت هخامنشیان، شوش به پاسارگاد، متصل شود.
- (۴) در طول جاده شاهی که محل اتصال پایتخت‌های هخامنشیان به یکدیگر بود، کاروانسراهایی به فاصله هر ۲۰ یا ۳۰ کیلومتر ایجاد شده بود.

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبدا: درس‌های ۹ و ۱۳

درس Box

راه‌ها و وسایل حمل‌ونقل:

- راه‌ها و وسایل حمل‌ونقل، در دوران باستان، نه فقط از نظر سیاسی و نظامی بلکه از جنبه اقتصادی و مخصوصاً تجاری اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است.
- در دوره هخامنشیان شبکه وسیعی از جاده‌ها ساخته شد.
- جاده‌ها در این دوران، مراکز اصلی حکومت را به یکدیگر و حتی به کشورهای همسایه متصل می‌کرد.
- مهم‌ترین آن‌ها، «جاده شاهی» بود که داریوش بزرگ این جاده را به طول بیش از ۲۴۰۰ کیلومتر احداث کرد.
- جاده شاهی شوش یکی از پایتخت‌های هخامنشیان را متصل می‌کرد به شهر سارد در آسیای صغیر

بررسی سایر گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه (۲): این جاده شوش را به سارد در آسیای صغیر متصل می‌کرد.

حواستان به «شوش» باشد چون هخامنشیان پایتخت‌های دیگری هم داشتند.

نکته

گزینه (۳): اول این که داریوش دستور ساخت این جاده را داده و دوم این که طول آن هم بیش از ۲۴۰۰ کیلومتر بوده است!

دوباره حواستان به پایتخت‌ها باشد!

نکته

گزینه (۴): هرودت گفته است، در طول جاده شاهی، به فاصله هر ۲۵ یا ۳۰ کیلومتر، ایستگاه‌هایی برای رفاه مسافران ایجاد شده بود.

ایران توانسته
توشه‌ای برای موفقیت

کدام مورد درباره آتشکده آذرگشنسپ، درست است؟

الف) در آذربایجان ساخته شد.

ب) در کتاب دینکرد به شکوه و عظمت این آتشکده اشاره شده است.

ج) تصویر این آتشکده بر روی سکه‌های اشکانی نقش بسته است.

د) مخصوص شاهان بود.

۱) «الف» - «ب»

۲) «ب» - «ج»

۳) «ج» - «د»

۴) «الف» - «د»

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۱۴

درس Box

در دین زرتشتی، آتش، عنصری مقدس بود و زرتشتیان با نیایش در برابر آتش، اهوره مزدا را ستایش می‌کردند. به همین دلیل در دوره ساسانیان، آتشکده‌های بسیاری در شهرها و روستاهای ایران ساخته شد.

سه آتشکده آذر بُرَین مهر در خراسان مخصوص کشاورزان، آذرگشنسپ در آذربایجان و یژه شاهان و آذر فرنبغ در فارس خاص موبدان، بزرگ‌تر و شکوهمندتر از دیگر آتشکده‌ها بودند.

بررسی موارد نادرست:

ب) دینکرد، مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب براساس تعلیم زرتشت به زبان پهلوی و دانش‌نامه‌ای مشتمل بر عقاید زرتشتی است.

ج) برخی شاهان اشکانی تصویر آتشدانی را که نشانه گرایش آن‌ها به کیش زرتشتی بود، بر روی سکه‌های خود نقش کرده‌اند.

(پس صرفاً درباره آتشکده آذرگشنسپ و دوره ساسانیان نادرست است.)

پاسخ خیلی تشریحی ✓

ایران توننه
توشه ای برای موفقیت

در کدام مورد، از منابع دست‌اول برای تحقیق در هر یک از موضوع‌های زیر، استفاده شده است؟

- (الف) ساخت بناهای مجلل کاخ آپادانا با کارگران ماهر و مصالح عالی
(ب) وجود بناها و ساختمان‌ها در میان باغ‌های زیبا در نخستین پایتخت هخامنشیان
(ج) وجود کارگاه‌هایی متعلق به شاه برای تولید مواد خوراکی و اشیای مورد نیاز کاخ شاهی هخامنشیان
(د) برابری حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان دوره ساسانی

مشاوره حواستون به منابع دست اول و دوم که توی درس‌های ۱، ۷ گفته شده، باشه که همه‌جا می‌تونه ازش سؤال بیاد.

- (۱) تاریخ هرودت - نوشته‌های مورخان ایرانی قرون اسلامی - سنگ‌نوشته‌ها - آثار مورخان یونانی
(۲) لوح سنگی یادبود - نوشته‌های مورخان یونانی - محتوای لوح‌های کشف‌شده از خزانه تخت جمشید - متون دینی و حقوقی قرون نخستین اسلامی
(۳) لوح گلی تخت جمشید - نوشته‌های مورخان رومی - بخش‌هایی از کتاب اوستا - گزارش‌هایی از مورخان باستان
(۴) سنگ‌نوشته‌های هخامنشیان - منابع پژوهشی - کتاب بندهش - متون دینی دوره ساسانی

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس‌های ۱۲، ۱۵ و ۱۶

منابع دست‌اول نوشتاری و غیرنوشتاری هستن، اونم به ایرانی و غیرایرانی تقسیم می‌شه!



تحلیل عبارت‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی

(الف) در لوح سنگی یادبودی که در کاخ آپادانا کشف شده، داریوش بزرگ بر مجلل‌بودن بنا و استفاده از بنایان و کارگران ماهر و مصالح ساختمانی عالی از سراسر امپراتوری تأکید کرده است.

کاخ آپادانا در شوش، پایتخت اداری هخامنشیان ساخته شده است.



(ب) به نوشته مورخان یونانی، در پاسارگاد، ساختمان‌هایی در میان باغ بسیار زیبا واقع شده است.

قدیمی‌ترین بنای دوره هخامنشیان، در پاسارگاد، نخستین پایتخت هخامنشیان بر پا شده است. (هواست به «ترین‌ها» باشه!)



(ج) محتوای لوح‌های گلی کشف شده از خزانه تخت جمشید گویای آن است که در زمان هخامنشیان، کارگاه‌هایی وجود داشته که متعلق به شاه بوده و اشیای و مواد خوراکی مورد نیاز کاخ شاهی در آن‌جا تولید می‌شده است.

(د) در آثار و متون دینی و حقوقی مربوط به دوره ساسانی و قرون نخستین اسلامی، مطالب و گزارش‌هایی وجود دارد که دلالت بر حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان آن دوره دارد.

در کدام مورد، منابع دست‌اول برای پژوهش در موضوعات زیر درست ذکر شده است؟



(سوال ۱۰۴ کنکور انسانی ۱۴۰۳ - نوبت دوم)

(الف) نابرابری در تحصیل در دوره هخامنشیان

(ب) حقوق اجتماعی زنان در دوره ساسانی

(ج) فعالیت استادکاران مادی در کارگاه‌های شاهی دوره هخامنشی

(د) وجود اوستای مکتوب در قرن ۴ قبل از میلاد

- (۱) الواح گلی تخت جمشید - متون حقوقی دوره ساسانی - سنگ‌نوشته‌ها - آثار مورخان یونانی
(۲) سنگ‌نوشته‌های دوره هخامنشیان - کتاب مادیان هزاردادستان - تاریخ هرودت - مندرجات اوستا
(۳) تاریخ هرودت - کتاب دینکرد - اکتشافات باستان‌شناسی - آثار مورخان ایرانی قرون نخستین اسلامی
(۴) تاریخ هرودت - متون دینی مربوط به قرون نخستین اسلامی - الواح گلی تخت جمشید - داستان‌های باستانی

جغرافیای دهم

۵۴

با توجه به عبارت‌های زیر، کدام گزینه به درستی رسم شده است؟

- (الف) این منطقه به دلیل وجود منابع نفتی و گازی از موقعیت اقتصادی ویژه‌ای در جهان برخوردار است.
 (ب) ارزش و نقش ارتباطی میان سه قاره آفریقا، اروپا و آسیا و حلقه زنجیره حمل‌ونقل جهان است.
 (ج) به واسطه مجاورت این منطقه با آب‌های آزاد، اهمیت بسیار زیادی در تجارت جهانی دارد.
 (د) این منطقه تأمین‌کننده بخش زیادی از خاویار جهان و از بزرگ‌ترین صادرکنندگان این کالا می‌باشد.



پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۳

درس Box

ارزش‌های پدیده‌های پیرامون ایران:

پدیده	ارزش
خلیج فارس	چهارراه ارتباطی بین قاره‌ها، دارنده ۶۶٪ ذخایر نفت و ۲۸٪ ذخایر گاز جهان، کانون ثروت نفتی و گازی، مرکز ناحیه جغرافیایی و سیاسی جهان اسلام.
تنگه هرمز	مهم‌ترین آبراهه راهبردی و تجاری جهان، دروازه خروجی نفت خلیج فارس، اتصال‌دهنده آب‌های آزاد به خلیج فارس
دریای عمان	اهمیت اقتصادی و نظامی برای ایران، مجاورت با آب‌های آزاد (اقیانوس هند)، سواحل با قابلیت‌های دفاعی مناسب
دریای خزر	بزرگ‌ترین پهنه آبی محصور در خشکی، دارای منابع نفت و گاز فراوان، تأمین‌کننده ۹۰٪ خاویار جهان، دسترسی به بازار مصرف ۳۰۰ میلیون نفری آسیای میانه

پاسخ خیلی تشریحی ✓

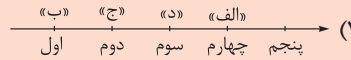
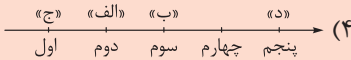
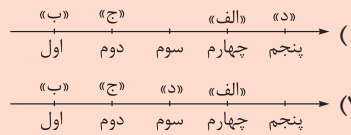
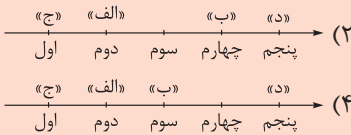
خلیج فارس و دریای خزر به واسطه وجود منابع نفتی و گازی از موقعیت ویژه اقتصادی در جهان برخوردار هستند و این ویژگی میان این دو پدیده مشترک است.
 بررسی سایر موارد:

- (ب) خلیج فارس نقش ارتباطی میان ۳ قاره اروپا، آسیا و آفریقا را ایفا می‌کند و حلقه زنجیره تجارت جهانی است.
 (ج) دریای عمان به واسطه مجاورت با آب‌های آزاد (اقیانوس هند)، اهمیت ویژه اقتصادی برای ایران دارد.
 (د) دریای خزر تأمین‌کننده حدود ۹۰٪ و بزرگ‌ترین صادرکننده خاویار در جهان است.

۵۵

با توجه به مراحل پژوهش در جغرافیا، کدام تصویر منطبق با موارد زیر ترسیم شده است؟

- (الف) به نظر می‌رسد، توسعه سطح زیر کشت و بهره‌برداری مفرط از آب، از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده دریاچه ارومیه است.
(ب) پژوهشگر با کمک عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای، روند خشک‌شدن دریاچه ارومیه را طی یک دهه بررسی می‌کند.
(ج) مهم‌ترین دلایل کاهش آب دریاچه ارومیه چیست؟
(د) بین تخریب مراتع و پوشش گیاهی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه و کاهش آب این دریاچه رابطه مستقیم وجود دارد.



پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

- گام اول:** طرح سؤال و بیان مسئله: پژوهشگر برای آگاهی از مسئله‌ای که در ذهنش پدید آمده، ابتدا مسئله خود را به صورت سؤال مطرح می‌کند.
- گام دوم:** تدوین فرضیه: فرضیه، پاسخ پیشنهادی و حدس اندیشمندانه محقق به سؤال تحقیق است.
- گام سوم:** جمع‌آوری اطلاعات:
- (الف) روش کتابخانه‌ای ← در تمامی پژوهش‌های علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- (ب) روش میدانی ← پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده از جمله ابزارهای گردآوری اطلاعات در این روش است.
- گام چهارم:** پردازش اطلاعات: این مرحله شامل حذف اطلاعات غیرضروری و حفظ اطلاعات مرتبط با پژوهش و تجزیه و تحلیل اطلاعات است.
- گام پنجم:** نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها: پژوهشگر با نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات، پاسخ مسئله پژوهش را می‌یابد.

بررسی موارد:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

(الف) گام دوم: تدوین فرضیه

(ب) گام سوم: جمع‌آوری اطلاعات

(ج) گام اول: طرح سؤال و بیان مسئله

(د) گام پنجم: نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

علت نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «ب» مربوط به گام سوم، «ج» مربوط به گام اول و «الف» مربوط به گام دوم است.

گزینه (۲): «ب» مربوط به گام سوم است.

گزینه (۳): «ب» مربوط به گام سوم، «ج» مربوط به گام اول، «د» مربوط به گام پنجم و «الف» مربوط به گام دوم است.

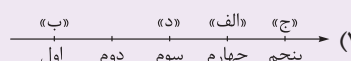
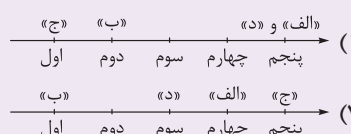
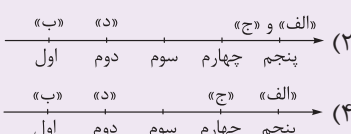
با توجه به مراحل پژوهش در جغرافیا، کدام تصویر منطبق با موارد زیر، ترسیم شده است؟ (سؤال ۱۴۴ کنکور انسانی ۱۴۰۴ - نوبت دوم)

(الف) تغییر در شیوه کشت و مدیریت صحیح منابع، در جلوگیری از گسترش ریزگردها مؤثر است.

(ب) چرا در استان‌های زاگرسی کشور ما، پدیده ریزگردها، تشکیل شده و افزایش یافته است؟

(ج) تداوم خشکسالی در سال‌های اخیر، علت وقوع ریزگردها در استان‌های زاگرسی محسوب می‌شود.

(د) به نظر می‌رسد وقوع ریزگردهای منطقه مورد مطالعه (در استان‌های زاگرسی)، در تابستان تشدید شود.



اگر ایالت در تقسیم‌بندی کشوری در دوره قاجار را معادل استان امروزی در نظر بگیریم، به ترتیب «بلوک» و «قصبه» معادل کدام تقسیمات کشوری امروزه در نظر گرفته می‌شوند؟

- (۱) دهستان - روستا
(۲) بخش - دهستان
(۳) شهر - بخش
(۴) شهرستان - بخش

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۸

درس Box

برای اداره بهتر کشور، عرضه خدمات مناسب‌تر و تأمین نیازهای مردم آن را به واحدهای کوچک‌تری تقسیم می‌کنند. این تقسیمات، مناسب با موقعیت و زمان تغییر می‌یابد.

در دوره صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه عناصر اصلی تقسیمات کشوری به ترتیب عبارت بودند از: ایالت، ولایت، بلوک و قصبه. اگر ایالت را معادل استان امروزی در نظر بگیریم، ولایت معادل شهرستان، بلوک معادل بخش و قصبه معادل دهستان می‌شود.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

ایران توننه
توشه ای برای موفقیت

با توجه به شکل زیر و ویژگی‌های رودهای ایران کدام گزینه عبارت درستی را بیان می‌کند؟



۱) با توجه به وجود رشته‌کوه زاگرس در غرب کشور و جهت آن، میزان بارندگی و پراکندگی رودها در منطقه «الف» بیشتر از «ب» می‌باشد.

۲) آبدهی رودهای منطقه «ب» در طول سال به طور ثابت و با میانگین کم ثبت می‌شود و بیشتر این رودها به صورت فصلی می‌باشند.

۳) آبدهی رودهای منطقه «الف» هم‌زمان با شروع بارش‌ها در بالاترین نرخ خود قرار دارد و بیشترین حجم آب در اواخر پاییز محاسبه می‌شود.

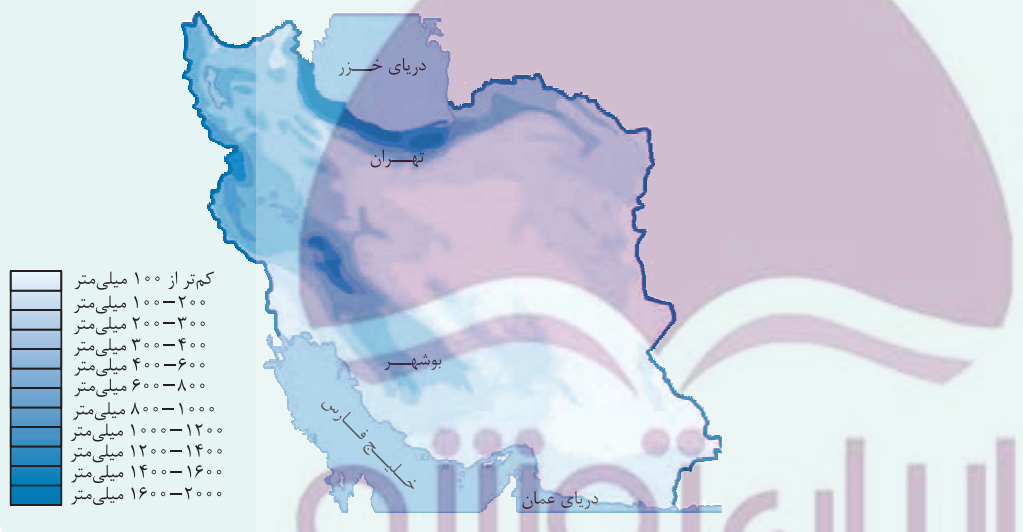
۴) رودهای منطقه «الف» برخلاف «ب» به دلیل ورود توده‌های هوا در فصول سرد سال از جهت غرب کشور اغلب به صورت فصلی و اتفاقی می‌باشند.

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۶

درس Box

با توجه به نقشه میانگین بارندگی سالانه کشور، مناطق غربی کشور بیشتر از مناطق شرقی دارای بارندگی هستند و با توجه به ناهمواری‌ها (رشته‌کوه‌ها) و جهت آن‌ها هر چه از شرق به سمت غرب کشور برویم مقدار آب رودها بیشتر می‌شود.



پاسخ خیلی تشریحی ✓

با توجه به وجود رشته‌کوه زاگرس و جهت آن در مناطق غربی کشور و تغییر حرکت توده‌های هوا توسط این ناهمواری‌ها مناطق غربی ایران بارندگی در این نواحی بیشتر رخ داده و رودهای بیشتری وجود دارد؛ پس مقدار آب رودها در منطقه «الف» بیشتر از «ب» می‌باشد.

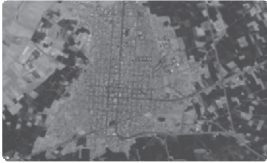
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: مقدار آب رودهای مناطق نسبتاً خشک «ب» در سال‌های مختلف متفاوت می‌باشد.

گزینه ۳: در ایران بیشتر بارش‌ها اواخر پاییز تا اوایل بهار است و هر چه به پایان این دوره نزدیک‌تر می‌شویم مقدار آب رودها بیشتر می‌شود.

گزینه ۴: رودهای غرب کشور به دلیل این‌که از کوهستان‌های بلند و برف‌گیر تغذیه می‌شوند دائمی هستند.

کدام عبارت در مورد شکل داده شده درست است؟



۱) شهر همدان است که دارای یک مرکز اصلی بوده و خیابان‌ها و شبکه‌های مهم از آن مرکز به صورت شعاعی منشعب شده‌اند.

۲) شهر سلماس است که دارای یک مرکز اصلی بوده و خیابان‌ها و شبکه‌های مهم از آن مرکز به صورت شعاعی منشعب شده‌اند.

۳) شهر همدان است که در آن یک شبکه مستطیل شکل از راه‌های ارتباطی، زمین‌های شهر را به بلوک‌ها و قطعات همسان تقسیم می‌کند.

۴) شهر سلماس است که در آن یک شبکه مستطیل شکل از راه‌های ارتباطی، زمین‌های شهر را به بلوک‌ها و قطعات همسان تقسیم می‌کند.

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۹

درس Box

• سکونتگاه‌های شهری هم شکل‌های گوناگون دارند. شهرها با توجه به چگونگی پیدایش و کارکردهای مختلف خود، شکل‌های متفاوت دارند.

• **شهر شعاعی (ستاره‌ای):** در این نوع از شهرها، شهر دارای یک مرکز اصلی (میدان) بوده و خیابان‌ها و شبکه‌های مهم از آن مرکز به صورت شعاعی منشعب می‌شوند و سایر فضاها، اطراف آن شکل می‌گیرند؛ مانند همدان.

• **شهر شطرنجی:** در این شهرها، یک شبکه مستطیل شکل از راه‌های ارتباطی، زمین‌های شهر را به بلوک‌ها و قطعات همسان تقسیم می‌کند؛ مانند سلماس.

• **شهرهای خطی:** شهری است که حول محورهای ارتباطی (ریلی و جاده‌ای) و یا در امتداد رود، دریا و دریاچه به صورت خطی شکل گرفته است؛ مانند بوشهر.

شهر سلماس دارای شکل شطرنجی است. در این شهر، یک شبکه مستطیل شکل از راه‌های ارتباطی، زمین‌های شهر را به بلوک‌ها و قطعات همسان تقسیم می‌کند.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

ایران توننده
توشه‌ای برای موفقیت

کدام موارد در ارتباط با موقعیت مطلق به درستی بیان شده است؟

- الف) قرارگرفتن ایران در جنوب منطقه معتدله نیمکره شمالی
ب) محل قرارگرفتن هر مکان نسبت به پدیده های انسانی و طبیعی پیرامونش
ج) تنوع آب و هوا در ایران در نتیجه گستردگی کشور در عرض های جغرافیایی
د) قرارگرفتن ایران در شرق کشور عراق
ه) مؤثر در نوع تولیدات کشاورزی، محیط زیست و پیشرفت کشور

۱) «الف» - «ج» - «د»

۲) «الف» - «د» - «ه»

۳) «الف» - «ج» - «ه»

۴) «ب» - «د» - «ه»

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۳

درس Box

موقعیت جغرافیایی: موقعیت ریاضی یا مطلق: محل دقیق هر پدیده یا مکان با توجه به طول و عرض جغرافیایی
موقعیت نسبی: محل قرارگیری هر مکان نسبت به پدیده های طبیعی یا انسانی پیرامون خود

موارد «الف»، «ج» و «ه» ← موقعیت مطلق (ریاضی)

موارد «ب» و «د» ← موقعیت نسبی

پاسخ خیلی تشریحی ✓

نکته

موقعیت مطلق (ریاضی): ایران در عرض جغرافیایی ۲۵ تا ۴۰ درجه در جنوب منطقه معتدله نیمکره شمالی و هم چنین در ۴۴ تا ۶۳ درجه طول شرقی واقع شده است. گستردگی کشور ما در این عرض ها به تنوع آب و هوا در آن منجر شده است. این تنوع آب و هوایی در نوع تولیدات کشاورزی، محیط زیست و در نهایت پیشرفت کشور ما مؤثر است.

ایران توننه
توشه ای برای موفقیت

کدام گزینه در ارتباط با نقش سکونتگاه‌ها درست است؟

- الف) نقش هر سکونتگاه براساس وضع جغرافیایی آن، اعم از طبیعی یا انسانی تعیین می‌شود.
 ب) امروزه، اغلب سکونتگاه‌ها چند نقش دارند، ولی مهم‌ترین نقش آن در نظر گرفته می‌شود.
 ج) نقش سکونتگاه‌ها در چهره و سیمای آن‌ها منعکس می‌شود.
 د) نقش سکونتگاه در طول زمان تغییر چندانی نمی‌کند و بعضاً تکامل یا توسعه نمی‌یابد.

۱) «الف» - «ج»

۲) «ب» - «د»

۳) «الف» - «د»

۴) «ب» - «ج»

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۹

پاسخ خیلی تشریحی ✓

نقش هر سکونتگاه براساس وضع جغرافیایی آن، اعم از طبیعی یا انسانی تعیین می‌شود «الف» و این نقش در چهره و سیمای آن‌ها منعکس می‌شود. (ج)

بررسی موارد نادرست:

ب) امروزه، اغلب سکونتگاه‌ها چند نقش دارند. و این نقش‌ها را با هم ایفا می‌کنند.

د) ممکن است نقش سکونتگاه در طول زمان تغییر کند یا تکامل و توسعه یابد.

ایران توننده
توشه‌ای برای موفقیت

با توجه به ارتباط اقسام دانش و قسمت‌های مختلف اندیشه، برای معلوم‌ساختن کدام گزینه نیازمند به کار بردن

تعریف هستیم؟

(۱) گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز

(۲) بر این مرده تا چند خواهی گریست؟

(۳) ما را همه شب نمیبرد خواب

(۴) کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها؟

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۱

درس Box

بخش‌های اصلی	تفکر، راه رسیدن به علم است.	
- آگاهی و درکی که نسبت به یک مفهوم داریم. - به واقعیت داشتن یا نداشتن یا ارتباط آن با سایر امور کاری نداریم. (۱) تصور = تصور = مفهوم = معنا = صورت ذهنی = ادراک ساده بدون حکم - تصور همان تصویر نیست.		
- برقراری ارتباط میان تصورها - قابلیت صدق (تطابق با عالم خارج) و کذب (عدم تطابق با عالم خارج) را دارد. - حکم و قضاوت دارد. = قضیه - در آن‌ها اوصافی را به چیزی نسبت می‌دهیم یا از آن سلب می‌کنیم. (۲) تصدیق = جمله خبری کامل و معنادار، تصدیق است.	علم = دانش	تفکر و علم
- هر جمله‌ای تصدیق نیست. ← جملات - استفهامی ← امر و نهی - آرزو ← تصدیق نیست. - تعجب		
- در آن روش صحیح تعریف کردن بیان می‌شود تا از تعریف اشتباه پرهیز کنیم. (۱) تعریف با «چیستی» در ارتباط است. ← جملاتی که با «چیست» پایان می‌پذیرند، تعریف هستند. - از آن‌جا که تفکر راه رسیدن به علم است، تعریف با کدام بخش علم ارتباط دارد؟ تصور	تفکر = موضوع منطق	
- در آن روش صحیح استدلال کردن بیان می‌شود تا از استدلال اشتباه پرهیز کنیم. (۲) استدلال با «چرایی» در ارتباط است. ← جملاتی که با «چرا» آغاز می‌شود، استدلال هستند. - از آن‌جا که تفکر راه رسیدن به علم است، استدلال با کدام بخش علم ارتباط دارد؟ تصدیق - اغلب تبلیغات، استدلال هستند.		

پاسخ خیلی تشریحی ✓ دقت کنید که برای معلوم‌ساختن تصورات مجهول، نیازمند تعریف هستیم و برای معلوم‌ساختن تصدیق‌های مجهول، باید از

استدلال بهره ببریم.

در گزینه (۲)، با یک استفهام انکاری روبه‌رو هستیم، پس ابتدا باید آن را ساده کنیم. جمله اصلی مطرح‌شده در گزینه (۲)، «نباید بر این مرده، انقدر گریه کنی» است که به حالت استفهام انکاری بیان شده، اما دقت کنید که جمله ساده‌شده هم، امری است و تصور محسوب می‌شود و برای معلوم‌شدن نیازمند تعریف است.

اشتباهی که امکان دارد بکنید، این است که فکر کنید هر جا استفهام انکاری داشته باشیم، با جمله خبری روبه‌رو هستیم و حتماً تصدیق داریم؛ در حالی که در برخی اوقات، امکان دارد استفهام انکاری پس از ساده‌شدن تبدیل به جمله خبری نشود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): جمله مرتب‌شده گزینه (۱)، از این قرار است که: «ز مهرورزان رسم وفا بیاموز» را گفتم، پس جمله خبری است و تصدیق محسوب می‌شود.

گزینه (۳): جمله خبری، کامل و معنادار است و تصدیق محسوب می‌شود.

گزینه (۴): استفهام انکاری است که پس از ساده‌شدن می‌شود: «سبکباران ساحل‌ها، حال ما را نمی‌دانی» که یک جمله خبری کامل است و تصدیق محسوب می‌شود.

در کدام گزینه مغالطه بیان شده، نادرست است؟

- (۱) سعیده و راضیه با هم به دبیرستان می‌رفتند. (اشتراک لفظ)
- (۲) از دستت خیلی ناراحتم! - از کدام دستم؟ (توسل به معنای ظاهری)
- (۳) مسعود استعداد لازم برای رفتن به رشته انسانی را ندارد. (شیوه نگارش کلمات)
- (۴) راننده‌ای به پیچی رسید. خم شد و آن را برداشت. (فاقد مغالطه)

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✓

در عبارت گزینه (۳)، هیچ نوع مغالطه‌ای وجود ندارد.
گزینه (۱): «با هم» به معنای همراه هم، هم‌زمان (اشتراک لفظ).
گزینه (۲): دلالت مطابقی به جای دلالت التزامی (توسل به معنای ظاهری).
گزینه (۴): «پیچ» اشتراک لفظ دارد، اما به خاطر عبارت «خم شد و آن را برداشت» احتمال مغالطه از بین رفته است؛ چون معنا واضح می‌شود.

دقت کنید که هر اشتراک لفظی مغالطه نیست. اگر اشتراک لفظ ما را در فهم معنای جمله دچار اشتباه کند، مغالطه محسوب می‌شود.



ایران توننه
توشه‌ای برای موفقیت

اگر قضایای «بعضی الف ب است.» و «بعضی الف ب نیست.» صادق باشد، کدام قضایا با توجه به رابطه میان «الف» و «غیر

ب» قطعاً کاذب است؟

(ج) هیچ الف غیر ب نیست.

(د) بعضی الف غیر ب نیست.

(ه) بعضی غیر ب الف نیست.

(و) هر غیر ب الف است.

(۲) د - ه

(۱) ج - ه

(۴) ج - و

(۳) د - و

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۳

پاسخ خیلی تشریحی ✓

وقتی قضایای «بعضی الف ب است.» و «بعضی الف ب نیست.» صادق است، میان «الف» و «ب» می‌توان دو نسبت را متصور بود، یکی

عموم و خصوص من وجه و یکی عموم و خصوص مطلق، در صورتی که «الف» مفهوم عام باشد.

اگر «الف» و «ب» عموم و خصوص من وجه باشند، رابطه «الف» و «غیر ب» هم عموم و خصوص من وجه می‌شود.

اگر هم رابطه «الف» و «ب» عموم خصوص مطلق باشد، رابطه «الف» و «غیر ب»، عموم و خصوص من وجه می‌شود.

پس در هر دو صورت، رابطه میان «الف» و «غیر ب» عموم و خصوص من وجه است که چهار قضیه صادق میان آن‌ها برقرار است:

(۱) بعضی الف غیر ب است.

(۲) بعضی الف غیر ب نیست.

(۳) بعضی غیر ب الف است.

(۴) بعضی غیر ب الف نیست.

ایران تونل
توشه ای برای موفقیت

در کدام گزینه هر دو قسمت، شامل تعریف‌هایی با اشکال یکسان می‌باشد؟

- (۱) قیاس: نوعی استدلال - علت: آن چه به معلول وجود می‌دهد.
- (۲) بیضی: شکلی که فاقد زاویه است. - بوته هندوانه: جسم نامی
- (۳) جوهر: آن چه دارای بُعد است. - مابعدالطبیعه: نوعی دانش استدلالی
- (۴) مربع: مستطیلی با اضلاع برابر - شکل: کمیت متصل دارای ضلع و زاویه

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۴

درس Box



چند نکته مهم درباره شرایط «جامع بودن» و «مانع بودن» تعریف:

مثال	ویژگی	جامع و مانع
- انسان: حیوان ناطق است. - جیوه: فلزی است که در دمای طبیعی مایع است.	- تعریف درست، همین تعریف است. - این تعریف جامع افراد است و مانع اغیار می‌باشد. - رابطه مفهوم مجهول با تعریف، «تساوی» است.	هم جامع باشد و هم مانع باشد.
- انسان: حیوان است. - مربع: شکل چهارضلعی است.	- این تعریف از چیزی که باید باشد، عام‌تر و بزرگ‌تر است؛ چون غیر از مصادیق مفهوم مجهول، چیزهای دیگر را هم در بر می‌گیرد. - به این نوع تعریف، تعریف به اعم می‌گویند. - وقتی تعریف به اعم است. ← مفهوم مجهول اخص است. - رابطه مفهوم مجهول با تعریف، عموم و خصوص مطلق است.	تعریفی که جامع باشد، اما مانع نباشد.
- مثلاً: شکلی با سه ضلع برابر است. - ماهی: مهره‌داری که دارای آبشش است.	- این تعریف از چیزی که باید باشد، خاص‌تر و کوچک‌تر است؛ چون تمام مصادیق مفهوم مجهول را در بر نمی‌گیرد. - به این نوع تعریف، تعریف به اخص می‌گویند. - وقتی تعریف به اخص است. ← مفهوم مجهول اعم است. - رابطه مفهوم مجهول با تعریف، عموم و خصوص مطلق است.	تعریفی که مانع باشد، اما جامع نباشد.
جامع نیست: مثل انسان قطع نخاع مانع نیست: مثل گوریل، خرس و ...	تعریفی که تمام مصادیق مفهوم مجهول را در بر نمی‌گیرد و غیر از مصادیق مفهوم مجهول را هم در بر می‌گیرد.	نه جامع باشد و نه مانع باشد.
جامع نیست: پنگوئن، شترمرغ مانع نیست: خفاش (پستانداری که پرواز می‌کند).	- در این رابطه مفهوم مجهول با تعریف، یا عموم و خصوص من وجه است یا تباین. - اگر رابطه مفهوم مجهول با تعریف تباین باشد، به آن تعریف، بی‌ربط می‌گویند.	

شرایط
تعریف
صحیح

تعریف یک چیز با استفاده از خودش (تعریف شیء به خود) را دوری می‌گویند.

نباید از خود مفهوم مجهول برای تعریف مفهوم مجهول استفاده کنیم.

یکی از انواع تعریف دوری، تعریف یک مفهوم با متضاد آن است.

فرد: عددی که زوج نباشد.

مثال دوری بودن

دقت: استعدادی نفسانی که به وسیله آن، ذهن مطلبی را به دقت بررسی می‌کند.

- گزینه (۱): مانع نیست (استقرا هم نوعی استدلال است). - دوری است.
- گزینه (۲): مانع نیست (دایره هم فاقد زاویه است). - مانع نیست (تمام گیاهان جسم نامی هستند).
- گزینه (۳): جامع نیست (جوهر می‌تواند دارای بُعد باشد یا دارای بُعد نباشد). - مانع نیست (ریاضی هم دانش استدلالی است).
- گزینه (۴): تعریف درست است و اشکالی ندارد. - جامع نیست (همه اشکال، ضلع و زاویه ندارند).



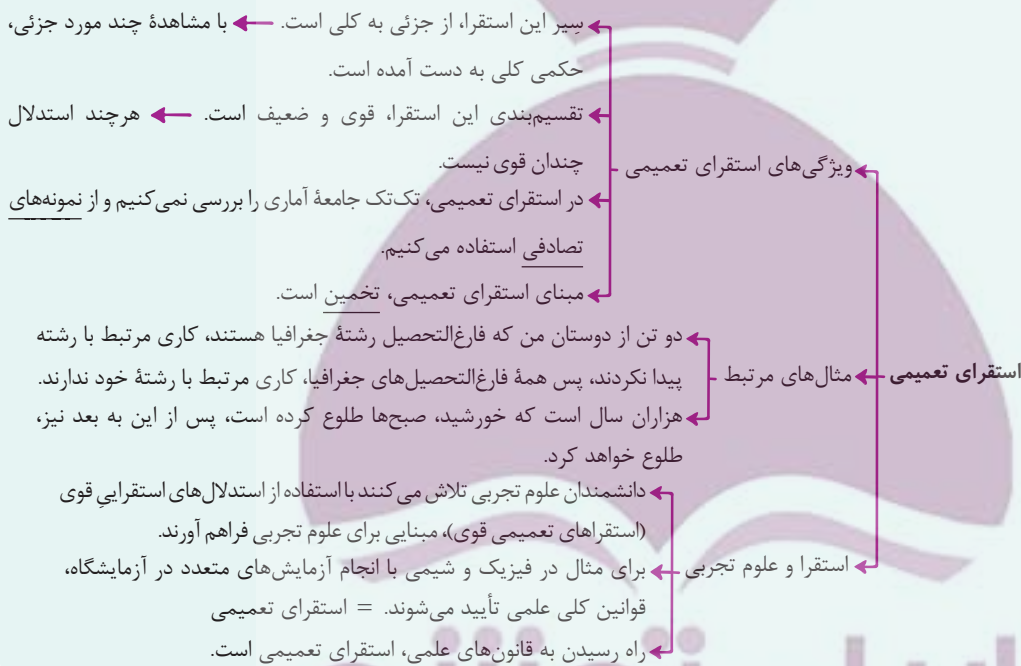
کدام عبارت بیانگر یک استقرای تعمیمی است؟

- (۱) تمام جانوران برای رشد کافی، نیازمند تغذیه مناسب هستند، پس انسان هم باید به برنامه غذایی خود توجه کند.
- (۲) سعید هر بار که برای مأموریت به خارج از کشور می‌رود، شکلات به عنوان سوغاتی می‌آورد، پس حالا هم که به اصفهان رفته، با خود شکلات می‌آورد.
- (۳) تکیه بازار بزرگ تهران، قریب به یک قرن است که در روز عاشورا، دسته عزاداری برپا می‌کند، پس امسال هم در روز عاشورا، این برنامه اجرا می‌شود.
- (۴) در انتخابات ریاست جمهوری که بیش از هفتاد درصد افرادی که می‌توانستند رأی دهند، شرکت کرده بودند، آقای «الف» به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد.

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۵

درس Box



پاسخ خیلی تشریحی ✓

در استقرای تعمیمی، با بررسی چند مورد جزئی، حکمی کلی صادر می‌شود. البته یکی از راه‌های ایجاد استقرای تعمیمی، نتیجه‌گیری از گذشته به آینده است. در گزینه (۳)، با اتکا به تجربیات صد سال گذشته درباره سال جاری، به نتیجه‌ای رسیدیم، پس یک استقرای تعمیمی داریم. بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه (۱): نتیجه‌گیری از کل (تمام جانوران) به جزء (انسان) است که نتیجه قطعی دارد و یک قیاس محسوب می‌شود.
- گزینه (۲): سفر اصفهان را به سفرهای خارجی سعید تشبیه کرده است، پس یک استقرای تمثیلی است.
- گزینه (۴): انتخابات نشان‌دهنده یک نمونه از استقرای تام است که نوعی قیاس محسوب می‌شود.

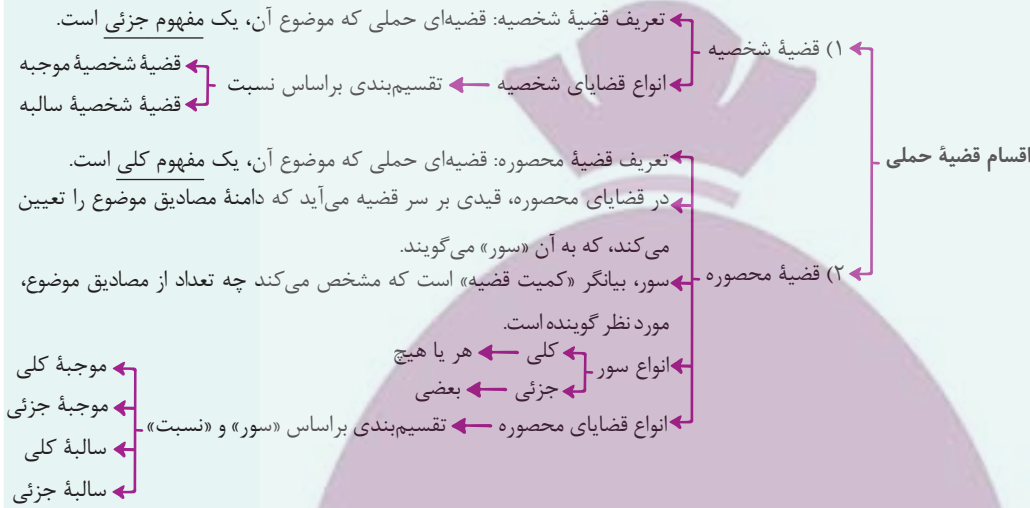
۶۶ کدام قضیه محصوره است؟

- (۱) آمد به سراغم غم روزهای رفته.
- (۲) شنیدم که گفت نشسته بر دل دوباره غم.
- (۳) بی تو مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم.
- (۴) کتاب شعر را هر چه زودتر به من تحویل بده.

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۶

درس Box



✓ پاسخ خیلی تشریحی

استاندارد این عبارت به صورت «غم روزهای رفته، به سراغ من آمده است» می‌باشد. موضوع این قضیه غم روزهای رفته است و چون مفهومی کلی است و سورپذیر، قضیه محصوره می‌باشد و از آن‌جا که قانون نیست، می‌گوییم: «برخی از عصرهای روزهای رفته به سراغ من آمده است».

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): استاندارد شده این عبارت، به صورت «من شنونده این جمله که او گفت که غم دوباره بر دلم نشسته است»، می‌باشد و چون موضوع «من» است، قضیه شخصی است.

گزینه (۳): استاندارد شده این عبارت به صورت «من گذرکننده در شبی مهتابی از آن کوچه بدون حضور تو بودم»، می‌باشد و موضوع «من» است و قضیه شخصی است.

گزینه (۴): یک جمله امری است و قضیه محسوب نمی‌شود.

توشه‌ای برای موفقیت

اگر دو مفهوم «ب» و «ج» با یکدیگر رابطه‌ای داشته باشند که موجب شود عکس مستوی «هیچ ب الف نیست» با نقیض قضیه «بعضی الف ج نیست» از نظر صدق و کذب همواره برابر باشد، نقیض قضیه «بعضی ب ج است» با کدام یک از قضایای زیر همواره هم‌ارز است؟ (هم‌ارز: از نظر صدق و کذب همواره یکسان)

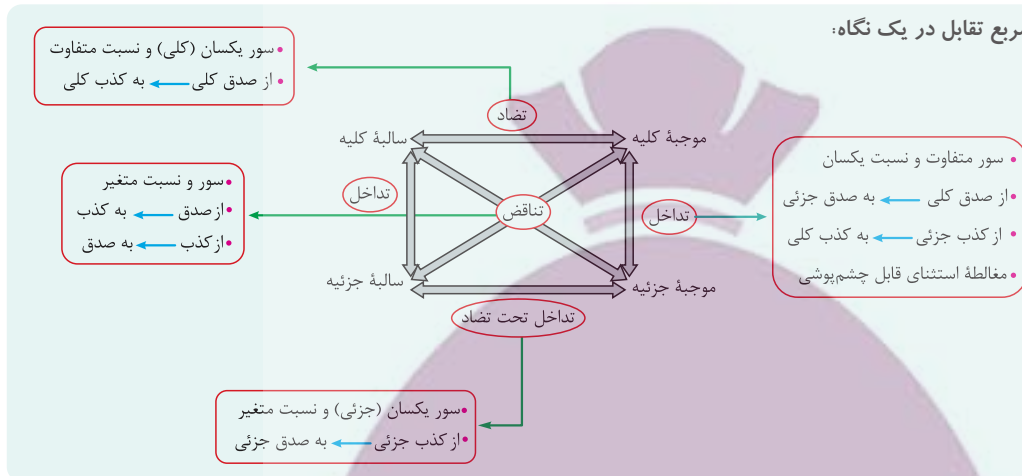
- (۱) هیچ الف ج نیست. (۲) بعضی ج الف است.
(۳) هر ج ب است. (۴) بعضی ب ج نیست.

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۷

درس Box

مربع تقابل در یک نگاه:



پاسخ خیلی تشریحی ✓

عکس مستوی «هیچ ب الف نیست» = «هیچ الف ب نیست» (سالبه کلیه)

نقیض «بعضی الف ج نیست» = «هر الف ج است» (موجبه کلیه)

از آن‌جا که طبق فرض سؤال، این دو قضیه همواره هم‌ارزند، باید «هیچ الف ب نیست» $\equiv$ «هر الف ج است» (هیچ الف، غیر ج نیست). در نتیجه چون «الف» یک مفهوم خاص نیست و هر چیزی می‌تواند باشد: ب = غیر ج (یعنی هر ب غیر ج است (هیچ ب ج نیست) و هر غیر ج ب است).

از طرفی نقیض «بعضی ب ج است» = «هیچ ب ج نیست» با توجه به «ب = غیر ج»: «هیچ غیر ج ج نیست» که یک قضیه همواره صادق است (زیرا هیچ چیزی نمی‌تواند هم ج باشد و هم غیر ج).

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): «هیچ الف ج نیست» $\leftarrow$ چون الف مجهول است، صدق و کذب مبهم خواهد بود.

گزینه (۲): «بعضی ج الف است» $\leftarrow$ چون الف مجهول است، صدق و کذب مبهم خواهد بود.

گزینه (۳): «هر ج ب است» = «هر ج غیر ج است» $\leftarrow$ همواره کاذب

گزینه (۴): «بعضی ج ب نیست» = «بعضی ج غیر ج نیست» = «بعضی ج ج است» $\leftarrow$ همواره صادق

پس گزینه (۴)، با قضیه هدف هم‌ارز است.

حضور مقدمه سالبه جزئیه در قیاس اقترانی معتبر،

- است (۱) فقط در مقدمه اول شکل دوم یا مقدمه دوم شکل سوم ممکن است
امکان ندارد (۲) فقط در مقدمه دوم شکل اول یا مقدمه اول شکل چهارم ممکن
امکان دارد (۳) در شکل دوم، سوم و چهارم ممکن است، ولی در شکل اول
(۴) در یکی از مقدمات هر چهار شکل قیاس، تحت شرایط خاصی

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۸

پاسخ خیلی تشریحی ✓

اگر مقدمه اول قیاس اقترانی، سالبه جزئیه (بعضی ... - ، ... + نیست.) باشد، طبق قانون کیفیت نتیجه، نتیجه نیز سالبه است
(... الف ج + نیست.) و طبق شرط اول اعتبار، مقدمه دوم باید موجه باشد (- است.)، بنابراین محمول نتیجه (ج)،
علامت مثبت دارد و چون محمول نتیجه همیشه از مقدمه دوم است، طبق شرط سوم اعتبار باید در مقدمه دوم هم مثبت بگیرد،
اما مقدمه دوم موجه است و محمول آن علامت منفی دارد، پس «ج» باید در جایگاه موضوع مقدمه دوم باشد (هر ج + ب -
و است.)؛ از طرفی طبق شرط دوم اعتبار، حد وسط (ب) نباید در هر دو مقدمه منفی بگیرد، پس در مقدمه منفی بگیرد، پس در
مقدمه اول، باید در جایگاه محمول باشد (بعضی الف ب نیست.)، پس حد وسط این قیاس، در هر دو مقدمه باید محمول باشد
این قیاس لزوماً از شکل دوم است (رد گزینه ۲).

اگر مقدمه دوم قیاس اقترانی، سالبه جزئیه (بعضی + نیست.) باشد، باز هم طبق قانون کیفیت نتیجه، نتیجه نیز سالبه
است (... الف ج + نیست.) و طبق شرط اول اعتبار، مقدمه اول باید موجه باشد (- است.)، بنابراین محمول نتیجه (ج)،
علامت مثبت دارد و چون محمول نتیجه همیشه از مقدمه دوم است، طبق شرط سوم اعتبار باید در مقدمه دوم هم مثبت بگیرد،
مقدمه دوم سالبه جزئیه است و فقط محمول آن علامت مثبت دارد، پس «ج» باید در جایگاه محمول مقدمه دوم باشد (بعضی
ب - ج + نیست.) از طرفی طبق شرط دوم اعتبار، حد وسط (ب) نباید در هر دو مقدمه منفی بگیرد، پس در مقدمه اول باید در اما
جایگاه محمول نباشد (هر ب + الف - است.) پس حد وسط این قیاس، در هر دو مقدمه باید موضوع باشد و این قیاس لزوماً از
شکل سوم است (رد گزینه ۲)؛ بنابراین حضور مقدمه سالبه جزئیه در قیاس اقترانی معتبر فقط در مقدمه اول شکل دوم یا مقدمه
دوم شکل سوم ممکن است (رد سایر گزینه‌ها).

ایران تونل
توشه ای برای موفقیت

کدام گزینه در رابطه با اقسام قضایای شرطی منفصل، درست است؟

- (۱) اگر مفاهیم «الف» و «ب» با هم رابطه عموم و خصوص مطلق داشته باشند، به گونه‌ای که «ب» مصادیق اختصاصی خود را هم دارد، با نقیض کردن «الف»، می‌توانیم یک قضیه منفصل مانع‌الرفع بسازیم.
- (۲) در حالی که «بعضی الف ب نیست» کاذب باشد و «هیچ الف ب نیست» هم به تبع آن کاذب باشد، می‌توان با استفاده از این دو قضیه، یک قضیه منفصل مانع‌الجمع ساخت.
- (۳) اگر یک قضیه شرطی منفصل مانع‌الرفع داشته باشیم، با نقیض کردن طرفین «یا»، می‌توان به یک قضیه شرطی انفصالی حقیقی دست یافت.
- (۴) میان دو قضیه جزئی با کیفیت‌های متفاوت، می‌توان رابطه انفصالی مانع‌الجمع برقرار کرد.

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۹

درس Box



پاسخ خیلی تشریحی ✓

با توجه به آنچه در گزینه (۱) بیان شده است، میان مفاهیم «الف» و «ب»، رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است، به گونه‌ای که «ب» مفهوم عام و «الف» مفهوم خاص است. اگر در یک رابطه عموم و خصوص مطلق فقط مفهوم خاص را (در این جا «الف» را) نقیض کنیم، می‌توان با مفاهیم «ب» و «غیر الف» قضیه انفصالی مانع‌الرفع ساخت. برای مثال قضیه «این موجود یا حیوان است یا غیر انسان» یک قضیه انفصالی مانع‌الرفع است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): در این گزینه، میان سالبه جزئی و سالبه کلیه، رابطه تداخل برقرار است و با دو قضیه متداخل هیچ قضیه انفصالی نمی‌توان ساخت.

گزینه (۳): اگر یک قضیه شرطی منفصل مانع‌الرفع داشته باشیم، با نقیض کردن طرفین «یا»، می‌توان به یک قضیه شرطی انفصالی مانع‌الجمع دست یافت و اگر یک قضیه شرطی منفصل مانع‌الجمع داشته باشیم، با نقیض کردن طرفین «یا»، می‌توان به یک قضیه شرطی انفصالی مانع‌الرفع دست یافت.

گزینه (۴): با دو قضیه جزئی با کیفیت‌های متفاوت (رابطه تداخل تحت تضاد میان آن‌ها برقرار است)، می‌توان قضیه شرطی انفصالی مانع‌الرفع ساخت.



با توجه به رویکرد سوفسطائیان، اغلب آن‌ها که مشغول به وکالت و تعلیم سخنوری بودند، را دنبال می‌کردند و به استفاده از به جای روی آوردند تا به اهداف خود برسند.

- (۱) غلبه بر دیگران - اسکات خصم - برهان
(۲) غلبه بر دیگران - خطابه - استدلال
(۳) اقناع دیگران - جدل - استدلال
(۴) اقناع دیگران - فن بیان - برهان

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۱۰

پاسخ خیلی تشریحی ✓

دقت کنید که سوفیست‌ها، هدف خود را به جای رسیدن به حقیقت، پیروزی بر رقیب یا همان غلبه بر دیگران قرار دادند. در راستای غلبه بر دیگران باید از فنونی مثل مناظره، جدل یا همان اسکات خصم استفاده کرد و طبیعتاً از برهان که ما را به حقیقت می‌رساند، استفاده نمی‌شود.

نکته

دقت داشته باشید که سوفیست‌ها هم از استدلال استفاده می‌کردند، اما هدف آن‌ها از استدلال کردن غلبه بر دیگران بوده است.



کدام یک از عبارت‌های زیر به ویژگی کارآفرینان اشاره ندارند؟

- (الف) کارآفرینان بینشی برای مشاهده فرصت‌های کسب‌وکار دارند که دیگران از مشاهده آن ناتوان‌اند یا به ذهنشان خطور نمی‌کند.
- (ب) کارآفرین باید بداند که در آغاز کارش ممکن است توانایی مالی لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکارش را نداشته باشد، با این حال می‌تواند کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کند و سپس با تلاش و سرمایه‌گذاری‌های متعدد، نیازهای مالی خود را برطرف سازد.
- (ج) کارآفرین باید بداند که در آغاز کارش ممکن است با موفقیت کم‌تر یا عدم موفقیت روبه‌رو شود.
- (د) کارآفرین باید مهارت‌های ابتکار عمل را داشته باشد تا بتواند با جمع کردن عوامل مختلف در کنار هم، کالا یا خدمتی را تولید کند.
- (ه) کارآفرین کسی است که با نوآوری و خطرپذیری، محصولات جدیدی تولید و عرضه می‌کند یا راه‌های جدیدی برای تولید کشف می‌کند.
- (و) کارآفرین باید اتخاذ تصمیمات مناسب درباره مسائل مانند موقعیت شرکت، پیشنهاد محصول، قیمت‌گذاری و تبلیغات را به متخصصان آن واگذار کند و در این خصوص مداخله‌ای نکند.

(۲) «ب» - «و»

(۱) «الف» - «د»

(۴) «د» - «و»

(۳) «ج» - «ه»

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۱

درس Box

با نوآوری و خطرپذیری، محصولات جدیدی تولید و عرضه می‌کند یا راه‌های جدیدی برای تولید کشف می‌کند.	کارآفرین کسی است که
بینشی برای مشاهده فرصت‌های کسب‌وکار دارد که دیگران از مشاهده آن ناتوان‌اند یا به ذهنشان خطور نمی‌کند.	
شجاعتی برای شروع یک سرمایه‌گذاری جدید دارد که دیگران فاقد آن هستند.	
ایده‌های خود را امیدوارانه به کسب‌وکارهای سودآور تبدیل می‌کند.	
تواند با جمع کردن عوامل مختلف در کنار هم با داشتن مهارت‌های ابتکار عمل، کالا یا خدمتی را تولید کند.	
(کارآفرینی به تلاش و کار زیادی نیاز دارد تا بتواند کسب‌وکار را زنده نگه دارد چراکه کسی که می‌خواهد کارآفرین باشد، باید مهارت‌های ابتکار عمل را داشته باشد تا بتواند با جمع کردن عوامل مختلف در کنار هم، کالا یا خدمتی را تولید کند.)	
آگاهی و دانش زیادی برای اتخاذ تصمیمات مناسب درباره (۱) موقعیت شرکت، (۲) پیشنهاد محصول، (۳) قیمت‌گذاری، (۴) تبلیغات، (۵) استخدام نیروی کار دارد.	
توانایی مالی لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکارش را دارد و می‌داند که در آغاز کارش ممکن است با موفقیت کم‌تر یا عدم موفقیت روبه‌رو شود.	

بررسی عبارت‌های نادرست:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- (ب) کارآفرین باید توانایی مالی لازم را برای راه‌اندازی کسب‌وکارش داشته باشد و بداند که در آغاز کارش ممکن است با موفقیت کم‌تر یا عدم موفقیت روبه‌رو شود.
- (و) کارآفرین لازم است: آگاهی و دانش زیادی برای اتخاذ تصمیمات مناسب درباره موقعیت شرکت، پیشنهاد محصول، قیمت‌گذاری، تبلیغات و استخدام نیروی کار داشته باشد.

۷۲ کدام یک از موارد زیر، تماماً جزء کسب و کارهای شخصی محسوب می شود؟

- (۱) بنگاه معاملات ملکی - وکیل - کشاورز
- (۲) راننده تاکسی اینترنتی - معلم یک مرکز آموزشی - صنعتگران خرد
- (۳) حسابدار شرکت - تعمیرکار خودرو - صنعتگران کلان
- (۴) هنرمند سینما - کارمند یک سازمان دولتی - حسابدار شرکت

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

کسب و کار شخصی:

- کسب و کار شخصی متعلق به یک شخص است. (بسیاری از کسب و کارها در ایران به شکل شخصی است).
 - بیشتر کسب و کارهای شخصی کوچک مقیاس اند و در همه نوع فعالیتی از کشاورزی تا صنعت به ویژه خدمات حضور دارند.
 - نمونه هایی از کسب و کارهای شخصی:
- مشاغل خویش فرمایی مانند تعمیرکاران خودرو و لوازم خانگی / بنگاه های معاملات ملکی / خرده فروشان / کشاورزان / صنعتگران خرد و هنرمندان / زمینه های تخصصی (مانند پزشکی، دندان پزشکی، وکالت و حسابداری)

بررسی سایر گزینه ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- گزینه (۲): راننده تاکسی اینترنتی و معلم یک مرکز آموزشی، کسب و کار شخصی محسوب نمی شوند، به این دلیل که برای مجموعه دیگری کار می کنند.
- گزینه (۳): صنعتگران کلان و حسابدار شرکت (به این دلیل که برای مجموعه دیگری کار می کنند)، کسب و کار شخصی محسوب نمی شوند.
- گزینه (۴): کارمند یک سازمان دولتی و حسابدار شرکت، به این دلیل که برای مجموعه دیگری کار می کنند، کسب و کار شخصی محسوب نمی شوند.

ایران تونل
توشه ای برای موفقیت

مدیرعامل یک شرکت تولیدی، سه پیشنهاد برای تولید محصولات «الف»، «ب» و «ج» دریافت کرده است. مدیر مالی شرکت پس از بررسی هزینه‌ها و درآمدهای پیش‌بینی‌شده، اعلام کرده است که محصول «ج» بیشترین منفعت خالص را برای شرکت ایجاد می‌کند. در تصمیم‌گیری برای انتخاب محصول «ج»، کدام قانون تصمیم‌گیری نقش اصلی را داشته است؟

- (۱) قانون اول: شناسایی منابع کمیاب
(۲) قانون دوم: محاسبه هزینه فرصت
(۳) قانون سوم: ترسیم قید بودجه
(۴) قانون پنجم: مقایسه هزینه‌ها و منافع

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۳

درس Box

قوانین تصمیم‌گیری اقتصادی
قانون اول: منابع خود را شناسایی کنید و بدانید کمیاب‌اند. کلیدواژه‌ها: منابع، عوامل تولید، زمین، نیروی کار، سرمایه، کمیابی سؤال‌ها معمولاً درباره شناسایی امکانات و محدودیت‌های موجود هستند.
قانون دوم: هزینه فرصت را محاسبه کنید. کلیدواژه‌ها: بهترین گزینه بعدی، گزینه ازدست‌رفته، صرف‌نظر کردن از یک انتخاب هزینه فرصت = ارزش بهترین گزینه‌ای که با انتخاب فعلی کنار گذاشته می‌شود.
قانون سوم: قید بودجه را در نظر بگیرید. کلیدواژه‌ها: بودجه محدود، درآمد محدود، مقدار تولید، مقدار خرید، تعداد کالا هرگاه صحبت از تعیین مقدار تولید یا خرید با توجه به منابع مالی محدود باشد، قانون سوم مطرح است.
قانون چهارم: هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید. کلیدواژه‌ها: هزینه پرداخت‌شده، غیر قابل بازگشت، پول ازدست‌رفته هزینه‌ای که دیگر قابل جبران نیست، نباید بر تصمیم فعلی اثر بگذارد.
قانون پنجم: هزینه‌ها و منافع را مقایسه کنید. کلیدواژه‌ها: سود، منفعت خالص، بازدهی، ارزش خرید، مقایسه هزینه و منفعت، هرگاه در سؤال گفته شود گزینه‌ای «به‌صرفه‌تر»، «سودآورتر» یا «دارای منفعت خالص بیشتر» است، معمولاً قانون پنجم مطرح است.

در متن سؤال تأکید شده است که مدیر مالی پس از بررسی هزینه‌ها و درآمدهای پیش‌بینی‌شده، به این نتیجه رسیده که محصول «ج» بیشترین منفعت خالص را ایجاد می‌کند. طبق قانون پنجم، برای تصمیم‌گیری منطقی باید هزینه‌ها و منافع گزینه‌های مختلف با یکدیگر مقایسه شوند و گزینه‌ای انتخاب شود که منفعت بیشتری نسبت به هزینه‌هایش داشته باشد؛ بنابراین عامل اصلی انتخاب محصول «ج»، مقایسه هزینه‌ها و منافع بوده است.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

ایران‌شناس
نوسه‌ای برای موفقیت

کدام گزینه در خصوص مرز امکانات تولید درست است؟

- (۱) تمام انتخاب‌های تولیدکننده را از ابتدا تا انتها بیان می‌کند.
- (۲) حداقل تولید با منابع و امکانات موجود را نشان می‌دهد.
- (۳) به ما نشان می‌دهد از هر کدام از عوامل تولید چه قدر باید استفاده شود.
- (۴) بده - بستان دو گروه از محصولات را نشان می‌دهد.

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۴

پاسخ خیلی تشریحی ✓

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): نادرست؛ مرز امکانات تولید، فقط انتخاب‌های کارا (مؤثر) بر روی منحنی را نشان می‌دهد. انتخاب‌هایی که درون منحنی هستند، ناکارا هستند (مثلاً بیکاری منابع)، ولی بر روی منحنی نیستند. انتخاب‌هایی که بیرون منحنی هستند، با منابع موجود قابل دستیابی نیست و غیرممکن‌اند. پس منحنی مرز امکانات تولید، فقط بخشی از انتخاب‌ها را نشان می‌دهد (انتخاب‌هایی که کارا و امکان‌پذیرند).

گزینه (۲): نادرست؛ مرز امکانات تولید، نشان‌دهنده حداکثر امکان تولید شرکت شما با منابع موجود است.

گزینه (۳): نادرست؛ مرز امکانات تولید، مقدار محصولات نهایی (مثلاً غذا و پوشاک) را نشان می‌دهد، نه این که از نیروی کار، سرمایه، زمین و ... دقیقاً چه قدر باید استفاده شود. منحنی مرز امکانات تولید، ابزار تخصیص منابع در سطح کلان و محصول نهایی است، نه ابزار تعیین مقدار مصرف هر عامل تولید.

گزینه (۴): درست؛ مرز امکانات تولید یکی از الگوهای اقتصادی است که اجازه می‌دهد تا درک بهتری از بده - بستان‌های یک کشور در استفاده از منابع کمیاب پیدا کنید.

کنکور

کدام مورد درباره «مرز امکانات تولید» درست است؟

(سوال ۸۱ کنکور انسانی ۱۴۰۴ - نوبت دوم)

- (۱) بده - بستان دو گروه از محصولات را نشان می‌دهد.
- (۲) حداقل تولید با منابع و امکانات موجود را نشان می‌دهد.
- (۳) تمام انتخاب‌های تولیدکننده را از ابتدا تا انتها بیان می‌کند.
- (۴) به ما نشان می‌دهد از هر کدام از عوامل تولید چه قدر باید استفاده شود.

ایران نوین
توشه‌ای برای موفقیت

در کدام گزینه، تمام موارد ذکرشده به ابزارهای تأمین منابع مالی دولت اشاره دارد؟

- (۱) پرداخت یارانه - فروش اوراق مشارکت - دریافت عوارض گمرکی از واردکنندگان
- (۲) عوارض نوسازی شهرداری‌ها - خرید اوراق مشارکت - استقرار از مردم
- (۳) اضافه‌شدن برخی اصناف به معافیت‌های مالیاتی - خرید اوراق مشارکت - دریافت عوارض گمرکی از واردکنندگان
- (۴) فروش اوراق مشارکت - صادرات نفت به کشورهای همسایه - عوارض نوسازی شهرداری‌ها

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۶

درس Box

منابع مالی دولت برای کالاها و خدمات گوناگونی که ارائه می‌دهد و مسئولیت‌های مختلفی که بر عهده دارد و همچنین ارائه خدمات و کالاهای عمومی، معمولاً و در بیشتر موارد از سه محل تأمین می‌شود:

- (۱) مالیات‌ها (مالیات‌های مستقیم (مانند مالیات بر دارایی و مالیات بر درآمد)، مالیات‌های غیرمستقیم (مانند عوارض گمرکی (مالیات هر کشور بر صادرات و واردات کالاهای مختلف))، عوارض خدماتی (عوارض درج‌شده در قبض‌های شهرداری، عوارض خودرو یا عوارض نوسازی و دفع پسماند)، مالیات بر مصرف و مالیات بر ارزش‌افزوده)
- (۲) فروش دارایی‌های ملی (تجدیدناپذیر) مانند نفت و گاز (صادرات و فروش دارایی‌های ملی)
- (۳) استقرار از مردم و ایجاد بدهی (فروش اوراق مشارکت برای طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری)

فروش اوراق مشارکت، صادرات نفت به کشورهای همسایه، دریافت عوارض گمرکی از واردکنندگان، عوارض نوسازی شهرداری‌ها و استقرار از مردم، همگی از ابزارهای تأمین منابع مالی دولت محسوب می‌شوند. پرداخت یارانه، خرید اوراق مشارکت و اضافه‌شدن برخی اصناف به معافیت‌های مالیاتی، از راه‌های تأمین منابع مالی محسوب نمی‌شوند و برای دولت هزینه‌هایی ایجاد خواهند کرد.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

کدام مورد درباره تأمین مالی دولت، برای ارائه خدمات و کالاهای عمومی، درست است؟

(سؤال ۱۴۹ کنکور انسانی ۱۴۰۳ (فارج از کشور))

- (۱) فروش اوراق مشارکت - ایجاد بدهی - عوارض نوسازی
- (۲) تعرفه‌های گمرکی - خرید اوراق مشارکت - قرض از مردم
- (۳) پرداخت یارانه - فروش دارایی‌های تجدیدناپذیر - تعرفه‌های گمرکی
- (۴) تعرفه‌های گمرکی - فروش دارایی‌های تجدیدناپذیر - خرید اوراق مشارکت

کدام گزینه از جمله عواملی است که در دوران حکومت قاجار آسیب‌های توان‌فرسایی بر اقتصاد ایران وارد کرد؟

- (۱) اجرای برنامه‌هایی موسوم به انقلاب سفید که آخرین صدمه را به کشاورزی و اقتصاد روستایی زد.
- (۲) تعدی حکومت بر موقوفات و مالکیت‌های خصوصی و عمومی
- (۳) بی‌توجهی به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و سیاست‌های رکودی و انقباضی
- (۴) برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری اقتصادی و محدود کردن ورود کالاهای خارجی

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۱۰

دوران حکومت قاجار:

پاسخ خیلی تشریحی ✓



ایران توانمند
توشه‌ای برای موفقیت

جدول زیر، وضعیت تولید یک اقتصاد فرضی با دو کالای A و B را نشان می‌دهد.

الف) تولید اسمی در سال ۹۱ چند تومان است؟

ب) نرخ رشد تولید واقعی در سال ۹۲، چند درصد است؟ (سال ۹۰، به عنوان سال پایه در نظر گرفته می‌شود).

سال	A		B	
	قیمت (به تومان)	مقدار (به کیلو)	قیمت (به تومان)	مقدار (به کیلو)
۹۰	۲۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
۹۱	۲۵۰۰	۱۲۰	۱۵۰۰	۲۴۰
۹۲	۳۰۰۰	۱۳۸	۲۰۰۰	۳۰۰

(۲) الف: ۶۶۰,۰۰۰ تومان ب: ۲۰ درصد

(۱) الف: ۶۶۰,۰۰۰ تومان ب: ۳۰ درصد

(۴) الف: ۴۸۰,۰۰۰ تومان ب: ۳۰ درصد

(۳) الف: ۴۸۰,۰۰۰ تومان ب: ۲۰ درصد

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۱۱

درس Box

فرض کنید در جامعه‌ای تنها دو کالای A و B تولید می‌شود. برای محاسبه تولید کل به قیمت جاری در هر سال (تولید اسمی) و تولید کل به قیمت ثابت در هر سال (تولید واقعی)، فرمول‌های زیر را داریم:

$$\text{تولید کل در سال مورد نظر} = \left(\text{مقدار تولید کالای A} \times \text{قیمت کالای A در همان سال} \right) + \left(\text{مقدار تولید کالای B} \times \text{قیمت کالای B در سال مورد نظر} \right)$$

$$\text{تولید کل در سال مورد نظر} = \left(\text{مقدار تولید کالای A} \times \text{قیمت کالای A در سال پایه} \right) + \left(\text{مقدار تولید کالای B} \times \text{قیمت کالای B در سال مورد نظر} \right)$$

$$\text{نرخ رشد تولید اسمی} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی اسمی سال جاری} - \text{تولید ناخالص داخلی اسمی سال قبل}}{\text{تولید ناخالص داخلی اسمی سال قبل}} \times ۱۰۰$$

$$\text{نرخ رشد تولید واقعی} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی واقعی سال جاری} - \text{تولید ناخالص داخلی واقعی سال قبل}}{\text{تولید ناخالص داخلی واقعی سال قبل}} \times ۱۰۰$$

پاسخ خیلی تشریحی ✓ (الف)

$$\text{تولید اسمی در سال ۹۱} \quad \text{GDP} = (۲۵۰۰ \times ۱۲۰) + (۱۵۰۰ \times ۲۴۰) = ۳۰۰,۰۰۰ + ۳۶۰,۰۰۰ = ۶۶۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

(ب)

$$\text{تولید واقعی در سال ۹۱} \quad \text{GDP} = (۲۰۰۰ \times ۱۲۰) + (۱۰۰۰ \times ۲۴۰) = ۲۴۰,۰۰۰ + ۲۴۰,۰۰۰ = ۴۸۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

$$\text{تولید واقعی در سال ۹۲} \quad \text{GDP} = (۲۰۰۰ \times ۱۳۸) + (۱۰۰۰ \times ۳۰۰) = ۲۷۶,۰۰۰ + ۳۰۰,۰۰۰ = ۵۷۶,۰۰۰ \text{ تومان}$$

$$\text{نرخ رشد تولید واقعی در سال ۹۲} = \frac{۵۷۶,۰۰۰ - ۴۸۰,۰۰۰}{۴۸۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۲۰ \text{ درصد}$$

تولید ناخالص داخلی را برای اقتصادی با دو کالا و قیمت‌های زیر به صورت اسمی و واقعی محاسبه کنید:

(اقتصاد - درس ۱۱، مثال صفحه‌های ۱۲۲ و ۱۲۳ کتاب درسی)

سال	پیتزا		شکلات	
	قیمت (p)	مقدار (q)	قیمت (p)	مقدار (q)
۱۳۹۵	۱۰۰۰۰ تومان	۴۰۰	۲۰۰۰ تومان	۱۰۰۰
۱۳۹۶	۱۱۰۰۰ تومان	۵۰۰	۲۵۰۰ تومان	۱۱۰۰
۱۳۹۷	۱۲۰۰۰ تومان	۶۰۰	۳۰۰۰ تومان	۱۲۰۰

محاسبه GDP اسمی در هر سال:

افزایش

$$\begin{cases} ۱۳۹۵: ۶,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۰۰۰ \times ۲۰۰۰ + ۴۰۰ \times ۱۰,۰۰۰ \\ ۱۳۹۶: ۸,۲۵۰,۰۰۰ = ۱۱۰۰ \times ۲۵۰۰ + ۵۰۰ \times ۱۱,۰۰۰ \\ ۱۳۹۷: ۱۰,۸۰۰,۰۰۰ = ۱۲۰۰ \times ۳۰۰۰ + ۶۰۰ \times ۱۲,۰۰۰ \end{cases} \quad \begin{matrix} ۵/۳۷\% \\ ۹/۳۰\% \end{matrix}$$

محاسبه GDP واقعی در هر سال با استفاده از سال ۱۳۹۵ به عنوان سال پایه:

$$\begin{cases} ۱۳۹۵: ۶,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۰۰۰ \times ۲۰۰۰ + ۴۰۰ \times ۱۰,۰۰۰ \\ ۱۳۹۶: ۷,۲۰۰,۰۰۰ = ۱۱۰۰ \times ۲۰۰۰ + ۵۰۰ \times ۱۰,۰۰۰ \\ ۱۳۹۷: ۸,۴۰۰,۰۰۰ = ۱۲۰۰ \times ۲,۰۰۰ + ۶۰۰ \times ۱۰,۰۰۰ \end{cases} \quad \begin{matrix} ۲۰\% \\ ۷/۱۶\% \end{matrix}$$

ایران تونل
توشه ای برای موفقیت

در کشور فرضی A با بررسی وضعیت توزیع درآمد، مشخص شد که سهم دهک اول از درآمد ملی برابر با ۵ درصد و سهم دهک دهم برابر با ۱۵ درصد است. اگر در کشور B سهم دهک دهم ۲۴ درصد از درآمد ملی باشد، سهم دهک اول حداقل چه قدر باید باشد تا وضعیت توزیع درآمد در این کشور عادلانه تر از کشور A گردد؟

- (۱) بیشتر از ۸ درصد
(۲) کمتر از ۵ درصد
(۳) کمتر از ۸ درصد
(۴) بیشتر از ۱۲ درصد

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۱۱

شاخص دهک‌ها:

درس Box

- یکی از شاخص‌های سنجش وضعیت توزیع درآمد، شاخص دهک‌هاست.
- از شاخص دهک‌ها در برخی گزارش‌های اقتصادی و به منظور نشان دادن پیشرفت‌هایی که در زمینه عدالت اقتصادی روی داده است، استفاده می‌شود.

مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند. در نتیجه خواهیم داشت:	برای محاسبه شاخص دهک‌ها
$\text{سهمیت کشور} = \frac{\text{جمعیت کشور}}{۱۰}$	
در این طبقه‌بندی، سطح درآمد از کم‌ترین به بیشترین مدنظر قرار می‌گیرد.	
گروه اول (دهک اول) که ۱۰ درصد اولیه جمعیت را تشکیل می‌دهند، کم‌ترین درآمد ملی را دارند.	
گروه آخر (دهک دهم)، بیشترین درصد درآمد ملی را دارند.	
سهم دهک‌ها در جدول از سهم دهک اول به سمت دهک دهم، در حال افزایش است. (یا از سمت دهک دهم به سمت دهک اول در حال کاهش است). سهم دهک‌ها می‌تواند مساوی یا هم باشند؛ اما سهم هر دهک از سهم ماقبل خود بزرگ‌تر و از سهم بعدی کوچک‌تر است.	
مجموع سهم تمامی دهک‌ها برابر با ۱۰۰ خواهد بود.	

وضعیت توزیع درآمد:

- برای به دست آوردن شاخصی برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد از نسبت $\frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}}$ استفاده می‌کنند.
- هر چه این نسبت بیشتر باشد، توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب‌تر است و بالعکس هر چه این نسبت کم‌تر باشد، توزیع درآمد در آن جامعه مناسب‌تر است.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

در ابتدا سهم دهک دهم نسبت به دهک اول را محاسبه می‌کنیم (نسبت سهم دهک دهم به دهک اول در کشور A):

$$\text{شاخص دهک‌ها} = \frac{۱۵}{۵} = ۳$$

برای این که وضعیت توزیع درآمد در کشور B عادلانه‌تر از کشور A گردد، باید نسبت سهم دهک دهم نسبت به دهک اول در کشور B کم‌تر از همین شاخص برای کشور A شود.

زیرا با محاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول در کشورهای مختلف شاخصی به دست می‌آید که برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد بین آن‌ها به کار می‌رود.

بدین ترتیب وقتی این شاخص در کشور A برابر با ۳ است، باید در کشور B از ۳ کم‌تر شود.

حال که در کشور B سهم دهک دهم ۲۴ است، اگر این شاخص ۳ باشد، باید سهم دهک اول ۸ شود.

$$\frac{۲۴}{۸} = ۳$$

بنابراین باید سهم دهک اول از ۸ بزرگ‌تر باشد تا این شاخص از ۳ کوچک‌تر شود.

- ۱) در مواقع رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد، بانک مرکزی می‌تواند با اعمال سیاست پولی انقباضی مانند فروش اوراق مشارکت به مردم، به طور مستقیم نقدینگی بیشتری را به جامعه تزریق کند و رونق را به بازار برگرداند.
- ۲) سیاست پولی انبساطی (مانند خرید اوراق مشارکت) در مواقع تورم با کاهش نقدینگی در گردش، موجب ثبات اقتصادی می‌شود.
- ۳) در شرایط تورمی دولت باید میزان عرضه کالاها را افزایش دهد. دولت می‌تواند از طریق افزایش ظرفیت‌های تولیدی میزان عرضه را افزایش دهد، اما از آن‌جا که این روش زمانبر است، دولت ترجیح می‌دهد از طریق افزایش واردات بازار را تنظیم کند.
- ۴) با کاهش نرخ تورم سطح عمومی قیمت‌ها کاهش می‌یابد و به عبارتی دیگر کالاها ارزان‌تر می‌شود.

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۹

علل تورم و نقش دولت:

درس Box

نابرابری عرضه و تقاضای کل در اقتصاد (فزونی تقاضا بر عرضه) ● فرض کنید در بازار خودرو با مازاد تقاضا روبه‌رو هستیم. (تقاضا زیاد، اما خودرو به اندازه تقاضاکنندگان وجود ندارد.) در این حالت تنها عده محدودی از تقاضاکنندگان (آن‌هایی که قیمت بالاتری برای خودرو حاضرند بپردازند) می‌توانند صاحب خودرو شوند. در نتیجه قیمت خودرو افزایش می‌یابد. اگر سایر کالاها نیز مشابه بازار خودرو، افزایش قیمت داشته باشند، کم‌کم سطح عمومی قیمت‌ها در جامعه افزایش و نرخ تورم کل کشور افزایش می‌یابد. ● در این شرایط دولت برای مقابله و کنترل تورم، باید میزان عرضه کالاها را افزایش دهد. روش‌های دولت برای افزایش عرضه کالاها: ۱) ظرفیت‌های تولیدی را افزایش می‌دهد. (این روش زمانبر است.) ۲) از طریق افزایش واردات، بازار را تنظیم کنند. (روش ترجیحی دولت)	علل به وجود آمدن تورم در جامعه
جنگ، سیل یا زلزله ممکن است تولید و عرضه محصولات را کم نماید. نقدینگی ناهماهنگ با تولید (ناهماهنگ بودن افزایش نقدینگی در کشور با افزایش تولید می‌تواند سبب تورم شود.) در این شرایط دولت موظف است تا با کنترل میزان نقدینگی در کشور، تورم را کنترل کند. در کشور ما افزایش درآمدهای نفتی هرچند گاهی به افزایش ظرفیت‌های تولیدی کمک کرده است، اما باعث رشد درآمدهای اقتصادی و رشد حجم نقدینگی در کشور می‌شود که تورم‌زا است. در کشور ما نوسانات نرخ ارز هم می‌تواند اثر منفی بر ارزش پول ملی ما بگذارد و باعث کاهش قدرت خرید پول ملی و در نتیجه تورم شود.	

سیاست‌های پولی:

به سیاست‌هایی که دولت از طریق بانک مرکزی برای «مدیریت حجم نقدینگی» و «حفظ ارزش پول» اعمال می‌کند، «سیاست‌های پولی» می‌گویند.

انواع سیاست‌های پولی	شرایط اخذ این سیاست توسط بانک مرکزی	روش اعمال این سیاست: سیاست بازار باز (فروش یا خرید اوراق مشارکت)
کاهش نقدینگی (حجم پول) در گردش (سیاست پولی انقباضی)	زمانی که اقتصاد کشور دچار تورم می‌شود، برای پیشگیری از افزایش قیمت‌ها یا کاهش سرعت آن	فروش اوراق مشارکت: بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت، به مردم به طور مستقیم از مقدار نقدینگی در دست مردم بکاهد.
افزایش نقدینگی (حجم پول) در گردش (سیاست پولی انبساطی)	در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد.	خرید اوراق مشارکت: بانک مرکزی می‌تواند با خرید اوراق مشارکت در دست مردم به طور مستقیم نقدینگی بیشتری به جامعه تزریق کند.

گزینه (۱): در مواقع رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد، بانک مرکزی می‌تواند با اعمال سیاست پولی انبساطی مانند خرید اوراق مشارکت در دست مردم به طور مستقیم نقدینگی بیشتری را به جامعه تزریق کند و رونق را به بازار برگرداند.

گزینه (۲): سیاست پولی انقباضی (مانند فروش اوراق مشارکت) در مواقع تورم با کاهش نقدینگی در گردش، موجب ثبات اقتصادی می‌شود.

گزینه (۴): گاهی افراد با شنیدن کاهش نرخ تورم به اشتباه انتظار دارند که سطح عمومی قیمت‌ها کاهش یابد و به عبارتی دیگر کالاها ارزان‌تر شده باشد.

کاهش نرخ تورم $\neq$ کاهش سطح عمومی قیمت‌ها (ارزان‌تر شدن اجناس)

کاهش نرخ تورم = کاهش شتاب افزایش قیمت‌ها (قیمت‌ها با شتابی کم‌تر از قبل، افزایش خواهند داشت).



فردی در انتهای سال پس از پرداخت واجبات مالی خود ۲۰ میلیون تومان برایش باقی ماند. او ۲۵ سهم از سهام یک شرکت را خریداری کرد که در پایان سال، قیمت ثانویه هر سهم برابر با ۹۵۰ هزار تومان شد. اگر هزینه‌های سالیانه فرد برابر با ۱/۵ میلیون تومان باشد، پاسخ پرسش‌های زیر، به ترتیب (از راست به چپ) کدام است؟

الف) قیمت اسمی هر سهم چند تومان است؟

ب) سود حاصل از افزایش قیمت سهام برای فرد در کل برابر با چند میلیون تومان است؟

ج) خمس سالیانه او چند تومان است؟

۱) الف) ۸۰۰,۰۰۰ (ب) ۳/۷۵ (ج) ۴۵۰,۰۰۰

۲) الف) ۷۰۰,۰۰۰ (ب) ۳/۷۵ (ج) ۵۰۰,۰۰۰

۳) الف) ۸۰۰,۰۰۰ (ب) ۳/۲۵ (ج) ۵۰۰,۰۰۰

۴) الف) ۷۰۰,۰۰۰ (ب) ۳/۲۵ (ج) ۴۵۰,۰۰۰

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبدا: درس‌های ۱۲ و ۱۴

درس Box

فرمول‌های مهم محاسبه قیمت اسمی و ثانویه سهام:

$$\text{ارزش کل سهام خریداری شده توسط فرد} = \frac{\text{ارزش اسمی (قیمت اولیه) هر سهم}}{\text{تعداد سهام خریداری شده}}$$

$$\text{ارزش کل سهام فروخته شده توسط فرد} = \frac{\text{ارزش بازاری (قیمت ثانویه) هر سهم}}{\text{تعداد سهام فروخته شده}}$$

$$\text{تعداد سهام خریداری شده توسط فرد} \times (\text{ارزش اسمی هر سهم} - \text{ارزش ثانویه هر سهم}) = \text{سود دریافتی فرد}$$

$$\left(\begin{array}{l} \text{اقلام مصرفی که خریده ولی} \\ \text{از آن استفاده نکرده است} \end{array} + \begin{array}{l} \text{مبلغی که برای فرد پس از کسر مخارج} \\ \text{در پایان سال باقی مانده است} \end{array} \right) \times \frac{1}{5} = \text{خمس پرداختی}$$

پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف)

$$\text{تومان } ۸۰۰,۰۰۰ = \frac{۲۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۵} = \frac{\text{میزان سرمایه اولیه فرد}}{\text{تعداد سهام خریداری شده}} = \text{ارزش اسمی هر سهم}$$

ب)

$$\text{تعداد سهام خریداری شده توسط فرد} \times (\text{ارزش اسمی هر سهم} - \text{ارزش ثانویه هر سهم}) = \text{سود دریافتی فرد}$$

$$\text{میلیون تومان } ۳/۷۵ = \text{تومان } ۳,۷۵۰,۰۰۰ = (۹۵۰,۰۰۰ - ۸۰۰,۰۰۰) \times ۲۵$$

$$\text{ج) میزان سود فرد در پایان سال برابر با } ۳,۷۵۰,۰۰۰ \text{ تومان است که پس از کسر مخارج سالانه (} ۱,۵۰۰,۰۰۰ \text{ تومان)، به آن}$$

خمس تعلق می‌گیرد و در نتیجه خواهیم داشت:

$$\text{تومان } ۴۵۰,۰۰۰ = ۲,۲۵۰,۰۰۰ \times \frac{1}{5} = (۳,۷۵۰,۰۰۰ - ۱,۵۰۰,۰۰۰) \times \frac{1}{5} = \text{میزان خمس پرداختی}$$

پایه یازدهم

نام درس	طراحان به ترتیب حروف الفبا
ریاضی و آمار (۲)	علی شهرابی - امیرحسین قانع - محمد یگانه
زبان و ادبیات فارسی (۲)	علی شجاع - بهنام کیانی شاهوندی - یعقوب کیانی - حسینعلی موسی زاده
علوم اجتماعی (۲)	کاظم داوری - محمدابراهیم مازنی
روانشناسی	مهدی جاهدی - امیرحسین حبیبزاده - علی رضائی - نگار کاتبی
عربی، زبان قرآن (۲)	آریا ذوقی - زهرا فرزانه - موسی کاظم غلامی - خالد مشیرپناهی
تاریخ (۲)	حبیبه محبی
جغرافیا (۲)	سعید بهروزی فر - علیرضا حسن طهرانی - الهام میرزایی
فلسفه (۱)	علی اکبر آخوندی

نام درس	مستقل درس	گزینشگر	مؤلف پاسخ نامه	کارشناسان علمی	ویراستاران به ترتیب حروف الفبا
ریاضی و آمار (۲)	علی شهرابی	علی شهرابی	علی شهرابی	میثم حصارکی	عادل حسینی منصور زرکش اصفهانی ماهان فنی فر مریم نظری
زبان و ادبیات فارسی (۲)	بهنام کیانی شاهوندی	بهنام کیانی شاهوندی	بهنام کیانی شاهوندی	طاهره موسی زاده	محمد روحانی مریم عبدی مژده میرزایی
علوم اجتماعی (۲)	محمدابراهیم مازنی	محمدابراهیم مازنی	محمدابراهیم مازنی	سید هانی رکن الدینی مژده طالب	سعید ستوده مهر علی سلوکی حبیبه محبی
روانشناسی	سیمین زاهدی	سیمین زاهدی	سیمین زاهدی	مهدی پارچه باف	یاسمین آشینه مهدی جاهدی محمد رضا حیاتی محمد رضا شریفی
عربی، زبان قرآن (۲)	موسی کاظم غلامی	موسی کاظم غلامی	آریا ذوقی	سمیه جغتایی محمد مهدی خادم	سمانه رحمانی محمد مهدی عسگرآبادی زهرا فارسی
تاریخ (۲)	حبیبه محبی	حبیبه محبی	حبیبه محبی	علی آقاجانپور	سعید بهروزی فر کیان کیانی دوست واقع بهروز یحیی
جغرافیا (۲)	علیرضا حسن طهرانی	علیرضا حسن طهرانی	علیرضا حسن طهرانی	حبیبه محبی	سعید بهروزی فر حبیبه محبی بهروز یحیی
فلسفه (۱)	علی اکبر آخوندی	علی اکبر آخوندی	علی اکبر آخوندی	علی آقاجانپور	علی سلوکی

مدیر تألیف آزمون: دکتر فاطمه آقاجانپور

ریاضی و آمار یازدهم

۸۱

 اگر گزاره $(p \Leftrightarrow q) \Rightarrow (\sim p \vee r)$ نادرست باشد، ارزش کدام گزاره با ارزش r یکسان است؟

$$r \Leftrightarrow (p \Rightarrow q) \quad (۲)$$

$$q \Rightarrow (r \vee p) \quad (۱)$$

$$r \vee p \vee \sim q \quad (۴)$$

$$\sim q \Leftrightarrow r \quad (۳)$$

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: فصل ۱ - درس ۱

درس Box

جدول زیر ارزش ترکیب دو گزاره در ۴ حالت اصلی را نشان می‌دهد:

p	q	$p \wedge q$	$p \vee q$	$p \Rightarrow q$	$p \Leftrightarrow q$
T	T	T	T	T	T
T	F	F	T	F	F
F	T	F	T	T	F
F	F	F	F	T	T

(دوشرطی) (شرطی) (فصلی) (عطفی)

 گام اول: گزاره شرطی $(p \Leftrightarrow q) \Rightarrow (\sim p \vee r)$ فقط زمانی نادرست است که مقدم $(p \Leftrightarrow q)$ درست و تالی $(\sim p \vee r)$ نادرست باشد، پس:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

$$\sim p \vee r \equiv F \xrightarrow{\text{پس}} \begin{cases} p \equiv T \\ r \equiv F \end{cases}$$

تالی نادرست است:

$$p \Leftrightarrow q \equiv T \xrightarrow{\text{پس}} q \equiv T$$

مقدم درست است:

 گام دوم: دنبال گزاره‌ای هستیم که ارزشش با r یکسان باشد (یعنی نادرست باشد). همه گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

$$(۱) \quad q \Rightarrow (r \vee p) \equiv T \Rightarrow (F \vee T) \equiv T \Rightarrow T \equiv T \quad \times$$

$$(۲) \quad r \Leftrightarrow (p \Rightarrow q) \equiv F \Leftrightarrow (T \Rightarrow T) \equiv F \Leftrightarrow T \equiv F \quad \checkmark$$

$$(۳) \quad \sim q \Leftrightarrow r \equiv F \Leftrightarrow F \equiv T \quad \times$$

$$(۴) \quad r \vee p \vee \sim q \equiv F \vee T \vee F \equiv T \quad \times$$

 ایران تونش
توشه‌ای برای موفقیت

گزاره $(q \Rightarrow \sim p) \wedge (p \vee q)$ با کدام گزاره زیر هم‌ارز است؟

- (۱) $\sim q \Leftrightarrow p$
 (۲) $q \Rightarrow p$
 (۳) $\sim p \Leftrightarrow \sim q$
 (۴) $p \Leftrightarrow (q \Rightarrow p)$

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: فصل ۱ - درس ۱

درسی Box

قوانین مهم جبر گزاره‌ها که باید آن‌ها را بلد باشیم را در جدول زیر آورده‌ایم:

اسم قانون	فرم ریاضی
۱ جابه‌جایی	$p \vee q \equiv q \vee p$ $p \wedge q \equiv q \wedge p$
۲ شرکت‌پذیری	$p \vee (q \vee r) \equiv (p \vee q) \vee r$ $p \wedge (q \wedge r) \equiv (p \wedge q) \wedge r$
۳ پخش‌ی	$p \vee (q \wedge r) \equiv (p \vee q) \wedge (p \vee r)$ $p \wedge (q \vee r) \equiv (p \wedge q) \vee (p \wedge r)$
۴ دمورگان	$\sim (p \vee q) \equiv \sim p \wedge \sim q$ $\sim (p \wedge q) \equiv \sim p \vee \sim q$
۵ جذب	$p \vee (p \wedge q) \equiv p$ $p \wedge (p \vee q) \equiv p$
۶ تبدیل شرطی به فصلی	$p \Rightarrow q \equiv \sim p \vee q$
۷ تبدیل دوشروطی به شرطی	$p \Leftrightarrow q \equiv (p \Rightarrow q) \wedge (q \Rightarrow p)$
۸ عکس نقیض گزاره شرطی	$p \Rightarrow q \equiv \sim q \Rightarrow \sim p$

پاسخ خیلی تشریحی ✓

 گام اول: گزاره فصلی $p \vee q$ با گزاره شرطی $\sim p \Rightarrow q$ هم‌ارز است:

$$(q \Rightarrow \sim p) \wedge (p \vee q) \equiv (q \Rightarrow \sim p) \wedge (\sim p \Rightarrow q)$$

گام دوم: گزاره به‌دست‌آمده را به صورت یک گزاره دوشروطی می‌نویسیم:

$$q \Leftrightarrow \sim p$$

گام سوم: در گزاره دوشروطی، حق داریم به جای هر دو گزاره، نقیض‌شان را بنویسیم:

$$q \Leftrightarrow \sim p \equiv \sim q \Leftrightarrow p$$

ایران توننه

توشه‌ای برای موفقیت

کدام گزینه قیاس استثنایی را نشان می‌دهد؟

$$((p \Rightarrow q) \vee q) \Rightarrow p \quad (۲)$$

$$((p \Rightarrow q) \vee p) \Rightarrow q \quad (۱)$$

$$((\sim p \vee q) \wedge q) \Rightarrow p \quad (۴)$$

$$((\sim p \vee q) \wedge p) \Rightarrow q \quad (۳)$$

پاسخ: گزینه (۳)

زیرمبحث: فصل ۱ - درس ۲

درس Box

ارزش	مثال	قیافه ریاضی	فرم ریاضی	قیافه فارسی	اسم استدلال
همواره درست	مقدمه ۱: اگر باران ببارد، آن‌گاه بازی انجام نمی‌شود. مقدمه ۲: باران بارید. نتیجه: بازی انجام نمی‌شود.	$p \Rightarrow q$ p $\therefore q$	$[(p \Rightarrow q) \wedge p] \Rightarrow q$	مقدمه ۱: اگر p آن‌گاه q مقدمه ۲: p نتیجه: q	قیاس استثنایی
می‌تواند درست یا نادرست باشد	مقدمه ۱: اگر باران ببارد، آن‌گاه بازی انجام نمی‌شود. مقدمه ۲: بازی انجام نشد. نتیجه: باران بارید.	$p \Rightarrow q$ q $\therefore p$	$[(p \Rightarrow q) \wedge q] \Rightarrow p$	مقدمه ۱: اگر p آن‌گاه q مقدمه ۲: q نتیجه: p	مغالطه

 در گزینه (۳)، اگر جای $p \vee q \sim$ بنویسیم $p \Rightarrow q$ ، به فرم کلی قیاس استثنایی می‌رسیم:

$$((\sim p \vee q) \wedge p) \Rightarrow q \equiv ((p \Rightarrow q) \wedge p) \Rightarrow q$$

پاسخ خیلی تشریحی ✓

ایران توننه
توشه ای برای موفقیت

اگر تابع $f(x) = a[x - 2] + 3[x]$ تابعی ثابت باشد، حاصل $f(a) - a$ کدام است؟

۴) -۹

۳) ۹

۲) -۳

۱) ۳

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: فصل ۲ - درس‌های ۱ و ۲

درس Box

تابع ثابت:

تعریف: تابعی را که برد آن فقط یک عضو دارد، تابع ثابت می‌نامیم.

نمایش‌های مختلف تابع ثابت:

مثال	ویژگی در تابع ثابت	نمایش تابع
$\{(1, 4), (2, 4), (-7, 4)\}$	مؤلفه دوم تمام زوج‌مرتب‌ها یکسان است.	زوج مرتبی
	تمام پیکان‌ها به یک عدد وارد می‌شود.	پیکانی
	روی یک خط افقی قرار دارد.	نموداری
$f(x) = 3$ یا $f(x) = \frac{-5}{4}$	$f(x) = c$	ضابطه‌ای

گام اول: عدد صحیح از داخل جزء صحیح بیرون می‌آید:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

$$f(x) = a \underbrace{[x - 2]}_{[x] - 2} + 3[x] = a[x] - 2a + 3[x]$$

 گام دوم: بین دو جمله $a[x]$ و $3[x]$ از $[x]$ فاکتور می‌گیریم:

$$f(x) = [x](a + 3) - 2a$$

 گام سوم: برای آن که f ثابت باشد، باید ضریب $[x]$ صفر باشد:

$$a + 3 = 0 \Rightarrow a = -3$$

 گام چهارم: ضابطه f به شکل $f(x) = -2a$ شد که با جای‌گذاری $a = -3$ به صورت $f(x) = 6$ می‌شود.

گام پنجم: خواسته سؤال را محاسبه می‌کنیم:

$$f(a) - a = 6 - (-3) = 9$$

۸۵ اگر $f(x) = \begin{cases} 2[x] - \text{sign}(x) & [x] \geq \text{sign}(x) \\ [x]^2 + \text{sign}(x) & [x] < \text{sign}(x) \end{cases}$ باشد، حاصل $2f(-\sqrt{2}) + f(\pi - 2)$ کدام است؟

۷ (۴)

۶ (۳)

۵ (۲)

۸ (۱)

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: فصل ۲ - درس ۲

درس Box

در مورد تابع علامت یا همان sign باید موارد زیر را بلد باشید:

دامنه و برد	نمودار	ضابطه
$D = \mathbb{R}$ $R = \{-1, 0, 1\}$		$\text{sign}(x) = \begin{cases} 1 & x > 0 \\ 0 & x = 0 \\ -1 & x < 0 \end{cases}$

ستون سمت راست را می‌توانیم به صورت زیر هم بیان کنیم:

$$\text{sign}(\text{عدد مثبت}) = 1$$

$$\text{sign}(\text{صفر}) = 0$$

$$\text{sign}(\text{عدد منفی}) = -1$$

$$[-\sqrt{2}] = [-1/4] = -2$$

گام اول: به ازای $x = -\sqrt{2}$ ، معادل $[x]$ و $\text{sign}(x)$ را حساب می‌کنیم:

$$\text{sign}(-\sqrt{2}) = -1$$

چون $\text{sign}(x)$ بزرگ‌تر از $[x]$ شد، پس خروجی $f(-\sqrt{2})$ از ضابطه پایین است:

$$f(x) = [x]^2 + \text{sign}(x) \Rightarrow f(-\sqrt{2}) = (-2)^2 + (-1) = 4 - 1 = 3$$

گام دوم: به ازای $x = \pi - 2$ ، حاصل $[x]$ و $\text{sign}(x)$ را حساب می‌کنیم:

$$[\pi - 2] = [3/14 - 2] = [1/14] = 1$$

$$\text{sign}(\pi - 2) = \text{sign}(1/14) = 1$$

چون $\text{sign}(x)$ با $[x]$ برابر شد، پس خروجی $f(\pi - 2)$ از ضابطه بالا است:

$$f(x) = 2[x] - \text{sign}(x) \Rightarrow f(\pi - 2) = 2(1) - 1 = 2 - 1 = 1$$

گام سوم: خواسته سؤال:

$$2f(-\sqrt{2}) + f(\pi - 2) = 2(3) + 1 = 6 + 1 = 7$$

اگر $f(x) = \begin{cases} |x| \text{sign}(-x) & [x] \geq 0 \\ 2 - \text{sign}(-x) & [x] < 0 \end{cases}$ باشد، حاصل $f(\frac{1}{3}) + f(-\frac{1}{3})$ کدام است؟

(سؤال ۴ کنکور انسانی ۱۴۰۳ - نوبت اول)

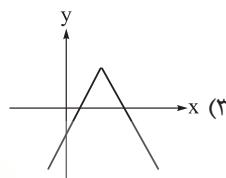
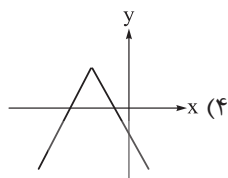
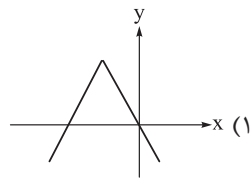
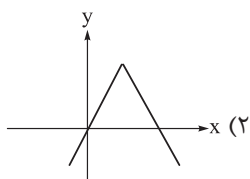
$$\frac{1}{3} (۴)$$

$$-\frac{5}{6} (۳)$$

$$-\frac{1}{4} (۲)$$

$$\frac{1}{2} (۱)$$

نمودار تابع $y = 1 - |2x - 1|$ کدام است؟ **۸۶**



پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: فصل ۲ - درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✓

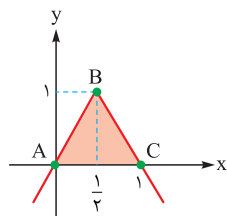
گام اول: ریشه عبارت داخل قدرمطلق را حساب می‌کنیم:

$$2x - 1 = 0 \Rightarrow 2x = 1 \Rightarrow x = \frac{1}{2}$$

گام دوم: به ازای $x = \frac{1}{2}$ ، یک عدد قبل و یک عدد بعد از آن، مقدار تابع $y = 1 - |2x - 1|$ را به دست می‌آوریم:

x	۰	$\frac{1}{2}$	۱
y	۰	۱	۰
نقطه	(۰, ۰) A	($\frac{1}{2}$, ۱) B	(۱, ۰) C

گام سوم: نقاط A، B و C را روی دستگاه مختصات مشخص کرده و به هم وصل می‌کنیم:



ایران توننه
توشه ای برای موفقیت

توابع $f = \{(-1, 4), (0, 1), (2, 4), (3, -1)\}$ و $g = \{(-1, 3), (2, 1), (1, 0), (0, 2)\}$ مفروض اند. بُرد تابع $\frac{f}{g}$ شامل

چند عدد طبیعی است؟

صفر (۱)

یک (۲)

دو (۳)

سه (۴)

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: فصل ۲ - درس ۳

درس Box

۱) اعمال جبری روی توابع و دامنه آن:

چهار عمل اصلی روی توابع به صورت زیر تعریف می شود:

اسم عمل	نماد	تعریف ریاضی	دامنه
جمع دو تابع	$f + g$	$(f + g)(x) = f(x) + g(x)$	$D_f \cap D_g$
تفریق دو تابع	$f - g$	$(f - g)(x) = f(x) - g(x)$	$D_f \cap D_g$
ضرب دو تابع	fg	$(fg)(x) = f(x) \cdot g(x)$	$D_f \cap D_g$
تقسیم دو تابع	$\frac{f}{g}$	$(\frac{f}{g})(x) = \frac{f(x)}{g(x)}$	$D_f \cap D_g - \{x \mid g(x) = 0\}$

۲) اعمال جبری روی نمایش زوج مرتبی:

فرض کنید توابع f و g به صورت زیر هستند و ما تابع $f + g$ را می خواهیم:

$$f = \{(1, 4), (-2, 7), (6, -3)\}$$

$$g = \{(0, 1), (1, 3), (6, 0)\}$$

$$D_{f+g} = D_f \cap D_g = \{1, 6\}$$

ابتدا دامنه های مشترک (مؤلفه های اول یکسان) دو تابع را پیدا می کنیم:

$$f + g = \{(1, \quad), (6, \quad)\}$$

پس قیافه تابع $f + g$ به صورت روبه رو است:

برای پر کردن لایه های زوج مرتب های تابع $f + g$ ، باید به ازای هر x مقدار $f(x) + g(x)$ را حساب کنیم.

مثلاً برای $(1, ?)$ ، باید $f(1) + g(1)$ را حساب کرد که با توجه به زوج مرتب f و g و $(1, 3) \in g$ و $(1, 4) \in f$ ، برابر با 7 می شود.

$$f(1) + g(1) = 4 + 3 = 7$$

$$f + g = \{(1, 7), (6, -3)\}$$

$$f(1) + g(1) = 4 + 3 = 7$$

پاسخ خیلی تشریحی ✓ گام اول: دامنه تابع $\frac{f}{g}$ را به دست می آوریم:

$$D_{\frac{f}{g}} = D_f \cap D_g - \{x \mid g(x) = 0\} = \{-1, 0, 2\} - \{0\} = \{-1, 2\}$$

گام دوم: مقدار تابع $\frac{f}{g}$ را به ازای x های عضو دامنه اش حساب می کنیم:

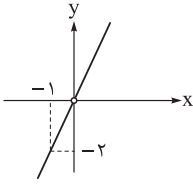
$$\left(\frac{f}{g}\right)(-1) = \frac{f(-1)}{g(-1)} = \frac{4}{3}$$

$$\left(\frac{f}{g}\right)(0) = \frac{f(0)}{g(0)} = \frac{1}{2}$$

$$\left(\frac{f}{g}\right)(2) = \frac{f(2)}{g(2)} = \frac{4}{1} = 4$$

گام سوم: بُرد $\frac{f}{g}$ مجموعه $\{\frac{4}{3}, \frac{1}{2}, 4\}$ است که فقط شامل یک عدد طبیعی است.

اگر $f(x) = 3x^2$ و نمودار تابع $(\frac{f}{g})(x)$ مطابق شکل زیر باشد، مقدار $g(4)$ کدام است؟



۴ (۱)

۶ (۲)

۸ (۳)

۱۰ (۴)

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: فصل ۲ - درس ۳

پاسخ خیلی تشریحی ✓

$A(0,0)$ و $B(-1,-2)$

گام اول: از خط رسم شده، دو نقطه اش را داریم:

تذکر: درسته که نقطه $(0,0)$ تو خالی است، ولی اگر این خط کامل بود، این نقطه روی آن قرار داشت.

گام دوم: شیب خط را به دست می آوریم:

$$m = \frac{y_B - y_A}{x_B - x_A} = \frac{-2 - 0}{-1 - 0} = \frac{-2}{-1} = 2$$

معادله خط به شکل $y = 2x + h$ شد.

نقطه $(0,0)$ روی آن است، پس:

$$0 = 0 + h \Rightarrow h = 0$$

معادله کامل شد:

$$\underbrace{y = 2x}_{\frac{f}{g} \text{ ضابطه}}$$

گام سوم: با داشتن ضابطه $\frac{f}{g}$ و f ، ضابطه g را پیدا می کنیم:

$$\left(\frac{f}{g}\right)(x) = \frac{f(x)}{g(x)} \Rightarrow 2x = \frac{3x^2}{g(x)} \xrightarrow[\text{به } x]{\text{ساده کردن}} 2 = \frac{3x}{g(x)} \xrightarrow[\text{وسطین}]{\text{طرفین}} 2g(x) = 3x \Rightarrow g(x) = \frac{3x}{2}$$

گام چهارم: خواسته سؤال:

$$g(4) = \frac{3 \times 4}{2} = 6$$

در یک منطقه، جمعیت شاغل از ۳ برابر جمعیت بیکار، ۱۶۰۰ نفر بیشتر است. اگر نرخ بیکاری ۱۷ درصد باشد، جمعیت فعال کدام است؟

۸۰۰۰ (۴)

۴۰۰۰ (۳)

۶۰۰۰ (۲)

۵۰۰۰ (۱)

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: فصل ۳ - درس ۱

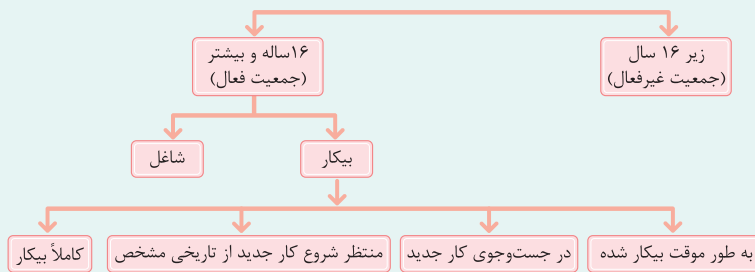
درس Box

۱) جمعیت بیکار + جمعیت شاغل = جمعیت فعال

 ۲) $\frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} = \text{درصد نرخ بیکاری}$

شاخص بیکاری:

در مبحث شاخص نرخ بیکاری، دسته‌بندی انسان‌ها به صورت زیر است:



سه تا فرمول داریم:

۱	جمعیت بیکار + جمعیت شاغل = جمعیت فعال (فقط برای افراد ۱۶ ساله و بیشتر)
۲	$\frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت بیکار} + \text{جمعیت شاغل}} = \text{نرخ بیکاری}$
۳	$\frac{\text{درصد بیکار}}{۱۰۰} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}}$

 گام اول: جمعیت بیکار را x می‌گیریم.

 جمعیت شاغل از ۳ برابر جمعیت بیکار، ۱۶۰۰ نفر بیشتر است، یعنی $۳x + ۱۶۰۰$ نفر هستند.

گام دوم: جمعیت فعال را حساب می‌کنیم:

$$\text{جمعیت فعال} = \underbrace{\text{جمعیت بیکار}}_x + \underbrace{\text{جمعیت شاغل}}_{۳x + ۱۶۰۰} = ۴x + ۱۶۰۰$$

گام سوم: نرخ بیکاری ۱۷ درصد است، پس:

$$\frac{\text{درصد نرخ بیکاری}}{\text{جمعیت فعال}} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \Rightarrow \frac{۱۷}{۱۰۰} = \frac{x}{۴x + ۱۶۰۰} \xrightarrow{\text{طرفین وسطین}} ۱۰۰x = ۶۸x + ۱۷ \times ۱۶۰۰ \Rightarrow$$

$$۳۲x = ۱۷ \times ۱۶۰۰ \Rightarrow x = \frac{۱۷ \times ۱۶۰۰}{۳۲} = ۸۵۰$$

گام چهارم: جمعیت فعال برابر است با:

$$۴x + ۱۶۰۰ = \underbrace{۴ \times ۸۵۰}_{۳۴۰۰} + ۱۶۰۰ = ۵۰۰۰$$

پاسخ خیلی تشریحی ✓

قیمت دو کالای A و B به ازای هر عدد در سال ۱۴۰۰ (سال پایه) برابر ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ تومان و در سال ۱۴۰۵ این قیمت‌ها به ۲۰۰۰ و ۵۰۰۰ تومان رسیده است. اگر مقادیر مصرفی این دو کالا به ترتیب ۴۰۰ و ۳۰۰ عدد باشد. مقدار تورم این دو کالا در سال ۱۴۰۵ نسبت به سال ۱۴۰۰ چند درصد است؟

۲۶۰ (۴)

۲۳۰ (۳)

۱۶۰ (۲)

۱۳۰ (۱)

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: فصل ۳ - درس ۱

درس Box

شاخص بهای دو کالا از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$100 \times \frac{(\text{قیمت جدید کالای ۲} \times \text{مقدار اولیه کالای ۲}) + (\text{قیمت جدید کالای ۱} \times \text{مقدار اولیه کالای ۱})}{(\text{قیمت اولیه کالای ۲} \times \text{مقدار اولیه کالای ۲}) + (\text{قیمت اولیه کالای ۱} \times \text{مقدار اولیه کالای ۱})} = \text{شاخص بهای دو کالا}$$

شاخص بهای کالا:

۱	شاخص بهای کالا	$\frac{\text{قیمت جدید}}{\text{قیمت اولیه}} = \frac{\text{شاخص جدید}}{\text{شاخص اولیه}}$
۲	شاخص بهای دو کالا	$100 \times \frac{(\text{قیمت جدید کالای ۲} \times \text{مقدار اولیه کالای ۲}) + (\text{قیمت جدید کالای ۱} \times \text{مقدار اولیه کالای ۱})}{(\text{قیمت اولیه کالای ۲} \times \text{مقدار اولیه کالای ۲}) + (\text{قیمت اولیه کالای ۱} \times \text{مقدار اولیه کالای ۱})} = \text{شاخص بهای دو کالا}$
۳	شاخص بهای دو یا چند کالا	$\frac{\text{کل قیمت کالاها در سال جدید}}{\text{کل قیمت کالاها در سال اول پایه}} = \text{شاخص بهای دو یا چند کالا}$

تذکر: در مورد ۲ و ۳، مقدار اولیه کالا (هم در صورت و هم در مخرج) مهم است.

گام اول: اطلاعات سؤال را در فرمول مربوطه جای‌گذاری می‌کنیم:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

$$\text{شاخص بهای دو کالای A و B} = \frac{(\overbrace{\text{قیمت جدید B}}^{5000} \times \overbrace{\text{مقدار اولیه B}}^{300}) + (\overbrace{\text{قیمت جدید A}}^{2000} \times \overbrace{\text{مقدار اولیه A}}^{400})}{(\overbrace{\text{قیمت اولیه B}}^{2000} \times \overbrace{\text{مقدار اولیه B}}^{300}) + (\overbrace{\text{قیمت اولیه A}}^{1000} \times \overbrace{\text{مقدار اولیه A}}^{400})} \times 100 =$$

$$\frac{800000 + 1500000}{400000 + 600000} \times 100 = \frac{2300000}{1000000} \times 100 = \frac{23}{1} \times 100 = 230$$

گام دوم: درصد تورم برابر است با:

$$\text{درصد تورم} = \frac{\text{شاخص اولیه} - \text{شاخص جدید}}{\text{شاخص اولیه}} \times 100 = \frac{230 - 100}{100} \times 100 = 130$$

تذکر: چون شاخص سال پایه داده نشده بود، آن را ۱۰۰ می‌گیریم.

توضیحات مقابل کدام گزینه به شخصیت ذکر شده، مربوط نیست؟

- ۱) خواجهی کرمانی: غزل‌های او بر حافظ تأثیرگذار بوده است و چند مثنوی به تقلید از پنج‌گنج نظامی سروده است.
- ۲) ابن یمین: شاعر عصر سربداران و مردی دهقان پیشه بود که قدرت شاعری خود را در قطعات اخلاقی‌اش آشکار کرد.
- ۳) سلمان ساوجی: در غزل به سعدی و مولوی توجه خاصی داشته است و دارای قصایدی در سبک خراسانی است.
- ۴) حمدالله مستوفی: موضوع کتاب او، تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران است.

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۱

درس Box

معرفی شاعران و نویسندگان قرن هشتم هجری	
نام	آثار و توضیحات
خواجهی کرمانی	- از غزل‌پردازان برجسته این دوره که غزل‌های او بر حافظ نیز تأثیرگذار بوده است. - چند مثنوی به تقلید از «پنج‌گنج نظامی» سروده که نشان‌دهنده استادی او در شاعری است. - شعر او در مجموع، کمال‌یافته و پخته است.
ابن یمین	- شاعر عصر سربداران و مردی دهقان پیشه بود. - قدرت شاعری خود را در قطعات اخلاقی‌اش آشکار کرد. - در شعر خود قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا را مورد تأکید قرار می‌دهد.
حافظ شیرازی	- از شاعران سرآمد قرن ۸ که با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رساند. - لحن سخن او گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی است. - در غزل او فرهنگ گذشته ایران با همه کمال ایرانی - اسلامی خود رخ می‌نماید و شعرش به قول خود او «همه بیت‌الغزل معرفت» است.
سلمان ساوجی	- در غزل به «سعدی» و «مولوی» توجه خاصی داشته است. - دارای قصایدی در «سبک عراقی» است. - مثنوی «جمشید و خورشید» او به شیوه داستان‌های «نظامی» سروده شده است.
عبید زاکانی	- شاعری خوش‌ذوق و آگاه که نکته‌یابی‌های ظریف اجتماعی او معروف است. - ناملایمات اوضاع آشفته روزگار خود را برنمی‌تافت و تزویر و ریاکاری حاکمان را به تصویر می‌کشید. - در منظومه «موش و گربه» ناهنجاری‌های اجتماعی را به شیوه طنز و تمثیل بیان کرده است. - طنزهای ماندگار او به نثر: رساله دلگشا، اخلاق‌الاشراف و صد پند
حمدالله مستوفی	- از مورخان مشهور ایران و نویسنده کتاب «تاریخ گزیده» است. - موضوع تاریخ گزیده: تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران تا ۷۳۰ هـ. ق.

پاسخ خیلی تشریحی ✓ قصاید سلمان ساوجی در سبک عراقی سروده شده‌اند.

کدام مورد بیانگر ویژگی‌های «فکری» نثر در قرن‌های «هفتم، هشتم و نهم» است؟

- (۱) مقام معشوق اندک‌اندک متعالی می‌گردد تا آن‌جا که گاه با معبود یکی می‌شود.
- (۲) از بین رفتن تعمق و تفکر در اندیشه‌ی ادیبان و جایگزین‌شدن صنایع ادبی و مصنوع‌ساختن متون ادبی
- (۳) تضعیف تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان به دلیل نبودن استادان بزرگ و از بین رفتن مراکز علمی
- (۴) توجه بیشتر به امور اخروی و رواج بیشتر تصوف و برخی اندیشه‌ها از جمله بی‌اعتباری دنیا

مشاوره در پاسخ‌گویی به سؤالات سبک‌شناسی، به تفکیک ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری از یکدیگر توجه ویژه داشته باشید. وقتی صحبت از ویژگی‌های فکری در نثر می‌شود، باید به نگرش و دیدگاه نویسنده نسبت به موضوع و نیز آموزه‌های فکری و فلسفی مطرح‌شده در خلال متن توجه کرد.

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۴

درس‌Box

مهم‌ترین ویژگی‌های فکری نثر در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم

- (۱) به علت کشتن یا متواری‌ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها، از صحت و اتقان مطالب کاسته شد و ضعف و انحطاط فکری این دوره را فراگرفت.
- (۲) به علت نبودن استادان بزرگ و از بین رفتن مراکز علمی، تحقیق و تتبع هم‌چنین در بین علما و ادیبان تضعیف شد.
- (۳) مدعیان عرفان هم که به اقتضای زمانه با مغولان کنار آمده بودند، اندک‌اندک اصالت خود را از دست دادند و به درسی‌کردن عرفان و شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه‌دادن مفاهیم آن پرداختند. در نتیجه، در این دوره، کتاب عرفانی مهمی به نثر نوشته نشد.

پاسخ خبلی تشریحی

گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) مربوط به ویژگی فکری شعر است و فقط گزینه (۳) از ویژگی‌های فکری نثر در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی) است: با سیطره‌ی تیموریان بر ایران، فضلا و استادان بزرگ کشته و یا متواری شدند و با از بین رفتن مراکز علمی، تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان تضعیف شد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): ویژگی فکری شعر در سبک عراقی

گزینه (۲): ویژگی ادبی نثر در سبک عراقی

گزینه (۴): ویژگی فکری شعر در سبک عراقی

در همه ابیات، ویژگی‌های «ادبی» شعر سبک هندی یافت می‌شود، به جز

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (۱) خارخار عشق را پوشیده نتوان داشتن | خار در پیراهن از نشوونما دارد بهار |
| (۲) صاحب‌دلی نماند در این فصل نوبهار | آلا که عاشق گل و مجروح خار اوست |
| (۳) آن‌چنان کز رفتن گل، خار می‌ماند به‌جا | از جوانی حسرت بسیار می‌ماند به‌جا |
| (۴) نیست دلگیر آسمان از گریه‌های تلخ ما | خون ناحق، گل به دامن می‌کند قصاب را |

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس‌های ۷ و ۱۰



بیت‌های گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) از صائب تبریزی (قرن ۱۱ ه.ق.) شاعر سبک هندی است. بیت گزینه (۲) از سعدی است و در سبک عراقی سروده شده است.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

در گزینه (۱) آرایه اسلوب معادله و در گزینه (۳) آرایه تمثیل که از آرایه‌های پرکاربرد در سبک هندی است وجود دارد و در گزینه (۴) حس آمیزی و اسلوب معادله که در سبک هندی بسیار رواج دارد به کار گرفته شده است، اما در گزینه (۲) آرایه‌ای که در سبک هندی پرکاربرد باشد وجود ندارد.



در شعر برخی از شاعران شاخص سبک هندی، استفاده از آرایه‌های ادبی از جمله تشبیه بسیار رواج دارد. تلمیح نیز در مضمون‌سازی نقش فعالی دارد (البته تلمیحات رایج نه تلمیحات غریب و نادر). حسن تعلیل، حس آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله نیز از دیگر آرایه‌های پرکاربرد این سبک‌اند.

در آرایه‌های آورده‌شده زیر کدام گزینه نادرستی وجود دارد؟

- ۱) ز چنگ غمت هر دمی ناله من
(مجاز، تشبیه، استعاره مکنیه)
- ۲) زندان دل ما همه چاه زنج اوست
(تشبیه، تشخیص، استعاره مصرحه)
- ۳) جانم شده گمراه و به دل مانده خیالی
(استعاره مکنیه، مجاز، استعاره مصرحه)
- ۴) بلای عشق عظیم است لابلای را
(کنایه، تشخیص، تشبیه)

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس‌های ۳، ۶، ۹ و ۱۲

درس Box

مجاز: هرگاه یک واژه در معنای غیرحقیقی یا مجازی خود به کار رود، آرایه «مجاز» ساخته می‌شود.

مثال

سراسر همه دشت بریان شدند
بر آن چهر خندانش گریان شدند
«دشت» مجاز از مردم دشت

تشبیه: ادعای همانندی میان دو چیز را تشبیه می‌گویند. هر تشبیه از چهار رکن مشبه، مشبه‌به، وجه شبه و ادات تشبیه ساخته می‌شود که دو رکن اول آن اصلی هستند و نمی‌توانند از جمله حذف شوند.

مثال

گفتم به گوشه‌ای بنشینم چو عاقلان
دیوانه‌ام کند چو پری‌وار بگذرد
در این بیت دو تشبیه موجود است: [من] چو عاقلان به گوشه‌ای بنشینم، [او] پری‌وار بگذرد
استعاره: هر گاه از یک تشبیه، یکی از ارکان اصلی حذف شود، استعاره پدید می‌آید. استعاره به دو گونه است:

۱) استعاره مصرحه یا آشکار: هنگامی با آن مواجهیم که از تشبیه ما رکن مشبه حذف شده و رکن مشبه‌به باقی مانده باشد.

مثال

سهی سرو او گشت همچون کمان
نه آن بود کان شاه را بدگمان
«سرو» استعاره از قد است.

۲) استعاره مکنیه یا پنهان: هنگامی با آن مواجهیم که از تشبیه ما رکن مشبه‌به حذف شده و رکن مشبه باقی مانده باشد.

مثال

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دل‌افروز خوش است
«گل» به انسانی مانند شده که چهره دارد؛ پس «چهره گل» استعاره مکنیه است.

هر کجا آرایه تشخیص داشته باشیم، حتماً استعاره مکنیه هم داریم، اما اگر مشبه‌به حذف‌شده ما غیرانسان باشد، فقط استعاره مکنیه داریم.

نکته

کنایه: عبارتی است که یک معنای دور و یک معنای نزدیک دارد و منظور گوینده معنای دور آن است.

مثال

گفتم دری ز خلق ببندم به روی خویش
در دیست در دلم که ز دیوار بگذرد
«در به روی خویش بستن» به معنی «از دیگران دوری گزیدن» است نه این‌که واقعاً دری بسته شود.

- گزینه (۱): مجاز: «دم» مجاز از لحظه/ تشبیه: ناله من چو آواز چنگ‌نواز برآید/ استعاره مکنیه: چنگ غم
- گزینه (۲): تشبیه: چاه زرخ، چاه زرخ او زندان دل ماست/ تشخیص: دل‌های گریزنده/ استعاره مصرحه: چاه در مصراع دوم استعاره از زرخ (چانه)
- گزینه (۳): استعاره مکنیه: جانم شده گمراه/ مجاز: صد مجاز از مقدار زیاد/ استعاره مصرحه: سرو استعاره از معشوق
- گزینه (۴): کنایه: دل به چیزی نهادن کنایه از «دلبسته و درگیر چیزی شدن»/ تشخیص: ندارد./ تشبیه: بلای عشق

مشاوره در سؤالاتی که از شما تعداد تشبیه پرسیده می‌شود، باید حواستان به تمام انواع تشبیه باشد: تشبیه گسترده، تشبیه فشرده اضافی، تشبیه فشرده غیراضافی و تشبیه درون‌واژه‌ای.

بیشترین آرایه تشبیه در کدام بیت مشهود است؟

(۱) قدم خمیده شد چو کمان تا که دیده دید
(۲) بر رخ ساقی پری‌پیکر
(۳) می‌خور ز دست آن‌که بنفشه است و شکر است
(۴) من نه آن بلبل زارم که پس از بار فراق

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۳

انواع تشبیه:

درس Box

تشبیه گسترده: به تشبیهاتی که دست‌کم سه رکن تشبیه در آن‌ها آمده باشد، «تشبیه گسترده» می‌گویند.

مثال

چو غنچه گرت بسته بودی دهن دریده ندیدی چو گل پیرهن

تشبیه فشرده: وقتی تنها دو رکن مشبه و مشبه‌به آمده باشد، به آن «تشبیه فشرده» می‌گویند. تشبیه فشرده بر دو گونه است:

الف) تشبیه فشرده اسنادی:

هرگاه تشبیه در قالب یک جمله اسنادی (مشبه + مشبه‌به + فعل اسنادی) آمده باشد، به آن «تشبیه فشرده اسنادی» می‌گویند، مانند تشبیهات مشخص شده در بیت زیر:

زلف او دام است و خالش دانه آن دام و من از برای دانه‌ای افتاده‌ام در دام دوست

ب) تشبیه فشرده اضافی (اضافه تشبیهی):

هرگاه تشبیه در قالب یک ترکیب اضافی (اسم + + اسم) آمده باشد، به آن «تشبیه فشرده اضافی» یا «اضافه تشبیهی» می‌گویند، مانند تشبیهات مشخص شده در عبارت زیر:

درختان را به خلعت نوروزی قیای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده. علاوه‌بر تشبیهات یادشده، سه نوع تشبیه دیگر را لازم است بشناسیم:

(۱) تشبیه درون‌واژه‌ای:

نوعی تشبیه فشرده است که مشبه و مشبه‌به آن، در یک واژه مرکب می‌آیند، مانند:

کمان‌ابرو: کسی که ابروانی چون کمان دارد. / ماهروی: کسی که رویی چون ماه دارد.

(۲) تشبیه نهفته:

گاهی با ساختارهای شناخته‌شده تشبیه، روبه‌رو نیستیم، اما منظور شاعر تشبیه بوده است و ما می‌توانیم «مشبه» و «مشبه‌به» را بیابیم:

اکنون نه مرا کشتی از آن ابرو و مژگان دیری است که من کشته آن تیر و کمانم

در این بیت، «ابرو» به «کمان» و «مژگان» به «تیر» تشبیه شده‌است.

(۳) تشبیه تفضیلی (مرجح):

نوعی تشبیه نهفته است که شاعر با مقایسه «مشبه» و «مشبه‌به»، مشبه را برتر از مشبه‌به می‌داند. در چنین تشبیهاتی معمولاً شاعر معشوق و اعضای او را با پدیده‌های طبیعت مقایسه می‌کند و از آن‌ها برتر می‌داند. در بیت زیر، «رخ یار» به «برگ گل» و «قد او» به «سرو» تشبیه شده و از آن‌ها برتر دانسته شده‌است:

رخ برافروز که فارغ کنی از برگ گلم قد برافراز که از سرو کنی آزادم

پاسخ خیلی تشریحی ✓

تشبیه‌های بیت گزینه (۳): (۱) زلفین مشک‌بوی او بنفشه است. (تشبیه گسترده) (۲) لب لعل‌فام او شکر است. (تشبیه گسترده) (۳) زلفین مشک‌بوی (تشبیه درون‌واژه‌ای) (۴) لب لعل‌فام (تشبیه درون‌واژه‌ای) بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): (۱) قدم چو کمان خمیده شد. (تشبیه گسترده) (۲) آن سروقد چون مه چهارده گذشت. (تشبیه گسترده) (۳) سروقد (تشبیه درون‌واژه‌ای) گزینه (۲): (۱) پری‌پیکر (تشبیه درون‌واژه‌ای) (۲) [تو] همچو حافظ بنوش باده ناب (تشبیه گسترده) گزینه (۴): (۱) بار فراق (اضافه تشبیهی) (۲) لاله روی (اضافه تشبیهی)



بیشترین آرایه «تشبیه» در کدام بیت مشهود است؟

(سوال ۱۴۵ کنکور انسانی ۱۴۰۱ (فارج از کشور))

- | | |
|--|--|
| (۱) تا لب جانان ز تنگی شکل انگشتر گرفت | پشتم از بار فراقش صورت چنبر گرفت |
| (۲) شد چو انگشتر دلم خالی ز مهر نیکوان | تا چو انگشتر نگین مهرش اندر برگرفت |
| (۳) صورت چنبر گرفت از بار هجرش پشت من | تا لب لعلش ز تنگی شکل انگشتر گرفت |
| (۴) طره شیرنگ او وقت سحر ز آسیب باد | صد هزار انگشتری بشکست و باز از سر گرفت |

وزن کدام یک از گزینه‌های زیر همسان دولختی نیست؟

- (۱) چند نصیحت کنند، بی‌خبرانم به صبر
- (۲) ای آسمان عاشقان، ای جان جان عاشقان
- (۳) اگر آدمی به چشم است و دهان و گوش و بینی
- (۴) محتسب نمی‌داند این قدر که صوفی را

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبشت: درس ۱۱

درس Box

وزن‌های همسان دولختی:

مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن ← مستفعلن فاعولن مستفعلن فاعولن

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

مفاعله فاعلاتن مفاعله فاعلاتن

مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن ← مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن

مفتعلن مفاعله مفتعلن مفاعله

فاعلات فاعلاتن فاعلات فاعلاتن

فاعله مفاعیلن فاعله مفاعیلن

نکته

توجه کنید که با این که وزن‌های همسان دولختی معمولاً مکث میان مصراع دارند و توجه به این مکث می‌تواند راهنمایی تشخیص وزن همسان دولختی باشد، اما همیشه قابل اعتماد نیست، چون وزن‌های همسانی که چهار رکن مثل هم دارند (مثل بیت گزینه ۲) معمولاً مکث میان مصراع دارند. از طرف دیگر گاهی وزن‌های همسان دولختی مکث میان مصراع ندارند و نمی‌توان در میان مصراع آن ویرگول یا مکث گذاشت (مثل بیت ۳). این حالت در شرایطی رخ می‌دهد که هجای پایان نیم‌مصراع در وسط یک کلمه باشد.

وزن بیت گزینه ۲ همسان و از تکرار چهار رکن مستفعلن است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مفتعلن فاعله مفتعلن فاعله

گزینه ۳: فاعلات فاعلاتن فاعلات فاعلاتن

گزینه ۴: فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن

پاسخ خیلی تشریحی ✓

پایه‌های آوایی کدام ابیات را می‌توان به دو گونه متفاوت تفکیک کرد؟

الف) جایی که شمع رخشان ناگاه بر فروزند
ب) ای خوش لب شیرین زبان خوش خوش در آ اندر میان
ج) دلی است بر تو مرا وام و جان وظیفه بر آن لب
د) هر چند غم عشقت پوشیده همی دارم

پروانه چون نسوزد کش سوختن یقین است
بگشای ترکش از میان تا در میان بدم کمر
وظیفه چشم چه دارم که وام باز گرفتی
هر کس که مرا بیند داند که غمی دارم

(۲) «ج» - «د»

(۱) «الف» - «ج»

(۴) «الف» - «د»

(۳) «ب» - «د»

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۱۱

پاسخ خیلی تشریحی ✓

این دو وزن در کتاب درسی به عنوان وزن‌های دولختی معرفی شده‌اند که به دو گونه متفاوت پایه‌های آوایی آن‌ها تفکیک می‌شوند:

(۱) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن = مستفعلن فاعولن مستفعلن فاعولن (بیت الف)

(۲) مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن = مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن (بیت د)

راه تشخیص این وزن‌ها که به دو گونه تقطیع هجایی می‌شوند این است که رکن اول آن‌ها مستفعل (U-U) یا رکن اول مستفعلن (U-U-) باشد، به شرطی که رکن دوم مستفعلن نباشد (رد بیت ب).

بررسی سایر موارد:

بیت ب) مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

بیت ج) مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن



با توجه به ابیات زیر، همهٔ گزینه‌ها کاملاً درست هستند، به جز
 «گل بستان خرد، لفظ دلارای من است بلبل باغ سخن، منطق گویای من است»
 منم آن طوطی خوش نغمه که هنگام سخن طوطیان را شکر از لفظ شکرخای من است»

(۱) قافیهٔ ابیات، طبق قاعدهٔ (۱) و تبصرهٔ قافیه، سروده شده است.

(۲) وزن ابیات فوق، «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» است.

(۳) در مجموع، چهار «تشبیه» در بیت اول به کار رفته است.

(۴) در هر دو بیت، «ستایش شاعر از شعر خود» دیده می‌شود.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۸

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینهٔ (۱): واژه‌های قافیه «دلارای» «گویای» و «شکرخای» است: مصوت بلند «ا» حرف اصلی (قاعدهٔ ۱) و صامت «ی» حرف الحاقی (تبصرهٔ قافیه) است.

گزینهٔ (۲): وزن ابیات، «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» است؛ بنابراین گزینهٔ (۲) نادرست است، زیرا به جای «فعلاتن» در رکن پایانی، «فعلاتن» بیان شده است.

گزینهٔ (۳): در مجموع، چهار «تشبیه» در بیت اول به کار رفته است: «بستان خرد» و «باغ سخن» اضافهٔ تشبیهی هستند و عبارت‌های «لفظ دلارای من، گل ... است» و «منطق گویای من، بلبل ... است» نیز دربردارندهٔ تشبیه هستند.

گزینهٔ (۴): در این دو بیت، شاعر با بهره‌گیری از تشبیه و استعاره، شعر و شاعری خود را توصیف و ستایش کرده است.

مفهوم کلی همه ابیات یکسان است، به جز

با آن نتوان گفت که بیدار نباشد
کان مرغ نداند که گرفتار نباشد
چون خاستن و خفتن بیمار نباشد
کم پای برهنه، خبر از خار نباشد

(۱) آهنگ دراز شب رنجوری مشتاق
(۲) مرغان قفس را المی باشد و شوقی
(۳) از دیده من پرس که خواب خوش مستی
(۴) از من مشنو دوستی گل مگر آن گاه

مشاوره مفهوم محوری این سؤال، برگرفته از این بیت مولانا در درس (۵) کتاب علوم و فنون ادبی یازدهم است:
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق /
تا بگویم شرح درد اشتیاق

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبشت، درس ۵

پاسخ خیلی تشریحی ✓

مفهوم کلی ابیات (۱)، (۲) و (۳) این است: «کسی که از عشق بی بهره است، حال و روز عاشق را درک نمی کند.» اما بیت (۴) می گوید: «ادعای دوستی و محبت معشوق را از من نپذیر، مگر آن گاه که سختی های راه عشق را تحمل کنم و متوجه سختی ها نباشم.» مفهوم کلی این بیت، «تحمل سختی های عشق» است.
معنی سایر ابیات:

بیت (۱): درازای شب درد و رنج عاشق را به کسی که شب بیداری نکشیده باشد، نمی توان گفت؛ زیرا آن را درک نمی کند.

بیت (۲): پرندگان گرفتار قفس، درد و شوقی دارند که پرنده ای که گرفتار نباشد، آن را درک نمی کند.

بیت (۳): برخاستن و نخوابیدن بیمار را از چشم من بپرس؛ زیرا چشمی که در خواب خوش مستی فرو رفته، آن را درک نمی کند.

۱۰۰

کدام ابیات، با یکدیگر تناسب مفهومی دارند؟

الف) من مرغ زیر کم که چنانم خوش اوفتاد

ب) چگونه باز کنم بال در هوای وصال؟

ج) چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم

د) تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او

ه) هوای کوی تو از سر نمی رود؛ آری

در قید او که یاد نیاید نشیمنم

که ریخت مرغ دلم پر در آشیان فراق

که یاد می نکنند عهد آشیان ای دوست

ز آن سفر دراز خود عزم وطن نمی کند

غریب را دل سرگشته با وطن باشد

۱) «الف»، «ب»، «ه»

۳) «الف»، «ج»، «د»

۲) «ب»، «ج»، «د»

۴) «ب»، «د»، «ه»

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبفست: درس های ۱۱ و ۱۲

پاسخ خیلی تشریحی ✓

مفهوم مشترک ابیات «الف» «ج» و «د»، این است که «عاشق چنان دلبسته معشوق می گردد که خانه و دیار خود را از یاد می برد.»

اما این مفهوم در ابیات «ب» و «ه» وجود ندارد.

معنی ابیات:

بیت الف) من مانند مرغ زیرکی هستم که چنان در بند او بودن برایم دلپذیر است که از لانه و کاشانه خود یاد نمی کنم.

بیت ب) چگونه برای رسیدن به وصال به پرواز درآیم؟ در حالی که پر و بال مرغ دلم در روزگار فراق، ریخته است.

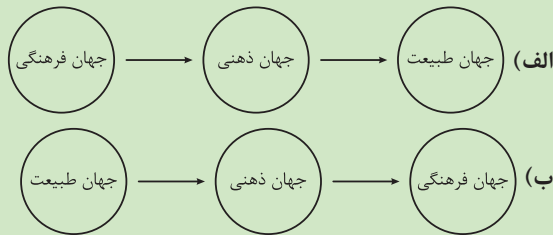
بیت ج) ای دوست، چنان دلم به دام عشق تو انس گرفته است که از خانه و کاشانه خود یاد نمی کند.

بیت د) از وقتی دل هرجایی من، در خم زلف یار گرفتار شده است، از آن سفر طولانی خود، آهنگ بازگشت به وطن نمی کند.

بیت ه) ای یار، حال و هوای دیار تو از سر ما بیرون نمی رود؛ آری، دل سرگشته انسان غریب و آواره، همواره به یاد وطن است.

جامعه‌شناسی یازدهم

۱۰۱ موارد کدام گزینه به ترتیب نشان‌دهنده دیدگاه اندیشمندان معتقد به نمودار «الف» و «ب» درباره تعامل جهان‌هاست؟



- ۱) سلب قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی از علوم انسانی و اجتماعی - امکان بهره‌برداری و دخل و تصرف فرهنگ‌ها و جوامع از مواد خام جهان تکوینی
- ۲) اعتقاد به هویت طبیعی و مادی ذهن افراد و فرهنگ جامعه - بهره‌گیری از علوم طبیعی و تجربی برای مطالعه ذهن افراد و فرهنگ جامعه
- ۳) از دست رفتن استقلال جهان ذهنی در برابر جهان فرهنگی - عدم ایجاد تفکیک و تمایز بین علوم طبیعی و علوم انسانی و اجتماعی
- ۴) دخل و تصرف فرهنگ‌ها و جوامع در جهان طبیعی - اهمیت قائل نشدن برای جهان‌های ذهنی و تکوینی و از بین بردن استقلال این جهان‌ها

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۱

درس‌Box

نمودار «الف» مربوط به دیدگاه فرهنگ‌گرایان است و نمودار «ب» متعلق به دیدگاه طبیعت‌گرایان است:

جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود و جهان طبیعت، مهم‌تر از جهان ذهنی و فرهنگی است. این دیدگاه ذهن افراد و فرهنگ، هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آن‌ها، نظیر علوم طبیعی است. طرفداران این دیدگاه، بین علوم طبیعی و علوم انسانی، تفاوتی قائل نیستند. نتیجه ← جهان فرهنگی → جهان ذهنی → جهان طبیعت	دیدگاه طبیعت‌گرایان
این گروه، جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند. جهان ذهنی و فردی افراد، تابع فرهنگ آن‌هاست. در این دیدگاه، جهان تکوینی، ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع در آن دخل و تصرف می‌کنند. جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند. جهان طبیعت → جهان ذهنی → جهان فرهنگی	دیدگاه فرهنگ‌گرایان

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) در دیدگاه فرهنگ‌گرایی، اعتبار و استقلال جهان‌های تکوینی و ذهنی در برابر جهان فرهنگی از دست می‌رود.
ب) در دیدگاه طبیعت‌گرایی، بین طبیعت و جامعه و همچنین بین علوم طبیعی و علوم انسانی و اجتماعی تفاوتی وجود ندارد.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): دیدگاه اول - دیدگاه دوم

گزینه (۲): دیدگاه اول - دیدگاه اول

گزینه (۴): دیدگاه دوم - دیدگاه دوم

کتاب
درسی

شکل زیر یکی از دیدگاه‌های مربوط به تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی را نشان می‌دهد. با توجه به آن، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

(سؤال ۹ - امتحان نهایی فروردین ۱۴۰۵)



الف) از نگاه این دیدگاه، ذهن افراد و فرهنگ چگونه هویتی دارد؟
ب) نادیده‌گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی، در این دیدگاه چه پیامدی دارد؟

پاسخ پرسش‌های زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- پیامد شریطی که انسان از خود و جهان هستی، شناخت درستی نداشته باشد، چیست؟
- قبول تفاوت‌ها و محترم‌شمردن آن‌ها، در فرهنگ جهانی چه پیامدی به همراه دارد؟
- تفاوت در تداوم تاریخی فرهنگ‌ها، چه نتیجه و پیامدی بر جای می‌گذارد؟

- ۱) انسان از تعامل صحیح با جهان هستی باز می‌ماند. - مانع فراهم‌شدن زمینه‌ی ظلم و بی‌عدالتی بر انسان‌ها می‌شود. - برخی فرهنگ‌ها در منطقه‌ای محدود هستند و برخی دیگر جهانی می‌شوند.
- ۲) جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود. - انگیزه‌ی شناخت متقابل جوامع و فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد. - در زمانی واحد در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند.
- ۳) جامعه و فرهنگ هویتی مشترکانه پیدای می‌کند. - برای فرهنگ‌ها، زمینه‌ی دفاع از حقانیت ارزش‌هایشان را فراهم می‌کند. - عمر برخی فرهنگ‌ها کوتاه و عمر برخی دیگر طولانی است.
- ۴) انسان نمی‌تواند استعداد‌های خود را شکوفا کند. - از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند. - در طول زمان در سرزمینی واحد، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آیند.

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس‌های ۱ و ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- اگر انسان از خود و جهان هستی، شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی باز می‌ماند و نمی‌تواند استعداد‌هایش را به‌رواند و شکوفا کند.
- قبول تفاوت‌ها و محترم‌شمردن آن‌ها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد. پذیرش تفاوت‌ها، از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند و انگیزه‌ی شناخت متقابل جوامع و فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد.
- فرهنگ‌ها از حیث گستره‌ی جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسان نیستند:

تداوم تاریخی فرهنگ‌ها	در طول زمان، در سرزمینی واحد، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آیند. عمر برخی از فرهنگ‌ها، کوتاه و برخی دیگر طولانی است.
گستره‌ی جغرافیایی فرهنگ‌ها	در زمانی واحد در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند. برخی در مناطقی محدود به وجود می‌آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی‌کنند. ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند.

۱۰۳ در ارتباط با موضوعات زیر، به ترتیب موارد کدام گزینه درست است؟

- علم تجربی سکولار
- حقوق دینی و فطری
- استبداد ایلی و قومی
- جامعه جهانی قبل از غرب جدید

- ۱) محدود شدن روشنگری خاص به شناخت حسی و تجربی - مبتنی بر ربوبیت پروردگار - نداشتن پشتوانه و پیشینه‌ای خارج از جهان اسلام - برقراری روابط مختلف بین حاکمیت‌های مختلف
- ۲) ناتوانی در داوری درباره ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی - شناسایی با عقل و وحی - دوری از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلامی - سازماندهی سیاسی مبتنی بر روابط مرکز و پیرامون
- ۳) روشنگری عقل‌گرایانه به همراه نادیده گرفتن وحی - منطبق با فطرت الهی انسان - حفظ ظاهر دینی با رعایت ظواهر اسلامی - امکان عبور از مرزهای جغرافیایی از طریق تجارت، علم و تعاملات فرهنگی
- ۴) افول حس‌گرایی و ظهور بحران معرفت‌شناختی - در راستای موضوعات دنیوی - عمل کردن در سایه قدرت جهان غرب - جریان داشتن روابط فرهنگی مستقل از مناسبات سیاسی

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس‌های ۴، ۵، ۶ و ۷

پاسخ خیلی تشریحی ✓

روشنگری در سده‌های نوزدهم و بیستم، بیشتر شکل حس‌گرایانه پیدا کرد. وقتی روشنگری به شناخت حسی و تجربی محدود شود، نوعی علم تجربی سکولار پدید می‌آورد. این علم، توان داوری درباره ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی را ندارد (زیرا این پدیده‌ها حسی نیستند) و صرفاً به صورت دانش ابزاری، در خدمت اهداف دنیوی انسان قرار می‌گیرد (رد گزینه‌های (۳) و (۴)). روشنگری عقل‌گرایانه مربوط به قرون هفدهم و هجدهم است و به دنیسم منجر شد، نه علم ابزاری سکولار. افول حس‌گرایی و بحران معرفت‌شناختی هم مربوط به پایان قرن بیستم است.

گول‌نخوری ✗

در فرهنگ دینی، حقوق انسانی براساس ربوبیت پروردگار و فطرت الهی انسان شکل می‌گیرد، یعنی از سویی خداوند هم خالق انسان است و هم تدبیرکننده و هدایت‌کننده او و از سوی دیگر در سرشت انسان، گرایش‌ها و شناخت‌هایی وجود دارد که او را متمایل به خدا و پذیرش تدبیر و هدایت او می‌کند (رد گزینه (۴)). استبداد قومی با وجود این‌که دارای هویتی غیراسلامی بود، به دلیل این‌که پشتوانه و پیشینه‌ای خارج از جهان اسلام نداشت، از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلامی دوری می‌کرد. عبارت گزینه (۴)، مربوط به استبداد استعماری است (رد گزینه (۴)). جامعه جهانی بعد از ظهور غرب جدید (در دو سده نوزدهم و بیستم)، سازماندهی سیاسی و اقتصادی جدیدی را شکل داد که جوامع غربی را به صورت جوامع مرکزی و دیگر جوامع را به صورت جوامع پیرامونی درآورد؛ پس این مورد، مربوط به جامعه جهانی بعد از غرب جدید است، نه قبل از آن (رد گزینه (۲)).

علت هر یک از موارد زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- تأثیر جهان غرب بر نخبگان کشورهای غیرغربی
- فراتر رفتن سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی از مناطقی خاص
- مخدوش شدن استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف
- از بین رفتن قدرت چانه‌زنی جوامع استعمارزده در اقتصاد جهانی

- (۱) شکل‌گیری علوم انسانی غربی بر مبنای رسانه - جهانی‌شدن - سیاست جهانی‌سازی اقتصادی قدرت‌های برتر اروپایی و آمریکایی - نامتعادل‌شدن مبادلات تجاری در سطح جهانی
- (۲) توزیع هدفمند علوم طبیعی و انسانی - شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی - استفادهٔ کانون‌های ثروت و قدرت از سازمان‌های بین‌المللی - تک‌محصولی‌شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده
- (۳) تثبیت مرجعیت علمی غرب - شناسایی و مدیریت تغییرات اقتصادی در سطح جهانی - توجه و تمرکز فرایند جهانی‌شدن به مرزهای ملی - وابستگی اقتصادی کشورهای استعمارزده به غرب
- (۴) خودداری جهان غرب از آموزش دانش‌های راهبردی به جوامع غیرغربی - شکل‌گیری بازارهای مشترک منطقه‌ای - تغییر نقش دولت‌ها در جهان معاصر - افزایش اهمیت مرزهای سیاسی

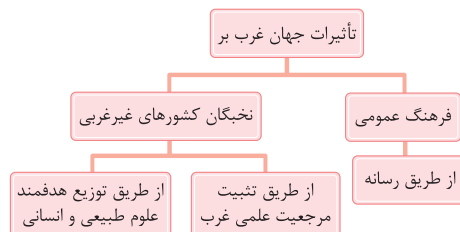
پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۸

پاسخ خیلی تشریحی ✓

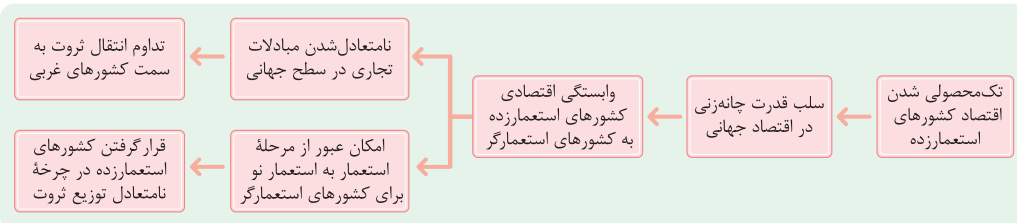
جهان غرب، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را از طریق رسانه مدیریت می‌کند، اما تربیت نخبگان در کشورهای غیرغربی بیشتر به این دو شیوه انجام می‌شود:

- (۱) توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی، (۲) تثبیت مرجعیت علمی غرب.



- با شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و بازارهای مشترک منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود.
- کانون‌های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود، از طریق سازمان‌های بین‌المللی، موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌المللی را برمی‌دارند و استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف را مخدوش می‌سازند.
- تک‌محصولی‌شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آن‌ها به کشورهای استعمارگر می‌شود.

نکته



عبارت‌های درست دربارهٔ «چالش فقر و غنا» و «بحران اقتصادی» و عبارت‌های نادرست دربارهٔ «چالش شرق و غرب» و «بحران زیست‌محیطی» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) نتیجهٔ نادیده‌گرفتن عدالت در لیبرالیسم اولیه است. - چالشی کلان و مستمر است. - حوزه‌های اقتصادی و سیاسی متفاوتی دارد. - ناشی از رویکرد انسان مدرن و فرهنگ معاصر غرب به طبیعت است.
- (۲) نخستین چالش در کشورهای غربی است. - با کاهش اهمیت مرزهای سیاسی، جهانی شده است. - حوزه‌های فرهنگی متفاوتی دارد. - نتیجهٔ انتقال ثروت از کشورهای غیرغربی به جوامع غربی است.
- (۳) اجتماعی است و ماهیت اقتصادی ندارد. - متوجه اقشار فقیر و ضعیف جامعه است. - فرامنطقه‌ای و جهانی است. - به آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مختلفی منجر شده است.
- (۴) موجب پیدایش طبقه‌ای جدید بر مدار قدرت شده است. - چالشی مقطعی است. - چالشی بین فرهنگی محسوب می‌شود. - جنبش‌های اجتماعی جدید تا حدی از شتاب این بحران کاسته است.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس‌های ۹ و ۱۱



مقایسهٔ چالش‌های «فقر و غنا» و «شرق و غرب»:

فرامنطقه‌ای (جهانی)	منطقه‌ای	اقتصادی	سیاسی	کلان	خرد	مستمر	مقطعی	بین‌فرهنگی	درون‌فرهنگی	صورت‌ها چالش‌ها
✓		✓		✓		✓			✓	فقر و غنا
✓			✓	✓			✓		✓	شرق و غرب

بررسی گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- گزینهٔ (۱): درست - نادرست (بحران اقتصادی، کلان و مقطعی است). - درست - درست
- گزینهٔ (۲): درست - درست - نادرست (بلوک شرق و غرب، هر دو درون فرهنگ سکولار غرب قرار می‌گیرند). - نادرست (مربوط به چالش مرکز و پیرامون است).
- گزینهٔ (۳): نادرست (چالش فقر و غنا هم ماهیت اجتماعی دارد و هم ماهیت اقتصادی). - نادرست (مربوط به چالش فقر و غنا است). - درست - درست
- گزینهٔ (۴): نادرست (مربوط به چالش‌های کشورهای سوسیالیستی است). - درست - نادرست (بلوک شرق و غرب، هر دو درون فرهنگ سکولار غرب قرار می‌گیرند). - نادرست (جنبش‌ها و همایش‌ها، نتوانسته‌اند از شتاب بحران‌های زیست‌محیطی بکاهند).

با توجه به بحران معرفتی جدید غرب، پاسخ پرسش‌های زیر به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟

- با روشن شدن این که علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، چه دیدگاهی نسبت به علم پدید آمد؟
 - پس از تردید درباره بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب و فلسفه روشنگری، کدام ابعاد از بحران معرفتی پدید آمد؟
 - بحران معرفتی جدید غرب در قرن بیستم، معلول وقوع کدام دیدگاه درباره علم تجربی است؟
- (۱) آشکار شد علم تجربی تنها تفسیر ممکن از طبیعت است. - روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی غربی - وابستگی علم تجربی به معرفت‌های غیرتجربی
 - (۲) علم مدرن زیر سؤال رفت. - ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با نیازهای اقتصادی و سیاسی آن - روشن شدن محدودیت‌های دانش تجربی
 - (۳) علم از داوری ارزشی دست برداشت. - افول سکولاریسم و خارج شدن دین از فرهنگ عمومی انسان غربی - تردید در مبانی علوم انسانی و اجتماعی غربی
 - (۴) آشکار شد که علم به امور طبیعی محدود است. - افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پست‌مدرن - تردید در هویت روشنگرانه علم تجربی

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۱۲

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- در نیمه دوم قرن بیستم، با روشن شدن این که علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت.
- تردید درباره مبانی علوم تجربی غربی، در حقیقت تردید درباره بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب، یعنی لایه‌های عمیق یا همان فلسفه روشنگری بود. با این پرسش، بحران معرفتی - علمی در دو بعد ظاهر شد: (۱) افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پست‌مدرن (۲) ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با نیازهای اقتصادی و سیاسی آن.
- بحران معرفتی جدید هنگامی آغاز شد که محدودیت‌های علمی دانش تجربی و هم‌چنین وابستگی آن به معرفت‌های غیرتجربی و غیرحسی آشکار شد.

انقلاب‌های آزادی‌بخش قرن بیستم، اغلب با جنبش‌های چریکی گروه‌ها و احزاب مختلف شکل می‌گرفتند. کدام ویژگی انقلاب اسلامی ایران، نقطهٔ مقابل این ویژگی قرار می‌گیرد؟

(۱) به هیچ‌یک از دو بلوک غرب یا شرق وابستگی نداشت و جهت‌گیری ضدآمریکایی، ضدصهیونیستی و ضدمارکسیستی داشت.

(۲) هویتی فرهنگی و تمدنی داشت و بیرون از قطب‌بندی‌های سیاسی شرق و غرب، یک قطب‌بندی جدید فرهنگی ایجاد کرد.

(۳) یک انقلاب فراگیر مردمی با مرجعیت و رهبری دینی بود و همهٔ اقشار و گروه‌های مختلف جامعه را در بر می‌گرفت.

(۴) از آموزه‌های اسلامی بهره می‌برد و به هیچ‌یک از فلسفه‌ها و مکاتب سیاسی غرب از جمله مکاتب چپ وابستگی نداشت.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۱۴

درس‌Box

تفاوت‌های انقلاب‌های آزادی‌بخش قرن بیستم با انقلاب اسلامی ایران:

انقلاب اسلامی ایران	انقلاب‌های آزادی‌بخش قرن بیستم
به هیچ‌یک از دو بلوک وابستگی نداشت و از آغاز، جهت‌گیری ضدآمریکایی، ضدصهیونیستی و ضدمارکسیستی خود را اعلان کرد.	اغلب در مقابل بلوک غرب شکل می‌گرفتند و مورد حمایت بلوک شرق بودند.
یک انقلاب فراگیر مردمی با مرجعیت و رهبری دینی بود و همهٔ اقشار و گروه‌های جامعه را در بر گرفت.	اغلب با جنبش‌های چریکی گروه‌ها و احزاب مختلف شکل می‌گرفتند.
از آموزه‌های اسلامی بهره می‌برد و به فلسفه‌ها و مکاتب سیاسی غرب تعلق نداشت.	در چارچوب نظریه‌ها و مکاتب چپ شکل می‌گرفتند که برای حل بحران‌های جهان غرب به وجود آمده بودند.
فقط یک انقلاب سیاسی نبود، بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت. این انقلاب بیرون از قطب‌بندی سیاسی شرق و غرب، یک قطب‌بندی جدید فرهنگی به وجود آورد و خود در کانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.	در مقابله با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب موفق می‌شدند، ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی توفیقی نداشتند. به همین سبب، استعمار با دست کارگزاران این انقلاب‌ها، در چهرهٔ استعمار نو بازمی‌گشت. این انقلاب‌ها نتوانستند جایگاه کشورشان را از حاشیهٔ قطب‌های سیاسی و اقتصادی جهان خارج کنند.

انقلاب‌های آزادی‌بخش، اغلب با جنبش‌های چریکی گروه‌ها و احزاب مختلف شکل می‌گرفتند؛ اما انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فراگیر مردمی با مرجعیت و رهبری دینی بود و همهٔ اقشار و گروه‌های جامعه را در بر گرفت.

✓ پاسخ خیلی تشریحی

هر یک از جنبش‌ها و حرکت‌های اعتراضی گروه‌های زیر، در ارتباط با چه موضوعی شکل گرفتند؟

- انقلاب ۱۹۴۱ لبنان
- جنبش تنباکو
- حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی دوران رنسانس
- انقلاب اسلامی ایران

- (۱) هدف قرار دادن اصلاح شیوه زمامداری - تغییر ساختار سیاسی جامعه - تقابل با جهان دنیاگرا - عبور از استبداد قومی و استبداد استعماری
- (۲) بیداری اسلامی - همکاری با حاکم نامشروع در حد واجبات نظامیه - پروتستان‌تیسیم - ایجاد قطب‌بندی جدید فرهنگی اسلام
- (۳) تحت تأثیر انقلاب مشروطه ایران - فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی - سکولاریسم پنهان - انقلاب اجتماعی و تغییر ساختار سیاسی
- (۴) تقلیدی از انقلاب‌های مدرن - اصلاح رفتار حاکمان - اصلاح دینی پروتستانی - تحقق حاکمیت آرمانی و مطلوب فقه شیعه

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس‌های ۶، ۱۴ و ۱۵

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش قرن بیستم (مانند جنبش‌ها و انقلاب‌های ۱۹۲۱ مراکش، ۱۹۳۰ لیبی، ۱۹۴۱ لبنان، ۱۹۴۴ سوریه، ۱۹۴۷ پاکستان و ۱۹۴۸ چین)، تقلیدی از انقلاب‌های مدرن بودند.
- جنبش تنباکو، نمونه‌ای موفق از فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی است. این فعالیت، در راستای اصلاح رفتار حاکمان بود.
- حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی در دوران رنسانس (پروتستان‌تیسیم)، در جهت اصلاح دینی پدید آمدند. بخشی از این حرکت‌ها، فقط با قدرت پاپ مخالفت داشتند و با جریان دنیاگرا تقابل نداشتند؛ بخشی دیگر رویکرد معنوی داشتند و در تقابل با جریان دنیاگرا قرار گرفتند.
- جنبش عدالتخانه فقط به دنبال اصلاح کار یا رفتار خاصی از پادشاه نبود، بلکه اصلاح شیوه زمامداری او را هدف قرار داده بود. این جنبش، با توجه به شرایط داخلی و خارجی در پی تأسیس مجلسی بود که قوانین عادلانه الهی را تدوین کند و شاه را ملزم سازد که در چارچوب این قوانین عمل کند. این حرکت، حاکمیت را از مدار استبداد به مدار عدالت منتقل می‌کرد. البته در فقه اجتماعی و سیاسی تشیع، این نوع حاکمیت نیز آرمانی نبود، اما انقلاب اسلامی ایران به دنبال تحقق آن حاکمیت آرمانی و مطلوب فقه شیعه بود.

هر یک از جنبش‌ها و حرکت‌های اعتراضی و گروه‌های زیر، در ارتباط با چه موضوعی شکل گرفتند؟

(سؤال ۶۲ کنکور انسانی ۱۴۰۴ - نوبت اول)

- انقلاب ۱۹۴۷ پاکستان
- پروتستان‌تیسیم
- آسیایی‌تبارها

- (۱) بیداری اسلامی - حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی در جهت اصلاح دینی - حل منازعات گروهی و قومی
- (۲) تقلیدی از انقلاب‌های مدرن - حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی در جهت اصلاح دینی - سیاست هویت
- (۳) هدف قرار دادن اصلاح شیوه زمامداری - حرکت‌های اعتراض‌آمیز مخالف با قدرت پاپ - سیاست هویت
- (۴) تحت تأثیر انقلاب مشروطه ایران - حرکت‌های اعتراض‌آمیز بدون همراهی با تحولات اجتماعی جهان غرب - تقسیم‌بندی‌های نژادی و قومی

هر یک از موارد زیر، به ترتیب نشان‌دهنده چه موضوعی است؟

- شکل‌گیری انتفاضه و جنبش‌های جدید اسلامی در فلسطین
- وجود یک یا چند فرهنگ غالب در سطح جامعه جهانی با ویژگی‌های مطلوب
- ابزارهای مورد استفاده در استعمار نو
- حل چالش‌های درونی جوامع غربی

- (۱) تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر مسائل جهان اسلام - انسجام جامعه جهانی - کودتای نظامی و استفاده از مجریان بومی - چالش مرکز و پیرامون
- (۲) شکل‌گیری جبهه مقاومت و پایداری برای مقابله با اسرائیل - تعاملات و گفت‌وگوهای فرهنگی - رسانه و فناوری اطلاعات - چالش توسعه یافته و عقب‌مانده
- (۳) مقاومت در برابر صهیونیسم از موضع اعتقاد اسلامی - وقوع چالش‌های درون فرهنگی - اتکا به قدرت اقتصادی - چالش تقابل شمال و جنوب
- (۴) بازگشت به اسلام و اتکا به فقه اجتماعی و سیاسی شیعی - وقوع چالش‌های بین تمدنی - اقتصاد صنعتی - چالش استعمارگر و استعمارزده

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس‌های ۳، ۷، ۱۰ و ۱۵

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- شکل‌گیری انتفاضه و جنبش‌های جدید اسلامی در فلسطین، جهاد اسلامی افغانستان در برابر حکومت وابسته به بلوک شرق، تشکیل جبهه نجات اسلامی در الجزایر و پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات ۱۹۹۰ م. این کشور، نمونه‌هایی از حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام است که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایجاد شد.
- هنگامی که یک فرهنگ در سطح جهانی غالب باشد، به میزانی که آن فرهنگ، ویژگی‌های مطلوب یک فرهنگ جهانی را داشته باشد، جامعه جهانی از انسجام برخوردار خواهد بود.

حالت‌های مختلف در جامعه جهانی:



شرایط		پیامدها
غالب بودن یک یا چند فرهنگ در سطح جهانی	برخورداری فرهنگ غالب از ویژگی‌های مطلوب فرهنگ جهانی	انسجام جامعه جهانی
	برخوردار نبودن فرهنگ یا فرهنگ‌های غالب از ویژگی‌های مطلوب فرهنگ جهانی	وقوع چالش‌های درون فرهنگی
حضور فعال فرهنگ‌های متفاوت در سطح جهانی		تعاملات و گفت‌وگوهای فرهنگی و وقوع چالش‌های بین فرهنگی و تمدنی

- دولت‌های استعمارگر در استعمار نو، برای به قدرت رساندن نیروهای وابسته به خود، از کودتای نظامی نیز استفاده می‌کنند.
- براساس نظریه مرکز و پیرامون، جوامع غربی چالش‌های درونی خود را از طریق بهره‌کشی از کشورهای غیرغربی حل می‌کنند؛ به این ترتیب که با ثروت به‌دست‌آمده از کشورهای پیرامونی، رفاه کارگران و اقشار ضعیف خود را تأمین می‌کنند و مشکلات حاد درونی‌شان را به بیرون مرزهای خود انتقال می‌دهند.

در بین عبارت‌های زیر، کدام‌یک بخش اول آن درست و بخش دوم آن نادرست است؟

- (الف) قبل از ظهور اسلام، فرهنگ شبه‌جزیره عربستان، جاهلی قبیله‌ای بود؛ در عصر نبوی و پس از فتح مکه فرهنگ جاهلی به ناچار ظاهر اسلامی گرفت.
- (ب) دولت‌های سکولار غربی از طریق تبلیغ مسیحیت، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را دچار اختلال کردند؛ هم‌چنین از همین طریق بر نخبگان سیاسی این جوامع تأثیر گذاشتند.
- (ج) مطابق نظریه هانتینگتون، جنگ بین دولت - ملت‌ها رخ می‌دهد؛ اما طبق نظریه کنت، در جامعه جدید غربی، جنگ از زندگی بشر رخت برمی‌بندد.
- (د) نخستین بیدارگران اسلامی، بیداری را در بازگشت به اسلام می‌دانستند؛ اما منورالفکران غرب‌گرا، بیداری را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دیدند.
- (ه) منظور عالمان مسلمان از مشروطه، مشروط‌کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی بود؛ در مقابل منورالفکران غرب‌گرا به دنبال حاکمیتی مانند فرانسه بودند.

(۲) «ب» - «ه»

(۱) «الف» - «ج»

(۴) «ب» - «د»

(۳) «ج» - «د»

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبمش: درس‌های ۴، ۷، ۱۰، ۱۳ و ۱۴

پاسخ خیلی تشریحی ✓

بررسی همه عبارت‌ها:

(الف) درست - درست

نکته

عملکرد فرهنگ جاهلی در دوره‌های مختلف:

- قبل از ظهور اسلام ← فرهنگ شبه‌جزیره عربستان، جاهلی قبیله‌ای بود.
- در عصر نبوی تا فتح مکه ← در برابر اسلام مقاومت آشکار کرد.
- پس از فتح مکه ← به ناچار ظاهر اسلامی به خود گرفت.
- در دوران خلافت ← دوباره در جامعه اسلامی نمایان شد و به تدریج قدرت را در جامعه اسلامی براساس روابط قبیله‌ای و عشیره‌ای سازمان داد.

(ب) درست - نادرست (جوامع غربی از طریق سازمان‌های فراماسونری (نه تبلیغ مسیحیت)، بر نخبگان سیاسی جوامع غیرغربی تأثیر می‌گذاشتند).

(ج) نادرست (مطابق با نظریه هانتینگتون، جنگ در جامعه جدید، بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها اتفاق می‌افتد، نه دولت ملت‌ها). - درست

(د) درست - درست

(ه) درست - نادرست (منظور عالمان مسلمان از مشروطه، مشروط‌کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی بود؛ اما منورالفکران، مشروطه را نوعی حاکمیت سکولار مانند دولت انگلستان (نه فرانسه) می‌دانستند).

موارد کدام گزینه، به ترتیب، با عبارت‌های زیر مرتبط هستند؟

- دانش پیشین و قوهٔ تخیل دانشمندان دو مورد از منابع اصلی برای شکل‌گیری آن‌ها است.
 - تمایل دانشمندان به نظریات علمی و جهت‌گیری‌های ذهنی‌شان، مانعی در راه تحقق بی‌طرفانه به این مفهوم است.
 - مبدأ حرکت دانشمندان در مسیر پژوهش براساس روش تجربی است.
 - چگونگی تحقق آن تأثیر زیادی در مواجههٔ دانشمند با آن پدیده دارد.
- (۱) فرضیه - فرضیه - طرح مسئله - توصیف
(۲) اصل - فرضیه - توصیف متغیر - تبیین
(۳) فرضیه - توصیف - طرح مسئله - توصیف
(۴) اصل - توصیف - توصیف متغیر - تبیین

مشاوره بخش «مفاهیم مهم در علوم تجربی» و «اهداف علم روان‌شناسی» از قسمت‌های مهم و پرتکرار سؤالات کنکور است. سعی کنید این قسمت را هم به صورت مفهومی یاد گرفته و مصادیق آن را بشناسید و هم تمامی توضیحات کتاب در مورد آن‌ها را به خاطر بسپارید.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۱

درس‌Box

مفاهیم مهم در علم تجربی:

در علوم تجربی با کمک مشاهده و روش‌های مختلف، رابطهٔ بین پدیده‌های طبیعی، بررسی می‌شود. در علم تجربی، برخی مفاهیم مانند «مسئله»، «فرضیه»، «اصل یا قانون» و «نظریه»، کاربرد فراوانی دارند:

سؤالی است که ذهن دانشمند را به خود مشغول کرده است و دانشمند به دنبال پیدا کردن پاسخی برای آن است.

مسئله پژوهش‌های دانشمندان با «طرح مسئله» شروع می‌شود.

دانشمند با طرح مسئله، موقعیت‌های ناشناخته و مجهول را شناسایی می‌کند.

پاسخ اولیهٔ پژوهشگران به مسئله‌های علمی است.

فرضیه برای تأیید و پذیرش پاسخ‌های اولیهٔ ارائه‌شده به مسئله‌های علمی باید: (۱) اول آن پاسخ‌ها را براساس مشاهدات تجربی، بیازماییم و سپس (۲) نتیجه را با یافته‌های مقبول در علم تجربی، مطابقت دهیم.

فرضیه‌ها می‌توانند ضمن این که در پاسخ به یک سؤال بیایند، باعث طرح سؤال‌های دیگر هم بشوند.

اصل یا قانون فرضیه‌ها در صورت پذیرفته‌شدن در شرایط مختلف آزمایشی به «قانون یا اصل» تبدیل می‌شوند. معتبر بودن و پذیرفته‌شدن پاسخ، لزوماً به معنای درست و واقعی بودن آن نیست و ممکن است پاسخی که امروز مورد قبول واقع شده و علمی است، پس از مدتی به دلیل (۱) آگاهی از نادرستی آزمایش‌های قبلی و یا به دلیل (۲) تغییر در پیش‌فرض‌های دانشمندان کنار گذاشته شده و نادرست تلقی گردد.

نظریه مجموعه‌ای منسجم از اصول و قوانین علمی دربارهٔ یک موضوع، «نظریه» را تشکیل می‌دهند.

اهداف علم روان‌شناسی:

اهداف علم روان‌شناسی همانند سایر علوم تجربی، به ترتیب: «توصیف»، «تبیین»، «پیش‌بینی» و «کنترل» پدیده‌ها است.

• بیان روشن و تا حد ممکن دقیق از «چیستی» مفهوم و موضوعی است که قصد مطالعه و بررسی آن را داریم. • چگونگی توصیف هر دانشمند از یک موضوع یا پدیده، تأثیر بسیار زیادی در مواجهه با آن موضوع و بررسی علمی آن دارد. • دانشمندان سعی می‌کنند تا در توصیف موضوع‌ها و پدیده‌های مختلف، دقیق و بی‌طرف باشند ولی همانند سایر دانشمندان علوم تجربی، غالباً تحت تأثیر پیش‌فرض‌ها، نظریه‌های پذیرفته‌شده در هر علم، ارزش‌ها و هم‌چنین جهت‌گیری‌های موجود در ذهن خویش هستند، این امر بر مشاهده و دقت آن‌ها تأثیر جدی می‌گذارد. • کلیدواژه‌ها: به معنای، عبارت است از، یعنی، به این معناست که، بیان می‌کند و ...	توصیف
---	-------

اهداف علم روان‌شناسی همانند سایر علوم تجربی، به ترتیب: «توصیف»، «تبیین»، «پیش‌بینی» و «کنترل» پدیده‌ها است.

● به بیان «چرایی» اتفاق افتادن یک پدیده می‌پردازد. در واقع، هر دانشمند، زمانی که یک پدیده را تبیین می‌کند، در حال بیان علل اتفاق افتادن آن پدیده در جهان است. ● کلیدواژه‌ها: موجب می‌شود، به دلیل، باعث می‌شود، منجر به ...، علت و معلول و ... نکته (۱): پیچیدگی و دشواری توصیف و تبیین موضوع‌های مختلف علم روان‌شناسی به دلیل وجود ابعاد و ویژگی‌های مختلف و بسیار پیچیده انسان است. انسان علاوه بر این که جسم و بدن دارد، دارای ابعاد غیرجسمانی هم هست که با بدن در ارتباط تنگاتنگی است. این امر باعث می‌شود که توصیف دقیق از موضوع‌های مختلف در انسان دشوار گردد و همچنین شاهد تبیین‌های متفاوتی از این موضوع‌ها در روان‌شناسی باشیم. نکته (۲): موضوع‌های روان‌شناختی تحت تأثیر عوامل متعددی هستند که به راحتی نمی‌توان آن‌ها را توصیف یا تبیین کرد.	تبیین
● به بیان احتمال وقوع پدیده‌ای در آینده می‌پردازد. ● کلیدواژه‌ها: احتمال، ممکن است، شاید، به کار رفتن فعل‌های آینده مانند: خواهد شد، خواهد یافت و ...	پیش‌بینی
● به بیان راهکارها و دستکاری پدیده‌ها می‌پردازد تا شرایط را با توجه به خواسته‌ها در دست گیرد و یا تغییر دهد. ● کلیدواژه‌ها: باید، بهتر است و هر نوع راهکاری که توصیه شود. نکته (۱): پس از برگزیدن یک توصیف و تبیین خاص از یک پدیده، تا حد زیادی می‌توان به «پیش‌بینی» و «کنترل» آن پدیده دست یافت. نکته (۲): پیش‌بینی و کنترل موضوعاتی که توصیف و تبیین راحت‌تری دارند، آسان‌تر است؛ بنابراین پدیده‌های مطرح در علوم انسانی به دلیل این که موضوعات پیچیده‌تری دارند و دارای علل متعددی هستند، توصیف و تبیین دشواری داشته و همین امر موجب دشواری پیش‌بینی و کنترل این پدیده‌ها می‌شود.	کنترل

بررسی عبارت‌ها:

✓ پاسخ خیلی تشریحی

عبارت اول: پژوهش دانشمندان با «طرح مسئله» آغاز می‌شود و در ادامه دانشمندان با کمک «دانش و تجربه‌های قبلی» و همچنین با کمک «قوة تخیلشان» به این مسائل، پاسخی ابتدایی می‌دهند، این پاسخ‌ها **فرضیه‌ها** را شکل می‌دهند.

عبارت دوم: روان‌شناسان همانند سایر دانشمندان علوم تجربی، غالباً تحت تأثیر نظریات پذیرفته‌شده در علم خود هستند که این موضوع بر دقت و بی‌طرفی آن‌ها در هدف **توصیف** اثر گذاشته و بر مشاهده و دقت آن‌ها تأثیر جدی می‌گذارد.

عبارت سوم: پژوهش دانشمندان با **طرح مسئله** شروع می‌شود.

عبارت چهارم: چگونگی **توصیف** هر دانشمند از یک موضوع یا پدیده، تأثیر زیادی در مواجهه با آن موضوع و بررسی علمی آن دارد.

درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر، در کدام گزینه آمده است؟

- مطالعه تغییرات آدمی در روان‌شناسی رشد با مرگ آدمی به پایان می‌رسد.
- روان‌شناسی رشد، تغییرات موجودات را از بدو شکل‌گیری نطفه‌شان شناسایی و پیش‌بینی می‌کند.
- تفکیک جنبه‌های مختلف تغییرات در انسان به دلیل پیوستگی رشد، در نزد برخی از روان‌شناسان رشد قابل قبول نیست.
- اگرچه ماهیت و چیستی روان‌شناسی تحولی و روان‌شناسی رشد متفاوت است، ولی هر دو به شناسایی و پیش‌بینی تغییرات در فراخای زندگی می‌پردازند.

(۲) نادرست - نادرست - درست - نادرست

(۱) درست - نادرست - نادرست - نادرست

(۴) درست - درست - نادرست - درست

(۳) نادرست - درست - درست - درست

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

روان‌شناسی رشد: شاخه‌ای از علم روان‌شناسی است که تلاش می‌کند تغییراتی را که در طول زندگی، از زمان تشکیل نطفه تا زمان مرگ، در آدمی رخ می‌دهد، مطالعه کند.

از روان‌شناسی تحولی هم در معنای روان‌شناسی رشد استفاده می‌شود.

● رشد یا تحول به هر نوع تغییر طولانی مدت گفته می‌شود، چه سیر صعودی داشته باشد و چه سیر نزولی.

● رشد را به جنبه‌های مختلف جسمانی (بلندشدن قد)، شناختی (حل مسائل)، هیجانی (ابراز خشم)، اجتماعی (روابط با همسالان) و اخلاقی (رعایت حقوق دیگران) تفکیک می‌کنند.

● رشد تحت تأثیر دو عامل وراثت و محیط قرار دارد.

● ویژگی‌های مربوط به رشد انسان را به دلیل پیوستگی رشد، نمی‌توان به راحتی به مراحل مشخص تقسیم کرد.

● امروزه اکثر روان‌شناسان رشد، به رشد مرحله‌ای اعتقاد دارند.

● روان‌شناسان رشد، رشد را به دلیل بروز برخی از تغییرات کیفی و اساسی که در برخی از سنین در افراد بروز می‌کند و باعث می‌شود با سال‌های قبل متفاوت شوند، به مراحل مختلف تقسیم می‌کنند. (مانند شروع بلوغ)

بررسی عبارت‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

عبارت اول: درست؛ روان‌شناسی رشد تلاش می‌کند تغییراتی را که در طول زندگی، از زمان تشکیل نطفه تا زمان مرگ در آدمی رخ می‌دهد، مطالعه کند، پس بازه زمانی فعالیت این شاخه از روان‌شناسی از شروع زندگی هر آدم، یعنی بارورشدن تخمک مادر است و در انتهای زندگی، با مرگ به پایان می‌رسد.

عبارت دوم: نادرست؛ در تعریف روان‌شناسی رشد بر واژه «آدمی» تأکید شده است که نشان می‌دهد این علم تنها به بررسی تغییرات در انسان‌ها اختصاص دارد، نه تمام موجودات. علاوه بر این درست است که روان‌شناسی، علم مشترک میان انسان و حیوان است، اما روان‌شناسی رشد با خود علم روان‌شناسی متفاوت است و در واقع شاخه‌ای از آن است که فقط به شناسایی و پیش‌بینی تغییرات در انسان می‌پردازد.

عبارت سوم: نادرست؛ در روان‌شناسی رشد، جنبه‌های مختلف رشد انسان از یکدیگر تفکیک می‌شود و پیوستگی رشد ارتباطی با تفکیک جنبه‌ها ندارد و مورد قبول همه روان‌شناسان است، آن‌چه که در تقابل پیوستگی رشد است و برخی از روان‌شناسان آن را قبول ندارند، «مرحله‌ای بودن» رشد است.

عبارت چهارم: نادرست؛ در زبان فارسی از روان‌شناسی تحولی در معنای روان‌شناسی رشد استفاده شده است، به عبارتی تحول معنای دیگر رشد است، پس نمی‌توان ماهیت آن‌ها را متفاوت و جدا از هم دانست. هر جا از کتاب درسی با واژه «روان‌شناسی رشد» مواجه شدید، بدانید که نام دیگر آن «روان‌شناسی تحولی» است که به شناسایی و پیش‌بینی تغییرات در طول زندگی می‌پردازد.

هر یک از موقعیت‌های زیر، به ترتیب، با کدام یک از اصول روان‌شناسی گشتالت رابطه دارد؟

- در ترکیب تیم ملی فوتبال ایران، مدافعان تیم، در یک ردیف قرار می‌گیرند.
- بر روی شاخه درخت، بخشی از بال‌ها و دم کلاغ را می‌بینیم، ولی بخشی از آن پشت برگ‌ها قرار دارد، با این وجود آن پرنده را کلاغ ادراک می‌کنیم.
- وقتی دو خط همدیگر را قطع می‌کنند، معمولاً آن‌ها را به صورت دو خط پیوسته می‌بینیم نه چهار خط جدا.
- در نمازخانه مدرسه، هر چند دانش‌آموزی که کنار هم در حال صحبت کردن هستند، در یک گروه دسته‌بندی می‌کنیم.

(۱) مجاورت - تکمیل - استمرار - تکمیل

(۲) مجاورت - شکل و زمینه - مجاورت - تکمیل

(۳) مشابهت - تکمیل - استمرار - مجاورت

(۴) مشابهت - شکل و زمینه - مجاورت - مجاورت

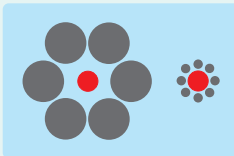
پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۳

درس Box

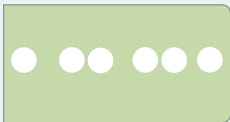
برخی از اصول گشتالت:

(۱) اصل شکل و زمینه: ادراک ما از یک شکل، تحت تأثیر زمینه‌های مختلف، تغییر می‌کند.

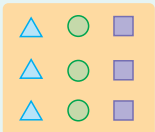


	A	
12	13	14
	C	

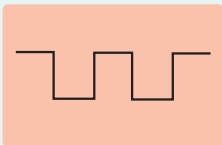
(۲) مجاورت: وقتی چند شیء در کنار یکدیگر باشند ما آن‌ها را به صورت یک گروه ادراک می‌کنیم.



(۳) مشابهت: ما معمولاً تمایل داریم اشیاء را براساس شباهت آن‌ها در یک مقوله طبقه‌بندی کنیم.



(۴) استمرار: ما گرایش داریم اشکال را به صورت متصل و پیوسته ببینیم، نه منقطع و غیرپیوسته.



(۵) تکمیل: ما تمایل داریم اشیاء ناقص را به صورت کامل ببینیم.



دانش‌آموزی از ادراک، بسیار فراتر از چیزی است که روان‌شناسان گشتالت مطرح کردند.

شواهد تجربی جدید نشان می‌دهد که علاوه بر ویژگی‌های حسی، ادراک به شدت از «نوع پردازش» افراد اثر می‌پذیرد.



● روان‌شناسان گشتالت بر نقش ویژگی‌های حسی (مانند مجاورت، شباهت، استمرار و ...) بر ادراک تأکید داشته‌اند، ولی امروزه علاوه بر نقش ویژگی‌های حسی، به تأثیر نوع پردازش در ادراک پدیده‌ها هم توجه می‌شود.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

موقعیت اول: این‌که معمولاً ما تمایل داریم افراد را براساس شباهت آن‌ها در یک مقوله دسته‌بندی کنیم، به اصل «مشابهت» برمی‌گردد. در این موقعیت نیز وظایف و موقعیت مشابه اثرگذار است.

موقعیت دوم: این‌که ذهن ما تمایل دارد کلاغ را به صورت کامل ادراک کند، اشاره به اصل «تکمیل» دارد. موقعیت سوم: گرایش به مشاهده خطوط به صورت متصل و پیوسته، دال بر اصل «استمرار» است. مانند این شکل که ما آن را به صورت دو خط  و  ادراک می‌کنیم نه چهار قطعه ،  و .

موقعیت چهارم: وقتی چند دانش‌آموز در کنار یکدیگر باشند، ما آن‌ها را به صورت یک گروه ادراک می‌کنیم. این موضوع اشاره بر اصل «مجاورت» دارد.



در جایی که فاصله زمانی و مکانی و دوری یا نزدیکی ملاک تقسیم‌بندی باشد، معمولاً با اصل «مجاورت» سروکار داریم، و زمانی که تفاوت‌ها و شباهت‌ها ملاک تقسیم‌بندی باشد با اصل «مشابهت» مواجهیم.

هر یک از عبارت های زیر، به کدام یک از انواع یا مراحل حافظه مربوط است؟

- دانش آموزی که برای حل مسئله ریاضی، فرمول مورد نیاز را به یاد نمی آورد.
- علی می خواهد حساب کند که اگر بخواهد دوستانش را بستنی مهمان کند، چه قدر هزینه دارد.
- سمانه می داند جواب این سؤال را قبلاً خوانده، ولی چون آن را مرور نکرده هر چه قدر هم معلم راهنمایش می کند، پاسخ را به یاد نمی آورد.
- سعید در روز به دنیا آمدن فرزندش به همه چیز دقیق نگاه می کرد، دلش می خواست تمام این روز خاص را خوب حفظ کند.

(۲) بلندمدت - کاری - اندوزش - رمزگردانی

(۱) کاری - بازیابی - بلندمدت - اندوزش

(۴) بازیابی - کاری - بلندمدت - معنایی

(۳) اندوزش - بازیابی - بازیابی - رویدادی

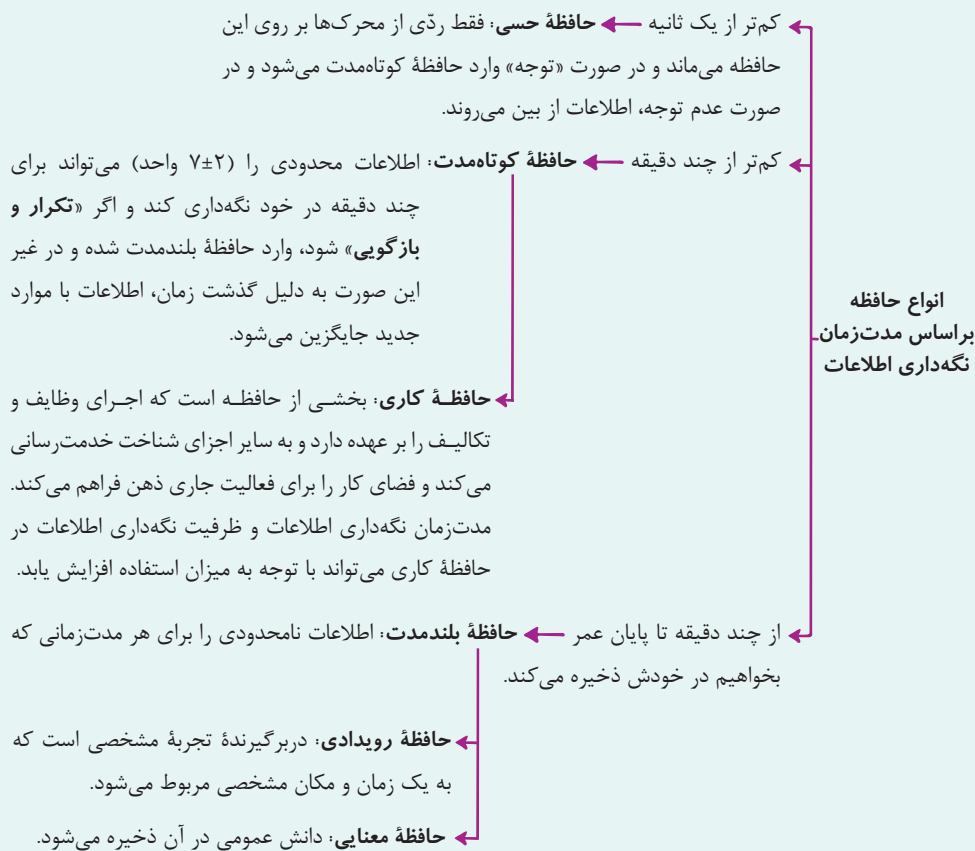
مشاوره انواع حافظه و ویژگی های هر کدام از آنها، از قسمت های مهم کتاب درسی است که شما باید بتوانید در مصادیق مختلف، نوع حافظه به کار گرفته شده را تشخیص دهید؛ بنابراین سعی کنید با مواجه شدن با سؤالات متنوع، توانایی و سرعت خود را در پاسخ دادن به این گونه سؤالات بالا ببرید.

پاسخ: گزینه ۲

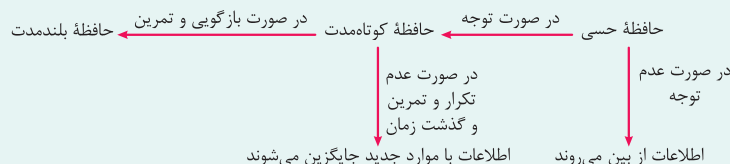
زیرمبحث: درس ۴

درس Box

حافظه را می توان با توجه به ملاک های مختلف، به شکل های مختلف تقسیم بندی کرد:



نحوه انتقال اطلاعات در انواع حافظه به این شکل است:



پاسخ خیلی تشریحی ✓

بررسی عبارت‌ها:

عبارت اول: در مسیر حل یک سؤال با کمک جای‌گذاری اعداد در فرمول مربوطه چند فعالیت رخ می‌دهد: (۱) با کمک حافظه کاری آن فرمولی که می‌بایست استفاده شود، مشخص می‌شود. (۲) با کمک حافظه بلندمدت و در مرحله بازیابی، فرمول مورد نیاز به یاد آورده می‌شود. (۳) با کمک حافظه کاری اعداد در فرمول جای‌گذاری شده و براساس فرمول، متغیر مورد نیاز محاسبه می‌شود. به صورت خلاصه می‌بایست در خاطر داشت که به یاد آوردن فرمول با کمک حافظه بلندمدت و استفاده از آن با کمک حافظه کاری است.

عبارت دوم: حافظه کاری میز کار سایر اجزای شناخت آدمی است و با کمک آن است که فرد حل مسئله می‌کند. یکی از جلوه‌های حل مسئله، محاسبات است.

عبارت سوم: وقتی اطلاعاتی با وجود به یاد سپردن (رمزگردانی) بازیابی نمی‌شود، دو احتمال وجود دارد. یا آن اطلاعات در حافظه وجود دارد و مشکل در بازیابی است، یا آن اطلاعات در حافظه وجود ندارد که بازیابی شود و مشکل در اندوزش است. سمانه سؤال را خوانده است، پس آن را رمزگردانی کرده ولی چون آن را مرور نکرده، اطلاعات از حافظه کوتاه‌مدت به حافظه بلندمدت او منتقل نشده است؛ بنابراین اطلاعات برای مدت طولانی «نگهداری نشده» و به دلیل گذشت زمان با اطلاعات دیگر جایگزین شده است. از طرف دیگر بازیابی اطلاعات از حافظه، تابع نشانه‌های بازیابی است و معلم سمانه نشانه‌های زیادی در اختیار او گذاشته است و با این وجود جواب به خاطر سمیه نیامده است، پس می‌توان متوجه شد که بازیابی‌نشدن اطلاعات به دلیل مشکل در مرحله اندوزش است.

عبارت چهارم: مرحله به خاطر سپردن اطلاعات، رمزگردانی نام دارد، همان کاری که سعید با دقت نگاه کردن به همه چیز انجام می‌دهد. از منظر نوع اطلاعات نیز، سعید مشغول به خاطر سپردن رویدادها و اتفاق‌های رخ داده است که زمان و مکان مشخص دارند. به همین خاطر می‌توان گفت حافظه سعید از نظر نوع اطلاعات، رویدادی است.

هر کدام از موارد زیر، به ترتیب، مربوط به کدام مرحله و کدام نوع حافظه است؟

(سؤال ۷۲ کنگور ۱۴۰۳ - نوبت اول)



- پاسخگویی آسان و سریع به سؤالات امتحانی
- حفظ کردن اشعار فارسی برای شرکت در مسابقهٔ مشاعره
- به خاطر داشتن اتفاقات آخرین جشن تولد خود
- استفاده از اطلاعات کاربردی علم روان‌شناسی در تربیت فرزندان
- (۱) بازیابی و رویدادی - بازیابی و رویدادی - اندوزش و معنایی - رمزگردانی و معنایی
- (۲) اندوزش و رویدادی - رمزگردانی و رویدادی - بازیابی و رویدادی - رمزگردانی و رویدادی
- (۳) بازیابی و معنایی - رمزگردانی و معنایی - اندوزش و رویدادی - بازیابی و معنایی
- (۴) اندوزش و معنایی - بازیابی و رویدادی - بازیابی و معنایی - بازیابی و رویدادی

- هر یک از افراد زیر، به ترتیب، از کدام یک از روش‌های حل مسئله سود برده‌اند؟
- شهین می‌داند اگر هر ماه، خاک سه تا از گلدان‌هایش را عوض کند در پایان سال، خاک همه آن‌ها تازه شده است.
 - حسنا همیشه غذای شام را از میان پیشنهادهای بچه‌ها و با توجه به مواد اولیه موجود در خانه، درست می‌کند.
 - سوسن با توجه به نیازهای هر یک از گلدان‌هایش، جدولی برای آبیاری آن‌ها درست کرده و مطابق آن رفتار می‌کند.
 - سمانه می‌داند اگر مواد اولیه غذا را از روز قبل آماده کند، در روز آشپزی، یک قدم جلوتر خواهد بود.

- (۱) خردکردن - بارش مغزی - تحلیلی - کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب
(۲) کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب - تحلیلی - تحلیلی - خردکردن
(۳) خردکردن - بارش مغزی - مهندسی معکوس - کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب
(۴) کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب - تحلیلی - مهندسی معکوس - خردکردن

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۵

درس‌Box

مسائل را از طریق روش‌های مختلف می‌توان حل کرد:

● مبتنی بر محاسبات ذهنی، قواعد منطقی و نیازسنجی واقعی است. ● دستیابی به راه‌حل مسئله را تضمین می‌کند. ● مورد قبول همگان است. ● در بسیاری از موارد زمان‌بر است.	روش‌های تحلیلی
● با خطا مواجه بوده و با روش‌های غیرمنطقی صورت می‌گیرد. ● عمدتاً تابع نظر و احساس شخصی است. ● اجرای آن دستیابی به راه‌حل مسئله را تضمین نمی‌کند. ● نیاز به پردازش عمیق اطلاعات ندارند. ● در حداقل زمان به راه‌حل می‌رسند. ● اعتبار آن‌ها با گذشت زمان به شدت متزلزل می‌شود.	روش‌های حل مسئله روش‌های اکتشافی

روش‌های اکتشافی حل مسئله انواع مختلفی دارند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

روش اکتشافی	توضیح	مثال‌های کتاب درسی
خردکردن	● در این روش یک مسئله بزرگ به چند مسئله کوچک تقسیم می‌شود و افراد مسئله‌های کوچک را حل می‌کنند تا به تدریج بتوانند به حل مسئله بزرگ دسترسی یابند. ● در این روش خرده‌هدف‌ها یا هدف‌های فرعی از قبل مشخص می‌شود. در واقع هر هدف فرعی، بخشی از راه‌حل است که باعث رسیدن به هدف اصلی می‌شود.	● افزایش گام‌به‌گام ساعت مطالعه. ● یافتن رمز قفل کیفی که فراموش کرده‌ایم از طریق پیدا کردن تک‌تک ارقام رمز.
کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب	● حل‌کننده در این روش سعی می‌کند فاصله بین وضعیت موجود (وجود مسئله) و وضعیت مطلوب (دسترسی به راه‌حل) را کاهش دهد.	● یافتن عیب خودرو (از طریق پیاده‌شدن از ماشین و شنیدن صدای موتور از نزدیک) ● حل معمای برج هانوی (چیدن صفحات به ترتیب از بزرگ به کوچک و منتقل کردن آن‌ها به میله دیگر) ● حل معمای چوپانی که می‌خواهد یک گوسفند و یک گوسفند و مقداری علف را به سوی دیگر رودخانه ببرد، بدون این که گوسفند و علف خورده شوند.

روش اکتشافی	توضیح	مثال‌های کتاب درسی
بارش مغزی	- در این روش همه راه‌حل‌های احتمالی که فکر می‌کنیم در پاسخ به یک مسئله می‌تواند درست باشد، ارائه می‌شود. - دارای چهار مرحله است (۱) تعریف مسئله (۲) ارائه راه‌حل‌های مختلف (۳) ارائه معیارهایی برای داوری (۴) ارائه بهترین راه‌حل با استفاده از معیارها	انتخاب یک مسابقه ورزشی شاد و فرح‌بخش در مدرسه
شروع از آخر	- این روش بیشتر در حل مسائل ریاضی کاربرد دارد. - روش مهندسی معکوس نمونه‌ای از روش‌های شروع از آخر است. - در این روش مسیر حرکت رسیدن به هدف، از انتها به اول طی می‌شود. - توجه داشته باشید که در روش مهندسی معکوس هدف تولید و ساخت محصولی است که مراحل ساخت آن را نمی‌دانیم، در نتیجه از نمونه ساخته شده مراحل تولید آن را فرامی‌گیریم.	- دو مثال برای روش مهندسی معکوس: (۱) تولید قطعاتی که فناوری آن را در اختیار نداریم از طریق تولید قطعات ساده‌تر که تکنولوژی تولید آن‌ها را در اختیار داریم. (۲) طراحی لباس جدید از روی نمونه دوخته شده و موجود آن در نمایشگاه.

بررسی عبارت‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

عبارت اول: در روش **خردکردن**، یک مسئله بزرگ به چندین مسئله کوچک تقسیم می‌شود و فرد برای حل مسئله گام‌های شخصی را طی می‌کند. در این موقعیت نیز شهین، برای حل مسئله تعویض خاک تمام گلدان‌هایش، هر ماه خاک سه‌تا از گلدان‌هایش را عوض می‌کند. به همین خاطر روش مورد استفاده او «**خردکردن**» است.

عبارت دوم: در روش **بارش مغزی**، ابتدا تمام گزینه‌ها و راه‌حل‌هایی که ممکن است منجر به حل مسئله شوند، ارائه می‌شوند و سپس با توجه به معیارهای موجود برای داوری در رابطه با مسئله، بهترین راه‌حل انتخاب می‌شود. در این موقعیت نیز، حسنا از میان راه‌حل‌های مطرح شده (پیشنهاد‌های بچه‌ها) با توجه به معیارهای موجود (مواد غذایی موجود در خانه) راه‌حل خود را انتخاب کرده است. (غذایی را انتخاب و آماده کرده است).

عبارت سوم: در روش **تحلیلی** حل مسئله، فرد از راه‌حلی منطقی استفاده می‌کند که رسیدن او به راه‌حل را تضمین کند و مورد قبول همگان باشد. آبیاری گلدان‌ها براساس جدولی از پیش تعیین شده و مطابق با نیازهای آن‌ها، روشی منطقی، مورد توافق همگان و مطابق با نیازسنجی واقعی است، از این رو، روش تحلیلی است.

عبارت چهارم: در روش حل مسئله **کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب**، فرد مسیر رسیدن به هدف را طی می‌کند و ذره‌ذره فاصله خود را با حل شدن مسئله کاهش می‌دهد. سمانه هم با توجه به آن که بخشی از مسیر آشپزی را طی کرده است، از این روش استفاده کرده است.

هر یک از عبارتهای زیر، با کدام موضوع مطابقت بیشتری دارد؟

- خواهی نشووی رسوا
- هم رنگ جماعت شو
- تکبر عزایل را خوار کرد
- به زندان لعنت گرفتار کرد
- تحت تأثیر روشهای غلط، نتایج منفی به بار می آید.
- نتیجه انتخاب خود را پس از به کارگیری آن بررسی می کند.

- (۱) سبک تصمیم گیری: منطقی - مانع تصمیم گیری: اعتماد افراطی - مراحل تصمیم گیری - مرحله چهارم تصمیم گیری
- (۲) مانع تصمیم گیری: کوچک شمردن خود - مانع تصمیم گیری: کنترل نکردن هیجانها - ملاک تصمیم گیری - مرحله هفتم تصمیم گیری
- (۳) مانع تصمیم گیری: سوگیری تأیید - مانع تصمیم گیری: کنترل نکردن هیجانها - سبک تصمیم گیری - مرحله چهارم تصمیم گیری
- (۴) سبک تصمیم گیری: وابسته - مانع تصمیم گیری: اعتماد افراطی - موانع تصمیم گیری - مرحله هفتم تصمیم گیری

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۶

درس Box

مراحل تصمیم گیری:

تصمیم گیری شامل ۷ مرحله است که لازم است به ترتیب انجام شوند:

مثال توضیحی	اقدام مورد نظر
انتخاب رشته تحصیلی	(۱) شناسایی و تعریف تصمیم مورد نظر
انتخاب رشته تحصیلی دوره دوم متوسطه از بین چهار انتخاب	(۲) شناسایی تعداد انتخابها و اولویتهای آن تصمیم
بررسی دروس هر رشته و ...	(۳) بیان ویژگیهای هر انتخاب یا اولویت
امنیت شغلی و علایق تحصیلی	(۴) ارزیابی پیامدهای هر انتخاب یا اولویت
انتخاب رشته علوم انسانی	(۵) اجرای بهترین اولویت
مطالعه دقیق، هدفمند و کارآمد دروس این رشته	(۶) تعهد و پایبندی به اجرای اولویت مورد نظر
پیشرفت تحصیلی مطلوب و ابراز رضایت تحصیلی	(۷) بررسی پیامد و نتایج اجرای اولویت مورد نظر

موانع تصمیم گیری:

گاهی مراحل تصمیم گیری به درستی انجام نمی شود و تحت تأثیر روشهای غلط، نتایج منفی به بار می آورد. در زیر به برخی از

این موانع اشاره شده است:

توضیح	موانع تصمیم گیری
فرد صرفاً از اطلاعاتی استفاده می کند که دیدگاهش را تأیید کند و شواهدی که با دیدگاه او مخالف است را کنار می گذارد.	سوگیری تأیید
فرد به قضاوتها و روشهای تصمیم گیری خود اعتماد بیش از حد دارد.	اعتماد افراطی
• دست کم گرفتن خود، عصبانیت بودن، ترس بودن و اعتماد به نفس پایین مانع تصمیم گیری درست می شود.	کوچک شمردن خود
• بسیاری از تصمیم گیریهای مهم، علاوه بر دانش لازم، به اعتماد به نفس قوی نیاز دارد.	
• افراد مختلف، واکنشهای هیجانی مختلفی در ما ایجاد می کنند.	کنترل نکردن هیجانها
• واکنشهای عاطفی، به دلیل زودگذر بودن، نمی تواند ملاک تصمیم گیری باشد.	
• افرادی که قادر به کنترل هیجانهای خویش نباشند، به طور مداوم با شکست در تصمیم گیری روبه رو می شوند.	

پاسخ خیلی تشریحی ✓

بررسی عبارت‌ها:

عبارت اول: در سبک **تصمیم‌گیری وابسته**، فرد به جای فکر کردن، تنها از دیگران اطاعت کورکورانه می‌کند. به عبارتی اگر علت انتخابش را جویا شویم، تنها جوابی که می‌تواند بدهد به انتخاب دیگران بازمی‌گردد، حتی اگر به ضرر خودش تمام شود. در این ضرب‌المثل نیز، فرد هم‌رنگ جماعت می‌شود تا مانند و شبیه دیگران باشد و ضرری نبیند. (تأیید گزینه (۴)) البته این فرد ممکن است به دلیل کوچک‌شمردن خود و یا عدم اعتماد به نفس کافی از دیگران پیروی کورکورانه کند؛ (تأیید گزینه (۲)) ولی این موضوع به سبک تصمیم‌گیری منطقی ارتباطی ندارد، چون ممکن است تصمیم جماعت تصمیم درستی نباشد. (رد گزینه (۱)) از طرفی تصمیم‌گیری وابسته ارتباطی با سوگیری تأیید ندارد. (رد گزینه (۳))

عبارت دوم: بیت ذکرشده به داستان تکبر و غرور شیطان (عزیزیل) در برابر تصمیم برای سجده مقابل انسان اشاره دارد. در نهایت او که روزی فرشته خداوند محسوب می‌شد، به خاطر همین **اعتماد افراطی** به خود، از درگاه پروردگار رانده شد. اعتماد افراطی مانعی برای تصمیم‌گیری درست محسوب می‌شود، با وجود این که مقدار متعادلی از اعتماد به خود، لازمه تصمیم‌گیری است، اما در این مانع، فرد به قضاوت‌ها و روش‌های تصمیم‌گیری خود اعتماد بیش از حد دارد، در نتیجه تصمیم‌گیری‌اش همراه با خطاست. (تأیید گزینه‌های (۱) و (۴))

عبارت سوم: گاهی مراحل تصمیم‌گیری به درستی انجام نمی‌شود یا تحت تأثیر روش‌های غلط، نتایج منفی به بار می‌آید. این روش‌های غلط، **مانع تصمیم‌گیری درست** هستند. (تأیید گزینه (۴)) توجه داشته باشید که برخی از سبک‌های تصمیم‌گیری هم روش‌های نادرست تصمیم‌گیری هستند، با این تفاوت که به طور ثابت و پایدار به کار می‌روند و به سبک تصمیم‌گیری فرد تبدیل شده‌اند، ولی در این عبارت به ثابت و پایدار بودن آن‌ها اشاره‌ای نشده است. (رد گزینه (۳))

عبارت چهارم: در مرحله چهارم تصمیم‌گیری، پیامد انتخاب‌ها یا اولویت‌های مورد نظر را بررسی می‌کنیم، در حالی که وقتی تصمیمی را عملی و اجرا کرده و سپس بعد از مدتی پیامدها و نتایج آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم، در مرحله **هفتم تصمیم‌گیری** قرار داریم.



هر کدام از عبارت‌های زیر، به ترتیب، با کدام مورد همخوانی بیشتری دارد؟ (سوال ۷۵ کنکور ۱۴۰۴ - نوبت دوم)

- احمد در طی هفته، دو ساعت وقت مازاد دارد اما نمی‌داند در کلاس موسیقی شرکت کند یا والیبال.
- خانم زندی برای درمان نارسایی قلب خود، باید در اسرع وقت به متخصص قلب مراجعه کند، ولی دکتر رفتن خود را به آینده موکول می‌کند.
- صدرا با توجه به تنوع و کیفیت غذاها، رستوران خاصی را برای پذیرایی از دوستانش انتخاب می‌کند.
- راضیه با اینکه چند ترم در کلاس زبان شرکت کرده و پیشرفتی نداشته، باز هم اصرار به شرکت در همان کلاس را دارد.

- (۱) تعارض - تصمیم‌گیری اجتنابی - ملاک مزیت در تصمیم‌گیری - عدم انتخاب راه‌حل‌های جایگزین
- (۲) تصمیم‌گیری مهم و پیچیده - ناتوانی در تصمیم‌گیری - ملاک هزینه در تصمیم‌گیری - عدم هدفمندی
- (۳) ناتوانی در تصمیم‌گیری - تصمیم‌گیری احساسی - تصمیم‌گیری فردی و معمولی - عدم به کارگیری راه‌حل مسئله
- (۴) تصمیم‌گیری فردی و مهم - ناتوانی در تصمیم‌گیری - تصمیم‌گیری معمولی و ساده - عدم تشخیص درست مسئله

داوطلبی با وجود خستگی شدید ناشی از مطالعه، کشش عجیبی به حل تست‌های دشوار ریاضی دارد و ساعت‌ها بدون خستگی به این کار ادامه می‌دهد تا راه حل جدیدی کشف کند. داوطلب دیگری زمان مشابهی را صرف مطالعه می‌کند، اما تمرکز او بر یادگیری دقیق تکنیک‌های تست‌زنی است تا بتواند در آزمون آزمایشی هفته آینده رتبه یک کشور را کسب کند. به ترتیب، وضعیت «شدت»، «جهت» و «نوع انگیزه» در این دو فرد چگونه ارزیابی می‌شود؟

۱) یکسان - متفاوت - در داوطلب اول درونی و در داوطلب دوم بیرونی است.

۲) متفاوت - متفاوت - در داوطلب اول بیرونی و در داوطلب دوم درونی است.

۳) یکسان - یکسان - در هر دو داوطلب درونی است.

۴) متفاوت - یکسان - در هر دو داوطلب بیرونی است.

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۷

درس Box

انگیزه: چیزی است که ما را به حرکت درمی‌آورد و مسیری که باید طی کنیم را معین می‌کند.

● انگیزه‌ها می‌توانند از نظر شدت و جهت، در افراد متفاوت باشند.

◀ **شدت انگیزه:** میزان قدرت و نیرویی است که فرد برای رسیدن به هدف به کار می‌برد.

برای مثال: دانش‌آموزی که هر روز ۱۴ ساعت مطالعه می‌کند بیانگر شدت رفتار در اوست.

◀ **جهت انگیزه:** مسیر حرکت و چیزی که فرد می‌خواهد به آن برسد را مشخص می‌کند.

برای مثال: کسی که می‌خواهد شاگرد اول شود و درس‌هایش را مطالعه می‌کند، درس خواندن و شاگرد اول شدن جهت رفتار او را نشان می‌دهد.

● انگیزه‌ها می‌توانند هم توسط عوامل درونی و هم توسط عوامل بیرونی ایجاد شوند.

◀ فرد کار یا فعالیت را به خاطر خود آن چیز انجام می‌دهد، زیرا به آن کار علاقه دارد، برایش

جالب است یا با نیازهای فطری او هماهنگ است.

◀ **درونی** منبع لذت در خود تکلیف است.

◀ هدف از انجام فعالیت، خود فعالیت است.

◀ **مثال:** کودکانی که علی‌رغم خستگی به بازی فوتبال ادامه می‌دهند.

◀ عامل خارجی فرد را به انجام کاری خاص برمی‌انگیزد.

◀ منبع انگیزه بیرونی در پاداش و لذت، خارج از فعالیت است.

◀ **بیرونی** با قطع پیامد، رفتار قطع می‌شود.

◀ **مثال:** فوتبالیستی که به دلیل وعده و وعیدهای باشگاه فوتبال بازی می‌کند.

انواع انگیزه

ماندگاری رفتاری که با انگیزه درونی انجام شده بیشتر از رفتاری است که با انگیزه بیرونی انجام می‌شود.



شدت انگیزه: میزان انرژی، نیرومندی و شدت رفتار را تعیین می‌کند. هر دو داوطلب ساعت‌ها زمان صرف کرده و با جدیت مطالعه می‌کنند، پس میزان انرژی و «شدت انگیزه» آن‌ها **یکسان** است.

جهت انگیزه: مسیر حرکت، نوع رفتار و هدفی را که فرد به سمت آن حرکت می‌کند، مشخص می‌سازد. هدف فرد اول کشف راه حل جدید و هدف فرد دوم کسب رتبه یک در آزمون است، پس مسیر و «جهت انگیزه» آن‌ها **متفاوت** است.

نوع انگیزه: داوطلب اول به خاطر خود فعالیت و پاسخ به نیاز کنجکاوی و حس شایستگی تلاش می‌کند، پس دارای «انگیزه درونی» است در حالی که داوطلب دوم برای پیامد رفتار (کسب رتبه و پاداش بیرونی) تلاش می‌کند، پس دارای «انگیزه بیرونی» است.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

به ترتیب، در هر یک از موقعیت‌های زیر، رفتار فرد تحت تأثیر کدام عامل نگرشی است؟

- مسلمانی که تصمیم گرفته باورهای خود را مستحکم کند.
- نوجوانی که اهل بازی‌های کامپیوتری است و به همین خاطر، دائم اثر سوء آن را بر بینایی کتمان می‌کند.
- دانشجویی که دوست دارد با دوستانش وقت بگذرانند، اما چون فوتبالتش خوب نیست با آن‌ها به سالن نمی‌رود.
- دانش‌آموزی که باور دارد سؤالات معلمش آن‌قدر سخت هست که حتی اگر خوب درس بخواند هم می‌افتد و تلاشی نمی‌کند.

مشاوره در کنکورهای سال‌های اخیر شاهد سؤالاتی از قسمت‌های فعالیت‌ها، سؤال‌ها و حتی پرسشنامه‌ها بودیم، بنابراین هیچ قسمتی از کتاب را نادیده نگیرید و به سطر سطر کتاب درسی توجه کنید.

- (۱) هدفمندی - ناهماهنگی پس از تصمیم - عدم ادراک کنترل - باورها و نظام ارزشی
- (۲) باورها و نظام ارزشی - ناهماهنگی پس از تصمیم - عدم ادراک کنترل - عدم ادراک کارایی
- (۳) باورها و نظام ارزشی - ناهماهنگی شناختی - عدم ادراک کارایی - عدم ادراک کنترل
- (۴) هدفمندی - ناهماهنگی شناختی - عدم ادراک کارایی - درماندگی آموخته‌شده

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۷

درس‌Box

عوامل نگرشی	تعریف
باورها و نظام ارزشی فرد	اعتقاد راسخ و واقعی به بودن یا نبودن چیزی یا انجام‌پذیر بودن یا انجام‌ناپذیر بودن کارها.
اراده	داشتن انرژی و پشتکار کافی برای به ثمر رساندن کارها، با وجود محدودیت‌های درونی و بیرونی
هدفمندی	داشتن هدف (هر چیزی که انسان سعی دارد به آن برسد و فکر می‌کند برایش مفید است).
ناهماهنگی شناختی	وقتی شخص دارای دو شناخت هم‌زمان و در تضاد باشد و یا باور او با رفتارش هماهنگ نباشد.
ادراک کارایی	داشتن این باور که ما دانش و مهارت لازم برای انجام‌دادن کاری را داریم.
ادراک کنترل	داشتن این باور که همه‌چیز مطابق نظر ما و تحت اختیار ما است و ما می‌توانیم محیط را در کنترل خود بگیریم.
اسناد	نسبت‌دادن دلایل شکست و پیروزی‌مان به عوامل زیربنایی آن.
درماندگی آموخته‌شده	یاد می‌گیریم که نتایج به‌دست‌آمده ارتباطی با کار و تلاش ما نداشته و مستقل از عمل ما هستند و در نتیجه دست از تلاش برمی‌داریم.

بررسی عبارت‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

عبارت اول: **هدف** هر آن چیزی است که فرد سعی دارد به آن برسد؛ خواه این هدف از نوع هدفی عینی باشد، مثل خرید خودرو، یا هدفی غیرعینی مانند تقویت اعتقادات و باورها. (تأیید گزینه‌های (۱) و (۴))

عبارت دوم: وقتی رفتار فرد با نگرش او مغایر باشد، حالتی ناخوشایند پیش می‌آید که **ناهماهنگی شناختی** نامیده می‌شود. یکی از راه‌های برون‌رفت از این موقعیت آن است که فرد باور و نگرش خود را تغییر دهد تا سبب مغایرت با رفتارش نشود. (تأیید گزینه‌های (۳) و (۴)) دقت کنید، ناهماهنگی پس از تصمیم نوعی ناهماهنگی شناختی است که در آن فرد بین دو انتخاب خواستنی یکی را انتخاب می‌کند. در این موقعیت اشاره‌ای به انتخاب بین دو چیز مطلوب نشده است. (رد گزینه‌های (۱) و (۲)) عبارت سوم: یکی از پیش‌نیازهای وقوع رفتار، آن است که فرد توانایی و مهارت لازم برای انجام آن کار را در خود بیابد. یعنی خود را کارآمد دانسته یا به عبارت دیگر **ادراک کارایی** داشته باشد. فردی که این کارایی را در خود نمی‌یابد رفتار مورد نظر را انجام نمی‌دهد. (تأیید گزینه‌های (۳) و (۴))

عبارت چهارم: در **درماندگی آموخته‌شده** فرد باور دارد که نتیجه، مستقل از تلاش اوست و به همین خاطر دست از تلاش برمی‌دارد، مانند این دانش‌آموز که چون باور دارد چه درس بخواند چه درس نخواند، آن‌قدر سؤالات امتحان دشوار است که در امتحان مردود خواهد شد؛ بنابراین دست از تلاش برداشته و درس نمی‌خواند. (تأیید گزینه ۴) درماندگی آموخته‌شده، باوری منفی است که در فرد وجود دارد و مانع از بروز رفتار می‌شود. (تأیید گزینه ۲) ضمناً فرد احساس می‌کند که کنترلی بر شرایط ندارد. (تأیید گزینه ۳) ولی نمی‌توانیم بگوییم فرد احساس می‌کند دانش و مهارت لازم را برای انجام کار ندارد. (رد گزینه ۲)

والیبال حمید خوب نیست. دوستش از او دعوت کرد که در مسابقه والیبال محلی در تیم آنها بازی کند. حمید بهانه می‌آورد و عذرخواهی می‌کند. با توجه به ادراک کنترل و ادراک کارایی، به این سؤالات پاسخ دهید:

(روان‌شناسی - صفحه ۱۷۳ کتاب درسی)



- (۱) چرا حمید نخواست در مسابقه شرکت کند؟
- (۲) چه رفتارهایی از حمید سر زد؟
- (۳) انگیزه او از انجام دادن این رفتار چه بود؟
- (۴) این انگیزه، درونی بود یا بیرونی؟
- (۵) نگرش او چه تأثیری در پذیرفتن این درخواست یا رد آن دارد؟

وضعیت کدام فرد نشان‌دهنده نقش متقابل عوامل جسمانی و روانی در سلامت روان است؟

- (۱) جوانی که به بیماری اگزما مبتلا است و خارش شدید در بدنش دارد.
- (۲) پسری که از نتیجه کنکورش ترس و دلهره دارد و رنگش پریده است.
- (۳) دختر بی‌انگیزه‌ای که در بین خانواده و اطرافیانش، احساس ناکافی بودن می‌کند.
- (۴) نوجوانی که در جمع‌های شلوغ اضطراب زیادی دارد و از اجتماع‌ها دوری می‌کند.

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۸

درس‌Box

نقش متقابل عوامل جسمانی و روانی در سلامت روان:

در روان‌شناسی سلامت، متغیرهای روان‌شناختی در دو نقش بررسی می‌شوند:

- (۱) عامل ایجاد بیماری‌های جسمانی: ← برخی از مسائل روانی در ایجاد انواع بیماری‌های جسمانی نقش دارند. مانند کسی که به دلیل فشارهای کاری زیاد دچار ناراحتی‌های قلبی - عروقی می‌شود.
- (۲) پیامدهای بیماری‌های جسمانی: ← اگر فردی مبتلا به بیماری‌ها و مشکلات جسمانی باشد، عوارض و مشکلات روانی نیز در وی بروز می‌کند. مانند کودکی که به دلیل مبتلا بودن به بیماری صرع، زود عصبانی می‌شود و احساس غمگینی می‌کند.

بررسی گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- گزینه (۱): بیماری اگزما و خارش شدید هر دو مربوط به عوامل جسمانی هستند.
- گزینه (۲): احساس ترس و دلهره امری روانی است و پریدگی رنگ صورت، امری جسمانی است؛ بنابراین در این گزینه عامل روانی باعث ایجاد مشکل جسمانی شده است و بیانگر نقش متقابل عوامل جسمانی و روانی در سلامت روان است.
- گزینه (۳): بی‌انگیزه بودن و احساس ناکافی بودن هر دو به عوامل روانی مربوط هستند.
- گزینه (۴): اضطراب زیاد و دور شدن از اجتماع (منزوی شدن)، هر دو از عوامل روانی هستند.

کدام گزینه در رابطه با مقابله‌های سازگارانه و مقابله‌های ناسازگارانه درست است؟

- (۱) مقابله‌ها زمانی به کار می‌روند که افراد با فشارهای روانی منفی و مثبت مواجه شده و احساس کنترل شخصی بر موقعیت داشته باشند.
- (۲) به یاد آوردن آیه «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» در هنگام مواجهه با فشار روانی، هم بیانگر تأثیر مستقیم مذهب بر سلامت است و هم از مقابله‌های سازگارانه بلندمدت محسوب می‌شود.
- (۳) رهاشدن از علائم هیجانی منفی ناشی از فشار روانی، می‌تواند در برخی از مقابله‌های ناسازگارانه اتفاق بیفتد.
- (۴) استفاده مکرر از برخی از مقابله‌های سازگارانه و ناسازگارانه می‌تواند منشأ بسیاری از انحرافات فردی و اجتماعی باشد.

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۸

درس‌Box

مقابله: به معنای تلاش فرد برای از بین بردن فشار روانی و یا به حداقل رساندن و تحمل آن است و به دو صورت انجام می‌شود:

(۱) **مقابله‌های سازگارانه:** مقابله‌هایی که به حل مسائل و برطرف کردن عامل فشارآور و به حداقل رساندن آن و یا تحمل فشار روانی کمک می‌کند.

(۲) **مقابله‌های ناسازگارانه:** مقابله‌هایی که به حل مسئله و برطرف کردن فشار روانی کمک نمی‌کنند و معمولاً ناکارآمد و مضر هستند.

انواع مقابله‌ها:

مقابله‌های سازگارانه	انواع روش‌های سازگارانه کوتاه‌مدت	انواع روش‌های سازگارانه بلندمدت
- استفاده از مهارت حل مسئله - مشورت و راهنمایی گرفتن - استفاده از حس شوخ‌طبعی - فعالیت بدنی و ورزش کردن	- تنفس عمیق - گفتن عبارت: «ایست!» - شمردن اعداد - تلقین برخی جملات - خواندن یک بیت شعر یا یک جمله - ترک موقعیت - خوردن یک لیوان آب خنک - به خاطر آوردن یک رویداد خوشایند یا یک بیت شعر خوشایند	- ورزش‌های هوازی - تمرین آرام‌سازی خود - استفاده از روش‌های حل مسئله - نوشتن خاطرات - تغذیه مناسب - حمایت‌های اجتماعی - تفریح و سرگرمی - برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده

مقابله‌های ناسازگارانه

- منفعل‌بودن: فرد دست از فعالیت برمی‌دارد و برای از بین بردن فشار روانی هیچ تلاشی نمی‌کند.
- در انتظار معجزه بودن: فرد بدون این‌که تلاش کند، منتظر است اتفاق خارق‌العاده‌ای رخ دهد.
- انجام‌دادن رفتارهای تکانشی و بدون فکر و تأمل: فرد از لحاظ هیجانی، به شدت تحریک می‌شود؛ به طوری که بر هیجان‌ها و رفتار خود کنترل ندارد و حتی ممکن است به خود و دیگران آسیب برساند.
- استفاده از داروهای شیمیایی، دخانیات و سایر موارد مشابه: فرد برای فراموش کردن هیجان‌های منفی فشار روانی و رهایی از آن‌ها، از داروهای آرام‌بخش، مواد اعتیادآور و یا سیگار استفاده می‌کند که نه‌تنها کمکی به کنترل فشار روانی نمی‌کند، بلکه فشارآورهای بزرگ‌تری ایجاد می‌کند و بر سلامتی فرد اثر مخرب دارد.

استفاده مکرر از مقابله‌های ناسازگارانه می‌تواند باعث بسیاری از بزهکاری‌ها، اعتیاد و انحراف‌های فردی و اجتماعی شود.

بررسی گزینه‌ها:



پاسخ خیلی تشریحی ✓

- (۱) **نادرست:** مقابله به معنای تلاش فرد برای از بین بردن فشار روانی و یا به حداقل رساندن (تحمل) آن است و زمانی کاربرد دارد که فرد با فشار روانی منفی روبه‌رو شده باشد، زیرا در فشار روانی مثبت، واکنش‌های رفتاری و شناختی فرد ارتقا یافته و انگیزه و تلاش فرد برای رسیدن به هدف افزایش می‌یابد؛ بنابراین افراد نیازی برای از بین بردن و یا کاهش‌دادن آن احساس نمی‌کنند.

۲) **نادرست**؛ خواندن آیه‌ای که باعث احساس آرامش در فرد می‌شود، بیانگر نقش مستقیم مذهب بر سلامت است، پس قسمت اول جمله درست است، ولی قسمت دوم جمله نادرست است، چون خواندن یا به یاد آوردن یک بیت شعر یا جمله، یکی از روش‌های سازگارانۀ کوتاه‌مدت محسوب می‌شود.

۳) **درست**؛ افراد در مقابلهٔ ناسازگارانۀ «استفاده از داروهای شیمیایی، دخانیات و ...» برای فراموش کردن هیجان‌های منفی، فشار روانی و رهایی از آن‌ها، از داروهای آرام‌بخش و مواد اعتیادآور استفاده می‌کنند که در کوتاه‌مدت از فشار هیجان‌های منفی رها می‌شوند، ولی اثرات وخیم‌تری مانند اعتیاد برجا می‌گذارند.

دقت کنید که اگر به جای قید «برخی» از «همه» استفاده می‌شد، این گزینه هم نادرست محسوب می‌شد، چراکه در شیوه‌های منفعل‌بودن یا در انتظار معجزه بودن، شاهد این حجم علائم هیجانی و رفتاری نیستیم!

۴) **نادرست**؛ بسیاری از بزهکاری‌ها، اعتیاد و انحراف‌های فردی و اجتماعی به دلیل استفادهٔ مکرر از مقابله‌های نامناسب و ناسازگارانه در مقابل فشار روانی است، نه مقابله‌های سازگارانه.

گول‌نخوری

• عَيْنَ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنْ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مَنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (١٢١ - ١٢٦):

﴿وَجَادِلْهُمْ بَالْتِي هِيَ أَحْسَنُ، إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾:

۱۲۱

مشاوره در آزمون‌ها غالباً سؤال اول عربی یکی از آیات قرآن داخل کتابه، پس حتماً از قبل معنای آیات رو با دقت یاد بگیرین، چون گاهی ممکنه نکاتی داشته باشن که نیاز به بررسی شدن قبل از آزمون دارن.

- (۱) و با چیزی که بهتر است با آنان بحث کن، که پروردگار تو بهتر می‌داند چه کسانی از راه خود منحرف شده‌اند!
- (۲) و با آن چه بهتر است با آنان مجادله کن، قطعاً پروردگارت نسبت به کسی که از راه او منحرف شده آگاه‌تر است!
- (۳) و با آن چه نیکوتر است با آنان جدل کن، بی‌شک خدایت عالم‌تر است چه کسانی در راه خود منحرف شده‌اند!
- (۴) و بدان چه نیکوتر است با آنان مباحثه کن، بی‌گمان خدای تو آگاه است که چه کسی در راه او گمراه شده است!

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۱

خواست به وزن «أعلم» باشه. / «ضَلَّ» مفرده یا جمع؟

Hint

درسی Box

به اسم‌هایی که بر یکی از وزن‌های «أَفْعَلْ، فُعْلَى، أَفْلَ، أَفْعَى» باشند و به همراه «تَر/ تَرین» ترجمه شوند، اسم تفضیل می‌گوییم.

مثال «أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین» / «كُبْرَى: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین» / «أَقْلَى: کم‌تر، کم‌ترین» / «أَقْوَى: قوی‌تر، قوی‌ترین»

در این تست، «أَعْلَمُ» اسم تفضیل است، بنابراین به شکل «داناتر» ترجمه می‌شود.

کلمات مهم: «جَادِلْهُمْ»: با آنان مجادله کن / «بَالْتِي»: با آن چه / «أَحْسَنُ»: بهتر / «إِنَّ»: قطعاً / «رَبَّكَ»: پروردگارت / «أَعْلَمُ»: آگاه‌تر / «بِمَنْ»: نسبت به کسی که / «ضَلَّ»: منحرف شده است / «عَنْ سَبِيلِهِ»: از راه او

خطاهای سایر گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه (۱): که «مَعَادِلُ» است نه «إِنَّ». - بهتر می‌داند («أَعْلَمُ» در این عبارت، اسم تفضیل و به معنی «داناتر» است و فعل نیست.) - چه کسانی («مَنْ» در این‌جا برای «ضَلَّ» به کار رفته، پس باید مفرد ترجمه شود، ضمن این‌که کلمه پرسشی نیست.)

منحرف شده‌اند («ضَلَّ» مفرد است نه جمع.)

گزینه (۳): خدایت («رَبَّ» به معنی «پروردگار» است نه «خدا»). - چه کسانی (مانند گزینه (۱)) - در («عَنْ» یعنی «از» نه «در»). -

منحرف شده‌اند (مانند گزینه (۱))

گزینه (۴): خدای تو (مانند گزینه (۳)) - آگاه («أَعْلَمُ» در این عبارت، اسم تفضیل و به معنی «آگاه‌تر» است.) - چه کسی («مَنْ» در

این‌جا کلمه پرسشی نیست.) - در (مانند گزینه (۳))

تنها با دانستن معنای ترکیب «بِمَنْ ضَلَّ»، به راحتی می‌توان به پاسخ رسید!

تیزبازی

«لَا تَقْسُ أَنْفُسَنَا بِأَيِّ شَخْصٍ آخَرٍ وَ لَيْسَ صَحِيحاً أَنْ نُحَاوِلَ أَنْ نَكُونَ أَفْضَلَ مِنْ غَيْرِنَا، بَلِ الْمَهْمُ أَنْ يَكُونَ يَوْمَنَا هَذَا أَفْضَلَ مِنَ الْأَمْسِ!»:

- ۱) خودمان را با هر شخص دیگری مقایسه نمی‌کنیم و درست نیست که سعی کنیم تا از دیگران برتر باشیم، بلکه مهم این است که روزمان بهتر از روز گذشته شود!
- ۲) نباید خودمان را با هیچ شخص دیگری مقایسه کنیم و درست نیست که تلاش کنیم به این‌که از دیگران برتر باشیم، بلکه مهم این است که امروزمان بهتر از دیروز باشد!
- ۳) خودمان را با شخص دیگری مقایسه نمی‌کنیم و این‌که تلاش کنیم تا از دیگری بهتر شویم درست نیست، بلکه این مهم است که این روزمان بهتر از دیروز شود!
- ۴) نباید با هیچ شخص دیگری قیاس شویم و این‌که تلاشمان این باشد که از دیگری بهتر باشیم درست نیست، بلکه مهم این است که امروزمان برتر از روز گذشته باشد!

مشاوره گاهی در جملات، کلماتی دیده می‌شن که ما معنی‌شون رو نمی‌دونیم. در این حالت نباید سریع تسلیم بشیم بلکه با کمک کلمات و نکات دیگه جواب سؤال رو به دست بیاریم.

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۳

«لَا تَقْسُ» فعل نهی از متکلم مع الغیره.

Hint

کلمات مهم: «لَا تَقْسُ» نباید مقایسه کنیم (فعل نهی متکلم مع الغیره است، پس باید به صورت «نباید + مضارع التزامی ترجمه شود.» / «أَيِّ شَخْصٍ»: هر شخصی، هیچ شخصی / «أَنْ نُحَاوِلَ»: که تلاش کنیم / «أَفْضَلَ»: برتر، بهتر / «يَوْمَنَا هَذَا»: امروزمان / «الْأَمْسِ»: دیروز

بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- گزینه ۱): مقایسه نمی‌کنیم («لَا تَقْسُ» آخرش ساکن است، پس فعل نهی است و باید به صورت دستوری ترجمه شود). - روزمان «هذا» در ترجمه لحاظ نشده است.
- گزینه ۳): شخص دیگری («أَيِّ شَخْصٍ» یعنی «هر شخص، هیچ شخص») - مقایسه نمی‌کنیم (مانند گزینه ۱) - بهتر شویم («أَنْ نَكُونَ» یعنی «باشیم») - شود (ترجمه دقیق برای «أَنْ يَكُونَ» باشد «نیست»)
- گزینه ۴): نباید قیاس شویم («أَنْ تَقْسُ» متعدی بوده و «أَنْفُسَنَا» که مفعول آن است ترجمه نشده است). - تلاشمان این است ... («أَنْ نُحَاوِلَ» فعل است، ولی به صورت اسم ترجمه شده است.)

«إِنَّ أَثَرَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ فِي تَقْدُّمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَتَوْسُّعِهَا كَثِيرٌ جَدًّا، وَتِلْكَ لُغَةٌ قَدْ تَأَثَّرَتْ فِي مَجَالَاتٍ كَثِيرَةٍ مِنْ هَذَا الْكِتَابِ السَّمَائِيِّ الَّذِي يُعَدُّ قَمَّةَ الْبَلَاغَةِ»:

مشاوره در سؤالات ترجمه تک‌عبارتی بهتره ابتدا گزینه‌ها رو به شکل عمودی با هم مقایسه کنین و بعد از این‌که یک تفاوت بین گزینه‌ها پیدا کردین به سراغ معادل عربی اون کلمه رفته و ردّ گزینه کنین، سپس این کار رو با سایر گزینه‌ها ادامه بدین تا زمانی که گزینه صحیح مشخص بشه.

- ۱) تأثیر قرآن کریم در پیشرفت زبان عربی و توسعه آن بدون شک زیاد است، و آن زبان در زمینه‌های بیشتری از این کتاب آسمانی که اوج بلاغت محسوب می‌شود، تأثیر گرفته است!
- ۲) بدون تردید تأثیر قرآن کریم در پیشرفت و توسعه زبان عربی بسیار بوده است، و آن زبان در زمینه‌های زیادی بر این کتاب آسمانی که اوج بلاغت به شمار می‌آید، تأثیر گذاشته است!
- ۳) تأثیر قرآن کریم در پیشرفت و توسعه زبان عربی بسیار زیاد است، و آن زبانی است که در زمینه‌های بسیاری از این کتاب آسمانی که اوج بلاغت به شمار می‌رود، تأثیر پذیرفته است!
- ۴) تأثیر قرآن کریم در پیشرفت زبان عربی و توسعه آن قطعاً بسیار زیاد بوده است، و آن زبانی است که اوج بلاغت محسوب می‌شود و در زمینه‌های زیادی از کتاب آسمانی تأثیر گرفته است!

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۴

«إِنَّ» در کجای عبارت باید ترجمه بشه؟/ به کلمه بعد از اسم اشاره توجه کن!

Hint

درس‌Box

- ۱) ساختار «قد + ماضی» معادل ماضی نقلی فارسی است.
مثال یَئِسَ ← ناامید شد/ قد یَئِسَ ← ناامید شده است
 در این عبارت، فعل «قد تأثرت» از ساختار «قد + ماضی» تشکیل شده است، بنابراین معادل ماضی نقلی است و به شکل «تأثیر پذیرفته است» ترجمه می‌شود.
- ۲) وقتی ساختار «اسم اشاره + اسم بدون ال» داشته باشیم باید به نکات زیر توجه کنیم:
 ۱) این دو کلمه تشکیل یک جمله اسمیه کامل می‌دهند که در آن اسم اشاره، مبتدا و آن اسم بدون «ال» خبر است.
 ۲) در ترجمه، این دو کلمه نباید به شکل یک گروه اسمی ترجمه شوند و باید میان آن‌ها مکشی (ویرگول) داشته باشیم.
 ۳) از آن‌جا که اسم بدون «ال» خبر است باید آن را به شکل مسند فارسی در کنار فعل اسنادی «است/ هستند» ترجمه کنیم.
مثال هذا طالبٌ: این، دانش‌آموز است. ✓ این دانش‌آموز ... ✗
 در این تست، «تلك لغة» دارای این ساختار است، در نتیجه باید به شکل «آن، زبانی است» ترجمه شود.
 ۳) در تست‌های ترجمه برای تفاوت معنای «کثیر، کثیر من و أكثر» اهمیت زیادی قائل باشید. به مثال‌های زیر به خوبی توجه کنید.
 الف) کُتِبَ کثیرة:
 کتاب‌های بسیاری ✓ بسیاری از کتاب‌ها ✗ بیشتر کتاب‌ها ✗
 ب) کثیر من الکُتُب:
 بسیاری از کتاب‌ها ✓ کتاب‌های بسیاری ✗ بیشتر کتاب‌ها ✗
 ج) أكثر الکُتُب:
 بیشتر کتاب‌ها ✓ بسیاری از کتاب‌ها ✗ کتاب‌های بسیاری ✗
 ۴) «إِنَّ» به معنای «قطعاً، بی‌شک و...» بر کل عبارت تأکید می‌کند، بنابراین لفظ «قطعاً، بی‌شک و...» را باید در ابتدای عبارت ترجمه کنیم.
 «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ»: قطعاً خداوند شنواست.

کلمات مهم: «أثر القرآن الكريم»: تأثیر قرآن کریم/ «في تقدّم اللغة العربية و توسّعها»: در پیشرفت و توسعه زبان عربی/ «کثیر جدّاً»: بسیار زیاد است/ «تلك لغة»: آن زبانی است/ «قد تأثرت»: تأثیر پذیرفته است/ «في مجالات كثيرة»: در زمینه‌های بسیاری/ «من هذا الكتاب السماوي الذي»: از این کتاب آسمانی که/ «يُعدّ»: به شمار می‌رود/ «قمة البلاغة»: اوج بلاغت

- گزینه (۱): بدون شک «إِنَّ» بر کل جمله تأکید می‌کند و باید در ابتدای جمله ترجمه شود، ضمناً «جِدّاً» ترجمه نشده است. - آن زبان (بعد از «تلك»، «لغة» بدون «ال» آمده است، پس با هم تشکیل یک جمله را می‌دهند و نباید به صورت گروه اسمی ترجمه شوند). - بیشتری (معادل «کثیره»: بسیاری) نیست.
- گزینه (۲): بوده است (دلیلی برای ترجمه فعل به شکل ماضی وجود ندارد و فعل «است» صحیح می‌باشد). - آن زبان (مانند گزینه (۱)) - تأثیر گذاشته است (فعل «تأثّر» لازم است و به معنی «تأثیر گرفت» است. معادل عربی «تأثیر گذاشته است» فعل «قد أثر» است).
- گزینه (۴): قطعاً «إِنَّ» را باید در ابتدای جمله برای تأکید ترجمه کنیم. - بوده است (مانند گزینه (۲)) - آن زبانی است که اوج بلاغت محسوب می‌شود («اوج بلاغت محسوب می‌شود» مربوط به بخش آخر جمله است و در جای درستی ترجمه نشده است). - کتاب آسمانی («هذا: این» ترجمه نشده است).

« كانت لهذه المدينة في الماضي زيادة على مائة و تسعة و سبعين مسجداً، في كثير منها كانت قد بُنيت غرفاتٌ صغيرة و يُدرّس فيها أكثر العلوم الدّينية! »:

- (۱) در گذشته این شهر بالغ بر صد و نود و هفت مسجد داشت که در بیشتر آن‌ها اتاق‌های کوچکی ساخته شده بود و در آن‌ها بسیاری از علوم دینی تدریس می‌شد!
- (۲) در این شهر بیش از صد و هفتاد و نه مسجد وجود داشت که در بسیاری از آن‌ها اتاق‌های کوچکی را ساخته بودند و بیشتر علوم دینی در آن‌ها تدریس می‌شد!
- (۳) این شهر در گذشته بیش از صد و هفتاد و نه مسجد داشت که در بسیاری از آن‌ها اتاق‌هایی کوچک ساخته شده بود و بیشتر علوم دینی در آن‌ها تدریس می‌گشت!
- (۴) در این شهر بالغ بر صد و نود و هفت مسجد وجود داشت که در بیشتر آن‌ها اتاق‌های کوچکی را ساخته بودند و بسیاری از علوم دینی را در آن‌ها تدریس می‌کردند!

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبهم: درس ۴

حواست به «کثیر» و «اکثر» باشه./ به معلوم یا مجهول بودن فعل‌ها هم دقت کن.

در تست‌های ترجمه، شناخت فعل‌های مجهول اهمیت زیادی دارد. برای تشخیص فعل مجهول باید به شیوه زیر عمل کنیم:

- (۱) اگر ابتدای فعل ماضی ضمه (ـَ) داشته باشد، مجهول است و غالباً به همراه «شد» ترجمه می‌شود.

مثال «أُنْتُجَ»: تولید شد

- (۲) اگر ابتدای فعل مضارع ضمه (ـُ) داشته باشد و عین‌الفعل (دومین حرف از حروف اصلی) فتحه (ـَ) داشته باشد، مجهول است و غالباً به همراه «می‌شود» ترجمه می‌شود.

مثال «تُنْتُجُ»: تولید می‌شود

در این تست، فعل‌های «كانت قد بُنيت» و «تُدَرِّس» مجهول هستند، در نتیجه به شکل «ساخته شده بود» و «تدریس می‌شد (می‌گشت)» ترجمه می‌شوند.

کلمات مهم: «كانت لـ»: داشت/ «هذه المدينة»: این شهر/ «في الماضي»: در گذشته/ «زيادة على»: بیش از/ «مائة و تسعة و سبعين مسجداً»: صد و هفتاد و نه مسجد/ «في كثير منها»: در بسیاری از آن‌ها/ «كانت قد بُنيت»: ساخته شده بود/ «غرفاتٌ صغيرة»: اتاق‌هایی کوچک/ «تُدَرِّس»: تدریس می‌گشت/ «أكثر العلوم الدّينية»: بیشتر علوم دینی
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- گزینه (۱): صد و نود و هفت («تسعة و سبعين» یعنی «هفتاد و نه» نه «نود و هفت»). - در بیشتر آن‌ها (معادل «أكثر» است نه «کثیر من: بسیاری از»). - بسیاری از علوم دینی («أكثر» یعنی «بیشتر» نه «بسیاری از»).
- گزینه (۲): در این شهر ... وجود داشت («كانت لـ» یعنی «داشت» نه «وجود داشت»). - عبارت «في الماضي»: در گذشته ترجمه نشده است. - ساخته بودند («كانت قد بُنيت» مجهول است، ولی «ساخته بودند» معلوم است).
- گزینه (۴): در این شهر ... وجود داشت (مانند گزینه (۲)) - صد و نود و هفت (مانند گزینه (۱)) - عبارت «في الماضي»: در گذشته ترجمه نشده است. - در بیشتر آن‌ها (مانند گزینه (۱)) - ساخته بودند (مانند گزینه (۲)) - بسیاری از علوم دینی (مانند گزینه (۱)) - تدریس می‌کردند («تُدَرِّس» مجهول است، ولی «تدریس می‌کردند» معلوم است).

مشاوره در سؤالات ترجمه تک‌عبارتی بهتره ابتدا گزینه‌ها رو به شکل عمودی با هم مقایسه کنین و بعد از این‌که یک تفاوت بین گزینه‌ها پیدا کردین به سراغ معادل عربی اون کلمه رفته و ردّ گزینه کنین، سپس این کار رو با سایر گزینه‌ها ادامه بدین تا زمانی که گزینه صحیح مشخص بشه.

Hint

درس‌Box

پاسخ خیلی تشریحی ✓

مشاوره برای حل کردن این نوع تست‌ها به تمرین و تکرار زیادی نیاز داریم، پس حتماً قبل از آزمون‌ها برای تمرین کردن این مدل تست‌ها وقت کافی بذارین! این تست‌ها کمی وقت‌گیر هستن ولی غالباً نباید بیشتر از یک دقیقه وقتتون رو بگیرن! یک نکته مهم در حل این تست‌ها اینه که فقط باید به دنبال ردّ گزینه‌های غلط باشین و تا زمانی که سه گزینه غلط رد نشده، پاسخ صحیح رو انتخاب نکنین!

- (۱) إشتري أخي الأكبر بعد تخرّجه متجراً قُرب ساحة المدينة و ابتدأت مهنّته الجديدة: برادر بزرگ‌ترم بعد از فارغ‌التحصیلی اش مغازه‌ای را نزدیک میدان شهر خرید و شغل جدیدش را آغاز کرد!
- (۲) كانت بنتُ هذا الرَّجل المعوّقة قد استطاعت أن تحصل على عدّة أوسمة في فرع السّباحة: دختر این مرد معلول توانسته است که به چندین مدال در رشته شنا دست یابد!
- (۳) العلمُ نورٌ و ضياءٌ يَکادُ أن يَشقّ ظلمات الجهل و يُنقذنا من المصائب: علم نور و روشنایی‌ای است که نزدیک است تاریکی‌های نادانی را بشکافد و ما را از مصیبت‌ها نجات دهد!
- (۴) في هذا الغزل الفارسيّ الجميل قد شبّه الشّاعرُ جمالَ أعین حبيبهِ بأعين غزالٍ: در این غزل زیبای فارسی، شاعر چشمان زیبای محبوبش را به چشمان یک آهو تشبیه کرده است!

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۴

سریعاً ترجمه تمام کلمات رو بررسی کن!

Hint

درس Box

(۱) هرگاه در عبارتی «فعل + اسم مرفوع» داشته باشیم، مطمئناً آن اسم، مفعول نیست و نباید به همراه «را» ترجمه شود!

مثال ينتفع الآخرون: دیگران سود می‌برند. ✓ به دیگران سود می‌رساند. ✗

«تُنقذ حیّاتها»: زندگی آن‌ها نجات می‌یابد. ✓ زندگی آن‌ها را نجات می‌دهد. ✗

در گزینه (۱)، «مهنّته» مرفوع است، پس نمی‌تواند مفعول باشد، پس «شغل جدیدش آغاز شد» صحیح است نه «شغل جدیدش را آغاز کرد».

(۲) كان + قد + ماضی = كانَ + ماضی ← ماضی بعید

(سافتر، ماضی بعید در فارسی ← بن ماضی + ه + بود + شناسه ← رفته بودم، رفته بودی، رفته بود، رفته بودیم، رفته بودید، رفته بودند)

مثال كان الطّالب سمعَ = كانَ الطّالبُ قد سمعَ ← دانش‌آموز شنیده بود

در گزینه (۲)، «کانت ... قد استطاعت» معادل ماضی بعید و به معنی «توانسته بود» است.

کلمات مهم:

- گزینه (۱): «إشتري»: خرید / «أخي الأكبر»: برادر بزرگ‌ترم / «بعد تخرّجه»: بعد از فارغ‌التحصیلی اش / «متجراً»: مغازه‌ای / «قُرب ساحة المدينة»: نزدیک میدان شهر / «ابتدأت»: آغاز شد / «مهنّته الجديدة»: شغل جدیدش
- گزینه (۲): «كانت ... قد استطاعت»: توانسته بود / «بنتُ هذا الرَّجل المعوّقة»: دختر معلول این مرد / «أن تحصل علی»: که دست یابد به / «عدّة أوسمة»: چندین مدال / «في فرع السّباحة»: در رشته شنا
- گزینه (۳): «العلمُ نورٌ و ضياءٌ»: علم نور و روشنایی‌ای است / «یکادُ»: نزدیک است / «أن يَشقّ»: که بشکافد / «ظلمات الجهل»: تاریکی‌های نادانی / «يُنقذنا»: ما را نجات دهد / «من المصائب»: از مصیبت‌ها
- گزینه (۴): «في هذا الغزل الفارسيّ الجميل»: در این غزل زیبای فارسی / «قد شبّه»: تشبیه کرده است / «جمالَ أعین حبيبِها»: زیبایی چشمان محبوبش / «بأعين غزالٍ»: به چشمان یک آهو

خطاهای سایر گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- گزینه (۱): شغل جدیدش را آغاز کرد (فعل) «ابتدأت: آغاز شد» لازم است نه متعدی، ضمناً «مهنّته» مرفوع است، پس نمی‌تواند مفعول باشد، ولی در «شغل جدیدش را آغاز کرد» به شکل مفعول ترجمه شده است.
- گزینه (۲): دختر این مرد معلول («المعوّقة» صفت «بنت») است نه «الرّجل»، زیرا مؤنث است نه مذکر. - توانسته است («کانت ... قد استطاعت» معادل ماضی بعید است نه ماضی نقلی).
- گزینه (۴): چشمان زیبای محبوبش («جمال» به معنی «زیبایی» است و با «جَمیل: زیبا» تفاوت دارد).

ترجمه صحیح گزینه‌ها:

گزینه (۱): برادر بزرگ‌ترم بعد از فارغ‌التحصیلی‌اش مغازه‌ای را نزدیک میدان شهر خرید و شغل جدیدش آغاز شد!

گزینه (۲): دختر معلول این مرد توانسته بود که به چندین مدال در رشته شنا دست یابد!

گزینه (۴): در این غزل زیبای فارسی، شاعر زیبایی چشمان محبوبش را به چشمان یک آهو تشبیه کرده است!

۱۲۶ «بچه‌ها با یک توپ رنگی بر روی شن‌های ساحل بازی می‌کردند و خوشحال بودند!» عین الصّحیح:

- (۱) كَانَتْ الطِّفَالُ يَلْعَبْنَ بَكْرَةِ مَلُونَةٍ عَلَى رِمَالِ الشَّاطِئِ وَ كُنَّ مَسْرُورَات!
- (۲) كَانُوا الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِكُرَّةٍ مَلُونَةٍ عَلَى رَمْلِ السَّاحِلِ وَ كَانُوا مَسْرُورِينَ!
- (۳) كَانِ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكُرَّةِ الْمَلُونَةِ عَلَى رِمَالِ الشَّاطِئِ وَ كَانُوا فَرَحُونَ!
- (۴) الطِّفَالُ كُنَّ يَلْعَبْنَ بِالْكُرَّةِ الْمَلُونَةِ عَلَى رَمْلِ السَّاحِلِ وَ كُنَّ فَرَحَات!

مشاوره در این مدل سؤالات به تفاوت گزینه‌ها مثل بودن یا نبودن ضمیر، جمع یا مفرد بودن کلمات، «ال» داشتن یا نداشتن اسم‌ها و ... خیلی دقت کنید!

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبهمث، درس ۷

«یک توپ» نکره هست یا معرفه؟

Hint

درس Box

(۱) در عربی هرگاه یک فعل قبل از انجام‌دهنده‌اش به کار برود، باید آن فعل را به شکل مفرد به کار ببریم. اگر فاعلش مذکر بود، به شکل مفرد مذکر و اگر فاعلش مؤنث بود به شکل مفرد مؤنث!

مثال يَدْرُسُ التَّلَامِيذُ ✓ يَدْرُسُونَ التَّلَامِيذُ ✗

تَدْرُسُ التَّلَامِيذَاتُ ✓ يَدْرُسْنَ التَّلَامِيذَاتُ ✗

در این تست، در گزینه (۲)، فعل «كانوا» در ابتدای جمله و قبل از «الأطفال» قرار گرفته است، در نتیجه باید به شکل مفرد به کار برود نه جمع، بنابراین «كَانَ» صحیح است.

(۲) ترجمه اسم نکره ← اسم نکره در فارسی با «ی» یا «یک» یا هر دوی آن‌ها ترجمه می‌شود.

مثال «طالِبٌ» ← دانش‌آموزی ✓ یک دانش‌آموز ✓ دانش‌آموزی ✓ دانش‌آموز ✗

اگر در فارسی، در کلمه‌ای این نشانه‌ها را نداشته باشیم آن اسم، معرفه است.

مثال دانش‌آموز ← معرفه است، چون «ی» یا «یک» ندارد.

در این تست، «یک توپ رنگی» نکره است، پس باید به شکل «كُرَّةٍ مَلُونَةٍ» باشد.

(۳) به افعال «كَانَ، صَارَ، لَبَسَ وَ أَصْبَحَ» افعال ناقصه می‌گویند.

وقتی افعال ناقصه بر سر یک جمله اسمیه (مبتدا + خبر) می‌آیند، علاوه بر تغییرات معنایی که با هم یاد گرفتیم دو تغییر قواعدی نیز به وجود می‌آورند:

(۱) مبتدا را به اسم فعل ناقص (مثلاً اسم «كَانَ» یا اسم «لَبَسَ») و خبر را به خبر فعل ناقص (مثلاً فِعْر «كَانَ» یا فِعْر «لَبَسَ») تبدیل می‌کنند.

(۲) اعراب خبر را از مرفوع به منصوب تبدیل می‌کنند.

مثال التَّيْسَانِ جَمِيلٌ (باغ، زیبا است.) ← كَانِ التَّيْسَانِ جَمِيلًا (باغ، زیبا بود.)

مبتدا و مرفوع	فِعْر و مرفوع
اسم کان	فِعْر کان
مرفوع	و منصوب

مثال التَّلَامِيذَانِ مُجْتَهِدَانِ (دو دانش‌آموز، تلاشگر هستند.) ← صَارَ التَّلَامِيذَانِ مُجْتَهِدَيْنِ. (دو دانش‌آموز، تلاشگر شدند.)

مبتدا و مرفوع	فِعْر و مرفوع
اسم صار	فِعْر صار
مرفوع	و منصوب

مثال الشَّائِمُونَ نَادِمُونَ (دشنامگویان، پشیمان هستند.) ← صَارَ الشَّائِمُونَ نَادِمِينَ. (دشنامگویان، پشیمان شدند.)

مبتدا و مرفوع	فِعْر و مرفوع
اسم صار	فِعْر صار
مرفوع	و منصوب

در این تست، در گزینه (۳) «فَرَحُونَ» خبر فعل ناقص است، پس باید منصوب باشد نه مرفوع، در نتیجه «فَرَحِينَ» صحیح است.

کلمات مهم: بچه‌ها: «الطِّفَالُ» / با یک توپ رنگی: «بَكْرَةِ مَلُونَةٍ» / بر روی شن‌های ساحل: «عَلَى رِمَالِ الشَّاطِئِ» / بازی می‌کردند: «كَانَتْ ... يَلْعَبْنَ» / خوشحال بودند: «كُنَّ مَسْرُورَات»

پاسخ خیلی تشریحی ✓ خطاهای سایر گزینه‌ها:

- گزینه (۲): كانوا الأطفال يلعبون «كانوا» در ابتدای جمله و قبل از «الأطفال» قرار گرفته است، در نتیجه باید به شکل مفرد به کار برود نه جمع، بنابراین «كانَ» صحیح است. - رَمَل (به معنی «شن» است نه «شن‌ها».)
- گزینه (۳): بالكرة الملوّنة «یک توپ رنگی» نکره است، ولی «الكرة الملوّنة» معرفه است. - فَرَحون (خبر «كان» باید منصوب باشد. ← فَرَحين)
- گزینه (۴): بالكرة الملوّنة (مانند گزینه (۳)) - رَمَل (مانند گزینه (۲))

کتاب
درسی

إِنْخِمْ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ حَسَبَ مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاكِصَةِ:

أ) الْأَطْفَالُ صَارُوا تَشِيطِينَ بَعْدَ اللَّعْبِ.

۱) بچه‌ها بعد از بازی پرنشاط هستند.

(سؤال ۱۵ - امتحان نهایی فرداد ۱۴۰۳)

۲) بچه‌ها بعد از بازی بانشاط شدند.

«لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) این که روزی بی‌تردد می‌رسد افسانه است
(۲) گرچه وصالش نه به کوشش دهند
(۳) تا که از جانب معشوق نباشد کششی
(۴) جلوه‌ای گر نبود کوشش موسی چه کند
- پنجۀ کوشش، کلید رزق را دندانان است
هر قدر ای دل که توانی بکوش
کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد
سخت سرگشته‌ام ای آتش سوزان مددی

مشاوره سؤالات مفهوم غالباً بدون تغییر از جملات کتاب درسی طرح می‌شوند، پس باید از قبل بررسی شده باشند!

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۷

دنبال بیتی بگرد که مفهومش «دعوت به تلاش و کوشش» باشد.

ترجمۀ عبارت: برای انسان چیزی نیست مگر آن چه تلاش کند.

مفهوم عبارت: ارتباط مستقیم بین تلاش انسان و نتیجه (پاداش/رزق/نتیجۀ کار)

بررسی گزینه‌ها:

- گزینه (۱): این بیت می‌گوید «پنجۀ کوشش» (دست تلاش)، همان کلیدی است که در قفل «رزق» (نتیجۀ و پاداش) دندانان می‌اندازد و آن را باز می‌کند. ← دقیقاً همان مفهوم صورت سؤال.
- گزینه (۲): این بیت می‌گوید با وجود این که رسیدن به وصال معشوق با تلاش ممکن نیست، اما باز هم باید تلاش کرد.
- گزینه (۳): تلاش عاشق بدون توجه معشوق به جایی نمی‌رسد.
- گزینه (۴): همان مفهوم گزینه (۳) را دارد.

Hint

پاسخ خیلی تشریحی ✓

● اقرأ النَّصَّ التالي ثمَّ أجب عن الأسئلة (١٢٨ - ١٣٠) بما يُناسب النَّصَّ:

الخَسُّ (كاهو) نبات يَعْرِفه كثيرٌ من النَّاسِ و هو يَلْعَبُ دوراً مُهمّاً في عمليّة التنظيم الغذائيّ بما يحتويه من فيتامينات كثيرة خاصّة فيتامين «B» الَّذي يُعْتَبَرُ مُساعداً قوياً في تقليل نسبة الكلسترول في الجسم (و هي مادّة مُضرةٌ تَهْدِدُ سلامة القلب).
المصريّون القدماء كانوا يستخدمون زيت بُذور الخَسِّ كسمادٍ لتراب المزارع و هو لا يُؤْكَلُ ثُمَّ حَوَّلوه إلى نبات مناسب للأكل. و أصبح الخَسُّ عندهم نباتاً مقدّساً كانوا يحملون أوراقه في احتفالاتهم و يَضَعُونه بجانب التَّماتيل و يستعملونه في الأعياد الدّينيّة. و بعد قرون تعرّف الأطباء على خواصّه الطّبيّة في العصور الوسطى. و أخيراً أُكْتُشِفَ أنّه من أفضل الأطعمة لإزالة رائحة الفم الكريهة. الخَسُّ حياته قصيرٌ بعد حصاده و لكنّه يُوجَدُ في الفصول المختلفة لأنّه ينمو في الجوّ الحارّ سريعاً و في الجوّ البارد بطيئاً (مُضادّ «سريع»).

ترجمه متن:

کاهو گیاهی است که بسیاری از مردم آن را می‌شناسند و به سبب داشتن ویتامین‌های فراوان، به‌ویژه ویتامین «B»، در فرایند تنظیم تغذیه نقش مهمی ایفا می‌کند که کمک‌کننده‌ای قوی برای کاهش میزان کلسترول بدن به شمار می‌رود؛ (کلسترول ماده‌ای زیان‌آور است که سلامت قلب را تهدید می‌کند).

مصریان باستان روغن دانه‌های کاهو را به عنوان کود برای خاک مزارع استفاده می‌کردند و آن خورده نمی‌شد؛ سپس آن را به گیاهی مناسب برای خوردن تبدیل کردند. کاهو نزد آنان به گیاهی مقدس تبدیل شد؛ که برگ‌های آن را در جشن‌های خود حمل می‌کردند، و آن را در کنار تندیس‌ها می‌گذاشتند و در عیدهای مذهبی از آن استفاده می‌کردند. پس از قرن‌ها، پزشکان در دوران قرون وسطی با خواص درمانی آن آشنا شدند و سرانجام کشف شد که کاهو یکی از بهترین خوراکی‌ها برای از بین بردن بوی بد دهان است. عمر کاهو پس از برداشت کوتاه است؛ اما در فصل‌های مختلف یافت می‌شود، زیرا در هوای گرم به سرعت و در هوای سرد به آرامی رشد می‌کند.

عین الصّحیح:

١٢٨

- (١) الخَسُّ من بداية اكتشافه كان غذاءً محبوباً عند الإنسان!
- (٢) أوراق الخَسِّ دواء مناسب لمعالجة أمراض القلب!
- (٣) يَستخدم النَّاسُ الخَسَّ في احتفالاتهم الدّينيّة!
- (٤) خواصُّ الخَسِّ الطّبيّة كانت مجهولة عند الإنسان في قرون كثيرة!

🗨 مشاوره در مورد حل سؤالات درک متن چند نکته رو در نظر داشته باشید:

(١) سؤالات درک متن رو در آخر سؤالات عربی جواب بدین.

(٢) متن رو باید با دقت، ولی با سرعت بخونین. این کار نیاز به تمرین و تکرار زیاد داره. خوندن نصف و نیمه متن خیلی فایده‌ای نداره.

(٣) توی متن و گزینه‌ها به کلماتی که معنای «هیچ، همه، گاهی، اصلاً، فقط، همیشه، بعضی، قطعاً، ممکنه...» دارن، دقت کنین.

(٤) در سؤالات درک مطلب برای تشخیص گزینه صحیح یا خطا عجله نکنین و حتماً همه گزینه‌ها رو بخونین، سپس بهترین گزینه رو انتخاب کنین!

پاسخ: گزینهٔ ٤

زیرمبحث: درس ٧

کلمات مهم:

«الخَسُّ»: کاهو/ «نبات»: گیاه/ «يَعْرِفُهُ»: آن را می‌شناسد/ «يَلْعَبُ دوراً»: نقش ایفا می‌کند/ «يَحْتَوِي»: دربردارد، شامل است/ «خاصّةً»: به‌ویژه/ «يُعْتَبَرُ»: به شمار می‌رود/ «تقليل»: کاهش/ «المصريّون القُدّماء»: مصریان باستان/ «كانوا يَستخدمون»: استفاده می‌کردند/ «زيت»: روغن/ «بذور»: دانه‌ها/ «سماد»: کود/ «ثراب»: خاک/ «لا يُؤْكَلُ»: خورده نمی‌شود/ «حَوَّلوا»: تبدیل کردند/ «للاكل»: برای خوردن/ «أصبح»: شد، تبدیل شد/ «أوراق»: برگ‌ها/ «احتفالات»: جشن‌ها/ «يَضَعُ»: قرار می‌دهد/ «التَّماتيل»: تندیس‌ها، مجسمه‌ها/ «يَستعمل»: استفاده می‌کند/ «تعرّفَ»: آشنا شد/ «العصور الوسطى»: قرون وسطی/ «أخيراً»: سرانجام، در نهایت/ «الأطعمة»: غذاها، خوراکی‌ها/ «إزالة»: از بین بردن/ «رائحة»: بو/ «الفم»: دهان/ «الكريهة»: بد، ناخوشایند/ «حصاد»: برداشت/ «ينمو»: رشد می‌کند/ «الجوّ الحارّ»: هوای گرم/ «الجوّ البارد»: هوای سرد/ «بطيئاً»: به آرامی، کند

- گزینه (۱): کاهو از آغاز شناخته‌شدن، غذای محبوبی نزد انسان بوده است. ← نادرست است، زیرا در متن آمده است: «در ابتدا خورده نمی‌شد و بعدها به گیاهی مناسب برای خوردن تبدیل شد.»
- گزینه (۲): برگ‌های کاهو داروی مناسبی برای درمان بیماری‌های قلبی هستند. ← نادرست است، زیرا متن فقط می‌گوید: «کاهو سطح کلسترول را کاهش می‌دهد.» در نتیجه برای «درمان» بیماری‌های قلبی نیست.
- گزینه (۳): مردم از کاهو در مراسم دینی خود استفاده می‌کنند. ← نادرست است، زیرا متن می‌گوید: «مصریان باستان چنین کاری می‌کردند، نه «مردم» به طور کلی.»
- گزینه (۴): خواص درمانی کاهو تا قرن‌های زیادی برای انسان ناشناخته بود. ← صحیح است، زیرا متن می‌گوید: «پس از گذشت قرن‌ها، پزشکان با خواص درمانی آن آشنا شدند.»؛ پس پیش از آن، این خواص ناشناخته بوده است.

عَيْنُ الْخَطَا حَسْبَ مَا يُدْرِكُ مِنَ النَّصِّ:

(۱) لَا يُوجَدُ الْخَسُّ فِي مَدِينَةِ «تَبْرِيز» لِأَنَّ الْجَوَّ هُنَاكَ بَارِدٌ جَدًّا!

(۲) قَدْ يَدْعُو أَطِبَاءُ الْأَسْنَانِ الْآخِرِينَ إِلَى تَنَاوُلِ الْخَسِّ!

(۳) لَا يُمَكِّنُ تَصْدِيرُ الْخَسِّ إِلَى الْبِلَادِ الْبَعِيدَةِ!

(۴) سَعَرَ الْخَسُّ فِي الصَّيْفِ رَخِيصٌ وَلَكِنَّهُ أَعْلَى فِي الشِّتَاءِ!

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۷

پاسخ خیلی تشریحی ✓

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): کاهو در شهر تبریز یافت نمی‌شود؛ زیرا هوای آن‌جا بسیار سرد است. ← نادرست است، زیرا متن می‌گوید: «کاهو در هوای سرد نیز رشد می‌کند، اما کندتر»؛ نه این‌که اصلاً وجود نداشته باشد.

گزینه (۲): ممکن است دندان‌پزشکان دیگران را به خوردن کاهو توصیه کنند. ← صحیح است، زیرا در متن آمده است: «اُکتشف أَنَّهُ مِنْ أَفْضَلِ الْأَطْعِمَةِ لِإِزَالَةِ رَائِحَةِ الْفَمِ الْكَرِيهَةِ». پس می‌توان نتیجه گرفت که دندان‌پزشکان نیز ممکن است خوردن کاهو را برای رفع بوی بد دهان توصیه کنند.

گزینه (۳): نمی‌توان کاهو را به کشورهای دور صادر کرد. ← صحیح است، زیرا متن می‌گوید: «الْخَسُّ حَيَاتُهُ قَصِيرَةٌ بَعْدَ حَصَادِهِ». از کوتاه‌بودن عمر کاهو پس از برداشت می‌توان فهمید که صادرات آن به مناطق بسیار دور دشوار یا عملاً ممکن نیست.

گزینه (۴): قیمت کاهو در تابستان ارزان و در زمستان گران‌تر است. ← صحیح است، زیرا متن می‌گوید: «دَرِ هَوَايِ گَرَمِ سَرِيعِ تَرِ وَ دَرِ هَوَايِ سَرْدِ كَنْدَتَرِ رَشْدُ مِی‌كَنْد.»

عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِلْكَلِمَاتِ: «تَهْدَدُ - المَصْرُيُّونَ - الوَسْطَى - تَعْرِفُ»:

- (۱) المَصْرُيُّونَ: جمع سالم للمذکر - اسم علم - معرب/ مبتدأ و مرفوع بالواو
- (۲) تَهْدَدُ: مضارع - للغائبَة - مزيد ثلاثي من مصدر «تهديد» - مجهول/ فعل مع فاعله يَصِفُ «مادة»
- (۳) الوَسْطَى: مفرد مؤنث - اسم تفضيل على وزن «فُعلى» - معرّف بأل/ صفة و مجرور بالتبعية من «العصور»
- (۴) تَعْرِفُ: مضارع - مزيد ثلاثي من باب تَفَعَّلَ (ماضيه: عَرَفَ) - معلوم/ فعل و فاعله «الأطباء»

مشاوره در این مدل تست‌ها حتماً حتماً دقت کنین که صحیح رو می‌خواد یا خطا رو!!!

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۷

اول موارد سمت راست رو بررسی کن، چون نیاز به بررسی جمله ندارن. بعد اگه سؤال حل نشد موارد سمت چپ رو بررسی کن!

Hint

درس Box

(۱) برای تشخیص فعل مجهول باید به شیوه زیر عمل کنیم:

الف) اگر ابتدای فعل ماضی ضمه (ـَ) داشته باشد، مجهول است و غالباً به همراه «شد» ترجمه می‌شود.

مثال «أُنْتِجَ»: تولید شد

ب) اگر ابتدای فعل مضارع ضمه (ـُ) داشته باشد و عین‌الفعل (دومین حرف از حروف اصلی) فتحه (ـَ) داشته باشد، مجهول است و غالباً به همراه «می‌شود» ترجمه می‌شود.

مثال «تُنْتِجُ»: تولید می‌شود

در گزینه (۲) «تَهْدَدُ» معلوم است نه مجهول.

(۲) مهم‌ترین اسم‌های عَلَم:

(۱) اسم اشخاص ← علی، محمد، فاطمه، زینب و ...

(۲) اسم شهرها، کشورها، قاره‌ها، رودها و کوه‌ها ← ایران، آلمانیا، برازیل، افریقا و ...

(۳) اسم جنگ‌ها ← بدر، اُحُد و ...

(۴) اسم تیم‌ها ← برسبولیس، استقلال و ...

(۵) مکان‌های معروف ← جُنْدی سابور و ...

(۶) الله و اللّٰهَم (در میان اسمای خداوند فقط «الله» علم است!)

اگر انتهای اسم‌های علم «ی/ یتَ» («ی» نسبت) اضافه شود دیگر اسم علم نخواهند بود!

مثال «ایران»: علم ✓ / «ایرانی/ ایرانیة»: علم ✗

در گزینه (۱) «المَصْرُيُّونَ» اسم علم نیست.

خطای سایر گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه (۱): اسم علم «مصر» اسم علم است، ولی «المَصْرُيُّونَ» مصری‌ها» معرفه به «ال» است نه علم.

گزینه (۲): مجهول «تَهْدَدُ» معلوم است، زیرا مضارع مجهول «تَهْدَدُ» دارد و «تَهْدَدُ» مجهول است.

گزینه (۴): مضارع، ماضیه: عَرَفَ «تَعْرِفُ» بر وزن «تَفَعَّلَ» و خودش ماضی است نه مضارع.

• انتخابِ الجواب الصَّحیح للأسئلة (۱۳۱ - ۱۳۵):

عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

۱۳۱

- (۱) إرضاء النَّاسِ غايةٌ لا تُدرَكُ فلا تُحاولِ لَهُ!
- (۲) إِنِّي أَقْتَنُّ عَنْ مُعْجَمٍ لَيْسَاعِدَنِي فِي فَهْمِ النَّصُوصِ!
- (۳) أَعْطِنِي بِطَاقَةٍ يَمْبَلِّغُ خَمْسَةَ وَعَشْرِينَ رِيالاً!
- (۴) الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيائِهِ!

مشاوره در این تست‌ها لازم نیست همه حرکت‌ها بررسی بشن و غالباً با بررسی چند گروه کلمه خاص به پاسخ صحیح می‌رسیم، اما ممکنه گاهی تلفظ کلماتی مثل «النَّفْط» یا «المَوْعِظَة» که در فارسی به شکل متفاوتی به کار می‌رن هم مورد سؤال قرار بگیره.

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۵

Hint

ابتدا برو سراغ وزن فعل‌ها و مصدرهای مزید و حرکت نون در آخر جمع‌های مذکر سالم و مثنی! بعد به اسم تفضیل‌ها، اسم فاعل‌ها و اسم مفعول‌ها و در نهایت به فعل‌های مجهول دقت کن!

درس Box

در تست‌های ضبط حركات، هرگاه به یک فعل مجهول برخورد کنیم باید مطمئن شویم که آن فعل مفعول ندارد، در غیر این صورت باید معلوم باشد نه مجهول.

مثال التِّلْمِذُ كَتَبَ التَّمَارِينَ. ← در این عبارت فعل «كَتَبَ» مجهول است، ولی اگر جمله را بدون توجه به حركات فعل ترجمه کنیم، می‌بینیم که «التَّمَارِينَ» مفعول آن است. (دانش‌آموز، تمرین‌ها را نوشت!)

در نتیجه «کتب» باید معلوم باشد نه مجهول، بنابراین «كَتَبَ: نوشت» صحیح است نه «كَتَبَ: نوشته شد».

مثال الْبَيْتُ حَفْرَةٌ يُسْتَخْرَجُ مِنْهَا النَّفْطُ. ← در این عبارت فعل «يُسْتَخْرَجُ» مجهول است و اگر جمله را بدون توجه به حركات فعل ترجمه کنیم، می‌بینیم که این فعل مفعول ندارد. (چاه، حفره‌ای است که نفت از آن استخراج می‌شود!)

در نتیجه «يُسْتَخْرَجُ» می‌تواند مجهول باشد!

از آن‌جا که هرگاه یک ضمیر، به یک فعل متصل شود، آن فعل معلوم و متعدی است، ترکیب «فعل مجهول + ضمیر متصل» قطعاً اشتباه است و نیازی به ترجمه جمله نداریم!

مثال لَا أَعْرِفُكُمْ أَتَيْهَا الرِّجَالُ! ← «أَعْرِفُ» مضارع مجهول است و به ضمیر «کم» متصل شده است، در نتیجه ۱۰۰٪ اشتباه است و باید معلوم باشد، در نتیجه «لا أَعْرِفُکم: شما را نمی‌شناسم» صحیح است!

در گزینه (۲)، فعل «أَقْتَنُّ» مجهول است، ولی با توجه به معنی جمله نباید مجهول باشد.

ترجمه عبارت: من به دنبال یک فرهنگ لغت می‌گردم تا در فهم متن‌ها به من کمک کند.

خطاهای این گزینه:

أَقْتَنُّ (با توجه به ترجمه عبارت، این فعل باید معلوم باشد نه مجهول، در نتیجه «أَقْتَنُّ: می‌گردم» صحیح است نه «أَقْتَنُّ: مورد تفتیش قرار می‌گیرم»). - لَيْسَاعِدَنِي (فعل مضارع باب «مُفَاعَلَة» بر وزن «يُفَاعِلُ» است نه «يُفَاعِلُ»، در نتیجه «لَيْسَاعِدَنِي» صحیح است).

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- (۱) أَرْحَمَ النَّاسِ فِي الْأَرْضِ لِيَرْحَمَنِي مَنْ فِي السَّمَاءِ!
- (۲) مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي صَفَحَاتٍ وَجْهَهُ!
- (۳) فَكَّرُوا ثُمَّ تَكَلَّمُوا قُرْبَ سَكُوتٍ أَبْلَغَ مِنَ الْكَلَامِ!
- (۴) لَا تَتَّخِذُوا الْأَحْمَقَّ صَدِيقاً لَّأَنَّهُ يَضُرُّكَ بَلَا شَكٍّ!

مشاوره تشخیص اسم تفضیل
پرکاربردترین تیپ تست از درس ۱
یازدهم. به دلیل شباهت ظاهری اسم
تفضیل با برخی فعل‌ها، دقت به معنی
جمله در تشخیص اسم تفضیل بسیار
مهمه.

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۱

حواست باشد کلمه بر وزن «أفعل» ممکنه فعل باشه و در این صورت اسم تفضیل نیست.

Hint

درس Box

نکته

نکته

پاسخ خیلی تشریحی

کنکور

به اسم‌هایی که بر یکی از وزن‌های «أفعل، فُعلی، أَفْعَل، أَفْعَى» باشند و به همراه «تر/ترین» ترجمه شوند، «اسم تفضیل» می‌گوییم.

مثال «أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین» / «كُبْرَى: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین» / «أَقْلَّ: کم‌تر، کم‌ترین» / «أَقْوَى: قوی‌تر، قوی‌ترین»

کلمات «خَيْر» و «شَر» اگر به معنی «بهتر، بهترین» و «بدتر، بدترین» باشند، اسم تفضیل هستند.

مثال خَيْرُ النَّاسِ أَصْدَقُهُمْ: بهترین مردم، راستگوترین آن‌هاست.

در این عبارت، «خَيْر» و «أَصْدَق» اسم تفضیل هستند.

تذکر: رنگ‌ها و عیب‌هایی که بر وزن «أفعل» هستند، اسم تفضیل به شمار نمی‌آیند.

مثال «أحمر: قرمز» ← اسم تفضیل * / «أبکم: لال» ← اسم تفضیل *

کلماتی که بر وزن «أفعل» هستند ممکن است فعل یا اسم باشند! برای تشخیص این موضوع باید به ترجمه و ساختار جملات توجه کنیم.

أفعل ← ماضی، هو، ثلاثی مزید (باب إفعال) ← مثال: أَنْزَلَ (نازل کرد)، أَذْهَبَ (بُرد)
فعل ← مضارع، أنا، ثلاثی مجرد ← مثال: أَذْهَبُ (می‌روم)، أَكْتُبُ (می‌نویسم)
أفعل ← امر، أنت، ثلاثی مزید (باب إفعال) ← مثال: أَنْزِلْ (نازل کن)، أَذْهَبْ (ببر)
اسم ← اکبر (اسم تفضیل ✓ بزرگ‌تر)، أربع (اسم تفضیل * چهار)

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): به مردم روی زمین رحم می‌کنم تا آن‌که در آسمان است به من رحم کند. ← «أَرْحَمَ» فعل مضارع است نه اسم تفضیل.

گزینه (۲): هیچ‌کس چیزی را پنهان نکرده است، مگر این‌که آن بر چهره‌اش آشکار شده باشد. ← «ما أَضْمَرَ» فعل ماضی منفی است نه اسم تفضیل.

گزینه (۳): بیندیشید، سپس سخن بگویید؛ زیرا چه‌بسا سکوت از سخن‌گفتن رساتر باشد. ← «أَبْلَغَ» اسم تفضیل است.

گزینه (۴): انسان نادان را دوست [احود] قرار ندهید؛ زیرا بی‌تردید به شما زیان می‌رساند. ← «الأحمق» اسم تفضیل نیست، چراکه یک عیب و ایراد است.

(سوال ۹۶ کنکور انسانی ۱۴۰۲ - نوبت دوم)

عَيْنِ ما ليس فيه اسم التّفضيل:

- (۱) أَعَزُّ الشَّبَابِ هُوَ مَنْ يُؤَدِّي دَوْرَهُ فِي الْمَجْتَمَعِ أَدَاءً جَيِّدًا!
- (۲) أَحَقُّ الْكَلَامِ كَلَامٌ يَقُولُهُ قَائِلُهُ فِي وَقْتِهِ، لَا نَقْصَ فِيهِ وَلَا زِيَادَةَ!
- (۳) أَحَرُّ أَيَّامِ السَّنَةِ يُخْرِجُ النَّاسَ مِنْ بُيُوتِهِمْ لِلذَّهَابِ إِلَى الْحِدَائِقِ!
- (۴) أَمْرٌ بِالسُّوقِ الْمَزْدَحِمَةِ وَالنَّاسِ يَبِيعُونَ وَيَشْتَرُونَ الْبَضَائِعَ!

عین جواب الشرط یختلف:

۱۳۳

مشاوره برای تعیین جواب شرط حتماً باید به ترجمه جملات و ساختار اون توجه کنیم.

- (۱) ما تخفوا من الأحاسيس في قلبكم فسوف تظهر في كلامكم و سلوككم!
- (۲) من يتقوا الله في حياتهم فهم من الذين يجعل الله لهم فرقانا!
- (۳) إن اعتصمتم بقدراتكم و اعتمدتم عليها فأنتم تغلبون على الصعاب!
- (۴) إني مطمئن بأن ما أتعلم من المهارات و الفنون فهي مفيدة لي!

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۳

چک کن ببین توی کدوم جمله، جواب شرط یه فعله و توی کدوم، یه جمله اسمیه.

Hint

درس Box

انواع جواب شرط:

جواب شرط یا یک فعل است یا یک جمله اسمیه (مبتدا + خبر)

پس هرگاه از ما بپرسند در کدام گزینه نوع جواب شرط متفاوت است، منظورشان این است که بررسی کنید و ببینید جواب شرط فعل است یا جمله اسمیه (مبتدا + خبر).

مثال من یحاول ینجح! هر کس تلاش کند، موفق می شود!
جواب شرط (از نوع فعل)

من یحاول فهو ناجح! هر کس تلاش کند، او موفق است!
جواب شرط (از نوع اسمیه)

وقتی جواب شرط یک جمله اسمیه باشد، حتماً قبلش از حرف «فَ» استفاده می شود.

مثال مَنْ يتوكل على الله فهو حسبه! هر کس به خداوند توکل کند، او برایش کافی است!
فعل شرط جواب شرط (از نوع اسمیه)

تذکر: در این حالت اگر حرف «فَ» به کار نرفته باشد، جمله را شرطی در نظر نمی گیریم.

ترجمه و بررسی گزینه ها:

پاسخ خیلی تشریحی

گزینه (۱): هر احساسی را که در قلبتان پنهان کنید، به زودی در سخن و رفتارتان آشکار خواهد شد. — «سوف تظهر...» جواب شرط است که یک جمله فعلیه است و با سایر گزینه ها تفاوت دارد.

گزینه (۲): کسانی که در زندگی خود تقوای الهی پیشه کنند، از کسانی هستند که خداوند برای آنان نیروی تشخیص حق از باطل قرار می دهد. — «هم من الذين...» جواب شرط است که یک جمله اسمیه است.

گزینه (۳): اگر به توانایی های خود چنگ بزنید و بر آن ها تکیه کنید، بر دشواری ها غلبه خواهید کرد. — «أنتم تغلبون...» جواب شرط است که یک جمله اسمیه است.

گزینه (۴): من اطمینان دارم که هر چه از مهارت ها و هنرها می آموزم، برای من سودمند است. — «هي مفيدة...» جواب شرط است که یک جمله اسمیه است.

مشاوره: برای تشخیص جمله وصفیه حتماً باید به ترجمه عبارت‌ها توجه داشته باشیم!

- (۱) كان لصديقي مرضٌ جلديٌّ فذهب إلى المستشفى بالقرب من بيته!
- (۲) أصبْتُ بحمّى صيرتني طفلاً ضعيفاً فكُنْتُ لا أقدر على أداء واجباتي!
- (۳) كان المشاهير أسوة لبعض الطّلاب و هم تعلّموا منهم كثيراً!
- (۴) هل تُصدّق أنّ شابّاً معوّفاً يقدر على أن يرسم صُوراً جميلاً يِرِجله!

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۵

دنبال ساختار «اسم نكرة + «که» + فعل» بگرد.

Hint

درس Box

روش تشخیص جمله وصفیه (از نوع فعل)

از آن جا که جمله وصفیه فقط یک اسم نكرة را توصیف می کند، اول به سراغ پیدا کردن آن می رویم، پس:

- (۱) ابتدا باید یک اسم نكرة پیدا کنیم. (اسمی که معرفه نباشد!) این اسم قرار است موصوف ما باشد. (اگر نكرة پیدا نشد، یعنی قطعاً جمله وصفیه نداریم!)

مثال

- جمله (۱): تكلّمْتُ مع أخي الأكبر عن المشاكل الماليّة. ← اسم نكرة ندارد. ← جمله وصفیه ندارد.
 - جمله (۲): هذه أرض نمشي عليها. ← «أرض» اسم نكرة است. ← می تواند جمله وصفیه داشته باشد.
 - جمله (۳): التلاميذ يدرسون في مدارسهم كلّ يوم. ← «يوم» اسم نكرة است. ← می تواند جمله وصفیه داشته باشد.
 - جمله (۴): المسك عطرٌ و يُتخذُ من الغزلان. ← «عطرٌ» اسم نكرة است. ← می تواند جمله وصفیه داشته باشد.
 - جمله (۵): الذي يُحاولُ كثيراً ينجح. ← «كثيراً» اسم نكرة است. ← می تواند جمله وصفیه داشته باشد.
- از آن جا که جمله وصفیه یک نوع صفت است، حتماً باید بعد از اسم نكرة به دنبال یک فعل بگردیم، چراکه صفت همواره بعد از موصوف خود می آید، پس:

- (۲) بعد از اسم نكرة باید به دنبال یک فعل بگردیم. (ممکنه با فاصله یا بدون فاصله از هم بیان!)

مثال

- جمله (۱): هذه أرض نمشي عليها. ← (بعد از «أرض» فعل «نمشي: راه می رویم» آمده ← «نمشی» می تواند جمله وصفیه باشد).
 - جمله (۲): التلاميذ يدرسون في مدارسهم كلّ يوم. ← (بعد از «يوم» فعل نیامده ← جمله وصفیه ندارد).
 - جمله (۳): المسك عطرٌ و يُتخذُ من الغزلان. ← (بعد از «عطرٌ» فعل «يُتخذ: گرفته می شود» آمده ← «يُتخذ» می تواند جمله وصفیه باشد).
 - جمله (۴): الذي يُحاولُ كثيراً ينجح. ← (بعد از «كثيراً» فعل «ينجح: موفق می شود» آمده ← «ينجح» می تواند جمله وصفیه باشد).
- قبول دارید یک موصوف و صفت باید در یک جمله قرار داشته باشند نه در دو جمله مجزاً؟ آفرین، حالا که قبول دارید پس در این مرحله باید مطمئن شویم که اسم نكرة و فعلی که بعدش پیدا کردیم در یک جمله قرار دارند، پس:
- (۳) باید بررسی کنیم که قبل از این فعل هیچ حرف ربطی مثل: «و، فَ، ثُمَّ، أُن و ...» به کار نرفته باشد.

مثال

- جمله (۱): هذه أرض نمشي عليها. ← (میان «أرض» و فعل «نمشي» حرف ربطی نیامده ← «نمشی» می تواند جمله وصفیه باشد).
- جمله (۲): المسك عطرٌ و يُتخذُ من الغزلان. ← (میان «عطرٌ» و فعل «يُتخذ» حرف ربطی «و» آمده ← «يُتخذ» جمله وصفیه نیست).

جمله (۳): الَّذِي يُحَاوِلُ كَثِيرًا يَنْجَحْ. (میان «کثیراً» و فعل «ینجح» حرف ربطی نیامده — «ینجح» می تواند جمله وصفیه باشد). فُتِبَ، فعلی که بعد از اسم نکره پیدا کردیم ممکن است جمله وصفیه نباشد! (مثلاً ممکنه فُتِر باشد). برای این که مطمئن شویم باید جمله را ترجمه کنیم و در عبارت فارسی به دنبال حرف «که» بگردیم، چون همان طور که قبل تر گفتیم همیشه در ترجمه فارسی، قبل از جمله وصفیه از «که» استفاده می کنیم. فقط یک نکته مهم! در مورد (۳) گفتیم قبل از فعل جمله وصفیه نباید هیچ حرف ربطی به کار رفته باشد، بنابراین فقط باید در ترجمه جمله «که» داشته باشیم و این حرف نباید در عبارت عربی معادلی داشته باشد، پس:

(۴) باید جمله را ترجمه کنیم و در ترجمه فارسی به دنبال حرف «که» بگردیم. (این حرف «که» فقط در ترجمه فارسی به کار میره و در عبارت عربی نباید اثری از معادل های «که» وجود داشته باشه!)

مثال

جمله (۱): هذه أرض نمشي عليها. (ترجمه: این، زمینی است که روی آن راه می رویم. — «که» را در ترجمه از خودمان اضافه کردیم — «نمشی» جمله وصفیه و «أرض» موصوف است).

جمله (۲): الَّذِي يُحَاوِلُ كَثِيرًا يَنْجَحْ. (ترجمه: کسی که بسیار تلاش می کند، موفق می شود. — در ترجمه «که» نداشتیم — «ینجح» جمله وصفیه نیست).

بعد از اجرای این ۴ مرحله به جمله وصفیه دست پیدا خواهیم کرد. (فقط جمله ۲ جمله وصفیه داشت).

به طور خلاصه:

(ساختار جمله وصفیه — اسم نکره + «که» در ترجمه + فعل)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ سؤال از ما جمله وصفیه (جمله بعد نکره) می خواهد.

ترجمه و بررسی گزینه ها:

گزینه (۱): دوستم یک بیماری پوستی داشت، پس به بیمارستان نزدیک خانه اش رفت. — «مرضٌ جلدی» نکره است و بعد از آن، فعل «ذهب» به کار رفته است، ولی چون بینشان حرف «ف» آمده است، جمله وصفیه نیست.

گزینه (۲): به تبی مبتلا شدم که مرا به کودکی ناتوان تبدیل کرده بود؛ بنابراین نمی توانستم تکالیفم را انجام دهم. — «حمی» اسم نکره است و «صیرت» جمله وصفیه است، زیرا در ترجمه، بینشان حرف «که» می آوریم.

گزینه (۳): افراد مشهور برای برخی از دانش آموزان الگو بودند و آنان بسیار از آن ها آموختند. — «أسوة» نکره است و بعد از آن، فعل «تعلّموا» به کار رفته است، ولی چون بینشان حرف «و» آمده است، جمله وصفیه نیست.

گزینه (۴): آیا باور می کنی که جوانی معلول می تواند با پای خود نقاشی های زیبایی بکشد؟ — «شاباً معوّقاً» نکره است و بعد از آن، فعل «یقدر» به کار رفته است، ولی چون در ترجمه فارسی، بینشان حرف «که» نمی آید، جمله وصفیه نیست و در واقع، «یقدر»، خبر «أنّ» است.

(سؤال ۱۰۰ کنکور انسانی ۱۴۰۴ (فارج از کشور))

عَبَّانٌ «قد نزلت» توضّح ما قبلها:

(۱) إِنهَمَرَّتْ أَمْطَارٌ وَافِرَةٌ وَ قَدْ نَزَلَتْ عَلَى السَّارِعِ وَ كَسَرَتْ الرِّيحُ فُرُوعَ الْأَشْجَارِ.

(۲) هَذِهِ الْأَمْطَارُ كَانَتْ قَدْ نَزَلَتْ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَسَرَتْ فُرُوعَ الشَّجَرِ.

(۳) كَانَتْ أَمْطَارٌ وَافِرَةٌ قَدْ نَزَلَتْ عَلَى الْأَرْضِ يَوْمَ أَمْسٍ.

(۴) أَنْزَلَ اللَّهُ أَمْطَاراً وَافِرَةً قَدْ نَزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ شَيْئاً فَشَبَّاناً.

- (۱) أصبح أخي الأكبر موظفًا في إدارة الاتصالات في مدينتنا!
- (۲) أليست الأشعة فوق البنفسجية مؤثرة في نمو النباتات؟
- (۳) على الناس أن يصبروا صابرين في الشدائد لأنه من أهم الأمور!
- (۴) يجالس الإنسان الصالحين حتى يكون أفضل من نفسه في أمس!

مشاوره باید با اصطلاح «عمل الأفعال الناقصة» آشنا باشیم. منظور از این عبارت، اینست که آیا اسم افعال ناقصه به صورت مرفوع و خبر افعال ناقصه به شکل منصوب نوشته شدن یا نه.

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۷

چک کن ببین اعراب اسم و خبر افعال ناقصه به درستی نوشته شده یا نه.

Hint

درس Box

به افعال «كَانَ، صارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» (افعال ناقصه) می گویند.

وقتی افعال ناقصه بر سر یک جمله اسمیه (مبتدا + خبر) می آیند، علاوه بر تغییرات معنایی که با هم یاد گرفتیم دو تغییر قواعدی نیز به وجود می آورند:

- (۱) مبتدا را به اسم فعل ناقص (مثلاً اسم «كَانَ» یا اسم «لَيْسَ») و خبر را به خبر فعل ناقص (مثلاً فیه «كَانَ» یا فیه «لَيْسَ») تبدیل می کنند.
- (۲) اعراب خبر را از مرفوع به منصوب تبدیل می کنند.

مثال: التَّاسَةُ جَمِيلٌ (باغ، زیبا است). ← كَانِ التَّاسَةُ جَمِيلاً (باغ، زیبا بود).
 مبتدا و فیه و مرفوع مرفوع و مرفوع
 اسم کان فیه کان و مرفوع و منصوب

مثال: التِّلْمِيزَانِ مُجْتَهِدَانِ. (دو دانش آموز، تلاشگر هستند). ← صَارَ التِّلْمِيزَانِ مُجْتَهِدَيْنِ. (دو دانش آموز، تلاشگر شدند).
 مبتدا و فیه و مرفوع مرفوع و مرفوع
 اسم صار فیه صار و مرفوع و منصوب

مثال: الشَّاتِمُونَ نَادِمُونَ. (دشنامگویان، پشیمان هستند). ← صَارَ الشَّاتِمُونَ نَادِمِينَ. (دشنامگویان، پشیمان شدند).
 مبتدا و فیه و مرفوع مرفوع و مرفوع
 اسم صار فیه صار و مرفوع و منصوب

ترجمه و بررسی گزینه ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه (۱): برادر بزرگترم کارمند ادارهٔ مخابرات در شهرمان شد. ← «أخ» اسم «أصبح» و «موظفًا» خبر «أصبح» و به درستی منصوب است.

گزینه (۲): آیا پرتوهای فرابنفش بر رشد گیاهان تأثیرگذار نیستند؟ ← «الأشعة» اسم «ليست» و به درستی مرفوع است و «مؤثرة» خبر «ليست» و به درستی منصوب است.

گزینه (۳): مردم باید در سختی ها شکيبا شوند، زیرا صبر از مهم ترین امور است. ← «صابرين» خبر «أن يصبروا» است و به درستی با «ی» منصوب بودنش را نشان می دهد.

گزینه (۴): انسان باید با افراد صالح هم نشینی کند تا از دیروز خود بهتر باشد. ← «أفضل» خبر «يكون» است، ولی به جای این که منصوب باشد به اشتباه به شکل مرفوع نوشته شده است.

تاریخ یازدهم

۱۳۶

کدام مورد از معایب تاریخ‌نگاری دینوری و دیگر مورخان سبک «ترکیبی» نویسی است؟

- (۱) نویسنده، هیچ نقد و نظری دربارهٔ درستی و نادرستی خبر ارائه نمی‌دهد.
- (۲) مورخ، ناچار به گزینش و انتخاب است و امکان از چشم دور ماندن برخی جنبه‌های خبر وجود دارد.
- (۳) مورخ، صرفاً به نقل روایت‌ها بدون تحلیل آثار و پیامدها می‌پردازد.
- (۴) نویسنده، با بررسی موشکافانهٔ روایت‌ها، فرصت تحلیل آثار و نتایج را از دست می‌دهد.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۲

درس‌Box

تاریخ‌نگاری ترکیبی:

- مورخ در این روش، برخلاف تاریخ‌نگاری روایی (رد گزینه‌های (۱) و (۳))، به جای ذکر همهٔ روایات دربارهٔ یک موضوع، با مطالعه و مطابقت‌دادن همهٔ روایت‌ها، یک گزارش از مجموع آن‌ها تنظیم می‌کند.
- مورخ در این روش ناچار به گزینش و انتخاب است.
- این نوع از تاریخ‌نویسی از اواخر قرن سوم هجری متداول شد.
- چهره‌های مشهور این نوع تاریخ‌نویسی
- بلاذری (قرن سوم هجری) صاحب کتاب فتوح البلدان
- دینوری (متوفی ۲۹۰ ق.) نویسندهٔ کتاب اخبار الطوال

در این نوع تاریخ‌نگاری، چون مورخ ناچار به گزینش و انتخاب است، امکان دارد برخی از جنبه‌های خبر از چشم دور بماند و این به نوعی عیب تاریخ‌نگاری ترکیبی محسوب می‌شود.

مورخ در تاریخ‌نگاری تحلیلی، با بررسی موشکافانهٔ تمام اخبار و روایت‌های مربوط به یک رویداد و نقد آن‌ها، علل، آثار و پیامدهای یک رویداد را تحلیل و تفسیر می‌کند (رد گزینهٔ (۴)).

پاسخ خیلی تشریحی ✓

نکته

کدام مورد مقایسه درستی میان موقعیت اقتصادی یثرب (۱) و مکه (۲) قبل از اسلام را نشان می‌دهد؟

- (۱) در هر دو مورد، کشاورزی درآمد و رفاه اقتصادی بالایی را برای مردم در پی داشت.
- (۲) در (۲) برخلاف (۱)، شرایط اقتصادی متأثر از موقعیت جغرافیایی و شرایط طبیعی و اقلیمی بود.
- (۳) در (۱) برخلاف (۲)، روابط تجاری گسترده‌ای با قبایل و ساکنان دیگر شهرها و کشورهای همسایه وجود نداشت.
- (۴) در (۲) برخلاف (۱)، مردم برای تأمین معاش خود، از طریق راهزنی وضعیت اقتصادی خود را بهبود می‌بخشیدند.

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس‌های ۳ و ۴

میان مکه و یثرب موارد مقایسه‌ای دیگه‌ای مثل اعتقادات، کشاورزی، سیاست و ... هم وجود دارد، ولی صورت سؤال فقط اقتصاد رو پرسیده!

Hint

درس‌Box

- وضعیت اقتصادی شبه‌جزیره عربستان به شدت متأثر از موقعیت جغرافیایی و شرایط طبیعی و اقلیمی آن بود (رد گزینه (۲)).
- تجارت نسبت به کشاورزی، در مکه وضعیت بهتری داشت (رد گزینه (۱)).
- مکه که بر سر راه یمن به شام قرار داشت، مرکز اصلی بازرگانی به شمار می‌رفت و سران قریش از طریق تجارت با شام و دیگر سرزمین‌های اطراف، سود سرشاری کسب می‌کردند.
- قبایل شبه‌جزیره عربستان از طریق پرورش معدودی بز و شتر و راهزنی (رد گزینه (۴))، زندگی خود را تأمین می‌کردند.
- تقریباً راهزنی تو همه نواحی عربستان پوره و می‌تونسته زندگی آردما رو بهبود ببخشه!
- یثرب از نظر اقتصادی شهر ثروتمندی نبود.
- کشاورزی، رفاه اقتصادی و درآمد کافی را برای آن‌ها به همراه نداشت.
- برخلاف مکیان (درستی گزینه (۳))، روابط تجاری و سیاسی گسترده‌ای با قبایل، ساکنان دیگر شهرها و حتی کشورهای همسایه نداشتند.
- مکه برخلاف یثرب، روابط سیاسی و تجاری گسترده‌ای با ساکنان دیگر شهرها و همسایگان خود داشت، زیرا مرکز اصلی بازرگانی به شمار می‌رفت و سران قریش از طریق تجارت با شام و دیگر سرزمین‌های اطراف شبه‌جزیره عربستان، سود سرشاری کسب می‌کردند.

نکته

پاسخ خیلی تشریحی ✓

در کدام گزینه، مقایسه درستی میان «مصر» و «ایران» در دوره باستان انجام شده است؟

(سؤال ۱۰ کنکور انسانی ۱۴۰۴ - نوبت دوم)

- (الف) اساس زندگی در هر دو، بر کشاورزی استوار بود.
 - (ب) در هر دو، اعتقاد به جهان و زندگی پس از مرگ وجود داشت.
 - (ج) اساس زندگی در مصر بر کشاورزی و در ایران، بر شهرنشینی و تجارت استوار بود.
 - (د) در هر دو، مردم علاوه بر پرداخت مالیات، در ساختن کاخ‌ها به بیگاری گرفته می‌شدند.
- (۱) «الف» - «ب» (۲) «الف» - «د»
- (۳) «ب» - «ج» (۴) «ج» - «د»

کنکور

کدام مورد دربارهٔ آثار و نتایج جنگ نهاوند در حملهٔ اعراب مسلمان به ایران، درست است؟

- الف) سرکوب شورش ساکنان شهرهای همدان و ری
ب) همکاری برخی دهقانان و قبیله‌های عرب ساکن سواد با اعراب مسلمان
ج) پس‌گرفتن بیشتر متصرفات ایران از اعراب مسلمان
د) تصرف شهرها و ولایات ایران یکی پس از دیگری
- ۱) «الف» - «د»
۲) «ب» - «ج»
۳) «الف» - «ب»
۴) «ج» - «د»

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۸

درس‌Box

حملهٔ اعراب مسلمان به ایران:

- جنگ جسر یا پل ۱۳ ق.: یزدگرد سوم امور کشور را سامان داد و با شکست مسلمانان، بیشتر متصرفات آنان را پس گرفت.
- قادسیه: اعراب مسلمان، نخست سپاه ایران را به سختی شکست دادند (۱۴ ق.) و در ۱۶ ق. تیسفون پایتخت ساسانیان را تسخیر کردند.
- جلولا: بقایای ارتش ساسانی با مهاجمان مسلمان جنگیدند، اما شکست خوردند (۱۶ ق.).
- جنگ نهاوند (فتح الفتوح): سپاهیان مسلمان به داخل ایران پیش تاختند و تا دوران عثمان، بیشتر شهرها و ولایات مختلف را یکی پس از دیگری به جنگ یا صلح گشودند.

پیامد جنگ نهاوند: ساکنان برخی شهرها و مناطق ایران مانند همدان، ری، فارس و استخر (خاستگاه خاندان ساسانی) بر اعراب شوریدند، اما چون میان این شورش‌ها هماهنگی نبود، اعراب موفق به سرکوب آن‌ها شدند.

بررسی سایر عبارت‌ها:

ب) مربوط به آثار و پیامدهای شکست در قادسیه است.

ج) از آثار و نتایج جنگ جسر یا پل است.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

مشاوره سؤال برگرفته از نهایی ۱۴۰۵ هست و کاملاً ایده جدیدی هست، اما هدف طراح امتحان نهایی این بوده که بهت یادآوری کنه وقایع و ترتیب نشون دادنشون روی نمودار خط زمان مهم هستن؛ کما این که تو کنکور سال‌های اخیر مشابه این تیپ سؤال چند بار تکرار شده!

ترتیب زمانی وقوع رویدادهای زیر، با توجه به متن به ترتیب بر روی کدام قسمت نمودار خط زمان قرار می‌گیرد؟

«سلجوقیان، در زمان آل بارسلان در نبردی بزرگ در ملازگرد، سپاهیان روم شرقی را شکست دادند و با اسیرکردن امپراتور آن‌ها، آسیای صغیر را تصرف کردند و قلمرو سلجوقیان تا دریای مدیترانه گسترش یافت. این گسترش قلمرو، موجب مهاجرت قبایل و طوایف ترک به آن منطقه و تغییر وضعیت سیاسی و فرهنگی این ناحیه شد. اوج قدرت سلجوقیان در زمان ملک‌شاه بود و با مرگ وی و خواجه نظام‌الملک وزیر وی، حکومت سلجوقیان دچار ضعف شد.»

(الف) گسترش قلمرو سلجوقیان تا دریای مدیترانه ← با شماره (.....)

(ب) ضعف سلجوقیان ← با شماره (.....)

(ج) نبرد ملازگرد ← با شماره (.....)

(د) اوج قدرت سلجوقیان ← با شماره (.....)

(۱) (۲) (۳) (۴)

۱ - ۳ - ۴ - ۲ (۲)

۲ - ۳ - ۱ - ۴ (۱)

۳ - ۱ - ۴ - ۲ (۴)

۲ - ۴ - ۳ - ۱ (۳)

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبهمث: درس ۱۰



برای حل این تست، کافیه تقدم و تأخر هر رویداد رو روی نمودار زمان بنویسین؛ مثلاً روی نمودار جای نبرد ملازگرد رو بنویسین؛ بعد از اون حالا به هر کدام از ۱ تا ۴ به ترتیب شماره بدین و نقطه‌چین رو پر کنین!

پاسخ خیلی تشریحی ✓

نبرد ملازگرد (ج)، اولین رویداد در دوران سلجوقیان هست که گسترش قلمرو سلجوقیان تا دریای مدیترانه را در پی داشت (الف) و این رویداد سلجوقیان رو به اوج قدرت و شکوفایی می‌رسونه (د)، بعد از اون و با مرگ پادشاه قدرتمند سلجوقیان، دوران ضعف و زوال سلجوقیان شروع می‌شود (ب).



درسته که نبرد ملازگرد و گسترش قلمرو سلجوقیان تا دریای مدیترانه هم زمان با هم روی دادن، ولی باز ۴ پیشون تقدم و تأخر هست، چون ابتدا نبرد ملازگرد بوده که منجر به گسترش قلمرو سلجوقیان شده!



اگه تو دام گزینه (۲) افتادین، چون جای رویداد «د» و «ب» رو برعکس تشخیص دادین!



کاربست شواهد و مدارک تاریخی؛

(سوال ۱۰ - امتحان نهایی تیر ۱۴۰۵)

متن زیر را بخوانید و ترتیب زمانی وقوع رویدادهای نوشته‌شده را بر روی نمودار خط زمان مشخص کنید.

«یکی از رویدادهای دوران خلفای نخستین، لشکرکشی به سرزمین‌های مجاور شبه‌جزیره عربستان بود. یکی از این سرزمین‌ها، منطقه شام بود که در آن زمان، زیر سلطه امپراتوری روم شرقی (بیزانس) قرار داشت. این سرزمین در اواخر خلافت دوره ابوبکر بن ابی قحافه مورد لشکرکشی اعراب مسلمان قرار گرفت و در زمان خلافت عمر بن خطاب به صلح فتح گردید و مردم شام با پرداخت «جزیه» با مسلمانان صلح نمودند. در ادامه فتوحات مسلمانان، ساکنان مسیحی شهر بیت‌المقدس (ایلیا) اعلام کردند که فقط در حضور خلیفه مسلمین قرارداد صلح و تسلیم شهر را امضا می‌کنند، مسلمانان این شرط را پذیرفتند. اعراب مسلمان در ادامه فتوحات، بندر اسکندریه را که یکی از مراکز مهم نیروی دریایی بیزانس بود، فتح نمودند، سپس به فرماندهی عمرو عاص به مصر لشکرکشی کرده و شهرهای آن‌جا را به صلح یا جنگ فتح کردند.»

(الف) فتح بندر اسکندریه ← با شماره (.....)

(ب) فتح مصر ← با شماره (.....)

(ج) لشکرکشی به منطقه شام ← با شماره (.....)

(د) فتح به صلح بیت‌المقدس (ایلیا) ← با شماره (.....)

(۱) (۲) (۳) (۴)

کدام مورد از آثار و نتایج هجوم مغولان به ایران در عرصه معماری ایرانی است؟

- (۱) بازسازی ویرانی‌ها با راهنمایی فرهیختگان ایرانی - برپایی شهرهای جدید - توسعه فنون و دانش معماری
- (۲) مهاجرت معماران و اندیشمندان - تخریب مدارس و کتابخانه‌ها - ویرانی سمرقند پایتخت مغولان
- (۳) ویرانی شهرها - نابودی آثار فرهنگی و هنری - کند و متوقف شدن فعالیت‌های معماری
- (۴) مهاجرت استادان بی‌همتا در عرصه فنون معماری - رکود تمام فعالیت‌های هنری و معماری برای همیشه - تخریب مساجد

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۱۲

درس‌Box

هجوم ویرانگر مغولان به ایران در همه عرصه‌ها، آثار و نتایج ویرانگری را در پی داشت که هنر و معماری ایرانی نیز از این ویرانی مصون نماند. در زیر به برخی از این آثار و نتایج در عرصه «معماری» اشاره می‌شود:

- ویرانی شهرها و نابودی آثار فرهنگی و هنری
- متوقف و یا کند شدن فعالیت‌های معماری برای مدتی
- در دوران تیمور و جانشینانش معماری به عظمت و شکوفایی کم‌نظیری دست یافت.
- استادانی بی‌همتا در فنون به خلق آثار هنری پرداختند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه (۱): برپایی شهرهای جدید و توسعه فنون و دانش معماری، از آثار و نتایج حضور جانشینان تیمور در ایران است.
گزینه (۲): مهاجرت معماران و اندیشمندان و تخریب مدارس و کتابخانه‌ها، آثار و نتایج هجوم مغولان در عرصه علم و ادب است.
سمرقند پایتخت تیمور بوده است.

نکته

گزینه (۴): تخریب مدارس، کتابخانه‌ها و مساجد از آثار و نتایج هجوم مغولان در عرصه علم و ادب است.

کدام موارد درباره تاریخ‌نگاری ایران در دوره صفوی، درست است؟

- الف) احسن‌التواریخ، اثر حسن بیگ روملو، در زمان سلطنت شاه‌تهماسب اول
ب) حبیب‌السیر، تألیف غیاث‌الدین خواندمیر، در زمان سلطنت شاه‌تهماسب اول
ج) تاریخ عالم‌آرای عباسی، تألیف اسکندر بیگ منشی، در دوره شاه‌عباس اول
د) تاریخ گزیده، اثر حمدالله مستوفی، در زمان شاه‌اسماعیل اول
- (۱) «ج» - «د»
(۲) «الف» - «ج»
(۳) «الف» - «ب»
(۴) «ب» - «ج»

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۱۴

درس‌Box

تاریخ‌نگاری ایران در عصر صفوی:

- در سه حوزه عمومی، محلی و تک‌نگاری ادامه یافت.
نسبت به دوره مغول و تیموری تا حدی افول داشت.
در زمان شاه‌اسماعیل اول، شاه‌تهماسب اول و شاه‌عباس اول، آثار مشهوری به دست نویسندگان تألیف شده است.
- حبیب‌السیر ← اثر ← غیاث‌الدین خواندمیر در ← زمان ← سلطنت شاه‌اسماعیل اول (نادرستی عبارت «ب»)
 - احسن‌التواریخ ← اثر ← حسن بیگ روملو در ← زمان ← سلطنت شاه‌تهماسب اول
 - تاریخ عالم‌آرای عباسی ← اثر ← اسکندر بیگ منشی ← مربوط ← به دوره شاه‌عباس اول

تاریخ گزیده، اثر حمدالله مستوفی، از آثار برجسته دوران ایلخانان و تیموریان است (نادرستی عبارت «د»).



(سؤال ۲ - امتحان نهایی تیر ۱۴۰۵)

کدام یک از گزینه‌های سمت چپ با شماره‌های سمت راست ارتباط دارد؟

(در ستون سمت چپ یک مورد اضافی است.)

الف) شاه‌اسماعیل اول	۱) تاریخ عالم‌آرای عباسی، اثر اسکندر بیگ منشی
ب) شاه‌عباس اول	۲) حبیب‌السیر، تألیف غیاث‌الدین خواندمیر
ج) شاه‌صفی	۳) احسن‌التواریخ، تألیف حسن بیگ روملو
د) شاه‌تهماسب اول	

آثار و پیامد «اقتصادی» تهاجم ژرمن‌ها به امپراتوری روم غربی، در کدام مورد درست است؟

- (۱) رکود تجارت - گسترش زندگی روستائیشینی - رهاکردن شغل بازرگانی و صنعت‌گری
- (۲) از یاد رفتن هنر و معماری رومی و یونانی - متروکه‌شدن روستاها - گسترش زندگی شهرنشینی
- (۳) فقدان امنیت و اقتدار - هرج‌ومرج سراسری در اروپا - ناامنی در تجارت به دلیل حملات طوایف غیرمتمدن
- (۴) افول شهرنشینی - انحطاط شهرها - تعطیلی مراکز آموزشی

مشاوره خوب‌خوندن صورت سؤال خودش نصف راه برای رسیدن به جواب درست هست، صورت سؤال همه آثار و پیامدها رو مدنظرش نیست، بلکه فقط به جنبه «اقتصادی» برای این سؤال نظر داشته!

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۱۵

درس‌Box



بررسی سایر گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

- گزینه (۲): از یاد رفتن هنر و معماری رومی و یونانی، از آثار و پیامدهای فرهنگی تهاجم ژرمن‌ها به امپراتوری روم غربی است.
- گزینه (۳): هرج‌ومرج سراسری در اروپا و ناامنی در تجارت به دلیل حملات طوایف غیرمتمدن، از پیامدهای انقراض امپراتوری شارلمانی در اوایل قرن ۹ م. است.
- گزینه (۴): تعطیلی مراکز آموزشی، از آثار و پیامدهای فرهنگی است.

کدام مورد یکی از مهم‌ترین ابداعات فناوری در عصر رنسانس به شمار می‌رود؟

- (۱) اختراع تلسکوپ توسط گالیله
- (۲) موفقیت‌های ویلیام هاروی در زمینه کارکرد قلب و چگونگی گردش خون
- (۳) اختراع ماشین چاپ توسط یوهانس گوتنبرگ
- (۴) طرح نظریه کوپرنیک مبنی بر چرخش زمین به دور خورشید

پاسخ: گزینه (۳)

زیرمبحث: درس ۱۶

اگر رفتی سراغ گزینه‌های دیگر، چون حواست به صورت سؤال که درباره ابداعات فناوری پرسیده نبوده!

Hint

درس Box

در عصر رنسانس و قرون جدید، نگرش علمی اروپاییان تغییر کرد و به تدریج به علوم طبیعی و روش‌های علمی مبتنی بر مشاهده و تجربه توجه کردند و نظریات علمی جدیدی مطرح شد و اختراعات مهمی صورت گرفت.

• **نیکلاس کوپرنیک:** نظریه کروی بودن زمین در رساله «گردش اجرام سماوی»

• **گالیله:** اختراع تلسکوپ

• **ویلیام هاروی:** کارکرد قلب و چگونگی گردش خون

• **دکارت:** بنیان‌گذار سبک تحقیق در ریاضی

• **فرانسویس بیکن:** از طرفداران روش شناخت تجربی در مطالعات علمی

نکته

پاسخ خیلی تشریحی

نکته

چاپ کتاب‌های غیرمذهبی، مثل کتاب‌های فلسفی، رمان، داستان و آثاری در موضوع حقوق، تاریخ و ... بر جامعه اروپا تأثیر ژرفی گذاشت.

اختراع دستگاه چاپ توسط یوهانس گوتنبرگ آلمانی از مهم‌ترین ابداعات فناوری در عصر رنسانس بود.

اختراع ماشین چاپ، منجر شد که صنعت چاپ یکی از بزرگ‌ترین صنایع اروپا شود و این اختراع تأثیر ژرفی بر فراگیر شدن پژوهش‌های علمی و نشر علم در جوامع اروپایی داشت.

شاید بگی همه این دستاوردها مهم بوده، اما مهم‌ترین ابداعات فناوری رنسانس فقط با اختراع ماشین چاپ و تحولات بعدی اتفاق افتاده است (رد گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)).

گول نخوری

جغرافیای یازدهم

در صورتی که شکل زیر نشان‌دهنده نواحی بارشی ایران باشد، کدام گزینه تحلیل درستی را بیان می‌کند؟ **۱۴۴**



- (۱) نواحی ۱ و ۳ به ترتیب دارای بیشترین و کم‌ترین میانگین بارش سالانه هستند.
 (۲) نواحی ۲ و ۶ با این که دارای وسعت تقریباً یکسانی هستند، اما میانگین بارش سالانه در ناحیه ۶ بیشتر است.
 (۳) نواحی ۳ و ۴ هم از نظر وسعت و هم از نظر میانگین بارش سالانه با هم شباهت دارند.
 (۴) ناحیه ۵ پس از ناحیه ۴ دارای بیشترین حجم میانگین بارندگی سالانه می‌باشد.

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۱

نواحی بارشی ایران:

درس Box

ناحیه	میانگین سالانه بارش به میلی‌متر	ناحیه
بیشترین	۱۲۶۱	ناحیه خزر غربی
	۵۳۹	ناحیه خزر شرقی
	۵۳۹	کردهستان
	۳۱۳	آذربایجان و زاگرس
	۳۱۳	خراسان شمالی
کم‌ترین	۱۵۴	ناحیه داخلی

پاسخ خیلی تشریحی

بررسی نواحی:

۱ ← ناحیه داخلی، ۲ ← ناحیه خراسان شمالی، ۳ ← ناحیه خزر شرقی، ۴ ← ناحیه خزر غربی، ۵ ← ناحیه آذربایجان و زاگرس، ۶ ← ناحیه کردهستان.

نواحی کردهستان و خراسان شمالی دارای وسعت تقریباً یکسانی هستند، اما میانگین بارش سالانه ناحیه کردهستان بیشتر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): ناحیه خزر غربی و داخلی به ترتیب دارای بیشترین و کم‌ترین میانگین بارش سالانه هستند.

گزینه (۳): نواحی خزر غربی و شرقی از نظر میانگین بارش سالانه یکسان نیستند.

گزینه (۴): ناحیه آذربایجان و زاگرس پس از کردهستان، دارای بیشترین حجم میانگین بارش سالانه هستند.

با توجه به جملات زیر، کدام گزینه محتوای درستی ارائه می‌دهد؟

(الف) مقدار انرژی خورشیدی که هر سانتی‌متر مربع از زمین در مناطق استوایی دریافت می‌کند، بسیار بیشتر از مقداری است که مناطق قطبی جذب می‌کنند.

(ب) از دریافت نامساوی انرژی خورشید بر سطح زمین مناطق گرم، معتدل و سرد پدید می‌آید.

(ج) وقتی هوای یک منطقه گرم می‌شود، مولکول‌ها سریع‌تر حرکت می‌کنند و از هم فاصله می‌گیرند، در نتیجه از وزن و فشار هوا در واحد حجم کاسته می‌شود.

(۱) مورد «ج»، این گزاره را توجیه می‌کند که «هوای گرم به بالا صعود می‌کند، بنابراین هوای گرم نسبت به اطراف خود فشار بیشتری دارد». - این موضوع که مناطق جنب حاره، دمای بیشتری از مناطق استوایی دارند، مورد «الف» را رد می‌کند.

(۲) مورد «ب»، این گزاره که «نواحی استوایی منبع بزرگ ذخیره آب و سرچشمه جریان‌های دریایی آب گرم در اقیانوس‌ها هستند» را توجیه می‌کند. - مورد «ج» تأیید می‌کند چرا با افزایش عرض جغرافیایی و مایل شدن تابش خورشید، فشار مناطق مدام بیشتر می‌شود.

(۳) مورد «ب»، این گزاره را توجیه می‌کند که «با افزایش عرض جغرافیایی به ازای هر ۱۰۰۰ متر، دمای هوا ۶ درجه سانتی‌گراد کاهش می‌یابد». - مایل بودن محور زمین، مورد «الف» را نقض می‌کند.

(۴) «مایل بودن محور زمین» وضعیت مورد «الف» را توجیه می‌کند. - مورد «ج» تأیید می‌کند فشار مناطق مختلف یکسان نیست و می‌تواند به دلایلی مثل تغییرات دمایی، منجر شود.

مشاوره در سؤالات این تیپی، معمولاً به ارتباط درسی بین مواردی که در صورت سؤال و موارد گزینه‌ها وجود دارد، یعنی عموماً جملات صورت سؤال و گزینه‌ها تو متن کتاب درسی کنار هم هستن و یا حداقل تو یه تیتر آورده شدن. به عنوان یه پیشنهاد سعی کن از این به بعد وقتی داری یه موضوع رو مطالعه می‌کنی، ببین چه موضوعات دیگه‌ای تو این مبحث آورده شده و سعی کن این موضوع‌ها رو تو یه بسته و پکیج در نظر بگیری.

پاسخ: گزینه ۴

زیرمبحث: درس ۳

پاسخ خیلی تشریحی ✓

مایل بودن محور زمین موجب می‌شود که اشعه خورشید به مناطق استوایی، عمود و نزدیک به عمود بتابد و زاویه تابش به سمت قطب مایل و مایل‌تر شود، بنابراین مقدار انرژی خورشیدی که هر سانتی‌متر مربع از زمین در مناطق استوایی دریافت می‌کند، بسیار بیشتر از مقداری است که مناطق قطبی جذب می‌کنند.

این گزاره که «وقتی هوای یک منطقه گرم می‌شود، مولکول‌ها سریع‌تر حرکت می‌کنند و از هم فاصله می‌گیرند، در نتیجه از وزن و فشار هوا در واحد حجم کاسته می‌شود، تأیید می‌کند، فشار هوا در مناطق مختلف ثابت نیست و با تغییرات دمایی می‌تواند تغییر کند. بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): این موضوع که مناطق جنب حاره، دمای بیشتری از مناطق استوایی دارند، مورد «الف» را رد نمی‌کند، چرا؟ چون دمای مناطق مختلف صرفاً به فاکتور میزان تابش خورشید بستگی ندارد.

گزینه (۲): جمله «خورشید در منطقه استوایی در طی سال عمود و نزدیک به عمود می‌تابد.» این گزاره که «نواحی استوایی منبع بزرگ ذخیره گرما و سرچشمه جریان‌های دریایی آب گرم در اقیانوس‌ها هستند.» را توجیه می‌کند.

گزینه (۳): مایل بودن محور زمین، علت گزاره «الف» است و آن را تأیید می‌کند.

در کل این سؤال خیلی ساده بود و طبیعیه که دام‌های تستی سخت و دشواری نداشته باشه، اما بد نیست به دام تستی سؤال اشاره کنیم:

گزینه (۳): بخش دوم عبارت «با افزایش عرض جغرافیایی به ازای هر ۱۰۰۰ متر، دمای هوا ۶ درجه سانتی‌گراد کاهش می‌یابد» کاملاً درسته و ممکنه شما رو به اشتباه بندازه، اما با افزایش ارتفاع این اتفاق میفته و از طرفی این گزاره ربطی به دریافت نامساوی انرژی خورشید تو مناطق مختلف نداره؛ یعنی فرق خاصی نداره شما در منطقه استوایی باشی یا معتدله و یا قطبی، در هر صورت با هر ۱۰۰۰ متر افزایش ارتفاع، ۶ درجه دمای هوا کاهش پیدا می‌کنه.

گول نخوری

با توجه به نظریه «مرکز - پیرامون»، کدام گزینه عبارت صحیحی را بیان می‌کند؟

- الف) کشورهای مرکز با اتکا به سرمایه، فناوری پیشرفته و نیروی انسانی متخصص، کالاهای صنعتی و خدمات تخصصی تولید می‌کنند و بخشی از مواد اولیه مورد نیاز خود را از کشورهای پیرامون تأمین می‌کنند.
- ب) کشورهای پیرامون به دلیل برخورداری از صنایع پیشرفته، در صادرات کالاهای صنعتی سهم بیشتری نسبت به کشورهای مرکز دارند، اما برای تأمین مواد اولیه به کشورهای مرکز وابسته‌اند.
- ج) کشورهای نیمه‌پیرامون از نظر سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی، میان کشورهای مرکز و پیرامون قرار دارند و در برخی روابط اقتصادی، نقش واسطه را ایفا می‌کنند.
- د) جایگاه کشورها در الگوی مرکز - پیرامون همواره ثابت است و هیچ کشوری نمی‌تواند از پیرامون یا نیمه‌پیرامون به مرکز نزدیک شود.

۱) موارد «الف» و «ب» همانند «ج» با نظریه مرکز - پیرامون مطابقت دارند.

۲) موارد «الف» و «ج» برخلاف «ب» و «د» با نظریه مرکز - پیرامون مطابقت دارند.

۳) موارد «الف»، «ج» و «د» همانند یکدیگر، با نظریه مرکز - پیرامون مطابقت دارند.

۴) موارد «ب» و «د» برخلاف «الف» صحیح‌اند و «ج» نتیجه گسترش نظام سرمایه‌داری جهانی را بیان می‌کند.

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۸

نظریه مرکز - پیرامون:

کشورهای مرکز	کشورهای نیمه‌پیرامون	کشورهای پیرامون
صنایع پیشرفته	توسعه متوسط	توسعه پایین
صادرکننده کالاهای صنعتی	هم تولیدکننده مواد اولیه و هم کالاهای صنعتی	صادرکننده مواد اولیه
فناوری و سرمایه فراوان	در حال رشد صنعتی	وابسته به فناوری و سرمایه
واردکننده مواد اولیه	نقش واسطه	واردکننده کالاهای صنعتی
سطح زندگی بالا	حد وسط	سطح زندگی پایین

ابتدا موارد مطرح‌شده را بررسی می‌کنیم:

- الف) صحیح است؛ زیرا کشورهای مرکز دارای سرمایه، فناوری پیشرفته، صنایع مدرن و نیروی انسانی متخصص هستند و برای تأمین بخشی از مواد اولیه و نیروی کار ارزان از کشورهای پیرامون استفاده می‌کنند.
- ب) نادرست است، کشورهای پیرامون عمدتاً صادرکننده مواد اولیه و واردکننده کالاهای صنعتی، فناوری و سرمایه هستند.
- ج) صحیح است؛ زیرا کشورهای نیمه‌پیرامون از نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی بین مرکز و پیرامون قرار دارند و نقش واسطه را ایفا می‌کنند.
- د) نادرست است؛ زیرا جایگاه کشورها در نظام مرکز - پیرامون ثابت نیست و ممکن است در طول زمان تغییر کند؛ حتی برخی کشورها از نیمه‌پیرامون به مرکز نزدیک شده‌اند؛ مثل چین.
- بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: عبارت «ب» با متن کتاب مغایرت دارد.

گزینه ۳: عبارت «د» صحیح نیست، زیرا جایگاه کشورها ثابت نیست.

گزینه ۴: هر دو عبارت «ب» و «د» با متن کتاب مغایرت دارند.

درسی Box

پاسخ خیلی تشریحی ✓

مطابق با متن زیر، کدام عبارت صحیح است؟

«باد مهم‌ترین عامل فرسایش در نواحی خشک و بیابانی است. این عامل، با جابه‌جایی ذرات ریز علاوه بر فرسایش سطح زمین، در شرایطی که از توان حمل آن کاسته شود یا مانعی در مسیر آن قرار گیرد، موجب انباشته‌شدن ذرات نیز می‌شود. از این‌رو، اشکال متنوعی از فرسایش کاوشی و تراکمی در بیابان‌ها پدید می‌آید.»

- (۱) چاله‌های بادی بر اثر فرسایش تراکمی و در ادامه، تلماسه‌ها بر اثر فرسایش کاوشی تشکیل می‌شوند.
- (۲) دشت‌های ریگی و تلماسه‌ها، به ترتیب حاصل فرسایش کاوشی و تراکمی هستند؛ هم‌چنین کلوت‌ها نیز از مهم‌ترین اشکال فرسایش کاوشی به شمار می‌آیند.
- (۳) گرز دیو و ستون‌های سنگی، همانند تلماسه‌ها، در اثر کاهش سرعت باد و انباشته‌شدن ذرات تشکیل می‌شوند.
- (۴) دشت‌های ریگی و کلوت‌ها، به ترتیب از اشکال فرسایش تراکمی و کاوشی هستند و چاله‌های بادی نیز بر اثر رسوب‌گذاری ذرات ایجاد می‌شوند.

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۴

درس‌Box

انواع فرسایش طبیعی در بیابان:

نوع فرسایش	اشکال حاصل	توضیح
فرسایش کاوشی	دشت‌های ریگی (رگ)، چاله‌های بادی، کلوت (یاردانگ)، گرز دیو و ستون‌های سنگی	باد ذرات ریز را با خود حمل می‌کند. برخورد این ذرات با سطح زمین و سنگ‌ها باعث سایش، کنده‌شدن و انتقال مواد می‌شود، بنابراین اشکال فرسایشی ایجاد می‌شوند.
فرسایش تراکمی	تلماسه‌ها و برخان	هرگاه سرعت باد کاهش یابد یا مانعی در مسیر آن قرار گیرد، باد توان حمل ذرات را از دست می‌دهد و آن‌ها را در همان محل بر جای می‌گذارد؛ در نتیجه مواد روی هم انباشته می‌شوند.

اشکال حاصل از فرسایش کاوشی:

شکل	ویژگی
دشت‌های ریگی (رگ)	باد، ماسه‌های ریز را جابه‌جا می‌کند و سنگ‌های درشت در محل باقی می‌مانند.
چاله‌های بادی	در نواحی دارای ماسه‌های ریز و فاقد پوشش گیاهی، باد با برداشت ذرات و توقف مسیر حفر خود با برخورد به آب‌های زیرزمینی حفره‌های وسیعی ایجاد می‌کند.
کلوت (یاردانگ)	در رسوبات بر جای مانده از دریاچه‌های قدیمی، باد شیارهای موازی را طی میلیون‌ها سال فرسایش داده و کلوت‌ها را ایجاد می‌کند.
گرز دیو و ستون‌های سنگی	باد بخش‌های نرم سنگ را سریع‌تر از بخش‌های سخت فرسایش می‌دهد؛ در نتیجه ستون‌ها و اشکال قارچ مانند ایجاد می‌شوند.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

فرسایش بادی به دو نوع کاوشی و تراکمی تقسیم می‌شود. در فرسایش کاوشی، باد ذرات ریز را حمل کرده و با برخورد آن‌ها به سطح زمین و سنگ‌ها، موجب سایش و برداشت مواد می‌شود. حاصل این نوع فرسایش، اشکالی مانند دشت‌های ریگی، چاله‌های بادی، کلوت (یاردانگ) و گرز دیو یا ستون‌های سنگی است. در فرسایش تراکمی، هرگاه سرعت باد کاهش یابد یا مانعی در مسیر آن قرار گیرد، ذرات حمل‌شده دیگر توان ادامه حرکت را ندارند و در همان محل رسوب می‌کنند؛ در نتیجه تلماسه‌ها تشکیل می‌شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): در این گزینه، نوع فرسایش هر دو پدیده جابه‌جا شده است؛ چاله‌های بادی از اشکال فرسایش کاوشی هستند، نه تراکمی؛ هم‌چنین تلماسه‌ها بر اثر رسوب‌گذاری ذرات و در نتیجه فرسایش تراکمی تشکیل می‌شوند، نه کاوشی.

گزینه (۳): گرز دیو و ستون‌های سنگی حاصل فرسایش کاوشی هستند. این اشکال زمانی ایجاد می‌شوند که باد، بخش‌های نرم سنگ را سریع‌تر فرسایشی دهد و بخش‌های سخت باقی بمانند؛ بنابراین ارتباطی با کاهش سرعت باد و رسوب‌گذاری ندارند.

گزینه (۴): در این گزینه نیز مفاهیم جابه‌جا شده‌اند. دشت‌های ریگی از اشکال فرسایش کاوشی هستند، نه تراکمی؛ هم‌چنین چاله‌های بادی بر اثر برداشت مواد توسط باد ایجاد می‌شوند، نه بر اثر رسوب‌گذاری ذرات.

کنکور

(سؤال ۱۱۷ کنکور ۱۴۰۴ - نوبت دوم)

مطابق با متن زیر، کدام عبارت، درست است؟

«در نواحی دارای ماسه‌های ریز و فاقد پوشش گیاهی، باد ذرات را از محل خود جابه‌جا می‌کند و به تدریج حفره‌هایی وسیع پدید می‌آورد. ماسه‌های جابه‌جاشده اگر به موانعی مثل گیاهان یا قطعات سنگ برخورد کنند یا سرعت باد در منطقه کاهش یابد، روی هم انباشته می‌شوند.»

- ۱) چاله‌های بادی از طریق فرسایش تراکمی و در ادامه تلماسه‌ها یا هودو توسط فرسایش کاوشی تشکیل می‌شود.
- ۲) تلماسه‌ها یا هودو و دشت‌های ریگی به ترتیب، توسط فرسایش تراکمی و کاوشی در دشت لوت تشکیل شده‌اند.
- ۳) چاله‌های بادی از طریق فرسایش کاوشی و در ادامه تلماسه‌ها یا دون، توسط فرسایش تراکمی تشکیل می‌شود.
- ۴) تلماسه‌ها یا دون و دشت‌های ریگی به ترتیب، توسط فرسایش کاوشی و تراکمی در دشت لوت تشکیل شده‌اند.

پژوهشگری برای بررسی شیوه مدیریت فضای سیاسی در چند کشور، اقدامات «الف» و «ب» را انجام داده است. بر این اساس، کدام گزینه به درستی تنظیم شده است؟

الف) در کشوری، همه تصمیم‌های اساسی و قانون‌گذاری در اختیار حکومت مرکزی است و واحدهای محلی تنها در چارچوب قوانین مرکزی فعالیت می‌کنند.

ب) در کشور دیگری، ایالت‌ها علاوه بر اجرای قوانین ملی، در برخی امور داخلی اختیار قانون‌گذاری و اداره مستقل دارند.

۱) مورد «الف» بیانگر مدیریت تک‌ساخت و مورد «ب» بیانگر مدیریت فدرال است؛ بنابراین اختیارات واحدهای سیاسی محلی در مورد «ب» بیشتر از مورد «الف» است.

۲) موارد «الف» و «ب» به ترتیب بیانگر مدیریت فدرال و مدیریت تک‌ساخت هستند و تفاوتی در میزان اختیارات واحدهای محلی ندارند.

۳) هر دو مورد به مدیریت ویژه اشاره دارند؛ زیرا در هر دو، بخشی از اختیارات میان حکومت مرکزی و واحدهای محلی تقسیم شده است.

۴) مورد «الف» بیانگر مدیریت ویژه و مورد «ب» بیانگر مدیریت فدرال است؛ زیرا در هر دو، حکومت مرکزی بخشی از اختیارات خود را به مناطق واگذار کرده است.

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۱۰

انواع مدیریت فضای سیاسی:

درس‌Box

نوع مدیریت	ویژگی	مثال
تک‌ساخت	قدرت و قانون‌گذاری در اختیار حکومت مرکزی است و همه واحدهای سیاسی از قوانین مرکزی پیروی می‌کنند.	ایران، فرانسه
فدرال	قدرت میان حکومت مرکزی و واحدهای سیاسی تقسیم می‌شود و هر واحد در برخی امور داخلی اختیار قانون‌گذاری دارد.	آمریکا، روسیه، استرالیا، کانادا
ناحیه‌ای و ترکیبی	یک یا چند منطقه به دلایل قومی، زبانی، تاریخی یا جغرافیایی اختیارات بیشتری نسبت به سایر مناطق دارند.	هنگ کنگ در چین، اقلیم کردستان عراق

پاسخ خیلی تشریحی ✓

در مدیریت تک‌ساخت، قدرت سیاسی و قانون‌گذاری در اختیار حکومت مرکزی است و واحدهای محلی در چارچوب قوانین و تصمیم‌های حکومت مرکزی فعالیت می‌کنند؛ بنابراین عبارت «الف» مدیریت تک‌ساخت را توصیف می‌کند. در مدیریت فدرال، علاوه بر حکومت مرکزی، واحدهای سیاسی مانند ایالت‌ها نیز در برخی امور داخلی دارای اختیار قانون‌گذاری و اداره مستقل هستند؛ بنابراین عبارت «ب» بیانگر مدیریت فدرال است.

در مدیریت ناحیه‌ای و ترکیبی، تنها یک یا چند منطقه خاص به دلایل تاریخی، قومی، فرهنگی یا جغرافیایی از اختیارات بیشتری نسبت به سایر مناطق برخوردارند و این موضوع با مدیریت فدرال تفاوت دارد؛ زیرا در فدرال، اصل تقسیم قدرت در سراسر کشور برقرار است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: نوع مدیریت‌ها جابه‌جا بیان شده است. علاوه بر این، در مدیریت فدرال، اختیارات واحدهای محلی از مدیریت تک‌ساخت بیشتر است.

گزینه ۳: در هیچ یک از دو عبارت، ویژگی مدیریت ترکیبی دیده نمی‌شود. مدیریت ناحیه‌ای و ترکیبی مربوط به اعطای اختیارات خاص به برخی مناطق محدود است، نه همه واحدهای سیاسی.

گزینه ۴: عبارت «الف» مدیریت ناحیه‌ای و ترکیبی را توصیف نمی‌کند؛ زیرا در آن تمام قدرت در اختیار حکومت مرکزی است و اختیارات ویژه‌ای برای منطقه‌ای خاص ذکر نشده است.

کدام گزینه، بهترین توصیف از رابطه میان ناحیه سیاسی ملی و ناحیه سیاسی فراملی است؟

- (۱) ناحیه فراملی، ناحیه ملی را کاملاً در خود جذب کرده و حاکمیت ملی را حذف می‌کند.
- (۲) ناحیه فراملی همیشه مقدم بر ناحیه ملی است و کشورها باید ابتدا عضویت فراملی را بپذیرند تا ناحیه ملی داشته باشند.
- (۳) ناحیه ملی می‌تواند هم‌زمان عضو ناحیه فراملی باشد، بدون آن‌که هویت و حاکمیت اصلی خود را از دست بدهد.
- (۴) بین این دو نوع ناحیه هیچ‌گونه همپوشانی یا تعامل وجود ندارد و کاملاً جدا از یکدیگر عمل می‌کنند.

پاسخ: گزینه ۳

زیرمبحث: درس ۹

پاسخ خیلی تشریحی ✓

ناحیه سیاسی فراملی (مانند اتحادیه اروپا) از ترکیب چندین ناحیه ملی ایجاد می‌شود. کشورهای عضو هم‌چنان ناحیه ملی باقی می‌مانند (دارای دولت ارتش و سیاست خارجی محدود مستقل هستند)، اما در برخی زمینه‌ها (اقتصاد، تجارت، مهاجرت و ...) یک نظام مدیریت مشترک را می‌پذیرند. این رابطه، همپوشانی جزئی و همکاری است، نه ادغام کامل.

(سوال ۱۲۱ کنکور ۱۴۰۴ - نوبت دوم)

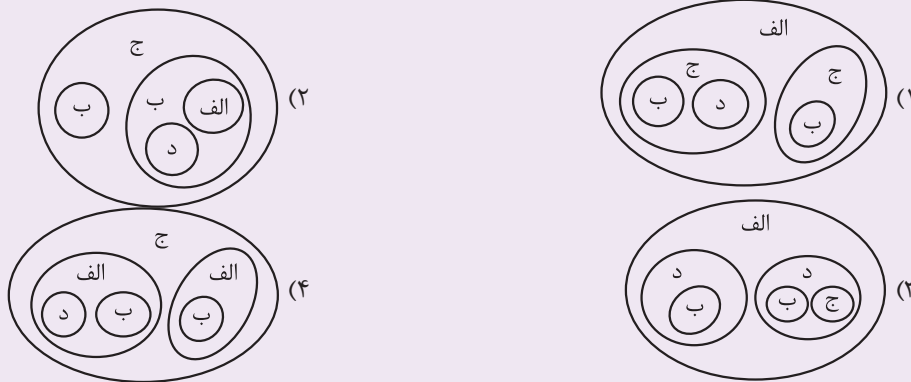
با توجه به انواع نواحی سیاسی، کدام تصویر به درستی ترسیم شده است؟

(ب) ناحیه سیاسی فراملی

(الف) ناحیه سیاسی ملی

(د) ناحیه سیاسی ویژه

(ج) ناحیه سیاسی فراملی



با توجه به موارد ذکر شده و نظریه‌های ژئوپلیتیک، کدام گزینه تحلیل درستی را بیان می‌کند؟

الف) نقش وسعت سرزمین و نیاز کشورها به برخورداری از فضای کافی برای توسعه، افزایش جمعیت و گسترش قلمرو سیاسی را بررسی کرده و تأثیر آن را بر قدرت کشورها مورد مطالعه قرار داده است.

ب) تأثیر تسلط بر بخش مرکزی خشکی‌های جهان و نقش آن را در فراهم‌شدن امکان نفوذ بر جزیرهٔ جهانی و افزایش برتری سیاسی کشورها بررسی کرده است.

۱) موارد «الف» و «ب» به ترتیب بیانگر نظریهٔ قدرت دریایی و قدرت خشکی هستند و هر دو بر اهمیت کنترل آب‌های آزاد تأکید دارند.

۲) هر دو مورد به نظریه قدرت خشکی مربوط هستند؛ زیرا در هر دو، گسترش قلمرو کشورها از طریق تسلط بر قلب جهان امکان‌پذیر دانسته شده است.

۳) مورد «الف» بیانگر نظریهٔ قدرت خشکی و مورد «ب» بیانگر نظریهٔ فضای حیاتی است و هر دو بر برتری قدرت دریایی نسبت به قدرت زمینی تأکید دارند.

۴) مورد «الف» بیانگر نظریهٔ فضای حیاتی و مورد «ب» بیانگر نظریهٔ قدرت خشکی است؛ بنابراین، دیدگاه دو اندیشمند متفاوت را دربارهٔ نقش موقعیت جغرافیایی در قدرت کشورها بیان شده است.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۱۱

نظریه‌های ژئوپلیتیک:

درس Box

نام نظریه	نظریه‌پرداز	دیدگاه	مثال
فضای حیاتی	راتزل	کشورها همانند موجودات زنده برای ادامهٔ حیات، افزایش جمعیت و توسعه، به فضای بیشتری نیاز دارند؛ بنابراین در صورت کمبود فضا به گسترش قلمرو گرایش پیدا می‌کنند.	توسعهٔ قلمرو برای تأمین نیازهای کشورها مثل جنگ آمریکا با افغانستان و عراق
قدرت خشکی (هارتلند)	هلفورد مکیندر	هر کشوری که بر (هارتلند) مسلط شود، می‌تواند بر جزیرهٔ جهانی و در نهایت بر جهان تسلط پیدا کند.	شروع جنگ‌های جهانی اول و دوم توسط آلمان
قدرت دریایی	آلفرد ماهان	قدرت کشورها در گرو تسلط بر دریاها، آب‌های آزاد، ناوگان و مسیرهای مهم دریایی است.	برتری دریایی انگلستان

پاسخ خیلی تشریحی ✓

در مورد «الف»، به نیاز کشورها به فضای کافی برای رشد، افزایش جمعیت و گسترش قلمرو اشاره شده است. این دقیقاً بیانگر نظریهٔ فضای حیاتی راتزل است که کشور را همانند موجود زنده می‌داند و معتقد است برای ادامهٔ حیات و افزایش قدرت، به فضای بیشتری نیاز دارد.

در مورد «ب»، بر تسلط بر بخش مرکزی خشکی‌های جهان (هارتلند) و نقش آن در نفوذ بر جزیرهٔ جهانی تأکید شده است. این دیدگاه مربوط به نظریهٔ قدرت خشکی مکیندر است.

بنابراین پژوهشگر دو نظریهٔ متفاوت را بررسی کرده است؛ یکی بر گسترش فضای سرزمینی و دیگری بر اهمیت موقعیت راهبردی خشکی (هارتلند) تأکید دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱): مورد «الف» به قدرت دریایی مربوط نیست و هیچ یک از دو مورد بر کنترل آب‌های آزاد تأکید ندارند.

گزینهٔ ۲): هم نظریه‌ها جابه‌جا شده‌اند و هم عبارت «برتری قدرت دریایی» با محتوای دو مورد مطابقت ندارد.

گزینهٔ ۳): مورد «الف» مربوط به فضای حیاتی است، نه قدرت خشکی.

فلسفه یازدهم

۱۵۱

حوزه مورد بررسی کدام سؤال با دیگر سؤال‌ها، متفاوت است؟

- (۱) منشأ درک و پذیرش رابطه وجودی علیت برای انسان چیست؟
- (۲) آیا می‌توان مه‌بانگ را بر آغاز جهان هستی دانست؟
- (۳) عامل محدودشدن برخی معرفت‌های انسان، چیست؟
- (۴) یافته‌های عقلانی درباره کل هستی هستند یا مراتبی از هستی؟

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۲

درس‌Box



پاسخ خیلی تشریحی ✓

تمامی گزینه‌ها مربوط به ریشه و بخش اصلی فلسفه هستند، با این تفاوت که گزینه (۲)، درباره آغاز جهان و هستی است و به عبارتی با هستی‌شناسی و وجودشناسی ارتباط دارد، اما سایر گزینه‌ها درباره معرفت‌شناسی است، چراکه به شناخت، چگونگی آن، محدودیت‌های آن و حدود و قلمرو معرفت ارتباط دارد.

- (۱) راهنمایی در انتخاب هدف به این معنای که بتوانیم معنای درستی برای زندگی خود فراهم کنیم.
- (۲) با آموختن مغالطه‌های فلسفی می‌توانیم از گزند بنای عقاید بر پایه تبلیغات دوری کنیم.
- (۳) رهاشدن از عادات و عقایدی که پشتوانه منطقی و عقلی در جامعه ندارند.
- (۴) اندیشیدن درباره استدلال‌ها و رسیدن به استقلال در اندیشیدن.

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۳

درس Box



پاسخ خیلی تشریحی ✓

تفکر فلسفی دارای چهار فایده است: (۱) هدف‌دهی و معنابخشی به زندگی (۲) دوری از مغالطه (۳) استقلال در اندیشه (۴) رهایی از عادات غیرمنطقی

دوری از مغالطه: یکی از فواید آموختن منطق، توانایی تشخیص مغالطه و خارج کردن آن‌ها از باورها است. فلسفه از این توانایی منطقی کمک می‌گیرد تا اندیشه‌های فلسفی درست از تفکرات غلط را تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار کند. دوری از گزند عقایدی که بر پایه تبلیغات یا تعصبات بنا شده‌اند، فایده استقلال در اندیشه است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): در ارتباط با معنابخشی به زندگی است.

گزینه (۳): در ارتباط با رهایی از عادات غیرمنطقی است.

گزینه (۴): در ارتباط با استقلال در اندیشه است.

- (۱) فیثاغورس به عنوان مبدع واژه فلسفه که ریاضی و اصول اعداد را مبنای اولیه جهان می‌دانست، جهان طبیعت را دارای حرکت محسوب می‌کرد.
- (۲) اندیشمند ایونی که قائل به جمع امور ناسازگار بود، با این که عقل را در شناخت معتبر می‌داند، اما به نظر او درک قانون کائنات وابسته به حس است.
- (۳) لائوتسه با بیان این که هر شناخت و معرفتی از مسیر خداشناسی می‌گذرد، از تائو به عنوان موجودی بی‌حد، بی‌تمام، بی‌صدا و بی‌جسم یاد می‌کند.
- (۴) نخستین اندیشمند یونانی با اندیشه فلسفی مشخص که برای اولین بار از «بودن» و «شدن» سخن به میان آورد، به دلیل دارای خطاب‌بودن حس، وجود حرکت را در جهان منتفی می‌داند.

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس‌های ۴ و ۸

پاسخ خیلی تشریحی ✓

هراکلیتوس از اندیشمندان اولیه ایونیا و یونان باستان، دو اندیشه مشهور دارد؛ یکی وحدت اعداد (جمع امور ناسازگار) و دیگری، تغییر و تحول دائمی جهان که قانون زندگی و کائنات است. به نظر هراکلیتوس هم حس و هم عقل در شناخت معتبر هستند، اما تغییر و حرکت با حس درک می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): فیثاغوریان مبنای اولیه جهان را اعداد و اصول اعداد می‌دانند. از آن جا که اصول ریاضی ثابت است، پس جهان نیز به نظر آن‌ها ثابت و بدون تغییر است.

گزینه (۳): لائوتسه از تائو یا همان خدا صحبت کرده است، اما آن را گذرگاه معرفت‌شناسی معرفی نکرده؛ بلکه در اوپانیشادها خودشناسی (نه خداشناسی) به عنوان راه معرفت‌شناسی بیان شده است.

گزینه (۴): نخستین اندیشمند یونانی با اندیشه فلسفی مشخص، تالس است، اما نخستین فیلسوفی که به مقایسه «بودن» و «شدن» پرداخته است، پارمنیدس است.

آنچه در دادگاه، سقراط را به سمت توضیح دربارهٔ جهان پس از مرگ سوق داد، در کدام گزینه به صورت دقیق‌تر بیان شده است؟

- (۱) تلاش برای مرجع کردن کسب فضیلت و دوری از رذیلت به جهت پربار کردن توشهٔ پس از مرگ.
- (۲) توهّم دانایی مردم نسبت به مرگ و پس از آن که موجب ترس از مرگ برای آنان شده است.
- (۳) کنارزدن اتهامات ناروای نسبت داده شده به سقراط از جمله فاسد کردن جوانان.
- (۴) رسالت سقراط مبنی بر به زمین آوردن فلسفه از آسمان در میان مردم.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۵

درس Box

ادامهٔ دفاعیات سقراط خطاب به حاضران

کسی که راه راست را یافت و آن را در پیش گرفت، هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد. اکنون که خدا مرا مأمور کرده تا در جست‌وجوی دانش بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم آیا پسندیده است که از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتایم؟ (این را رسالت خود می‌دانست).

اگر چنین گناه بزرگی (سرپیچی از فرمان الهی (ترس از مرگ) از من سر زند، سزاوار است که دادگاهی تشکیل دهند و بگویند سقراط به خدا اعتقاد ندارد. در آن صورت مدعی داشتن دانشی شده‌ام که در حقیقت فاقد آن هستم.

گریز از مرگ { دشوار نیست. بدی تندتر از مرگ می‌رود. } از بدی { دشوار است. از مرگ می‌رود. } بدی تندتر { مخالفان من در چستی و چالاکي من پیر و ناتوان } به دام مرگ { مخالفان من در چستی و چالاکي من پیر و ناتوان } در چنگال بدی

دربارهٔ جهان دیگر { اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است. اگر این سخن راست است که همهٔ درگذشتگان در آن جا گرد آمدند. } اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است. اگر این سخن راست است که همهٔ درگذشتگان در آن جا گرد آمدند.

چه نعمتی بالاتر از این که آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی بر خود نهادند، رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبه‌رو شود و با نیکان و بلندمرتبه‌گان هم‌نشین گردد. اگر مرگ این است، حاضرم بارها به کام مرگ روانه شوم.

سقراط ریشهٔ همهٔ بدی‌ها و ناراستی‌ها، از جمله ترس از مرگ را، نادانی (توهّم دانایی) می‌داند؛ به همین دلیل، سقراط تلاش کرده تا با توضیح جهان پس از مرگ، انسان‌ها را در رابطه با آن آگاه کند تا دیگر ترسی از مرگ وجود نداشته باشد.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

کدام گزینه دربارهٔ شناخت درست است؟

- (۱) انسان این توانایی را ندارد که هر موضوعی را بتواند مورد شناخت خود قرار دهد.
- (۲) امکان شناخت در انسان، امری بدیهی است و هرگز مورد انکار افراد خاصی قرار نگرفته است.
- (۳) شناخت انسان تدریجی است، پس نمی‌توان انتظار داشت که انسان به شناخت مطلق برسد.
- (۴) توانایی امکان شناخت در انسان نشان‌دهندهٔ آن است که دانش او پیوسته پیشرفت و گسترش پیدا می‌کند.

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۶

پاسخ خیلی تشریحی ✓

انسان دارای امکان شناخت است، یعنی می‌دانیم که تمام انسان‌ها به صورت فطری و ذاتی این امکان را دارند که نسبت به جهانی که در آن قرار گرفته‌اند، صاحب شناخت بشوند، اما این بدیهی بودن به معنای آن نیست که هر چیزی را می‌تواند بشناسد، شناخت بعضی امور از توانایی انسان خارج است، مانند شناخت ذات خدا یا شناخت حقیقی زمان و مکان (به دلیل آن که خود انسان در زمان و مکان زندانی است)، پس انسان به صورت کلی امکان شناخت دارد، اما این به معنی شناخت هر موضوعی نیست؛ چون شناخت محدود است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینهٔ (۲): چه در زمان گذشته و چه در زمان حال، عده‌ای امکان شناخت که اصل بدیهی است را انکار کرده‌اند.
- گزینهٔ (۳): تدریجی بودن شناخت انسان، گزاره‌ای درست است، اما ارتباطی به این که انسان به شناخت مطلق می‌رسد یا خیر ندارد.
- گزینهٔ (۴): پیشرفت پیوستهٔ دانش انسان نشان‌دهندهٔ وجود امکان شناخت است.

امکان شناخت، علت پیشرفت پیوستهٔ دانش انسان است.



نوع شناخت کدام مورد با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟ ۱۵۶

- (۱) تشخیص تفاوت بین رنگ دو پیراهن
- (۲) تشخیص درجه حرارت بدن بدون دماسنج
- (۳) تشخیص تعداد اشیای داخل پاکت
- (۴) تشخیص کاربرد درست نرم افزار موبایل

پاسخ: گزینہ ۴

زیرمبحث: درس ۷

درس Box



✓ پاسخ خیلی تشریحی

شناخت‌های انسان از طریق ۳ نوع ابزار به دست می‌آیند: (۱) حس (۲) عقل (۳) قلب
شناخت حسی برای شناخت مسائل طبیعی و محسوس کاربرد دارد. از این طریق تفاوت‌ها و تمایزهای بین اشیاء درک می‌شود.
توانایی تشخیص تفاوت‌ها و تمایزها توسط حس، به ما کمک می‌کند تا توسط عقل از اشیاء مختلف استفاده‌های متفاوت داشته باشیم، بنابراین گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) توسط شناخت حسی، و گزینه (۴) با شناخت عقلی درک می‌شوند.

عبارت زیر تأییدکننده کدام مکتب فلسفی غرب می باشد؟

«من نمی توانم درباره وجود خداوند صحبت کنم، چون نمی توانم آن را بشناسم، زیرا ابزار لازم برای شناخت موجودی

مجرد را ندارم.»

(۱) پوزیتیویسم

(۳) عقل گرایی

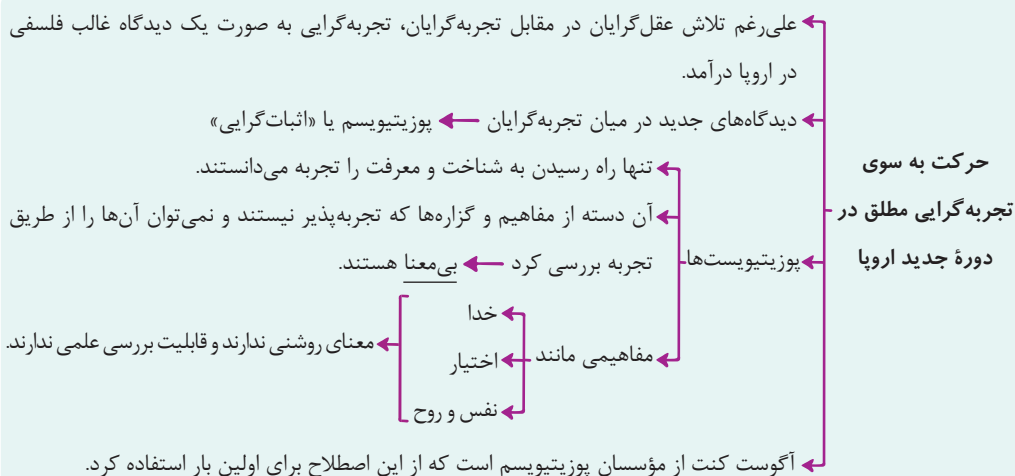
(۲) پراگماتیسم

(۴) سوفسطائیان

پاسخ: گزینه ۱

زیرمبحث: درس ۸

درس Box



پاسخ خیلی تشریحی ✓

پوزیتیویست ها یا اثبات گرایان معتقدند که هر مفهومی که قابلیت بررسی تجربی و حسی نداشته باشد، بی معناست و نمی توان درباره آن بحث کرد. آن ها معتقدند ما ابزار لازم برای شناخت امور فوق مادی را نداریم و اساساً نمی توانیم درباره آن ها سخن بگوییم. چون این امور تجربی نیستند، پس بی معنا هستند و قابلیت بررسی ندارند.

کدام گزینه دربارهٔ حقیقت انسان در بین فیلسوفان اروپایی درست است؟

- (۱) همهٔ فیلسوفان غربی در دورهٔ جدید، وجود بُعد غیرمادی در انسان را نفی می‌کنند.
- (۲) توماس هابز برخلاف دکارت معتقد است حقیقت انسان، بدن او است و این بدن یک ماشین پیچیده است.
- (۳) از نظر ارسطو و افلاطون، حیات مربوط به بدن نیست، در حالی که ماتریالیست‌ها بدن را دارای حیات می‌دانند.
- (۴) افلاطون و ارسطو، قوهٔ نطق را مربوط به بدن می‌دانند و معتقدند روح در ابتدا فاقد مفاهیمی مثل علم و محبت است.

پاسخ: گزینهٔ (۳)

زیرمبحث: درس ۹

پاسخ خیلی تشریحی ✓

ارسطو و افلاطون، حیات را مربوط به نفس و روح می‌دانند و بدن بدون نفس را یک موجود مرده می‌دانند؛ در حالی که ماتریالیست‌ها که معتقدند انسان فقط یک موجود مادی است، حیات انسان را نیز در همان بدن می‌دانند. بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینهٔ (۱): برخی فلاسفهٔ جدید غربی مثل دکارت، انسان را دو بُعدی می‌دانند.
- گزینهٔ (۲): به نظر هابز، ذهن انسان یک ماشین پیچیدهٔ مادی است و به نظر دکارت، بدن یک ماشین پیچیدهٔ مادی است.
- گزینهٔ (۴): این که ویژگی‌های روح بالقوه است که باید به تدریج بالفعل شود، دیدگاه ارسطو است، نه افلاطون.

- (۱) آنان با دینی روبه‌رو بودند که به روشنی اشاره به نفس انسان کرده بود و آن‌ها به صرف ایمان به این دین، روح را پذیرفته‌اند.
- (۲) ابن سینا، باور داشت که نفس انسانی در هنگام تولد وجود ندارد و به مرور به فعلیت و ظهور می‌رسد.
- (۳) سهروردی، جسم انسان را متعلق به مغرب می‌دانست، زیرا جنبهٔ ظلمانی وجود یا همان عدم انسان می‌باشد.
- (۴) ملاصدرا باور داشت که انسان ظرفیت بی‌نهایت برای رشد دارد، اما این ظرفیت شرط کافی نیست.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۱۰

درس Box



ملاصدرا باور داشت که انسان ظرفیت رشد و کمال بی‌نهایت دارد، اما این ظرفیت به معنای رشد و تکامل قطعی نیست، بلکه او با داشتن اختیار، خود باید این مسیر را انتخاب کند؛ به بیان دیگر، ظرفیت بی‌نهایت انسان، شرط لازم رسیدن به کمال است، اما شرط کافی نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): آنان با تفکر و تعمق فکری، دینی را انتخاب کرده بودند که به روشنی از نفس سخن گفته بوده است، اما این امر یکی از دلایل پذیرفتن بُعد روحانی انسان است.

گزینه (۲): این سینا باور داشت نفس استعداد کسب علم و درک محسوسات را دارد؛ یعنی این موارد در وجود نفس نیست و باید ایجاد شود، اما خود نفس در هنگام تولد وجود دارد؛ چراکه پس از کامل شدن جسم در مرحله جنینی، روح به آن اضافه شده است.

گزینه (۳): تاریکی در این بحث به معنای عدم نیست؛ بلکه به معنای بُعد مادی است؛ یعنی جسم انسان تماماً ماده هست.

کدام عبارت، با نظرات افلاطون، ارسطو، فیلسوفان مسلمان و کانت درباره فعل اخلاقی سازگار است؟

- (۱) فضایل اخلاقی، گرایش‌های فطری انسان هستند که با تأمل عقلی، به آن‌ها آگاهی می‌یابیم.
- (۲) فعل اخلاقی، باید به گونه‌ای باشد که همه انسان‌ها بتوانند آن را به عنوان قانون کلی بپذیرند.
- (۳) تشخیص حسن و قبح افعال، تنها با عقلی عملی ممکن است و عقل نظری در آن نقشی ندارد.
- (۴) فعل اخلاقی، از اعتدال قوای وجودی انسان ناشی می‌شود و او را به سعادت حقیقی می‌رساند.

مشاوره در سؤالاتی که می‌خواهند گزینه‌ای را بیابید که با چند مکتب مختلف سازگار باشد، به جای تطابق کامل با یک مکتب، به دنبال حداقل اشتراک یا عدم تناقض با همه باشید. گزینه‌ای که با یک مکتب کاملاً همخوان است و با دیگران در تضاد نیست، پاسخ صحیح خواهد بود؛ هم‌چنین کلیدواژه‌های مطلق مثل «تنها»، «همیشه» و «هرگز»، معمولاً نشانه دام هستند.

پاسخ: گزینه ۲

زیرمبحث: درس ۱۱

درس‌Box

مکتب	معیار فعل اخلاقی	شاخصه‌های اصلی
افلاطون	حاکمیت عقل بر قوای نفس، عدالت (اعتدال) میان سه قوه	فضیلت = کارکرد صحیح هر قوه، سعادت = ثمره چهار فضیلت
ارسطو	اعتدال در هر قوه (حد وسط میان افراط و تفریط)	فضیلت = حد وسط؛ سعادت = غایت نهایی فعل اخلاقی
فیلسوفان مسلمان	گرایش فطری + عقل عملی + اطاعت از شرع (اختیاری)	گرایش فطری به خیر؛ تشخیص با عقل، تأثیر انگیزه‌های الهی
کانت	اطاعت از وجدان اخلاقی، قاعده قابل تعمیم (امر مطلق)	فعل برای وظیفه، نه برای سعادت یا منفعت، قانون کلی

بررسی گزینه‌ها:

پاسخ خیلی تشریحی ✓

گزینه (۱): این گزینه فقط با نظر فیلسوفان مسلمان سازگار است (فطرت + تأمل عقلی)، اما افلاطون و ارسطو قائل به «گرایش فطری» به این معنا نیستند (آن‌ها فضایل را صرفاً حاصل تربیت و تعقل می‌دانند). کانت نیز «گرایش فطری» را نمی‌پذیرد؛ او شناخت اخلاقی را مبتنی بر عقل عملی و وجدان می‌داند، نه گرایش‌های مادرزادی.

گزینه (۲): عیناً نظریه کانت است (امر مطلق: «بر طبق قاعده‌ای عمل کن که بتوانی اراده کنی که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود»). با سایر مکاتب نیز سازگار است. افلاطون و ارسطو قائل به عقلانیت مشترک و فضایل همگانی هستند. اگرچه این عبارت را به صراحت ندارند، اما با اصل کلیت و همگانی بودن فضایل (عدالت برای همه، اعتدال برای همه) مخالف نیستند. فیلسوفان مسلمان نیز فضایل را همگانی و مبتنی بر عقل مشترک می‌دانند. قانون اخلاقی در اسلام، قاعده‌ای کلی و عمومی است (مثل عدل، صدق، امانت)، بنابراین این گزینه با هیچ کدام از مکاتب در تناقض آشکار نیست و با نظریه کانت کاملاً همخوان است.

گزینه (۳): درست است که تشخیص اخلاقی بر عهده عقل عملی است، ولی هر تشخیص، قضاوت و تصدیق اخلاقی مبتنی بر تصویرهایی است که با عقل نظری به دست می‌آیند؛ مثلاً این که «دروغ» چیست یا «حق مردم» کدام است، اموری توصیفی و از معلومات عقل نظری هستند، اما این حکم هنجاری و ارزشی که «دروغ قبیح است» یا «حق مردم را باید رعایت کرد»، حکم عقلی عملی است؛ چون هر تصدیقی فرع بر تصور است، پس حکم عقل عملی نیازمند درک مقدماتی از سوی عقل نظری است.

گزینه (۴): این گزینه با نظر افلاطون و ارسطو کاملاً سازگار است (عدالت = اعتدال قوا؛ سعادت = غایت). با دیدگاه فیلسوفان مسلمان نیز سازگار نیست (آن‌ها نیز سعادت را ثمره فضایل و نوعی اعتدال می‌دانند)، اما با اعتقاد کانت دچار تعارض می‌شود؛ چون کانت سعادت را انگیزه فعل اخلاقی نمی‌داند و می‌گوید فعل اخلاقی نباید برای رسیدن به سعادت باشد؛ بلکه باید صرفاً اطاعت از وجدان را هدف قرار دهد. البته اگر «سعادت» را فقط به عنوان نتیجه (و نه هدف) تفسیر کنیم، شاید بتوان آن را با کانت سازگار کرد، اما ناشی شدن از اعتدال قوای وجودی قطعاً با کانت سازگار است، زیرا قطعاً هدفی غیر از اطاعت از وجدان را می‌رساند.